

مِسر مِسر مِسر مِسر مِسر

صلى الله عليه وسلم صلى الله عليه وسلم صلى الله عليه وسلم صلى الله عليه وسلم صلى الله عليه وسلم

مِسر مِسر مِسر مِسر مِسر

عليه السلام عليه السلام عليه السلام عليه السلام عليه السلام

مِثْر مِثْر مِثْرُ اللهِ مِثْرُ اللهِ مِثْرُ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عَلَيْهِمَا صَلَواتُ رَبِّكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

عليهما السلام اَحمَهُم سِوَهُمَا يَسِرُّهُ

رَحِمَهُمُ اللَّهُ سِرًّا سِرًّا سِرًّا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِرَّ مِيرَنَّا (سَلَّمَ) اللَّهُ عَلَيْهِ صَلَّى سِرَّ صَلَّي ١ (٥)

سَيِّدُكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
مُسَيِّدُكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
سَيِّدُكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
سَيِّدُكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ صَلَّيْ وَسَلَامُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَلَّيْ وَسَلِّمْ

عليهم السلام
مير احمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عليه السلام ستر ستر الله ﴿تَلِّسْ صَالِحٌ﴾ ﴿الْحَمْدُ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ
سَيِّدِ سَيِّدِيْنَ
اللّٰهُ
مِنْ
اللّٰهُ
يَسْتَوِيْهِ
عَلَى صَلَاسٍ
اَحْمَدُ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
سَتر سَترِ اللَّهِ
ﷺ ﷺ
اِخْتِمْ

جهت چاپ دهم اصلاحاتی در کل کتاب (مخصوصاً ص ۱۴۰ تا ۱۴۲) انجام

گرفته است که باید صفحه بندی شود و کل کتاب کالک گرفته شود

۹۲/۲/۳۰- فایل کل کتاب برای چاپ دهم (ششم از ویراست دوم) تحویل شد

دو برابر است دوم با اضافات

پرسشها و پاسخها - دفتر پنجم

قرآن شناسی



صالح قنادی

(با همکاری جمعی از محققان)

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها
معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ

فهرست اجمالی

فهرست تفصیلی.....	۷
مقدمه.....	۱۹
فصل اول - وحی و زبان وحی.....	۲۱
فصل دوم - نزول قرآن.....	۵۳
فصل سوم - فهم قرآن.....	۶۷
فصل چهارم - جهان شمولی قرآن.....	۸۱
فصل پنجم - قرآن و علم.....	۹۵
فصل ششم - اعجاز قرآن.....	۱۱۱
فصل هفتم - تحریف قرآن.....	۱۲۷
فصل هشتم - دانستنی های قرآن.....	۱۴۳
فصل نهم - قرائت قرآن.....	۱۸۹
فصل دهم - حفظ قرآن.....	۲۰۱
فصل یازدهم - کتابشناسی.....	۲۰۷
فصل دوازدهم - احکام قرآن.....	۲۲۹
فهرست آیات.....	۲۴۲
کلیدواژه ها.....	۲۴۷
کتابنامه.....	۲۵۱

سرشناسه: قنادی، صالح، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: **قرآن شناسی** [پرسش ها و پاسخ ها] / به کوشش صالح قنادی (با همکاری جمعی از محققان): تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ.

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص [ویراست دوم با اضافات]

فروست: پرسش ها و پاسخ های دانشجویی؛ دفتر پنجم (قرآن پژوهی: ۱)

شابک: ۵۹/۰۰۰ ریال: ۱-۰۰۷-۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: کتابنامه: ص [۲۵۱] - ۲۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: قرآن -- تحقیق.

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ.

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ق ۴/۸۶ BP۶۵/۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵

شماره کتابشناسی ملی ۱۰۷۹۲۷۲



[ویراست دوم با اضافات]

■ پرسش ها و پاسخ ها: دفتر پنجم - قرآن شناسی

- **تنظیم و نظارت:** نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ
- **تدوین و تألیف:** صالح قنادی (با همکاری جمعی از محققان)
- **تایپ و صفحه آرایی:** طالب بخشایش
- **ناشر:** دفتر نشر معارف
- **نوبت چاپ:** دهم (ششم از ویراست دوم)، بهار ۱۳۹۲
- **تیراژ:** ۲۰۰۰ جلد
- **قیمت:** ۵۹۰۰ تومان
- **شابک:** ۱-۰۰۷-۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸

«همه حقوق برای ناشر محفوظ است»

مراکز پخش:

مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خ شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۰۰۰۴

فروشگاه ۱ (پاتوق کتاب): قم، خ شهداء، روبه روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن ۳۷۷۳۵۴۵۱

فروشگاه ۲ (پاتوق کتاب): تهران، خ انقلاب، چهار راه کالج، پ ۷۱۵، تلفن ۸۸۹۱۱۲۱۲

فروشگاه ۳ (فرهنگ و اندیشه): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری، نهاد رهبری در دانشگاه ها، تلفن ۳۲۹۰۴۴۴۰

نشانی اینترنت: www.porseman.ir - www.Ketabroom.ir

پست الکترونیک: info@porseman.org - info@Ketabroom.ir

فهرست تفصیلی

مقدمه ۱۹

فصل اول - وحی و زبان وحی

نزول وحی

● پرسش ۱. چرا باید وحی باشد؟ ۲۱

الفاظ قرآن

● پرسش ۲. آیا الفاظ عربی قرآن نیز از سوی خدا است، یا این الفاظ از زبان پیامبر ﷺ

است؟ ۲۴

قرآن عربی

● پرسش ۳. چرا نگاه به قرآن عبادت است ولی لفظ فارسی چنین مزیتی را ندارد؟ ۲۶

نماز عربی

● پرسش ۴. چرا این قدر وقت صرف یادگیری زبان عربی می‌کنیم و به جای آن ترجمه قرآن

و نماز را نمی‌خوانیم؟ ۲۹

حقانیت قرآن

● پرسش ۵. چگونه می‌توان حقانیت و صحت تمام مطالب قرآن را ثابت کرد؟ ۳۴

تحدی و هموردی قرآن

- پرسش ۶. عده‌ای می‌گویند اینکه قرآن گفته کسی نمی‌تواند متنی مانند قرآن بیاورد، مختص قرآن نیست، مثلاً برای اشعار حافظ و سعدی نیز نظیر وجود ندارد و کسی نمی‌تواند همانند آن را بیاورد؟ آیا این تحدی قرآن منطقی است؟ ۳۷

انواع وحی

- پرسش ۷. آیا موضوع وحی به پیامبر ﷺ فقط آیات قرآن بوده است یا خیر؟ ۴۴

احادیث قدسی

- پرسش ۸. فرق قرآن با احادیث قدسی چیست؟ ۴۵

مصحف حضرت علی علیه السلام

- پرسش ۹. منظور از مصحف حضرت علی علیه السلام چیست؟ آیا با قرآن‌های موجود تفاوت دارد؟ ۴۶

مصحف فاطمه علیها السلام

- پرسش ۱۰. اگر مصحف به معنای قرآن است، پس مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ چه محتوایی دارد؟ ۴۸

فصل دوم - نزول قرآن

نزول فرشتگان

- پرسش ۱۱. با توجه به اینکه خداوند اختصاص به مکانی ندارند، نزول قرآن به واسطه جبرئیل، چگونه تصور می‌شود؟ ۵۳

نزول تدریجی قرآن

- پرسش ۱۲. با توجه به آیه شریفه ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ آیا تمام قرآن در ماه رمضان نازل شده است؟ ۵۴

تدوین قرآن

- پرسش ۱۳. جمع آوری قرآن به صورت کنونی، به دستور چه کسی، در چه زمانی و چگونه انجام گرفته است؟ ۵۸

اولین آیات

- پرسش ۱۴. اولین و آخرین سوره و آیاتی که از قرآن نازل شده کدام است؟ ۶۴

فصل سوم - فهم قرآن

تفسیر فردی

- پرسش ۱۵. آیا برداشت‌های فردی از قرآن صحیح است؟ ۶۷

تفسیر سمبلیک

- پرسش ۱۶. آیا تفسیر نمادین از قرآن صحیح است؟ آیا می‌توان داستان حضرت آدم علیه السلام و فرشتگان را سمبلیک دانست؟ ۷۰

تفسیر عصری

- پرسش ۱۷. آیا رمزی بودن برخی آیات قرآنی، همیشگی است؟ یا امکان معنادار شدن آن وجود دارد؟ ۷۴

قرآن و کافران

- پرسش ۱۸. چرا در برخی آیات گفته شده کافران از هدایت قرآن محرومند و هدایت نمی‌شوند؟ ۷۷

فصل چهارم - جهان شمولی قرآن

قرآن و اصطلاحات عربستان

- پرسش ۱۹. اگر قرآن برای همه زمان‌ها و مکان‌ها است؛ چرا از اصطلاحات و فرهنگ رایج عربستان بهره برده است؟ ۸۱

قرآن و پیشرفت زمان

- پرسش ۲۰. چگونه قرآن که حدود ۱۴۰۰ سال قبل برای اعراب بدوی نازل شده، می‌تواند موجبات تکامل و سعادت انسان‌ها را فراهم کند؟ ۸۴

قرآن و نیاز بشر

- پرسش ۲۱. در جهان پیشرفته امروز با توجه به گستردگی اطلاعات و تجربیات بشری، قرآن چه نقشی در زندگی بشری و دهکده جهانی دارد؟ ۸۶

خطاب‌های قرآن

- پرسش ۲۲. چرا خطاب آیات قرآن، بیشتر به مردان است؟ مگر بانوان نیمی از جمعیت را تشکیل نمی‌دهند؟ ۹۱

فصل پنجم - قرآن و علم

قرآن و علوم بشری

- پرسش ۲۳. با توجه به آیه شریفه ﴿لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ آیا تمام علوم بشری (مانند ریاضی، فیزیک، طب و ...) در قرآن موجود است؟ ۹۵

علوم تجربی و اسلام

- پرسش ۲۴. اضافه کردن کلمه اسلامی به انتهای نام یک علم (مثل پزشکی اسلامی، اقتصاد اسلامی و ...) چه معنایی دارد؟ ۱۰۱

قرآن و پیشرفت علم

- پرسش ۲۵. چرا بعد از کشف هر حقیقت علمی ادعا می‌کنیم که این حقیقت در قرآن بیان شده است؟ ۱۰۳

تفسیر علمی

- پرسش ۲۶. آیا قرآن را می‌توان براساس پیشرفت‌های علوم روز تفسیر کرد؟ ۱۰۴

شعر و قرآن

- پرسش ۲۷. چرا قرآن از شعر نکوهش می‌کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است؟ ۱۰۶

فصل ششم - اعجاز قرآن

جنبه‌های اعجاز قرآن

- پرسش ۲۸. قرآن از چه جهت معجزه است؟ ۱۱۱

اعجاز همگانی قرآن

- پرسش ۲۹. آیا اعجاز قرآن تنها برای عرب‌زبانان است و یا برای دیگران هم می‌باشد؟ ۱۲۳

فصل هفتم - تحریف قرآن

تحریف قرآن در اینترنت

- پرسش ۳۰. به تازگی قرآن به صورت تحریف شده در اینترنت آمده است! این اتفاق چگونه با آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ سازگار است؟ ۱۲۷

دلایل تحریف‌ناپذیری قرآن

- پرسش ۳۱. چگونه می‌توان عدم تحریف قرآن را اثبات کرد؟ ۱۲۹

روایات تحریف

- پرسش ۳۲. چگونه می‌توان روایاتی را که برای اثبات تحریف قرآن، نقل شده، نادیده گرفت و یا توجیه کرد؟ ۱۳۵

تحریف انجیل

- پرسش ۳۳. چرا خداوند تورات و انجیل را همانند قرآن از تحریف حفظ نکرد؟ ۱۳۷

سرگذشت انجیل

- پرسش ۳۴. چگونه می‌توان قبول کرد تنها قرآن تحریف نشده است؛ اما کتاب‌های آسمانی دیگر تحریف شده‌اند؟ ۱۳۸

فصل هشتم - دانستنی‌های قرآن

تکرار داستان بنی‌اسرائیل

- پرسش ۳۵. چرا در قرآن داستان بنی‌اسرائیل بسیار تکرار شده است؟ ۱۴۳

تکرار آیات الرحمن

- پرسش ۳۶. در سوره «الرحمن» چرا آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ تکرار شده است؟ ۱۴۴

پراکندگی در قرآن

- پرسش ۳۷. علت اینکه در قرآن، موضوعات به صورت پراکنده بیان شده، چیست؟ ... ۱۴۶

محکم و متشابه

- پرسش ۳۸. دلیل وجود آیات متشابه در قرآن چیست؟ ۱۴۸

ناسخ و منسوخ

- پرسش ۳۹. نسخ را تعریف و فلسفه آن را بیان کنید و بگویید چند آیه نسخ شده است؟ ۱۵۴

تمثیلات در قرآن

- پرسش ۴۰. لطفاً در مورد تشبیهات و تمثیلات در قرآن، علت، معنا و تفسیر آن من را راهنمایی کنید..... ۱۵۷

اصطلاحات تلاوت

- پرسش ۴۱. می‌خواستم بدانم چه فرقی میان تلاوت، قرائت، ترتیل، تحقیق، تجوید، تفسیر و تأویل وجود دارد؟ ۱۶۱

ضمایر جمع خدا

- پرسش ۴۲. با توجه به وحدانیت خداوند چرا در برخی از موارد در قرآن، از عبارات و ضمایر جمع (انا و نحن و...) برای خداوند، استفاده شده است؟ ۱۶۶

نام‌های خدا

- پرسش ۴۳. چرا در قرآن برای خواندن خدا صفت مذکر آمده است؟ مگر خدا دارای جنسیت است؟ ما در اینجا یک نوع برتری برای مردها می‌بینیم. ۱۶۷

نام‌های قرآن

- پرسش ۴۴. اوصاف مجید و کریم از سوی چه کسی بر قرآن نهاده شده است؟ ۱۶۸

پیامبران خاورمیانه

- پرسش ۴۵. چرا در قرآن نام تعداد کمی از پیامبران آمده است؟ و بیشتر پیامبرانی که در قرآن نام برده شده از منطقه خاورمیانه هستند؟ ۱۶۹

قلب و عروس قرآن

- پرسش ۴۶. چرا سوره‌های «یس» و «الرحمن» به قلب و عروس قرآن معروف‌اند؟ ۱۷۴

نام‌گذاری سوره‌ها

- پرسش ۴۷. سوره‌های قرآن به دست چه کسی و بر اساس چه معیاری، نام‌گذاری شده است؟ ۱۷۵

نام دوم سوره‌ها

- پرسش ۴۸. برخی سوره‌ها نام دومی دارند مانند سوره «انسان» که «دهر» هم نامیده می‌شود اگر ممکن است نام دوم سوره‌های دیگر را بنویسید. ۱۷۷

تقسیم‌بندی قرآن

- پرسش ۴۹. علت تعدد سوره‌ها و تقسیم‌بندی آیات قرآن چیست؟ ۱۷۸

جزء‌های قرآن

- پرسش ۵۰. علت تقسیم‌بندی قرآن به ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب چه بوده است؟ ۱۷۹

تعداد آیات قرآن

- پرسش ۵۱. منشأ پیدایش اختلاف در تعداد آیات چیست؟ ۱۸۰

حروف مقطعه

- پرسش ۵۲. منظور از حروف مقطعه قرآن چیست؟ ۱۸۱

استخاره

- پرسش ۵۳. چگونه می‌توان استخاره کرد و شرایط آن چیست؟ ۱۸۳

فصل نهم - قرائت قرآن

آداب تلاوت قرآن

- پرسش ۵۴. هنگام تلاوت قرآن چه آدابی را رعایت کنیم تا بیشترین بهره را ببریم؟ آیا خواندن ترجمه فارسی قرآن هم ثواب دارد؟ ۱۸۹

ختم قرآن

- پرسش ۵۵. آیا ثواب قرائت برخی از سوره‌های قرآن - که به اندازه ختم قرآن ذکر شده است - انسان را از ختم قرآن بی‌نیاز می‌کند؟ ۱۹۳

قاریان قرآن

- پرسش ۵۶. مصادیق روایت «قرآن بخوان و بالا برو» چه کسانی‌اند؟ ۱۹۶

تدبّر در قرآن

- پرسش ۵۷. تفکر و تدبّر در قرآن، چه میزان اهمیت دارد؟ ۱۹۷

هدیه ثواب قرآن

- پرسش ۵۸. چرا گفته شده: اگر قرائت قرآن را به اهل بیت علیهم السلام هدیه کنید، ثواب آن مضاعف می شود؟ ۱۹۹

فصل دهم - حفظ قرآن

اهمیت حفظ قرآن

- پرسش ۵۹. آیا حفظ قرآن بدون توجه به معنای آن نزد خداوند، دارای اجر و پاداش است؟ ۲۰۱

روش حفظ قرآن

- پرسش ۶۰. روش صحیح حفظ قرآن چیست؟ ۲۰۲

فراموشی قرآن

- پرسش ۶۱. آیا اگر کسی قرآن را حفظ کند و بعد آن را فراموش نماید، گناه دارد؟ ۲۰۳

قرآن و رایانه

- پرسش ۶۲. در حال حاضر با وجود رایانه‌های شخصی و مصونیت قرآن از تحریف، چه نیازی به حفظ قرآن و صرف هزینه‌های کلان است؟ ۲۰۴

فصل یازدهم - کتابشناسی

کتابشناسی قرآن

- پرسش ۶۳. جهت آشنایی با تفسیر و مطالب قرآنی، منابع و کتاب معرفی کنید. ۲۰۷

ترجمه‌های قرآن

- پرسش ۶۴. قرآن به چند زبان ترجمه شده است؟ درباره ترجمه‌های خوب فارسی توضیح دهید. ۲۱۱

معرفی کتاب خواص سوره‌ها

- پرسش ۶۵. کتابی که خواص آیات و سوره‌های قرآن را بیان کرده، معرفی کنید؟ ۲۱۴

سایت‌های قرآنی

- پرسش ۶۶. سایت‌های قرآنی را معرفی کنید. ۲۱۴

فصل دوازدهم - احکام قرآن

قرآن در نماز

- پرسش ۶۷. کسی که برخی از سوره‌های کوچک قرآن را نمی‌تواند از حفظ بخواند، آیا جایز است آنها را در نمازهای واجب از رو بخواند؟ ۲۲۹

آیات سجده‌دار

- پرسش ۶۸. سجده واجب یا مستحبی در بعضی از آیات قرآن به چه علتی است؟ ۲۲۹
- پرسش ۶۹. اگر از رادیو و یا تلویزیون به آیاتی که سجده واجب دارند گوش فرا دهیم، سجده واجب می‌شود؟ ۲۳۰
- پرسش ۷۰. آیا برای سجده واجب قرآن، شرایط سجده نماز لازم است؟ ۲۳۰
- پرسش ۷۱. آیا با مرور ذهنی و یا نگاه به آیات سجده‌دار، سجده واجب می‌شود؟ ۲۳۱
- پرسش ۷۲. آیا برای سجده‌های واجب قرآن، ذکر خاصی لازم است؟ ۲۳۱

آیات سجده‌دار و حایض

- پرسش ۷۳. خواندن آیات سجده‌دار برای زن حائض و جنب چه حکمی دارد؟ ۲۳۱

صوت قرآن نامحرم

- پرسش ۷۴. آیا مرد نامحرم می‌تواند صدای دختر بالغ را در حال خواندن قرآن با صوت یا ترتیل و تواشیح و سرود بشنود؟ ۲۳۲

غلط خواندن قرآن

- پرسش ۷۵. اگر شخصی بخواهد قرآن را کامل بخواند (یعنی علاقه زیادی به خواندن تمام قرآن دارد)؛ ولی متأسفانه بعضی از کلمات قرآن را غلط می‌خواند، تکلیفش چیست؟ ۲۳۲

قرآن و کودکان

- پرسش ۷۶. آموختن قرآن برای دانش آموزانی که وضوی درستی ندارند و آن را لمس می‌کنند، چه حکمی دارد؟ تکلیف مربی در اینجا چیست؟ ۲۳۳

لمس قرآن

- پرسش ۷۷. آیا دست زدن به جلد قرآن در دوران عادت ماهیانه، مانعی دارد؟ ۲۳۳

اسمای جلاله

- پرسش ۷۸. حکم تماس بدن با اسمای جلاله، بدون وضو چگونه است؟ ۲۳۳

پسوند «الله»

- پرسش ۷۹. افرادی که اسمشان «عبدالله» و «حبیب الله» و... است، اگر بدون وضو آن را

بنویسند و مس کنند، چه حکمی دارد؟ ۲۳۴

ختم قرآن

- پرسش ۸۰. اگر به نیت ختم، شروع به خواندن قرآن کنیم ولی به دلایلی نتوانیم آن را

تمام کنیم؛ در این صورت ختم کل قرآن واجب است یا نه؟ ۲۳۵

هدیه ثواب قرآن

- پرسش ۸۱. آیا شخص می تواند سوره ای از قرآن را بخواند و ثواب آن را به چند نفر از

مردگان هدیه کند؟ ۲۳۵

قرآن در حال راه رفتن

- پرسش ۸۲. در موقع راه رفتن و یا ایستادن و خوابیدن و یا حتی در دستشویی می توان

قرآن خواند؟ ۲۳۵

- پرسش ۸۳. همراه داشتن قرآن در دستشویی چه حکمی دارد؟ ۲۳۶

آداب تلاوت قرآن

- پرسش ۸۴. آیا در هنگام پخش صوت قرآن، می توانیم دعا بخوانیم یا حرف بزنیم؛ یا باید

سکوت کنیم؟ ۲۳۶

قرآن و موسیقی

- پرسش ۸۵. آیا جایز است قرآن با آواز و به صورت غنا خوانده شود؟ ۲۳۶

قسم به قرآن

- پرسش ۸۶. کسی که برای انجام دادن کاری یا ترک آن، به قرآن قسم بخورد و به آن

عمل نکند، آیا کفارہ دارد؟ ۲۳۷

قرآن بدون وضو

- پرسش ۸۷. تلاوت قرآن بدون وضو چه حکمی دارد؟ ۲۳۷

آرم جمهوری اسلامی

- پرسش ۸۸. آیا مس کردن نقش آرم جمهوری اسلامی ایران - که روی نامه ها و بلیت های

اتوبوس و... وجود دارد - حرام است؟ ۲۳۷

مس ترجمه قرآن

- پرسش ۸۹. دست زدن به ترجمه قرآن، بدون طهارت چه حکمی دارد؟ ۲۳۸

خوابیدن و قرآن

- پرسش ۹۰. آیا در اتفاقی که قرآن هست، خوابیدن اشکال دارد؟ ۲۳۸

قرآن و جنابت

- پرسش ۹۱. بودن قرآن همراه جنب چه حکمی دارد؟ ۲۳۸

خالکوبی آیات قرآن

- پرسش ۹۲. خالکوبی آیات قرآن بر روی بدن و مس آن چگونه است؟ ۲۳۹

گردنبند طلای قرآن

- پرسش ۹۳. آویختن گردن بندی که روی آن آیه قرآن نوشته شده است، در ایام عادت

چه حکمی دارد؟ ۲۳۹

قرآن بر سر گذاشتن

- پرسش ۹۴. آیا گذاشتن قرآن باز بر روی سر، بدون طهارت جایز است؟ ۲۳۹

اسمای متبرکه روزنامه ها

- پرسش ۹۵. آیا استفاده از اسمای متبرکه در روزنامه ها و مجلات کشور - با توجه به

مصارف غیر مطبوعاتی از آن - صحیح است؟ ۲۴۰

- پرسش ۹۶. اگر از روزنامه ای که اسم خدا در آن نوشته شده، به عنوان زیرانداز استفاده کنیم،

چطور است؟ ۲۴۰

- پرسش ۹۷. آیا سوزاندن آیات قرآن - که بر روی کاغذ نوشته شده - جایز است؟ ۲۴۰

● پرسش ۹۸. راه محو کردن برگه‌هایی که آیات قرآن بر روی آن نوشته شده،

چیست؟ ۲۴۱

قرآن روی کفن

● پرسش ۹۹. نوشتن آیات قرآن روی کفن و یا همراه گذاشتن آن با مردگان

جایز است؟ ۲۴۱

استخاره قرآن

● پرسش ۱۰۰. کسی که به قرآن استخاره کرده، آیا لازم است به آن عمل کند؟ ۲۴۱

فهرست آیات ۲۴۲

کلیدواژه‌ها ۲۴۷

کتابنامه ۲۵۱

مقدمه

«پرسش‌گری» از آغاز آفرینش انسان، رخ‌نمایی کرده، بر بال سبز خود، فرشتگان را
فرانشانده، بر برگ زرد خود، شیطان را فرونشانده و در این میان، مقام آدمیت را
نشان داده است. آفتاب کوفه چه زیبا فرموده است:

«مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عَلِمَ» و «مَنْ عَلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ».

هم سؤال از علم خیزد هم جواب همچنان که خار و گل از خاک و آب
آری، هر که سؤال‌هایش آسمانی است، دانش و بینش، پاسخش خواهد بود. پویایی
و پایی «جامعه» و «فرهنگ»، در گرو پرسش‌های حقیقت طلبانه و پاسخ‌های
خردورزانه است.

از افتخارات ایران اسلامی، آن است که از سویی، سرشار از جوانانی پاک‌دل،
کمال‌خواه و پرسش‌گر می‌باشد و از دیگر سوی، از مکتبی غنی برخوردار است که معارف
بلند آن، گوارانوش دل‌های عطشناک پرسش‌گر و دانش‌جوست.

اداره مشاوره و پاسخ معاونت مطالعات راهبردی نهاد، محفل انسی فراهم آورده
است، تا «ابر رحمت» پرسش‌ها را به «زمین اجابت» پذیرا باشد و نهال سبز دانش را
بارور سازد. ما اگر بتوانیم سنگ صبور جوانان اندیشمند و بالنده ایران پرگهرمان باشیم،
به خود خواهیم بالید.

شایان ذکر است در راستای ترویج فرهنگ دینی، اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، تاکنون بیش از دویست هزار پرسش دانشجویی را در موضوعات مختلف اندیشه دینی، مشاوره، احکام و... پاسخ داده است.

این اداره دارای گروه‌های علمی و تخصصی، به شرح زیر است:

- قرآن و حدیث؛ - تربیتی و روان شناسی؛

- احکام؛ - اندیشه سیاسی؛

- فلسفه، کلام و دین پژوهی؛ - فرهنگی و اجتماعی؛

- حقوق و فلسفه احکام؛ - تاریخ و سیره؛

- اخلاق و عرفان؛ - ادیان و مذاهب.

آنچه پیش‌رو دارید، بخشی از پرسش‌های دانشجویی درباره قرآن‌شناسی و معارف قرآنی است که توسط حجة الاسلام والمسلمین صالح قنادی (زیدعزه) و با همکاری پژوهشگران ارجمند و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، آقایان: اسماعیل علیزاده، محسن محقق، موسی سلیمانی، حمیدرضا شاکرین، نیکزاد عیسی زاده، محمد رضا کاشفی و سیدمجتبی حسینی (زیدعزه)م پاسخ داده شده است.

در پایان از حجة الاسلام عبدالکریم بهجت‌پور (زیدعزه) که جهت ارزیابی متن حاضر قبول زحمت نموده و نیز همه همکاران ارجمند اداره مشاوره و پاسخ که بزرگوارانه ما را در تهیه این مجموعه یاری داده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

دوام توفیقات این عزیزان را در جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و ارتقای فرهنگ دینی جامعه - به خصوص دانشگاهیان - از خداوند متعال مسألت داریم.

الله ولی التوفیق

معاونت مطالعات راهبردی نهاد

فصل اول

وحی و زبان وحی

نزول وحی

● پرسش ۱. چرا اصلاً باید وحی و نزول وحیانی باشد؟

در تاریخ ادیان توحیدی، پس از نام مقدس خداوند هیچ کلمه‌ای به اهمیت و شگرفی «وحی» نیست؛ اگر وحی نبود:

۱. خداوند در پرده غیب‌الغیوب باقی می‌ماند و بشریت با یک پای چوبین (عقل عدد اندیش) تنها می‌ماند.^۱

۲. ضرورت قیامت و جهان پس از مرگ از راه تفکر و برهان و استدلال قابل اثبات است؟ اما شناخت بسیاری از ویژگی‌ها و جزئیات هستی فراتر از دسترسی دانش و تجربه بشری است و تنها از راه «وحی» قابل بیان و تبیین است.

۳. اگر وحی نبود، انسان با تردیدهای جدی در مسائل معرفتی - نظیر شناخت انسان، هدف خلقت و زندگی اجتماعی آغاز و فرجام طبیعت، وظایف انسان در قبال خدا، جامعه، طبیعت خود - روبه‌رو می‌شد.

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، *تقرآن در اسلام*، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ش) صص ۹۱-۹۲.

۲. مرتضی مطهری، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ج ۵.

۴. اگر وحی نبود، بسیاری از ظرفیت‌های فطری و عقلانی انسان شناخته نمی‌شد و یا به درستی شکوفا نمی‌گشت. البته وحی الهی را نباید در محدوده رسولان و کتاب‌های آسمانی خلاصه کرد. بلکه علاوه بر «وحی رسالی» به تصریح قرآن، «وحی» شامل الهامات ویژه به اولیای خدا نیز می‌گردد. براساس روایات، در طول تاریخ حدود ۱۲۴ هزار پیامبر ظهور کرده‌اند که تنها گروهی اندک وظیفه ابلاغ پیام‌های الهی را به مردم داشته‌اند. اما گروه بیشتری برای به کمال رساندن ظرفیت‌های عقلی و فطری خود، هدایت‌های ویژه دریافت می‌کردند و در محیط اجتماعی آلوده، مسیر سلامت را می‌پیمودند.

در قرآن آمده است که مادر حضرت موسی (علیه السلام) به مدد وحی الهی، فرزند خود را در سبد گذاشت و به دریا انداخت:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقَاهُ فِي الصَّمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾^۱؛
 «و به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده و چون بر او بیمناک شدی، او را در [جعبه‌ای] به دریا بیفکن و مترس و غم مخور، [چرا که] ما او را به سوی تو بازگرداننده و او را از پیامبران قرار خواهیم داد».

همچنین عنایاتی به حضرت مریم (علیها السلام) شد و ملائکه با او به گفت‌وگو پرداختند:

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾^۲؛
 «و یاد کن [زمانی که] فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزیده و

پاکیزه داشته و بر زنان جهانیان برتری داده است. ای مریم! پروردگارت را اطاعت کن و سجده بر و همراه نمازگزاران نماز بگزار».

البته «وحی رسالی» جایگاه ویژه‌ای دارد و در این میان نقش قرآن بسیار ممتاز است، به‌طوری که قرآن کریم بیش از کتاب‌های آسمانی پیشین، جهت شناخت حق و باطل و تعدیل شهوت و غضب و تصحیح محبت و عداوت انسان‌ها، بشیر و نذیر است.^۱

لیک گر واقف شوی زین آب پاک که کلام ایزد است و روحناک
 نیست گردد و سوسه‌ کلی ز جان دل بیابد ره به سوی گلستان
 ز آنکه در باغی و در جویی پرد هر که از سر صحف بویی برد^۲
 بدون قرآن چه بسا آدمی در غفلت بود و عمر خود را به غفلت سپری می‌کرد؛ زیرا تنها نگاه خود را محدود به دنیای مادی می‌ساخت و آن را چون سرای حقیقت می‌انگاشت و از این رو، جهان برای او معنایی ورا و بالاتر از خود نداشت؛ بلکه هر چه را می‌دید و می‌نگریست، تنها موجودات تقطیع شده‌ای می‌پنداشت که فارغ از مبدأ و غایت است و نه «از جایی است» و نه «رو به جایی» دارد. اما آیات قرآن انسان را به تدبر واداشته و او را از این غفلت بیدار می‌سازد.^۳

به هر روی دلیل نزول قرآن، نیاز آدمی است و تا زمانی که این نیاز هست - که تا ابد خواهد بود - باید قرآن باشد.

۱. فصلت (۴۱)، آیات ۲ و ۴؛ مریم (۱۹)، آیه ۹۷.

۲. مثنوی، دفتر چهارم، ابیات ۳۴۷۰-۳۴۷۲.

۳. ص (۳۸)، آیه ۲۹؛ محمد (۴۷)، آیه ۲۴.

۴. برای آگاهی بیشتر در این باب نکات: مقالات، استاد محمد شجاعی (سروش، چاپ دوم ۱۳۷۱ ش، ج اول)، صص ۸۹-۹۸.

۱. قصص (۲۸)، آیه ۷.

۲. آل عمران (۳)، آیات ۴۲ و ۴۳.

الفاظ قرآن

● پرسش ۲. تردیدی نیست که قرآن از سوی خدا بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده

است؛ اما چرا به زبان عربی؟ و آیا الفاظ عربی قرآن نیز از سوی

خدا است، یا این الفاظ از زبان پیامبر ﷺ است؟

نزول قرآن به زبان عربی با توجه به مخاطبان نخستین و شخص پیامبر ﷺ - که عرب زبان بودند - یک جریان طبیعی است و هر سخنوری، مطالب خویش را با زبان مخاطبان مستقیم خود، بیان می‌کند. خداوند متعال نیز در فرستادن پیامبران و ابلاغ پیام‌های خویش، همین رویه را به کار گرفته است.^۱

در این باره، توجه به چند نکته مهم بایسته است:

یکم. قرآن کریم اگر چه برای تنزل در این عالم، نیاز به زبانی خاص دارد و آن عربی فصیح و مبین است؛ ولی زبان و فرهنگ آن، همان «زبان فطرت» است که قابل فهم برای همگان است و تنها در این صورت، می‌تواند جهانی باشد. اگر فرهنگ قرآن، مربوط به یک نژاد و گروه خاصی بود، هیچ گاه نمی‌توانست جهانی باشد.^۲

دوم. همان طور که ایجاد حقیقت وحی، اختصاص به ذات خداوند متعال دارد؛ تنزل آن حقیقت به لباس عربی مبین و الفاظ اعتباری نیز کار او است. نه آنکه فقط معنای کلام و وحی الهی در قلب پیامبر ﷺ تنزل یافته و آن حضرت با انتخاب خود، الفاظی را به عنوان ابزار انتقال آن معارف قرار داده باشد!

پس الفاظ قرآن کریم، از سوی خداوند تعیین شده و از همین رو آرایش‌های لفظی قرآن، یکی از وجوه اعجاز آن است.

آیات فراوانی دلالت دارد که علاوه بر محتوا، الفاظ و عبارت‌های عربی قرآن نیز از ناحیه خداوند به پیامبر ﷺ وحی شده است.^۱ بهترین گواه این مطلب، تفاوت سبک بیان و عبارت‌های روایات نبوی، با آیات قرآن کریم است.

سوم. ارتباط الفاظ با معانی، ارتباطی تکوینی و حقیقی نیست؛ بلکه در اثر قرارداد است که لفظ معینی، نشانه معنای خاصی می‌گردد. به همین دلیل برای یک معنای خاص در اقوام مختلف، الفاظ گوناگونی وجود دارد و نیز یک حقیقت تکوینی همچون وحی، گاهی به صورت عربی مبین، گاهی به صورت عبری، زمانی به زبان سریانی و... ظهور می‌کند.

چهارم. اعراب، اولین گروه مخاطب پیامبر بودند در نتیجه باید این پیام را به خوبی درک می‌کردند. پس حکمت اقضا می‌کرد تا اصول تربیتی و زبان فطری قرآن، رنگ و زبان عربی بگیرد؛ هر چند منحصر به عرب‌زبانان نبود.

با توجه به این نکته، شاید این پرسش پدیدار شود که: چگونه وحی الهی، از مقام قدسی خداوند - که جز تکوین صرف چیزی نیست - در پوشش الفاظ و کلمات اعتباری - که قرارداد محض است - درمی‌آید؟

در پاسخ گفتنی است: الفاظ قرآن کریم نیز از سوی خداوند تعیین شده

۱. ابراهیم (۱۴)، آیه ۴؛ مریم (۱۹)، آیه ۹۷؛ دخان (۴۴)، آیه ۵۸؛ اعلی (۸۷)، آیات ۱۷، ۱۸، ۲۲ و ۳۲؛ قمر (۵۴)، آیه ۴۰؛ احقاف (۴۶)، آیه ۱۲؛ فصلت (۴۱)، آیات ۲ و ۳؛ رعد (۱۳)، آیه ۳۷ و... نکا: طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۵۹.

۱. ابراهیم (۱۴)، آیه ۴؛ نکا: مصباح‌یزدی، محمد تقی، قرآن‌شناسی، (تحقیق و تدوین: محمود رجبی)، ص ۹۸.

۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (قم: اسراء)، ج ۱، صص ۳۵۳-۳۵۵.

۲. روح و محتوای هر پیام و سخنی در قالب زبان خاص خود، عمیق‌تر درک می‌شود تا زمانی که به زبان‌های دیگر برگردانده شود و قرآن که دارای مضامین بسیار بلند و عالی است، هرگز قابل ترجمه دقیق و کامل به هیچ زبانی نبوده و نیست. ترجمه‌های قرآن معمولاً نارسا و در مواردی دارای غلط است. کافی است اندکی در مباحث مربوط به زبان‌شناسی، فن ترجمه و تئوری‌های مربوط به آن و نقد ترجمه‌های قرآن مطالعه شود، آن‌گاه روشن می‌گردد که فرق بین قرآن و ترجمه‌هایش، همان فرق بین کتاب الهی و بشری است.

۳. قرآن علاوه بر محتوای مطالب، از لطافت زیبایی و نکات ادبی عجیبی برخوردار است که خود یکی از وجوه اعجاز قرآن می‌باشد و در قالب هیچ ترجمه‌ای بیان شدنی نیست.^۱

تردیدی نیست که نمی‌توان تمام معانی و مقاصد قرآن را به زبان دیگر برگرداند. از این رو «تحدی» قرآن در اثبات ناتوانی انسان‌ها در تهیه متنی همانند قرآن، شامل مجموعه امتیازات لفظی و معانی والای قرآن است.^۲

۴. تشویق و ترغیب بر استفاده از همان الفاظی که جبرئیل بر پیامبر اکرم ﷺ نازل فرموده، یکی از شیوه‌های حفظ قرآن از تحریف است؛ چنان‌که وقتی مطلبی نزد همگان با یک قرائت معین به اثبات رسیده باشد، تحریف آن مشخص خواهد شد. از این رو در تاریخ اسلام وقایعی نقل شده است که مسلمانان حتی نسبت به جابه‌جایی یا حذف یک «واو»، حساسیت نشان می‌دادند.

۵. گفتنی است حتی ترجمه قرآن به زبان عربی، موجب اختلاف در میان

و لذا جنبه اعجازی دارد [و تحدی نسبت به آن اعلان شده است به طوری که حتی احادیث قدسی چنین ویژگی ندارد. البته می‌توان گفت] تنزل حقیقت تکوینی قرآن، باید مسیری داشته باشد تا در آن مسیر، حقیقت قرآن فرود آید و با اعتبار پیوند بخورد. که محتملاً آن مسیر ویژه همان نفس مبارک رسول خدا ﷺ است.^۱

بنابراین آنچه قرآن را جهان‌شمول ساخته است، «زبان فطری» آن است که در «زبان عربی» رسا و گویا جلوه‌گر شده است؛ زبانی که الفاظ آن، ظرفیت نمایش معانی گسترده و پردامنه‌ای را دارا است. از این رو آشنایی با زبان عربی و تلاوت قرآن به این زبان، همچون مدخل ورودی برای نیل به مراتب و مراحل بالاتر این کتاب بی‌نظیر است.

قرآن عربی

● پرسش ۳. چرا در روایات بر خواندن عبارات عربی قرآن تأکید شده و چرا نگاه به قرآن عبادت است ولی لفظ فارسی چنین مزیتی را ندارد؟

این امر دلایل متعددی دارد؛ از جمله:

۱. ایجاد زبانی مشترک در میان همه پیروان و در واقع فراهم ساختن نوعی وحدت و پیوند بین‌المللی دینی، باعث تأکید بر قرائت و حفظ زبان عربی شده است.

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: *مجله بینات و مجله مترجم* (ویژه نامه قرآن).

۲. ر.ک: رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، ص ۶۴۹.

۱. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ص ۴۵-۴۶.

مسلمانان شد تا آنجا که برخی تا مرز تکفیر یکدیگر پیش رفتند. بدین جهت در دوره عثمان (سال ۲۵ هـ) صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - و از جمله حضرت علی علیه السلام - بر ضرورت وجود قرآن رسمی (غیر ترجمه‌ای) به توافق رسیدند.

۶. زبان عربی بنا به آنچه در روایات آمده است برترین و بهترین زبان‌ها است و همین که آخرین دین و کامل‌ترین دین به زبان عربی نازل شده و تنها کتاب معجز الهی که الفاظ آن دارای اعجاز است به این زبان نازل شده در برتر بودن آن کافی است.

هم‌چنین از امیرالمؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای که در مورد انتقال نور پیامبر صلی الله علیه و آله در اصلاّب آباء طاهرین آن حضرت است، خطاب به خداوند این‌گونه آمده است: «... سپس آن نور را اختصاص دادی به اسماعیل و نه دیگر فرزندان ابراهیم و زبان او را به عربی گشودی که آن را بر دیگر زبان‌ها برتری دادی...»^۱

۷. در پایان گفتنی است، اگرچه تلاوت قرآن و نگاه به آیات آن ثواب دارد اما به هر مقدار تلاوت آیات همراه با دقت و تفکر باشد از فواید این جهانی و ثواب‌های آخرتی بیشتر بهره‌مند خواهیم بود.

نماز عربی

● پرسش ۰۴. من در بعضی موارد روخوانی و تجوید قرآن درس می‌دهم. بعضی از جوان‌ها در کلاس سؤال می‌کنند: اگر هدف از آموزش قرآن، فهم و عمل به معارف قرآن است؛ چرا این قدر وقت صرف یادگیری زبان عربی می‌کنیم و به جای آن به ترجمه قرآن نمی‌پردازیم؟ یا گاهی می‌پرسند: چرا نماز را فارسی نخوانیم و یا چرا اذان را فارسی نگوئیم تا به جای «حی علی الصلاة» مثلاً بگوئیم «بشتابید به سوی نماز» تا تأثیر بیشتری بر روی مستمعین داشته باشد؟ مرا راهنمایی کنید.

دلبستگی مسلمانان به «زبان وحی»، علاوه بر حفظ رمز وحدت، موجب احساس نزدیکی بیشتر و پیوستگی آوایی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام می‌شود. از نظر محتوا و ژرفایی معنا نیز بهره‌های فراوانی نصیب آشنایان به زبان عربی می‌گردد که اکتفا به ترجمه و زبان فارسی هرگز نمی‌تواند جایگزین آن شود. در این باره خوب است داستانی شیرین و خواندنی بازگو شود:

دارالعلم اصفهان - که از ابتدای قرون اسلامی تاکنون در انتشار و توسعه علوم و تربیت دانش‌پژوهان جایگاهی خاص داشته - در قرن اخیر نیز پرورش‌دهنده بسیاری از مشعلداران دانش و تقوا بوده است. فقیه وارسته و دانشمند مهذب حاج آقا رحیم ارباب یکی از این شخصیت‌ها است.^۱

این عالم فرهیخته در سال ۱۲۹۷ ق در «چرمهین» از توابع لنجان دیده

۱. ارباب معرفت، ص ۱۰۹.

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۹.

به جهان گشود. در کودکی همراه پدرش به اصفهان رفت و پس از آموزش مقدمات ادبی و بخشی از سطح، در محضر استادانی چون حاج میرزا بدیع (م ۱۳۱۸ ق) و علامه آقا سید محمدباقر درچه‌ای (م ۱۳۴۲ ق) به تکمیل اصول و فقه پرداخت. سپس از محضر آیة‌الله سید ابوالقاسم دهکردی (م ۱۳۵۳ ق) و آیة‌الله حاج آقا منیر احمدآبادی (متوفای ۱۳۴۲ ق). بهره برد و در خدمت دو فیلسوف بزرگ، آخوند ملا محمد کاشی و حکیم جهانگیرخان قشقایی فلسفه، هیئت و ریاضیات آموخت.

«ارباب» پس از یک قرن تحصیل و تدریس و اقامه نماز جمعه و جماعت و حضور در صحنه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی در سال ۱۳۹۶ ق جهان خاکی را بدرود گفت. یک بار دکتر محمد جواد شریعت با جمعی از دانشجویان با مرحوم حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی دیدار کرد. وی خاطره آن ملاقات را چنین باز می‌گوید: در سال ۱۳۳۲ ش بود، من و عده‌ای از جوانان پر شور آن روزگار، پس از تبادل نظر و بحث و مشاجره، به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به فارسی بخوانیم و همین کار را هم کردیم. والدین ما کم‌کم از این موضوع آگاهی یافتند و به فکر چاره افتادند. آنان پس از تبادل نظر با یکدیگر، تصمیم گرفتند با نصیحت ما را از این کار باز دارند و اگر مؤثر نبود، راهی دیگر برگزینند. چون پندهای ایشان مؤثر نیفتاد؛ ما را نزد یکی از روحانیان آن زمان بردند. آن روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می‌خوانیم، به شیوه‌ای اهانت‌آمیز نجس و کافرمان خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ‌تر و مصرتر ساخت. عاقبت یکی از پدران، والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت

که ما را به محضر حضرت آیة‌الله حاج آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت. آنان نزد ایشان شتافتند و موضوع را با وی در میان نهادند. او دستور داد در وقتی معین ما به خدمتش برویم. در روز موعود ما را -که تقریباً پانزده نفر بودیم- به محضر مبارک ایشان بردند.

در همان لحظه اول، چهره نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت؛ آن بزرگ‌مرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبه‌رو هستیم. آقا در آغاز دستور پذیرایی از همه ما را صادر فرمود. سپس به والدین ما فرمود: شما که به فارسی نماز نمی‌خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندان تنها بگذارید. وقتی آنان رفتند، به ما فرمود: بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته‌ای درس می‌خوانید. آن‌گاه به تناسب رشته و کلاس ما، پرسش‌های علمی مطرح کرد و از درس‌هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آنها از توان ما بیرون بود. هر کس از عهده پاسخ بر نمی‌آمد، با اظهار لطف وی و پاسخ درست پرسش روبه‌رو می‌شد. پس از آنکه همه ما را خلع سلاح کرد، فرمود: والدین شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی می‌خوانید، آنان نمی‌دانند من کسانی را می‌شناسم که -نعوذبالله- اصلاً نماز نمی‌خوانند!! شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می‌خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم؛ ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی‌ام جامه عمل پوشانیده‌اید، آفرین به همت شما! در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده‌اید. اکنون یکی از شما که از

دیگران مسلط تر است، بگویند «بسم الله الرحمن الرحيم» را چگونه ترجمه کرده است؟ یکی از ما به عادت دانش آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داوطلب شد. آقا با لبخند فرمود: خوب شد، طرف مباحثه ما یک نفر است؛ زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند بر نمی آمدم. بعد به آن جوان فرمود: خوب بفرمایید «بسم الله» را چگونه ترجمه کردید؟ آن جوان گفت: طبق عادت جاری به نام خداوند بخشنده مهربان. حضرت ارباب لبخند زد و فرمود: گمان نمی کنم ترجمه درست «بسم الله» چنین باشد. در مورد «بسم» ترجمه «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خدا است و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد؛ برای مثال اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی توان به آن گفت «زیبا». ترجمه «حسن» زیبا است؛ اما اگر به آقای حسن بگوئیم آقای زیبا، خوشش نمی آید. کلمه «الله» اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می کنند. نمی توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد.

خوب «رحمان» را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق ما پاسخ داد: بخشنده. حضرت ارباب فرمود: این ترجمه بد نیست؛ ولی کامل نیست؛ زیرا «رحمان» یکی از صفات خداوند است که شمول رحمت و بخشندگی او را می رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست؛ «رحمان»؛ یعنی، خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را در کنف لطف و بخشندگی خود قرار می دهد و نعمت رزق و سلامت جسم و مانند آن عطا می فرماید. در هر حال، ترجمه بخشنده برای «رحمان» در حد کمال ترجمه نیست.

خوب، «رحیم» را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق ما جواب داد: «مهربان».

آیه الله ارباب فرمود: اگر مقصودتان از «رحیم» من بودم - چون نام وی رحیم بود - بدم نمی آمد «مهربان» ترجمه کنید؛ اما چون «رحیم» کلمه ای قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینده» ترجمه کرده بودید، راهی به دهی می برد؛ زیرا «رحیم»؛ یعنی، خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می کند. پس آنچه در ترجمه «بسم الله» آورده اید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد. من هم در دوران جوانی چنین قصدی داشتم؛ اما به همین مشکلات برخورددم و از خواندن نماز فارسی منصرف شدم. تازه این فقط آیه اول سوره «حمد» بود، اگر به دیگر آیات پردازیم، موضوع خیلی پیچیده تر می شود. اما من معتقدم شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن به فارسی برندارید؛ زیرا خواندنش از نخواندن نماز به طور کلی بهتر است.

در اینجا، همگی شرمنده، منفعل و شکست خورده از وی عذرخواهی کردیم و قول دادیم، ضمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: من نگفتم به عربی نماز بخوانید، هر طور دلتان می خواهد بخوانید. من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم. ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. آیه الله ارباب، با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد. ما همگی دست مبارکش را بوسیدیم و در حالی که ما را بدرقه می کرد، خدا حافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانه خود دست برداشتیم. بنده از آن به بعد گاه به حضور آن جناب می رسیدم و از خرمن علم و فضیلت وی خوشه ها بر می چیدم و...^۱.

۱. به نقل از استاد دکتر محمد جواد شریعت.

علاوه بر آنکه روشن می‌سازد آن مقدار از آیاتی که به یکدیگر مرتبط بوده و در یک سیاق‌اند، از ناحیه خداوند است.

ب. **اعجاز محتوایی**؛ قرآن نشان از عدم وجود اختلاف در قرآن دارد. بعضی از آیات، از غیب و مطالب آینده خبر می‌دهد و برخی از علوم و معارفی که لااقل در آن زمان هیچ بشری نمی‌توانسته به آنها دسترسی پیدا کند. این نوع اعجاز حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن را اثبات می‌کند.

ج. **اعجاز قرآن از جهت آورنده آن**؛ بر این مطلب تکیه دارد که رسول گرامی اسلام ﷺ فردی امی بوده است و نمی‌توانسته از پیش خود کتابی بیاورد. این نوع اعجاز نیز اثبات می‌کند که مفاد قرآن از ناحیه خداوند است.

دوم. وحی مصون از خطا است؛

براساس این دلیل اگر کسی به حقیقت وحی توجه نموده و مفاد آن را خوب دریافت کند و تصویری صحیح از آن داشته باشد به مصونیت وحی از خطا اعتراف خواهد کرد. حقیقت «وحی» نوعی علم شهودی و حضوری است که در آن «حقایق هستی» در محضر شاهد و کاشف حاضر است؛ به خلاف علم حصولی که فقط صورتی از علوم در ذهن وجود دارد. در واقع این صورت ذهنی، پلی برای ارتباط با جهان خارج است. از این رو چون واسطه در نزد ذهن حاضر است، امکان دارد به دلیل تفسیر اشتباه، در تطبیق آن با صورت خارج به خطا بیفتد. اما در علم حضوری چون نفس معلوم مکشوف و مشهود در نزد عالم کاشف و شاهد حاضر است و واسطه‌ای در کار نیست، امکان خطا معنا ندارد و چون حقیقت وحی کشف و شهود عالم غیب است و از نوع علم حضوری می‌باشد، در آن خطا معنا ندارد.^۱

حقانیت قرآن

● پرسش ۵. چطور می‌توان حقانیت و صحت تمام مطالب قرآن را ثابت کرد؟

از آنجا که ما اعتقاد داریم خداوند صادق بوده و جز کلام راست و درست سخنی نمی‌گوید و هر چه می‌گوید حق و صحیح است؛ چنانچه اثبات کنیم تمام مطالب قرآن از سوی خداوند متعال بوده و اکنون نیز آنچه به نام قرآن در دسترس همگان است، همان قرآنی می‌باشد که از سوی خداوند نازل گشته و هیچ عنصر غیرخدایی -چه به عمد و چه به خطا- در آن راه نیافته است، می‌توانیم اثبات کنیم که تمام مطالب قرآن حق و صحیح است. برای اثبات این مدعا، ادله «حجیت صدوری» قرآن مطرح است:

یکم. قرآن کتاب خدا است؛

این مدعا در سطوح مختلف قابل طرح بوده، معانی عمیق و متعددی دارد:

۱. مفاد و محتوای قرآن از سوی خداوند است.
 ۲. تک تک الفاظ نیز از سوی او است.
 ۳. ترکیبات این الفاظ (در قالب آیات) از سوی خداوند است.
 ۴. ترتیب این آیات (به صورت سوره‌ها) از ناحیه خداوند می‌باشد.
- از این رو وجوه مختلفی برای اعجاز قرآن گفته شده که می‌توان آنها را به سه بخش طبقه‌بندی کرد:^۱

الف. اعجاز لفظی؛ قرآن ثابت می‌کند که الفاظ و ترکیبات قرآن، الهی است.

۱. نگا: ثامنی، سید مصطفی، *وجوه اعجاز قرآن* (مجموعه مقالات دومین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن کریم، صص ۱۶۸-۱۷۸).

۱. سعیدی روشن، محمد باقر، *تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت*، صص ۲۲-۲۸.

سوم. رسول اکرم ﷺ معصوم است؛

عنایت به حکمت خداوند درباره نبوت و انزال کتاب‌های آسمانی، «پیامبر» باید از هرگونه گناه و اشتباه و هرگونه خطا در هنگام دریافت وحی و رساندن آن به مردم معصوم باشد؛ چرا که اگر چنین نباشد؛ اعتماد مردم بر پیام‌رسانی و الهی بودن همه تکالیف و پیام‌ها از میان می‌رود.^۱

آنچه گفتیم ثابت کرد که قرآن از سوی خدا است و به‌طور صحیح و کامل در اختیار ما قرار گرفته است، پس تمام مطالب آن حق و درست است. البته درباره کشف حقانیت و صحت تک تک گزاره‌های قرآنی، باید بگوییم؛ هر چند برخی از گزاره‌های دینی را عقل ما به‌طور مستقیم درک می‌کند و در دایره داوری تجارب بشری و علوم قرار می‌گیرد؛ اما بسیاری از آنها فراتر از گستره عقل و خارج از حوزه نفی و اثبات علوم و تجربه‌هاست.

برای مثال خصوصیت نعمت‌های بهشتی یا ویژگی جن، ملائکه، حوادث عالم برزخ و... در دسترس عقل و دانش بشری نیست. در اینجا راهی جز پذیرش اعتبار منابعی که گزارش این وقایع را داده‌اند وجود ندارد، چنان‌که در بسیاری از علوم ادبی و تاریخی نیز از همین روش استفاده شود.

بله، برخی از همین معارف، از طریق کشف و شهود عرفانی و باطنی به دست می‌آید؛ اما این راهکار، قابل توصیه به عموم مردم و اندیشمندان نیست و گستره آن، تمام معرفت‌های قرآنی را شامل نمی‌شود.

تحدی و هم‌اوردی قرآن

● پرسش ۶. عده‌ای می‌گویند اینکه قرآن گفته کسی نمی‌تواند متنی مانند قرآن بیاورد، مختص قرآن نیست، مثلاً برای اشعار حافظ و سعدی و یا متون ملاصدرا نیز نظیر وجود ندارد و کسی نمی‌تواند همانند آن را بیاورد؟ آیا این تحدی قرآن منطقی است؟ (خواهشمند است جواب سؤال را به صورت عقلی و خارج از حوزه دینی بیان فرمائید)

در این باره باید دانست؛ مسأله تحدی تنها در قالب الفاظ و زیبایی‌های شعر خلاصه نمی‌شود بلکه می‌توان گفت: اساس این تحدی در مورد حقایق جهان هستی و وقایع تاریخ پیامبران و دقایق هدایت انسان است که قرآن آن را بیان نموده و در قالبی بی‌نظیر ارائه نموده، قالبی که از یک سو نثر است و محدودیت قافیه و ردیف را ندارد و از سوی دیگر همانند نظم است و از زیبایی و روانی و آهنگ‌پذیری برخوردار است و از ملال‌آوری متن ساده به دور است.

قرآن مجید به بیان موضوعات فراوانی پرداخته است؛ بهترین و جالب‌ترین حقایق را به بشر ارائه داده است حقایقی که خلل، فساد و بطلان هرگز بر آن راه ندارد. افزون بر آن حلاوت و طراوت موجود در قرآن آمیزه‌ای را فراهم آورده که بشر از خلق چنین اثر شگفت و ژرفی، ناتوان و عاجز می‌باشد.

به عبارتی اعجاز قرآن در چهار ویژگی و امتیاز، تجلی یافته:

۱. فصاحت الفاظ و زیبایی عبارات،

۲. بلاغت معانی و بلندی مفاهیم،

۱. پژوهشی در عصمت معصومان، ص ۱۰۹-۱۱۲.

۳. شگفت انگیزی نظم و تألیف موضوعات،

۴. بی نظیری اسلوب و سبک.

اجتماع عوامل چهارگانه فوق است که تأثیر در نفوس، لذت تلاوت، نرمی دل و شرح صدر را برای بشر به ارمغان آورده است. و به تعبیر استاد مطهری؛ بشر از خلق این هندسه بی نظیر موجود در قرآن ناتوان است.^۱

اما آثار و اشعار شاعران هر یک در جهتی بر دیگری برتری دارند.

به طور مثال حافظ در غزل عرفانی بسیار عالی شعر می سراید:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

فردوسی در حماسه سرایی گوی سبقت را ربوده است:

که گفتت برو دست رستم ببند نبندد مرا دست چرخ بلند

سعدی در پند و موعظه اوج می گیرد:

هر دم از عمر می رود نفسی چون نگه می کنی نمانده بسی

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد زپس تو پیش فرست

و مولوی در تمثیل عرفانی چیره دست است:

بشنو از نی چون حکایت می کند وز جدایی ها شکایت می کند

از نیستان تا مرا ببریده اند از نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا که گویم شرح درد اشتیاق

از این چند نمونه شعر شاعران حکیم و زبردست فارسی زبان به خوبی می توان فهمید که هر شاعر در یک بعد و در یک میدان گوی سبقت را ربوده و بر دیگران برتری یافته است؛ به همین جهت، مقایسه هیچ یک با دیگری درست نیست و نمی توان گفت: حافظ برتر از فردوسی یا سعدی بهتر از مولوی می سراید و هم از این رو است که وقتی از امیرمؤمنان (علیه السلام) می پرسند: بهترین و بالاترین شاعر عرب کیست؟ می فرماید: «انَّ الْقَوْمَ لَمْ يَجْرُوا فِي حَلْبَةٍ تُعْرِفُ الْغَايَةَ عِنْدَ قَصَبَتِهَا فَإِنْ كَانَ وَلَا بُدَّ فَالْمَلِكُ الضَّلِيلُ»؛ «راستی که این شاعران در یک میدان اسب نتاخته اند تا معلوم شود کدام یک گوی سبقت ربوده اند. اگر ناچار باید اظهار نظری کرد، پادشاه تبه کار [امرو القیس که ملک الشعراء عرب بود] بر دیگران مقدم است».^۱

بنابراین می توان نتیجه گرفت برای هموردی میان صاحبان سخن و یا شاعران لازم است در میدانی همچون قرآن، وارد شوند و متنی آماده کنند که بیانگر حقایق و اسرار جهان هستی، اخلاق، احکام و تاریخ باشد و با نظم و آهنگ موزون ارائه شود. در این صورت برای هر داور با انصاف و صاحب فن بدون تعصب، تفاوت دو متن مشهود و محسوس خواهد بود.

در این باره به چند نمونه که ادعای هموردی داشته اند اشاره می شود:

در سال ۱۹۱۲ میلادی چاپخانه ای انگلیسی - آمریکایی در بولاق مصر، در نقد و ردّ اعجاز قرآن نشریه ای منتشر و در آن ادعا کرد که سوره حمد از بلاغت کامل برخوردار نیست و در آن مطالب تکراری وجود دارد و می توان نه تنها همانند این سوره، بلکه بهتر از آن را آورد. در این نشریه چنین آمده است:

«چه نیکوست سخن برخی از منکران اعجاز قرآن که گفته اند: اگر مؤلف قرآن

۱. ر.ک: سبحانی، جعفر، الهیات، ج ۲، ص ۱۴۵، طبع دوم؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱. رضی موسوی، شریف محمد، همان، حکمت ۴۵۵.

به جای سوره حمد گفته بود: «الحمد للرحمن ربّ الاكوان الملك الديان لك العبادة و بك المستعان اهدنا صراط الایمان» با کمال اختصار مطلب را ادا کرده، در عین حال، همه محتوای سوره حمد را گردآورده، از ضعف تألیف و مطالب زاید رهایی یافته و از قافیه‌های پست، مانند رحیم و نستعین خارج شده بود.^۱

نخست باید یادآور شویم که آیه شریف «بسم الله الرحمن الرحيم» بدون هیچ اختلاف نظری یکی از آیات سوره حمد است و در آن نکات بسیار شگرف و مهمی وجود دارد و نویسنده مقاله «حسن الایجاز» از آن غفلت کرده و به آن نپرداخته است. ما از آن صرف نظر می‌کنیم و به بررسی آیات دیگر می‌پردازیم.

۱. در جمله اول تنها هنر نویسنده تبدیل واژه «الله» به «الرحمن» است؛ به توهم آنکه نیازی به ذکر الله نیست و با گذاردن واژه الرحمن به جای واژه «الله» رعایت اختصار شده است و همه آن مطالبی که واژه الله و واژه‌های الرحمن و الرحیم در آیه سوم بر آن دلالت می‌کند، در این تعبیر کوتاه گنجانده می‌شود؛ در حالی که با این تبدیل، نکاتی از دست رفته است: نخست آنکه آیه در صدد است بیان اختصاص همه ستایش‌ها به خداوند است و علاوه بر آن، دلیل و علت آن ستایش‌ها را نیز بیان می‌کند و بر این اساس، ضرورت دارد که هم واژه «الله» مطرح شود و هم در ادامه، «رحمن و رحیم» به عنوان دو وصف خداوند در این مقام ذکر شود.

از سوی دیگر، کسانی که به ستایش موجودی می‌پردازند، یا به سبب کمال‌ها و امتیازهای شخصی آن موجود است، یا برای سپاسگزاری از نعمت‌هایی است

که به آنان داده یا به امید نعمت‌ها و موهبت‌ها و یا از ترس مجازات‌های آینده او است و واژه «الله» به انگیزه نخست اشاره دارد. «رب العالمین» دومین انگیزه، «الرحمن الرحیم» انگیزه سوم و «مالک يوم الدين» انگیزه چهارم را مد نظر دارد؛ با این بیان، این آیات متذکر می‌شوند که با هر انگیزه و علتی که انسان بخواهد موجودی را ستایش کند، باید خدا را ستایش کند؛ و همه ستایش‌ها به خدا اختصاص دهد.

با این بیان، ارتباط مستحکم این آیه با آیات بعدی نیز روشن می‌شود؛ در صورتی که با تبدیل واژه الله به الرحمن، ارتباط روشنی بین جمله الحمد للرحمن و عبارت ربّ الاكوان وجود ندارد.

۲. در قسمت دوم نیز نویسنده فقط کلمه «العالمین» را به «الاكوان» تبدیل کرده است. خواننده بصیر، با اندکی تأمل درمی‌یابد که بین وصف «رب العالمین» با جمله «الحمد لله» و وصف «الرحمن الرحیم» تناسب کامل وجود دارد. به علاوه، واژه «العالمین» بر وجود عوالم متعدد و موجودات دارای شعور دلالت دارد که از واژه اکوان استفاده نمی‌شود.

۳. «الرحمن الرحیم»؛ نویسنده «حسن الایجاز» چنین پنداشته است که تعبیر الحمد للرحمن مفاد «الرحمن الرحیم» را در بردارد؛ غافل از آنکه «رحمن» بر سعه رحمت الهی و شمول آن نسبت به همه انسان‌ها یا موجودات دلالت دارد و «رحیم»، رحمت دایمی و جاودانه خداوند را که ویژه نیکوکاران است بیان می‌کند؛ و از سوی دیگر، با واژه رحیم (رحمت خاصه) زمینه مطرح شدن وصف «مالک يوم الدين» را فراهم می‌سازد و از این رو حتی با وجود این دو وصف در آیه اول «بسم الله الرحمن الرحيم» تکرار آن دو وصف، در اینجا ضرورت داشته است.

۱. ظاهر، نصیرالدین حسن، *الایجاز فی ابطال الاعجاز*، الامریکانیه مصر (بولاق)، المطبعة الانکلیزیه، ۱۹۱۲.

۴. در ادامه، نویسنده به نظر خود خواسته است وصف «مالک يوم الدين» را با کلماتی کوتاه‌تر ادا کند؛ از این رو، واژه «الملك الدِّين» را به جای آن گذارده؛ ولی در اثر این تبدیل، نکات مهمی از دست رفته است؛ توضیح آن که این سوره در صدد تعلیم و تلقین اصول معارف الهی به انسان است. در آیات قبل با ذکر اسم خاص، یعنی عَلم شخصی خدا (الله) و سه صفت از اوصاف او، به معرفی اولین اصل اعتقادی یعنی «توحید» پرداخته است و از اختصاص ستایش‌ها به خداوند سخن به میان آورده است. آیه «مالک يوم الدين» دومین اصل، یعنی «معاد» را مطرح و در آیات بعد، ضمن نتیجه‌گیری از آیات قبل، مسأله «نبوت» را که سومین اصل اعتقادی اسلام است بیان می‌کند؛ ولی تعبیر «الملك الدیان» صرفاً دو صفت دیگر از اوصاف خدا را یادآور می‌شود؛ رابطه این آیه با آیه بعد، نیز نکته مهمی است که باید به آن توجه شود. مالکیت انحصاری خداوند نسبت به روز جزا، زمینه را فراهم می‌سازد که بنده، عبادت را تنها برای خدا انجام دهد و در این مسیر، فقط از او کمک بخواهد و سر تسلیم در پیشگاه خدا فرود آورد.

۵. نویسنده به جای آیه شریف «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، جمله «لک العبادۃ و بک المستعان» را گذارده است. نه تنها مختصرتر از آیه شریف نیست، بلکه یک حرف بیشتر دارد.

نکات دیگری در باب جمع آوردن «نعبد» و «نستعین» و تکرار «ایاک» وجود دارد که در کتاب‌های تفسیری به آن پرداخته شده و از آن صرف نظر می‌شود.

۶. جمله «اهدنا صراط الایمان» که به جای «اهدنا الصراط المستقیم» گذارده شده نیز در مقایسه، از محتوای کمتری برخوردار است. علاوه بر اینکه «الصراط المستقیم» نسبت به «صراط الایمان» فراگیرتر است.

نویسنده، از همانند آوری ادامه آیات خودداری کرده است و چنان پنداشته که تعبیر «صراط الایمان» در بردارنده مفاد آیه بعد است؛ در صورتی که در آیات بعد، قدم به قدم سالک و بنده را به سوی خدا و مسیر درست وصول به قرب الهی رهنمون می‌شود؛ به علاوه از جهت تربیتی ارائه الگو و اسوه و هشدار دادن نسبت به الگوهای انحرافی و مسیرهای نادرست، نقش چشم‌گیری در تعلیم و تربیت و رشد و پیشرفت فرد دارد و این نکات تنها با عبارت «اهدنا صراط الایمان» به هیچ‌وجه تأمین نمی‌شود.^۱ گفتنی است از صدر اسلام تاکنون، نمونه‌های فراوانی از عبارت‌های مشابه آیات قرآن ساخته و پرداخته شده است که در نگاه مردم با ذوق و خردمندان صاحب سخن، نقص و ضعف آن بسیار مشهود و محسوس است.

چنان‌که در برابر آیه شریفه: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾^۲ گفته شده است: «قَتْلُ الْبَعْضِ أَحْيَاءٌ لِلْجَمِيعِ»!!؛ «أَكْثَرُوا الْقَتْلَ لِيَقُلَّ الْقَتْلُ»!!^۳. و یا در برابر آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۴.

برخی گفته‌اند: «یا ایها العاقلون لا تقتلوا الذین یلونکم من المخالفین و لیجدوا فیکم رحمة و الانسانية و اعلموا أنَّ الله مع العادِلین»!!

بنا بر آنچه گفته شد قرآن تنها با اسلوب لفظی خود تحدی نمی‌کند بلکه سبک خاص قرآن در بیان حقایق و واقعیت‌ها، محدود در وزن و قافیه خاص نیست در حالی که زیبایی‌های نظم و نثر و بدایع و لطایف را در خود داراست،

۱. برای پی بردن به نکات دیگری که در آخرین آیه سوره نهفته است به تفاسیر سوره حمد و کتب سرّ الصلوة رجوع کنید.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۷۹.

۳. رک: معرفت، محمدهادی، التمهید، ج ۵، ص ۶۰.

۴. توبه (۹)، آیه ۳۲.

این ویژگی قرآن در سطح عالی، در سایر کتاب‌های بشری و حتی کتاب‌های آسمانی دیده نمی‌شود. به‌طوری که خود پیامبر که حامل وحی است همانند آن را نیاورده است و حتی کلمات و احادیث قدسی خداوند متعال نیز با آیات قرآن متفاوت است.^۱

انواع وحی

● پرسش ۷. آیا موضوع وحی به پیامبر ﷺ فقط آیات قرآن بوده است یا خیر؟

از آیات قرآن و روایات برمی آید که وحی نازل شده بر پیامبر اکرم ﷺ، دو نوع بوده است: قسمتی از آن وحی رسالی یا «وحی تنزیلی» قرآن است و قسم دیگر، وحی غیر رسالی یا «وحی تبیینی» نامیده می‌شود که برخی به عنوان احادیث نبوی ﷺ و برخی به عنوان احادیث قدسی می‌باشند. قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۲؛ «ما ذکر (قرآن) را بر تو

نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل می‌شود، برای آنان تفسیر نمایی».

امام صادق علیه السلام نیز احادیث پیامبر اکرم را سرچشمه گرفته از سخنان خداوند متعال به حساب آورده است^۳؛ به‌طوری که می‌توان از احادیث نبوی به عنوان بیانگر مراد اصلی پروردگار بهره گرفت.

۱. ر.ک:

الف. طباطبائی، محمد حسین، *قرآن در اسلام*، ص ۱۱۸؛

ب. خویی، ابوالقاسم، *ترجمه البیان*، بخش اعجاز قرآن؛

ج. سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۳۷۲.

۲. نحل (۱۶)، آیه ۶۴.

۳. ر.ک: کلینی، *کافی*، ج ۱، ص ۵۳، ح ۴.

احادیث قدسی

● پرسش ۸. فرق قرآن با احادیث قدسی چیست؟

احادیث قدسی، روایاتی است که به وسیله جبرئیل از سوی خدا بر پیامبر ﷺ فرود آمده است. فرق آنها با قرآن این است که:

۱. قرآن معجزه و سند رسالت است؛ ولی احادیث قدسی چنین نیست.

۲. قرآن تحریف ناپذیر و قطعی است و به تواتر ثابت شده است؛ ولی امکان تحریف در احادیث قدسی وجود دارد.

۳. قرآن وحی رسالی است و آن حضرت صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ آن می‌باشد؛ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین وظیفه‌ای را در برابر احادیث قدسی ندارد.

۴. مهمترین تفاوت قرآن و احادیث قدسی آن است که در قرآن، معانی و الفاظ از سوی خداوند و معجزه است؛ اما در احادیث قدسی، معانی از سوی خداوند و الفاظ از پیامبر صلی الله علیه و آله است و معجزه نمی‌باشد.^۱

و بنا بر گفته برخی از صاحب‌نظران؛ احادیث قدسی اگرچه الفاظ و معانی آن از سوی خداوند می‌باشد، اما به مانند نظم و نثر قرآن و همراه با تحدی نیست و تفاوت احادیث قدسی با احادیث نبوی این است که در احادیث قدسی مکالمه از سوی خداست اما در احادیث نبوی، الفاظ از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله است و معانی، از نفس ملکوتی و الهام گرفته از سوی خداوند و به دور از هرگونه خطا و اشتباه می‌باشد.^۲

۱. ر.ک: *دائرة المعارف تشیع*، ج ۶، حدیث قدسی.

۲. ر.ک: *فرهنگ فقه*، ج ۳، ص ۲۶۷؛ *الرواشع السماویة*، میرداماد، ص ۲۹۱.

۲. مصحف آن حضرت، مطابق با قرائت پیامبر ﷺ بود و اختلاف قرائت در آن راه نداشت.

۳. مشتمل بر اسباب و مکان‌های نزول آیات و نام اشخاصی بود که آیات در شأن آنان نازل گشته بود.

۴. جوانب کلی و تأویل آیات در این مصحف روشن شده بود.^۱
بنابر این مصحف امام علی علیه السلام، قرآن دیگری یا مشتمل بر آیاتی غیر از آنچه در قرآن‌های موجود است، نیست. تفاوت عمده آن در ترتیب و اشتغال بر توضیحات و اطلاعات جانبی (مانند شأن نزول و...) است که در فهم قرآن، تأثیر به سزایی دارد. خود آن حضرت نیز فرمود: «لقد جئتهم بالكتاب مشتملاً علی التزیل والتأویل»^۲؛ «من قرآن را همراه با توضیحات مربوط به نزول و تأویل آن عرضه کردم».

و نیز فرمود: «آیه‌ای بر پیامبر ﷺ نازل نشد، مگر آنکه بر من خوانده و املاً فرمود و من آن را با خط خود نوشتم و نیز تفسیر و تأویل، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه هر آیه را به من آموخت و مرا دعا فرمود تا خداوند فهم و حفظ آن را به من مرحمت فرماید. از آن روز تا به حال، هیچ آیه‌ای را فراموش نکرده‌ام و هیچ دانش و شناختی را که پیامبر ﷺ به من آموخته و من آن را نوشته‌ام، از دست نداده‌ام»^۳.

۱. ر.ک:

الف. جوان آراسته، حسین، *در سنامه علوم قرآن*، ص ۱۶۳؛

ب. *فصلنامه بینات*، ش ۲۸، ص ۱۸۴؛

ج. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، ص ۳۶۵.

۲. بلاغی، محمدجواد، *آلاء الرحمان*، (طبع نجف)، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. *تفسیر برهان*، ج ۱، ص ۱۶، شماره ۱۴؛ (ق) معرفت، محمد هادی، *تاریخ قرآن*، ص ۸۶.

مصحف حضرت علی علیه السلام

● پرسش ۹. منظور از مصحف حضرت علی علیه السلام چیست؟ آیا با قرآن‌های موجود تفاوت دارد؟

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ، یاران و اصحاب آن حضرت، به جمع‌آوری آیات قرآن اقدام کردند. حضرت علی علیه السلام - که از همه یاران پیامبر ﷺ به خصوصیات تنزیل و تأویل قرآن آگاه‌تر بود - پیش از همه به این کار اقدام کرد و به مردم عرضه کرد؛ لکن به دلایلی مورد استقبال و پذیرش دستگاه رسمی خلافت واقع نشد. امام علی علیه السلام آن را به خانه برگرداند و بنا بر روایتی فرمود: «از این پس هرگز آن را نخواهید دید». آن مصحف پس از امام علی علیه السلام، نزد فرزندان و امامان معصوم علیهم السلام باقی ماند.

گفتنی است قرآن‌ها یا نسخه‌هایی از قرآن - که منسوب به امام علی بن ابی طالب است و در بعضی از موزه‌ها و کتابخانه‌ها موجود است - نمی‌تواند از نظر تاریخی و شواهد و قرائن به طور حتمی، متعلق به آن حضرت باشد.

ویژگی‌های مصحف حضرت علی علیه السلام

مصحف امام علی علیه السلام، نسبت به دیگر مصحف‌ها، از امتیازات فراوانی برخوردار بود؛ از جمله:

۱. بنا بر گفته برخی صاحب‌نظران، مصحف امام علی علیه السلام براساس ترتیب نزول، تنظیم شده بود.^۱

۱. سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۱۸۳، نوع ۱۸.

مصحف فاطمه علیها السلام

● پرسش ۱۰. وقتی آغاز وصیت نامه امام راحل علیه السلام را می خواندم، به نکته ای زیبا و دقیق برخوردیم و آن سخن از مصحف فاطمه علیها السلام بود؛ کتابی که از جانب خداوند متعال به زهرای مرضیه علیها السلام الهام شده است. این نکته چند سؤال را در ذهن من ایجاد کرد: اگر مصحف به معنای قرآن است، پس مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ چه محتوایی دارد؟ مگر ممکن است جبرئیل بر غیر پیامبر نازل شود؟ این مصحف اکنون کجا است؟ خواهشمندم مرا راهنمایی کنید.

نکته زیبا و دقیقی که ذهن و اندیشه شما را به سوی چنین مقوله و پرسش هایی درباره آن معطوف داشته، پرداختن به نکته ای است که از گذشته موضوع گفت و گوی عالمان و اندیشمندان بوده است. ورود به این مقوله، مستلزم بیان مسائلی است که در ذیل بدان اشاره می شود:

یک. چیستی مصحف

کلمه «مُصْحَف»، اکنون بیشتر به معنای «قرآن» به کار می رود؛ اما در لغت به معنای مجموعه برگه هایی است که میان دو جلد، جمع آوری شده است و امروزه «کتاب» خوانده می شود.^۱ بنابراین، منظور از «مصحف فاطمه» کتاب آن حضرت است که در بعضی از روایات اهل سنت نیز به آن اشاره شده است. روایانی چون «ابی بن کعب» وجود کتابی نزد حضرت فاطمه علیها السلام را تأیید کرده است.^۲

۱. حسینی جلالی، سید محمد رضا، *تدوین السنة الشریفة*، ص ۷۶.

۲. اسعد عبود، *صحیفة الزهراء علیها السلام*، صص ۵۶ - ۵۸.

بدین ترتیب سخن کسانی مانند ایجی در مواقف و جرجانی در شرح مواقف - که مدعی اند، شیعه به قرآنی منسوب به فاطمه علیها السلام که غیر از قرآن رایج میان مسلمانان است، اعتقاد دارد - نادرست است و در عدم رجوع به روایات شیعه و نیز عدم دقت در معنای مصحف ریشه دارد.^۱

درباره ماهیت این مصحف در منابع شیعی، روایات فراوان وجود دارد. در این احادیث، محتوا، حجم، زمان و کیفیت نگارش مصحف بیان شده است. البته در نگاه ابتدایی، اختلافاتی میان این روایات دیده می شود؛ ولی با اندکی دقت، قابل توجیه است.^۲ بعضی از روایات، مطالب آن را غیر از مطالب قرآن دانسته اند.^۳ براساس شماری از احادیث، در این کتاب، مطالبی چون وصیت حضرت زهرا علیها السلام،^۴ مصیبت های فرزندان آن حضرت در طول زمان،^۵ پیشگویی حوادث آینده^۶ و تمام پادشاهانی که بر زمین حکم خواهند راند،^۷ نوشته شده است.

دسته ای از روایات نیز از اشمال این مصحف، بر تمام احکام حلال و حرام، سخن به میان آورده است.^۸ براساس بعضی از احادیث، امام صادق علیه السلام حوادث تاریخی ای چون ظهور زندیقان را پیشگویی و گفتارش را به مصحف فاطمه، مستند کرده است.^۹

۱. معروف الحسینی، هاشم، *سیرة الائمة الاثنی عشر*، ج ۱، ص ۹۸ و ۹۹.

۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، (تهران: دارالکتب الاسلامیه)، ج ۲۶، ص ۳۸ - ۴۸.

۳. همان، ص ۳۸ و ۳۹.

۴. همان، ص ۴۳.

۵. همان، ص ۴۱.

۶. همان، ص ۴۴.

۷. حسینی جلالی، سید محمد رضا، *تدوین السنة الشریفة*، ص ۷۷.

۸. *بحار الانوار*، ص ۳۷.

۹. همان، ص ۴۴.

میان این احادیث نیز ناسازگاری وجود ندارد؛ زیرا می توان گفت خداوند به وسیله فرشته ای از فرشتگان خود (جبرئیل)، با آن حضرت سخن گفته است و فاطمه زهرا علیها السلام بخشی از این کتاب را به مطالب دریافتی از پدر بزرگوار خود و بخشی دیگر را به مطالب جبرئیل اختصاص داده بود.

سه. امکان نزول جبرئیل

اشکال دیگر روایات دسته اخیر، قطع وحی پس از رسول اکرم است. به عبارت دیگر مسلمانان معتقدند آن حضرت، خاتم پیامبران است و بعد از وفات ایشان، ارتباط میان زمین و آسمان قطع و وحی منقطع گشته است. حال چگونه فرشته بر حضرت زهرا علیها السلام نازل شده و با آن بزرگوار گفت و گو کرده است؟

در پاسخ گفتنی است: طبق آیات قرآن، نزول فرشته الهی و ارتباط خداوند با غیر پیامبران، از طریق فرشتگان و وحی امکان پذیر است؛ چنان که آیات بسیاری از ارتباط فرشته با حضرت مریم سخن می گوید^۱ و خداوند ارتباط خود با مادر حضرت موسی را وحی می خواند.^۲ وقتی امکان این ارتباط با زنانی چون مادر موسی و حضرت مریم پذیرفته شد، امکان و وقوع آن درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام - که از سوی پیامبر اکرم سرور همه زنان در همه زمانها معرفی شده است - به طریق اولی پذیرفتنی می نماید. منظور از انقطاع وحی و قطع ارتباط زمین و آسمان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قطع ارتباط میان خداوند

این روایات با هم ناسازگار نیست؛ زیرا ممکن است همه مطالب یاد شده در آن مصحف، وجود داشته و هر روایت بخشی از محتوای آن را بیان کرده باشد.

دو. کیفیت نگارش مصحف

مهم ترین مطلب درباره این مصحف، زمان و کیفیت نگارش آن و مسئله ارتباط حضرت زهرا علیها السلام با جبرئیل و دیگر فرشتگان الهی است. در چند روایت آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطالب را املا می کرد و امام علی علیه السلام می نوشت.^۱ درباره سبب انتساب مصحف به فاطمه علیها السلام، می توان گفت: آن کتاب نزد آن حضرت نگه داری می شد و یا او واسطه رسیدن بعضی از مطالب، به دست امام علی علیه السلام بوده است.

در بعضی از روایات، مصحف، ره آورد املا و وحی مستقیم خداوند بر حضرت زهرا علیها السلام دانسته شده است.^۲ بر اساس روایات دیگر، بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خداوند فرشته ای را نزد آن حضرت می فرستاد تا در غم پدر، دلداری اش دهد و وی را از مکان و جایگاه رسول خدا در بهشت آگاه سازد و با او درباره مطالب مختلف به گفت و گو بنشیند. حضرت فاطمه علیها السلام سخنان آن فرشته را به امام علی علیه السلام منتقل می کرد و آن حضرت آنها را به نگارش در می آورد.^۳ روایتی این فرشته را جبرئیل علیه السلام معرفی کرده است.^۴

۱. همان، ص ۴۱ و ۴۲ و ۴۹.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۴۴ و ۴۸.

۴. همان، ص ۴۲.

۱. آل عمران (۳)، آیات ۴۲ و ۴۳ و ۴۵.

۲. قصص (۲۸)، آیه ۷.

و فردی به عنوان پیامبر و مأمور ابلاغ است؛ نه عدم امکان ارتباط زمینیان با خداوند و فرشتگان.

براساس روایات شیعه، نوعی ارتباط میان امامان معصوم و خداوند وجود دارد.^۱ در روایات اهل سنت نیز بعضی از افراد «مُحَدَّث» معرفی شده‌اند؛ یعنی، کسانی که با فرشتگان الهی نوعی ارتباط دارند و از آنها حدیث دریافت می‌کنند.^۲

چهار. مصحف نزد چه کسی است؟

براساس روایات شیعه، این مصحف در زمان‌های مختلف، نزد امامان معصوم بوده است و از امامی به امام دیگر رسیده و جز آن بزرگان، کسی بدان دسترسی نداشته است. آنان با استفاده از آن، حوادثی را پیشگویی و احکامی را بیان کرده‌اند.^۳

در پایان گفتنی است: کتاب‌هایی که اخیراً با عنوان *صحیفه الزهرا* منتشر شده،^۴ با *مصحف فاطمه* تفاوت دارد؛ زیرا در این کتاب‌ها عمدتاً دعا‌های منسوب به آن حضرت علیها السلام به چشم می‌خورد؛ نه آنچه در روایات درباره *مصحف فاطمه* بیان شده است.

نزول قرآن

نزول فرشتگان

● پرسش ۱۱. با توجه به اینکه خداوند اختصاص به مکانی ندارند، نزول قرآن به واسطه جبرئیل، چگونه تصور می‌شود؟

در این پرسش، نزول فرشتگان همسان با نزول و فرود آمدن باران انگاشته شده است! در حالی که نزول در غالب موارد به این معنا استعمال نشده و معانی دیگری دارد. قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾^۱؛ «و هیچ چیز

نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه‌ای

معین فرو نمی‌فرستیم».

در این آیه نزول اشیاء از خزاین الهی چیزی جز مراتب آفرینش آنها نیست؛ زیرا این مسئله روشن است که درختان و انسان‌ها از بالای آسمان بر زمین فرو نمی‌بارند.

۱. حجر (۱۵)، آیه ۲۱.

۱. *بحارالانوار*، ج ۲۶، ص ۶۶ و ۹۷.

۲. *اعیان الشیعه*، ج ۱، ص ۳۱۴ و ۳۱۵.

۳. *بحارالانوار*، ص ۴۸ - ۳۸.

۴. مانند: اسعد عبود، *صحیفه الزهرا* علیها السلام؛ قیومی اصفهانی، جواد، *صحیفه الزهرا* علیها السلام.

در مورد قرآن نیز نزول و مشتقات آن مکرر به کار رفته است. در این موارد نیز روشن است که قرآن از مکانی در بالا به زمین فرود نیامده است؛ بلکه حقیقتی ملکوتی و علوی داشته که مرتبه به مرتبه تنزل یافته تا به وجود لفظی رسیده است. به همین دلیل که از مرتبه‌ای بالا به مرتبه‌ای پایین آمده تعبیر به نزول شده است. نحوه نزول ملائکه نیز احیاناً چیزی متناسب با شکل وجودی آنها است؛ به گونه‌ای که واسطه فیض خداوند نسبت به انسان‌ها می‌شوند. البته گاهی بدون تمثّل و گاهی به صورت تمثّل است؛ آن‌گونه که بر حضرت ابراهیم به عنوان میهمان وارد شدند.^۱

نزول تدریجی قرآن

● پرسش ۱۲. با توجه به آیه شریفه ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ آیا تمام

قرآن در ماه رمضان نازل شده است؟

درباره کیفیت نزول قرآن، دو گونه آیات در قرآن کریم وجود دارد:

یک. آیاتی که بر نزول قرآن در شب قدر و ماه رمضان دلالت دارند؛ مانند:

آیه ۱۸۵ سوره «بقره»؛

آیه ۳ سوره «دخان»؛

آیه ۱ سوره «قدر».

دو. آیاتی که بر نزول تدریجی قرآن در طول ۲۰ یا ۲۳ سال دلالت دارند؛

مانند: آیه ۱۰۶ سوره «اسراء» و آیه ۳۲ سوره «فرقان».

۱. ر.ک: ذاریات (۵۱)، آیات ۲۴ تا ۲۸.

پاسخ‌هایی که از جانب علمای اهل سنت و شیعه داده شده، به این صورت است:

۱. بیشتر اهل سنت و برخی از علمای شیعه (مانند شیخ مفید، سید مرتضی، ابن شهر آشوب) گفته‌اند: منظور از نزول قرآن در شب قدر، آغاز و شروع نزول است که در ماه رمضان بوده است؛ زیرا هر حادثه‌ای را می‌توان به زمان شروع آن نسبت داد.^۱ از این رو به نظر این گروه از علما، طایفه اول از آیات در مقابل مفاد طایفه دوم قرار نمی‌گیرد.

۲. برخی گفته‌اند: مقصود از «رمضان»، رمضان خاص نیست؛ بلکه نوع آن است؛ یعنی، در هر رمضان از هر سال، به اندازه نیاز مردم در همان سال، آیات قرآن به طور یکباره بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد و سپس به حسب مواقع حاجت، همان آیات به دستور خدا و توسط جبرئیل بر پیامبرش ﷺ به طور تدریجی نازل می‌گشت. فخر رازی این احتمال را داده است.^۲ روشن است که با این فرض، قرار گرفتن طایفه اول در برابر طایفه دوم متنفی می‌گردد.

۳. به نظر برخی، معنای طایفه اول آیات این است که بخش بزرگی از قرآن در ماه‌های رمضان نازل شده است و به لحاظ آن، انتساب نزول قرآن به ماه‌های رمضان هم صحت پیدا می‌کند.^۳

۴. برخی -از جمله شیخ صدوق- معتقدند: قرآن به صورت مجموع در یک شب قدر در بیت العزة یا بیت المعمور نازل گردید. سپس در طول ۲۰ یا ۲۳ سال به صورت تدریجی بر پیامبر نازل می‌شد. این دیدگاه برگرفته از

۱. ر.ک: معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. ر.ک: التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۸۵.

۳. ر.ک: سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۷۹.

برخی شواهد روایی است؛ چنان که شیخ صدوق از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «قرآن یک‌باره بر بیت‌المعمور نازل شده است، آن‌گاه در طول بیست سال بر پیامبر نازل شده است»^۱.

در این دیدگاه، نزول قرآن در بیت‌المعمور (محل جبرئیل) یا بیت‌العزّه تنها بر جبرئیل، ملک موکل وحی انجام گرفته است. بنابراین مراد از نزول قرآن در شب قدر نزول آن بر آسمان مزبور است تا ملک وحی، در زمان مناسب و به تناسب حوادث، در اختیار پیامبر (ص) قرار دهد.

۵. برخی دیگر از علمای شیعه (مانند فیض کاشانی و ابو عبدالله زنجانی) آسمان چهارم را -که در روایات آمده است- بر قلب شریف پیامبر اکرم (ص) تأویل می‌کنند و معتقدند: آن حضرت چهار مرتبه «جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی» را به نهایت رساند تا آنکه حقیقت قرآن بر او نازل شد.

علامه طباطبایی این تأویل را مبرهن کرده و با فرق گذاشتن میان نزول دفعی و تدریجی، اظهار داشته‌اند؛ «تنزیل» همان نزول تدریجی است که مرحله قطعه قطعه و مقام تفصیل قرآن را شامل می‌گردد. این دیدگاه برگرفته از برخی شواهد قرآنی است، از جمله: ﴿كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾^۲.

علامه طباطبایی علت نیاز به نزول دفعی را این‌گونه بیان کرده است: «قرآن کریم دارای یک حقیقت والا، روح باطنی و وجود بسیط است؛ همان‌گونه که واجد یک حقیقت تفصیل یافته و تجزیه شده در قالب الفاظ و کلمات است.

۱. ر.ک: صدوق، *الاعتقادات*، ص ۱۰۱؛ *بحارالانوار*، ج ۱۸، ص ۲۵۰.

۲. هود (۱۱)، آیه ۱.

یک‌بار همان حقیقت بسیط و روح کلی، سر بسته و متعالی قرآن از لوح محفوظ که مرتبه‌ای از علم الهی است، به صورت دفعی بر جان و روان پیامبر اکرم تجلی نمود. زیرا کسی که معلم، مربی، بشیر، نذیر و رحمت برای عالمیان است، باید سرفصل‌ها، اغراض و اهداف اساسی دعوت و پیام آسمانی و کتاب خویش را به صورت کلی و اجمالی (اجمال در عین کشف تفصیلی) بداند و بر معارف عظیم الهی و آیین هدایت و حقایق عالی خلقت و اسرار وجود آگاهی یابد^۱.

بنابراین علت نزول دفعی قرآن، آگاهی یافتن از اهداف، برنامه‌ها، هدایت‌ها و حقایق به صورت اجمالی و کلی است و پیامبر (ص) می‌بایست از این‌گونه علم و فیض غیبی بهره‌مند می‌شد. البته «نزول تدریجی» و متناسب با حوادث و نیازها، برای تثبیت قلب پیامبر (ص) تأثیر فراوانی داشته و ترتیب نزول آیات الهی برای راهنمایی بشر و ارائه الگو، جهت شکل‌گیری یک تمدن اسلامی، بسیار راه‌گشا و کارساز بوده است.

از میان دیدگاه‌های مختلف، قول علامه طباطبایی مؤیدات کلامی دارد؛ اما برخی از محققان علوم قرآنی، دلایل او را کامل ندانسته و معتقدند: آنچه به‌طور مسلم می‌توان پذیرفت، تنها همان نزول تدریجی است و فضیلت ماه مبارک رمضان، در این است که آغاز نزول آیاتی از قرآن به عنوان کتاب هدایت بشری در این ماه است^۲.

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

الف. *المیزان*، ج ۲، صص ۱۵ و ۱۸، ج ۱۸، ص ۱۳۹، ج ۱۴، صص ۲۳۱ و ۲۳۲.

ب. جوادی آملی، *قرآن در تفسیر* (تفسیر موضوعی)، صص ۷۲-۷۴.

۲. ر.ک: معرفت، محمد هادی، *التمهید*، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۲۱.

جمع‌آوری کردند: ابی بن کعب، زید بن ثابت، معاذ بن جبل، ابودرداء، سعید بن عبید و ابوزید».

تدوین قرآن

● پرسش ۱۳. قرآن در طول ۲۳ سال نازل شده و ترتیب نزول آیات آن

به شکل کنونی نبوده است؛ چنان‌که اولین آیه نازل شده ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ است. سؤال این است که جمع‌آوری قرآن به صورت کنونی، به دستور چه کسی، در چه زمانی و چگونه انجام گرفته است؟

درباره نحوه جمع‌آوری و تدوین قرآن، میان پژوهشگران علوم قرآنی دو دیدگاه وجود دارد:

یک. تدوین در عهد رسول خدا ﷺ

این گروه می‌گویند: قرآن در عهد رسول خدا ﷺ و به صورت امروزی (ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها) تدوین یافته است. صاحبان این دیدگاه دلایلی را برشمرده‌اند؛ از جمله:

۱-۱. مصونیت قرآن از خطر تحریف، بدون تدوین در زمان پیامبر ﷺ امکان‌پذیر نبود؛ چون غیر از آن حضرت، کسی به‌طور کامل به خصوصیات قرآن آگاه نبود.

۲-۱. تحدی از جانب قرآن، اقتضا می‌کند؛ آیه‌ها و سوره‌ها، مطابق نظر پیامبر ﷺ تنظیم شده و به شکل خاصی درآید.

۳-۱. بعضی از روایات دلالت دارد که عده‌ای در زمان رسول خدا، مشغول این کار بودند. شعبی می‌گوید: «شش نفر از انصار، قرآن را در عهد رسول خدا ﷺ

دو. تدوین بعد از رحلت رسول خدا ﷺ

براساس این نظر، تدوین قرآن به عصر بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ برمی‌گردد؛ امکان تدوین قرآن به لحاظ تداوم نزول وحی، در زمان پیامبر ﷺ وجود نداشت و تا آخرین روزهای زندگانی آن حضرت نزول آیات قرآن ادامه داشت.

تذکر این نکته ضروری است که بین نوشتن آیات و تدوین آن، به عنوان یک کتاب، تفاوت وجود دارد. صاحبان این دیدگاه معتقدند جمع‌آوری قرآن در سه مرحله انجام شده است:

یکم. نظم و چینش آیه‌ها در کنار یکدیگر که شکل‌گیری سوره‌ها را در پی داشت و در عصر پیامبر ﷺ صورت گرفت.

دوم. جمع کردن مصحف‌های پراکنده، در یک جا و تهیه جلد برای آنها که در زمان ابوبکر انجام شد.

سوم. جمع‌آوری تمامی قرآن‌های نوشته شده از سوی کاتبان وحی، برای نگارش یک قرآن به عنوان الگو و ایجاد وحدت قرائت در آن که در زمان عثمان صورت گرفت.

گفتنی است؛ بیشتر علمای اسلام، تدوین در زمان رسول خدا ﷺ را نپذیرفته‌اند. اما عده‌ای از آنان، به تدوین و جمع‌آوری قرآن در زمان آن حضرت معتقد بوده و سه مرحله‌ای بودن و یا تدوین در زمان خلفا را

صورت نگرفت، می‌گویند: پیامبر ﷺ، به ترتیب و جمع آیه‌ها اهتمام داشت؛ ولی گردآوری و ترتیب سوره‌ها، بعد از رحلت آن حضرت صورت گرفت؛ زیرا در زمان پیامبر ﷺ همچنان انتظار نزول قرآن می‌رفت. بنابراین با تداوم نزول وحی، جمع‌آوری قرآن در یک جلد کامل، همانند کتاب امکان‌پذیر نبود. از این رو هنگامی که پیامبر ﷺ آثار وفات را مشاهده و به انقطاع وحی یقین پیدا کرد، حضرت علی علیه السلام را به جمع‌آوری قرآن وصیت فرمود.

اما متأسفانه پس از رحلت پیامبر ﷺ، قرآن جمع‌آوری شده به دست حضرت علی علیه السلام مورد پذیرش حاکمان وقت قرار نگرفت و جامعه اسلامی تا سال ۲۵ هجری از داشتن مصحف رسمی محروم ماند! هر چند مصحف‌های صحابه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

براساس این دیدگاه پس از رحلت پیامبر ﷺ، بزرگان صحابه بر حسب دانش و کفایت خود، به جمع‌آوری آیات و مرتب کردن سوره‌های قرآن دست زدند و هر یک، آنها را در مصحف خاص خود گرد آوردند. به این ترتیب و با گسترش قلمرو حکومت اسلام، تعداد مصحف‌ها رو به فزونی گذاشت.

بعضی مصحف‌ها، به تبع موقعیت و پایگاه جمع‌کننده آن، مقام والایی کسب کرد؛ به عنوان نمونه مصحف عبدالله بن مسعود، مرجع اهل کوفه به شمار می‌آمد. مصحف ابوموسی اشعری در بصره و مصحف مقداد بن اسود در دمشق مورد توجه مردم بود. گردآورندگان مصحف‌ها، متعدد بوده و ارتباطی با یکدیگر نداشتند و از نظر کفایت، استعداد و توانایی انجام کار، یکسان نبودند. بنابراین نسخه هر کدام از نظر روش، ترتیب، قرائت و... با دیگری یکسان نبود.

هم به‌طور کلی رد می‌کنند؛ از جمله آیه‌الله خویی^۱، آیه‌الله حسن زاده آملی^۲، دکتر صبحی صالح^۳ و....

آیه‌الله خویی رحمه الله در تبیین دیدگاه خود، آورده است:

۱. احادیث دلالت‌کننده بر جمع‌آوری قرآن در غیر زمان پیامبر ﷺ با یکدیگر در تناقض است. در بعضی ابوبکر، در بخشی دیگر عمر و در بعضی عثمان ذکر شده است.

۲. این روایات، با احادیث دلالت‌کننده بر جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر ﷺ تعارض دارد.

۳. احادیث یادشده، با حکم عقل به لزوم اهتمام پیامبر ﷺ در امر جمع و ضبط قرآن مخالف است.

۴. این روایات با اجماع مسلمانان، مبنی بر ثبوت [قطعی] قرآن از طریق تواتر مخالفت دارد.

۵. جمع‌آوری پسینی، نمی‌تواند شبهه تحریف قرآن را به‌طور کامل از بین ببرد.

کسانی که تدوین را به عهد رسول خدا منسوب نمی‌دانند، ضمن پاسخ به اشکالات یاد شده، بر این باورند که گردآوری قرآن، یک حادثه تاریخی است؛ نه مسئله عقلانی؛ از این رو می‌بایست در این باره به نصوص تاریخی مستند مراجعه کرد.

این گروه در مقابل این سؤال که چرا تدوین در زمان رسول خدا ﷺ

۱. ترجمه البیان، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲. فصل الخطاب، ص ۴۶.

۳. مباحث فی علوم القرآن، ص ۷۳.

این تفاوت‌ها، بین مردم اختلاف ایجاد می‌کرد. دامنهٔ اختلاف به آنجا رسید که حتی در مرکز خلافت (مدینه)، معلمان قرآن، شاگردان خود را به صورت‌های مختلف تعلیم می‌دادند.

این اختلافات، زمینه تقاضای صحابه از عثمان را برای یکی کردن مصحف‌ها به وجود آورد. وی ابتدا گروهی متشکل از چهار تن (زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمان بن حارث بن هشام) را مأمور این کار کرد. سپس به دلیل مخالفت برخی صحابه، هشت تن دیگر را بر این جمع افزود. در این دوره ریاست املای آیات با صحابی بزرگ پیامبر ابی بن کعب بود. این گروه، مصحف‌ها را از اطراف و نقاط مختلف کشور پهنآور اسلامی، جمع کرده و قرآنی را، از بین آنها فراهم آوردند (مشهور به مصحف عثمانی). همه مصحف‌های دیگر به دستور عثمان، سوزانده یا در آب جوش انداخته شد.

از این مصحف‌ها چند عدد نسخه‌برداری شد و به همراه قاریان آگاه، به مراکز مهم اسلامی ارسال گردید تا همگان طبق آنها، به تکثیر و تعلیم قرآن اقدام کنند.^۱

در مصحف عثمانی، چینش سوره‌ها بعد از سوره «فاتحة الكتاب» عبارت است از: سوره‌های طولانی، سپس سوره‌های «مئین» (سوره‌هایی که غالباً از صد آیه بیشترند)، آنگاه سوره‌های «مثنی» (غالباً کمتر از صد آیه) و سپس سوره‌های معضلات (سوره‌های کوتاه قرآن) برخی معتقدند: این چینش -که به ترتیب طول و درازی سوره‌ها در مصاحف رسمی (عثمانی) وجود دارد-

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

الف. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، صص ۸۴-۱۳۹؛

ب. رامیار، محمد، تاریخ قرآن، ص ۴۰۷.

در زمان عثمان تنظیم شده است. اما گروهی نیز بر این باورند که این چینش به دستور پیامبر اکرم ﷺ و در زمان آن حضرت به وقوع پیوسته است. گروهی نیز نظریه‌ای میان این دو برگزیده‌اند و معتقدند تدوین و چینش سوره‌ها بعد از رحلت پیامبر ﷺ انجام گرفته، ولی ترتیب برخی سوره‌ها مانند حوامیم و مسبحات به صورت فعلی، در زمان پیامبر ﷺ نیز مشهور بوده است.^۱

امامان و اهل بیت (علیهم‌السلام)، قرآن موجود را تأیید و تلاوت براساس آن را سفارش کرده‌اند.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «حضرت علی (علیه‌السلام) خودش پیش از آن، قرآن مجید را به ترتیب نزول جمع آوری کرده^۲ و به جماعت نشان داده بود؛ اما مورد پذیرش واقع نشد و آن حضرت بر هیچ یک از جمع اول و دوم شرکت داده نشد. با این حال هیچ گونه مخالفت و مقاومتی از خود نشان نداد و آن مصحف را پذیرفت و تا زمانی که زنده بود -حتی در زمان حکومت خود- از خلاف دم نزد. همچنین امامان معصوم (علیهم‌السلام) اعتبار قرآن مجید موجود را تأیید می‌کردند و پیوسته در بیانات خود، به آن استناد جسته و به شیعیان دستور می‌دادند از قرائت‌های مردم پیروی کنند...»^۳.

به همین جهت امروز مصحف عثمانی تنها مصحف رسمی دنیای اسلام است.

۱. ر.ک: حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن.

۲. این عبارت علامه دلالت دارد که چینش سوره‌ها به ترتیب کنونی در زمان پیامبر اکرم ﷺ صورت نگرفت زیرا در

این صورت علی (علیه‌السلام) به گونه‌ای دیگر قرآن را تدوین نمی‌کرد.

۳. ر.ک:

الف. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۱۱۹؛

ب. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۳۵.

در عرفات آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾^۱ نازل گردید و پس از آن رسول خدا ﷺ هشتاد روز در قید حیات بود. بعد به ترتیب، آیه ربا^۲ و در واپسین مرحله ﴿وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ﴾^۳ به عنوان آخرین آیه نازل شد. آخرین سوره‌ای که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گردید، سوره توبه است. البته آخرین سوره‌ای که یکباره و به طور کامل نازل شده، سوره نصر است.

ترتیب زمانی نزول آیات نیز به ترتیبی که الان در قرآن وجود دارد، نبوده؛ بلکه به مقتضای حوادث و رویدادهای مختلف گاهی یک آیه یا چند آیه و گاهی نیز یک سوره کامل بر پیامبر اکرم ﷺ نازل می‌شد؛ ولی ترتیب و چینش فعلی آیات قرآن کریم به اتفاق همه مسلمین و به دلیل روایات متعدد و اسناد محکمی که وجود دارد به دستور پیامبر اکرم ﷺ بوده است.^۴

اولین آیات

● پرسش ۱۴. اولین و آخرین سوره و آیاتی که از قرآن نازل شده کدام است؟

در مورد اولین آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل شد سه دیدگاه وجود دارد:

۱. پنج آیه اول سوره علق،

۲. سوره مدثر،

۳. سوره فاتحه‌الکتاب.

بنا بر شواهد و روایات معتبر، اولین آیات نازل شده پنج آیه ابتدای سوره علق بوده و سوره حمد پنجمین سوره‌ای است که بر پیامبر ﷺ نازل شد.

بنابر قولی این سوره اولین سوره کاملی است که نازل گردید.

در مورد آخرین آیات نازل شده نیز اختلافاتی وجود دارد، طبرسی در **مجمع‌البیان** در جمع بین اقوال مختلف می‌نویسد: مفسران می‌گویند: وقتی آیه ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾^۱ بر پیامبر ﷺ نازل شد، فرمود: ای کاش! می‌دانستم این زمان چه وقتی است؟ بعد خداوند متعال سوره‌های «فتح» و «نصر» را نازل کرد و از آن پس پیامبر ﷺ در بین تکبیر و قرائت سکوت می‌کرد و می‌فرمود: «سبحان الله و بحمده استغفرالله و اتوب الیه». مردم به رسول خدا ﷺ عرض کردند: چنین ذکر را نمی‌گفتید؟ فرمود: این ندا و فریاد جان و روان من است و آن حضرت ﷺ پس از نزول این سوره، یک سال در قید حیات بود. وقتی که برای حجة‌الوداع از مدینه خارج شدند، آیه کالاه^۲ و سپس در حال وقوف

۱. مانده (۵)، آیه ۳.

۲. بقره (۲)، آیات ۲۷۸ - ۲۸۰.

۳. همان، آیه ۲۸۱.

۴. ر.ک: حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن.

۱. زمر (۳۹)، آیه ۳۰.

۲. نساء (۴)، آیه ۱۷۶.

فهم قرآن

تفسیر فردی

● پرسش ۱۵. آیا برداشت‌های فردی از قرآن صحیح است؟ آیا نمی‌شود بدون

مراجعه به کتاب‌های تفسیری، خودمان از قرآن استفاده کنیم؟

مگر قرآن هدایت برای همه نیست؟

قرآن کتابی است با زبان عرفی و در اوج فصاحت و بلاغت و رسایی معنا؛
از این رو عرب‌زبانان عصر نزول، بسیاری از معارف قرآن را بدون مراجعه
به تفسیر، درک می‌کردند.

اما به دلایلی، جهت فهم صحیح آیات قرآن نیاز به آگاهی‌های بیشتر و مراجعه
به تفسیرهای معتبر داریم:

۱. قرآن در کنار حادثه‌ها بود و به وقایعی که در طول ۲۳ سال رسالت
پیامبر اکرم ﷺ اتفاق می‌افتاد، نظر داشت. عرب‌های معاصر پیامبر ﷺ آن حوادث
را درک کرده بودند، اما نسل‌های بعد از آن صحنه‌ها دور شدند. لذا آگاهی به
شرایط نزول آیات در فهم بهتر کمک می‌کند.

۲. قرآن با توجه به مخاطبان اولیه خود، از مثال‌ها و اصطلاحات منطقه‌ای بهره جسته است؛ اگر چه پیام‌های آن فرامنطقه‌ای است. آگاهی از این قالب‌ها در فهم بهتر پیام‌ها بسیار کارگشا است.

۳. برخی از عبارات قرآنی، مربوط به ادیان آسمانی گذشته است؛ لذا آشنایی با اعتقادات آنان و محتوای کتاب‌ها و منابع آنان بایسته است.

روشن است به دلیل ناآگاهی از موارد فوق، پرده‌هایی از ابهام، بر عبارات قرآن عارض می‌شود. مفسران این پرده‌ها را کنار می‌زنند، تا مراد خداوند به طور شفاف استخراج و کشف شود. در واقع آنان کار فهم آیات را بر ما ساده و آسان می‌کنند.

گاهی جهت فهم مراد آیات قرآن، علاوه بر تفسیر به دانش‌های دیگری همچون تأویل و تطبیق نیز نیازمندیم.

گفتنی است معنای «هدایت بودن قرآن» آن نیست که بدون دانستن زبان آن و رسیدن به سرچشمه‌های قرآنی، بتوانیم از هدایت آن بهره‌گیریم. همان‌طور که استفاده از آب که مایه حیات است، گاه نیازمند حفر چاه و کنار زدن لایه‌های خاک و سنگ از روی آن است.

بنا بر آنچه گفته شد؛ بهره‌مندی از معارف قرآن تا حدودی برای همگان ممکن است؛ اما برای فهم قرآن - به عنوان منبع اساسی معرفت دینی - باید ابزارهای خاص آن را بیابیم و حدود استفاده از آنها و میزان تأثیر و اعتبار آنها را بدانیم. مهم‌ترین این ابزارها عبارت است از:

۱. ادبیات و قواعد زبان‌شناختی

برای درک سخن هر گوینده و نقطه آغاز تفاهم، آگاهی از قواعد اولیه مربوط به زبان و لغت او ضروری است؛ از این رو باید اطلاعاتی کافی و عمیق

از ادبیات این زبان، داشت. در ادبیات نیز فهم معناشناسی واژه‌ها، آشنایی با علم صرف و علم نحو - که جایگاه ترکیبی کلمات را در ساختار جملات مشخص می‌سازد - و اطلاع از علم معانی و بیان و بدیع - که در زیباسازی کلام حاوی قواعد مهمی است - بایسته است.

۲. آشنا بودن به مضمون و سیاق خود قرآن

در قرآن قرینه‌هایی هست که بعضی پیوسته و برخی ناپیوسته است و برای فهم مقصود هر گوینده، مناسب‌ترین شیوه آن است که سخنان او را در کنار هم و مرتبط با هم بنگریم و این شیوه در ارزیابی و نتیجه‌گیری مفید است.

۳. سنت معصوم ﷺ

از جمله شئون پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام، تبیین مقاصد کتاب الهی است: ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۱.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «این آیه مبارکه، دلیل بر حجّیت سخن پیامبر اکرم در شرح آیات قرآن کریم است»^۲. سنت و سخن معصوم ﷺ در تفسیر و تبیین قرآن و تعلیم شیوه تفسیر به مردم و تبیین تأویل و تعلیم راهیابی به بطون قرآن، نقش اساسی دارد.

۴. عقل و تفکر خلاق

مفسّر و بهره‌گیرنده از قرآن، باید عقل فعّال و تفکّر خلاق داشته باشد تا بتواند با استفاده از این ابزار به‌طور صحیح و دقیق، معارف دینی را از آیات قرآنی استخراج کند.

۱. نحل (۱۶)، آیه ۴۴.

۲. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶۱.

۵. جامع نگری

گفتنی است دین مجموعه عقاید و آموزه‌هایی است که باید با هم سازگار باشد؛ از این رو در برداشت از قرآن، باید هر مفهوم قرآنی، در مجموعه آموزه‌های دینی - که از منابع اصلی به دست آمده - نگریسته شود. فهم عمیق معانی قرآن، نیاز به تلاش علمی بسیار دارد؛ از این رو مفسرانی موفق بوده‌اند که کوله‌باری از پیشینه علمی و تحقیقی بر دوش آنان بوده است.^۱

تفسیر سمبلیک

● پرسش ۱۶. آیا تفسیر نمادین از قرآن صحیح است؟ آیا می‌توان داستان حضرت آدم علیه السلام و فرشتگان را سمبلیک دانست؟

نخست باید توجه کرد که گاهی منظور از «سمبل و نماد»، طرح بعضی داستان‌ها و توصیف برخی از شخصیت‌ها به عنوان یک ایده و آرمان است؛ بدون اینکه واقعیت خارجی داشته باشد. چنان که در تعریف «سمبولیک» گفته‌اند: «چیزی که دارای ارزش و کارآیی خاص خود نیست و نشانه و مظهر چیز دیگری است». «سمبولیسم» نیز شیوه‌ای است که در حدود سال ۱۸۸۰ م در ادبیات پیدا شد؛ به گونه‌ای که برخی شاعران معتقد بودند: شعر باید از راه آهنگ کلمات، حالات روحی و احساسات را به خواننده یا شنونده القا کنند^۲.

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب‌های علوم قرآنی مراجعه شود؛ از جمله:

الف. دزفولی، کمال، شناخت قرآن؛

ب. بهشتی، محمدحسین، روش برداشت از قرآن؛

ج. سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآنی.

۲. ر.ک: زمردیان، رضا، فرهنگ واژه‌های قبل اروپایی در فارسی.

اما گاهی منظور از «سمبل و نماد» انتقال یک پیام ویژه - خارج از حصار زمان و مکان - و ارائه الگوی تمام عیار، در قالب بیان یک داستان واقعی و توصیف یک شخصیت حقیقی است. با توجه به شأن کلام خدا و شواهد تاریخی و بیانات پیامبر و امامان علیهم السلام آنچه در قرآن مجید آمده، نوع دوم است.

نمونه آشکار داستان‌های نمادین قرآن، داستان آفرینش و خلافت حضرت آدم علیه السلام و سجده فرشتگان و استکبار شیطان است. داستان حضرت آدم علیه السلام اگر چه به‌طور واقعی اتفاق افتاده است؛ ولی توانایی حضرت آدم علیه السلام بر تعلیم اسما و نیل به مقام خلافت الهی، منحصر در شخص ایشان نیست؛ چه اینکه تعظیم فرشتگان در برابر آدم علیه السلام و وسوسه و استکبار شیطان در برابر او نیز منحصر به شخص حضرت آدم علیه السلام نیست؛ بلکه او به عنوان نمادی از آدمیت و جایگاه بشر در نظام هستی مطرح است.

چنان که علامه طباطبائی رحمته الله علیه در تفسیر المیزان می‌فرماید: «خلافت نامبرده اختصاصی به شخص آدم علیه السلام ندارد؛ بلکه فرزندان او نیز در این مقام با او مشترکند».

همچنین ایشان می‌فرماید: «در حقیقت سجده ملائکه برای خصوص آدم، از این باب بوده که آدم قائم مقام و نمونه و نایب از همه جنس بشر بوده است»^۱.

با توجه به آنچه گفته شد، مطالب نمادین در قرآن وجود دارد و آمیخته با حقیقت و دارای واقعیت است. چه بسا برخی از صاحب‌نظران با توجه به

۱. همان، ص ۲۵۰ و ر.ک: جوادی آملی، تفسیر ترمیمی، سوره بقره، ذیل آیات ۳۰ - ۳۸.

غیرمادی بودن فرشتگان و شیطان، سجده فرشتگان و این گونه گفت وگوها را دور از ذهن بدانند و به سمبلیک بودن این داستان اعتقاد داشته باشند!

در پاسخ باید گفت: با استفاده از آیات قرآن، تمثّل فرشتگان برای انجام دادن مأموریت‌های الهی بارها اتفاق افتاده است. چنان که در داستان حضرت مریم علیها السلام می‌خوانیم:

﴿فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾^۱؛ «پس روح خود را به سوی او (مریم) فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد».

همچنین در داستان حضرت ابراهیم و لوط علیهم السلام آمده است که فرشتگان مأمور عذاب الهی به صورت انسان، میهمان آن دو پیامبر شدند^۲. بنابراین در صورت آشنایی با فرهنگ قرآن و خارج ساختن خود از حصارهای تنگ مادی، به خوبی آشکار می‌شود که نمادین بودن بعضی از مطالب قرآنی، با واقعی بودن آنها سازگاری دارد.

یکی از پژوهشگران می‌نویسد: «قرآن کریم در عین حال که از واقعیات سخن می‌گوید، بیانش «رمزی و سمبلیک» است؛ بدین معنا که از بیان امور خارجی واقعی - علاوه بر واقعیت - معانی هدایتی و تربیتی را اشاره دارد و از دل واقعیت، نقبی به درون حقایق متعالی می‌زند، لذا «واقعیت و پیام» را با هم جمع کرده است... برای مثال تعبیر ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى﴾^۳ به ظاهر در آوردن کفش‌ها را مطرح می‌کند؛ چرا که حضرت موسی در وادی مقدس

«طوی» قرار دارد و در مکان مقدس نباید با کفش رفت. این معنای ظاهری در عین حال که واقعاً جزء دستور خداوند است، لیکن تمام مطلب نیست؛ بلکه به «رفع دو خوف» نیز اشاره دارد: یکی خوف از تلف شدن همسرش که در حال زایمان به سر می‌برد و دیگری خوف از فرعون است که فکرش را به خود مشغول داشته است»^۱.

بر این اساس اگرچه در آیه شریفه بحث از خوف نشده؛ اما دو معنا از عبارت «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ» قابل برداشت است:

نخست، معنای ظاهری که ادب ظاهری و بیرون آوردن کفش است.

دوم، معنای نمادین که ادب روحی و فراغت دل از یاد غیر خدا می‌باشد.

در پایان؛ توجه به این نکته بایسته است که: برای برداشت‌های نمادین از آیات قرآن، علاوه بر اینکه نباید واقعیت را نادیده گرفت؛ برای دور ماندن از انحراف و التقاط نیز باید آشنایی کافی با دیگر آیات قرآنی و سخنان معصومین و مفسران داشت. در برخی از روایات اسلامی، از ظاهر و باطن قرآن یاد شده است؛ می‌توان گفت باطن همان معنای لازم و در طول معنای ظاهری آیات است که در اینجا به عنوان زبان نمادین شناخته شده است.

گفتنی است شناخت معانی انتزاعی و عام از آیات، نه تنها دانشی فراتر از اطلاع نسبت به ظاهر آیات قرآن و ظاهر سخنان معصومان و مفسران لازم دارد؛ بلکه نیازمند شناخت عناصر اصلی و نقش آفرین در عبارت و جداسازی آنها از عناصر غیر اصیل و غیر مرتبط با مقصود آیات است. به علاوه، گاه در زبان رمزی و نمادین، به مناسبت آیه‌ای، ذهن مفسر به مطلب دیگری منتقل می‌شود. این انتقال‌ها به عنوان تفسیر شناخته نمی‌شود؛ بلکه از باب تداعی معانی است.

۱. مریم (۱۹)، آیه ۱۷.

۲. ر.ک: هود (۱۱)، آیات ۶۹ - ۸۱.

۳. طه (۲۰)، آیه ۱۲.

۱. ر.ک: نقی پور، ولی الله، تفسیر در قرآن، ص ۲۹۲.

برای مثال وقتی خداوند به حضرت موسی امر می‌کند: «به سوی فرعون برو که او طغیان کرد»^۱؛ از خواندن این آیه، به ذهن برخی تداعی می‌شود که به سوی نفس برو و آن را موعظه و تذکر بده؛ چرا که طغیان کرده است. چنین برداشت‌هایی اگر تأییدی در دیگر آیات و یا روایات معصومان (علیهم‌السلام) نداشته باشد؛ به عنوان تفسیر به شمار نمی‌آید اگرچه پذیرش آن بدون اشکال است، زیرا با اصول اعتقادی، اخلاقی و آموزه‌های دینی در تضاد نیست.

تفسیر عصری

● پرسش ۱۷. آیا رمزی بودن برخی آیات قرآنی، همیشگی است؟ یا امکان معنادار شدن آن وجود دارد؟

هر چه زمان می‌گذرد و توانایی علمی انسان افزایش می‌یابد، دریچه‌های جدیدی از معارف قرآنی رو به سوی او گشوده می‌شود تا آنجا که بنا بر بعضی از روایات، آیاتی در قرآن مجید وجود دارد که تنها مردم آخرالزمان از مفاهیم ژرف آن بهره‌مند می‌گردند.

چنان که در تفسیر المیزان از اصول کافی نقل شده است: امام سجاد (علیه‌السلام) فرموده است: «ان الله عزوجل علم ان يكون في آخر الزمان اقوام متعمقون فانزل الله تعالى: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ والایات من سورة الحديد الى قوله ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾؛ «همانا خداوند -عزوجل- می‌دانست که در آخرالزمان، مردمی ژرف‌اندیش

خواهند بود؛ به همین جهت آیات ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و آیات سوره حدید تا ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ را نازل فرمود»^۱.

این از ویژگی‌های اعجازآمیز قرآن مجید است که برای بشر -در دوران‌های مختلف زندگانی او- پیام دارد و هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود. فزونی توانایی علمی و افزایش درک بشری از معارف الهی، ثمره‌فرآیندی است که از تکامل علوم انسانی و کشف و پیشرفت در علوم تجربی حاصل شده است، به گونه‌ای که بعضی از آیات که برای مردمان قرن‌های گذشته غیرقابل توجه بوده است و یا شناخت سطحی درباره آن داشته‌اند، امروزه بسیار معنادار شده و اشارات آن برای صاحبان علم و معرفت، بسیار راه‌گشا و اعجازآمیز بوده است.

به عنوان نمونه یکی از آیاتی که در میان برخی از مسلمانان زمان‌های گذشته و حتی امروز، جنبه رمزی به خود گرفته، این آیه شریفه است که:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا

قَلِيلًا﴾^۲؛ «و درباره روح از تو می‌پرسند، بگو: روح از [سنخ] فرمان

پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است».

در صورتی که برخی دیگر از بزرگان -از جمله علامه طباطبایی- چندین صفحه به تفسیر این آیه پرداخته است.

همچنین با پیشرفت علوم تجربی و گذشت زمان، مطابقت برخی از آیات با واقعیت کشف شده و اعجاز علمی قرآن به اثبات رسیده است؛ مانند آیه شریفه:

﴿رَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ﴾^۳؛ «پروردگار خاوران و باختران».

۱. المیزان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

۲. اسراء (۱۷)، آیه ۸۵.

۳. معارج (۷۰)، آیه ۴۰.

۱. طه (۲۰)، آیه ۲۴.

این آیه از تعدد مشرق‌ها و مغرب‌ها نسبت به مرکزیت زمین و وجود کرات دیگر خبر داده است.

همچنین گاهی با پیشرفت علوم تجربی، معنای برخی از آیات به گونه‌ای شفاف‌تر آشکار می‌گردد.

بنابراین از آنجا که قابلیت‌های فزون‌تر معرفتی و پیشرفت‌های علمی و کشفیات جدید، در رفع بعضی از خرافات و موهومات مؤثر است و در دفع بسیاری از اشکالات و مشکلات تفسیری به ما کمک می‌کند، برخی از بزرگان توصیه کرده‌اند با فاصله هر چند سال، تفسیری جدیدی از قرآن نگاشته شود (به نقل از علامه طباطبائی) و از آنجا که پیشرفت زمان و تحولات فرهنگی جامعه و اعلام نیازهای نسل نو، تأثیرات خاصی بر ذهن پژوهشگر و مفسر قرآن می‌گذارد، گریزی نیست که با تلاشی پیگیر، معارف عمیق‌تری از قرآن استخراج گردد و با ادبیات روز و در قالبی نو عرضه گردد. گاهی از این روزآمد شدن تفسیر و الهام‌گیری از تحولات فرهنگی و علمی، به «تفسیر عصری» یاد می‌شود^۱. البته این انگیزه بسیار مبارک و پرفایده است؛ به شرط اینکه حوزه‌های معرفت‌شناسی علم و دین، باز شناخته شود و از تحمیل یافته‌های ذهنی و علم‌زدگی بر آیات قرآنی، خودداری گردد^۲.

۱. ایازی، سید محمدعلی، قرآن و تفسیر عصری.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

الف. تفسیر المیزان، ج ۳، صص ۲۸-۱۳۵؛

ب. هادوی تهرانی، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد؛

ج. ربانی گلپایگانی، علی، معرفت‌شناسی؛

د. معرفت، محمدهادی، التمهید، ج ۶؛

ه. رضایی، محمدعلی، تفسیر علمی قرآن.

قرآن و کافران

● پرسش ۱۸. قرآن برای هدایت همگان به خصوص گمراهان و کافران است؛ پس چرا در برخی آیات گفته شده کافران از هدایت قرآن محرومند و هدایت نمی‌شوند؟

نخست باید دانست، گاهی کفر و گمراهی به جهت ناآگاهی و نادانی و گاهی به جهت حق‌ستیزی و هواپرستی است. نوع اول را در اصطلاح «کفر و جهل بسیط» و غیر عمدی و نوع دوم را «کفر و جهل مرکب» و عمدی می‌گویند.

گروه اول از طریق آگاهی بر آیات قرآن هدایت پذیرند؛ اما گروه دوم به سوء اختیار خود حق‌ستیزند و آیات قرآن در دل‌هایشان نفوذ نمی‌کند. از این رو خواندن قرآن همان گونه که برای انسان‌های پاک‌دل، حجاب‌ها را برمی‌دارد؛ برای عده‌ای حجاب است. در این زمینه خداوند سبحان به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا﴾^۱؛ «وقتی قرآن تلاوت می‌کنی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم».

حجاب گاهی مادی و جسمانی است، (مانند دیوار، سنگ و پرده) و گاهی معنوی و نامحسوس است (مانند گناه و غفلت که انسان گنه‌کار آنها را نمی‌بیند ولی آنها مانع مشاهده جمال حق می‌شود). از این رو امام زین‌العابدین (علیه السلام)

۱. اسراء (۱۷)، آیه ۴۵.

به پیشگاه خداوند عرض می‌کند: «وَإِنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ»^۱.

حجاب کفر عمدی، مانع از این است که کافران، کلام الهی را ادراک کنند. قرآن می‌فرماید: «وای به حال منکران! آنان که روز جزا را تکذیب می‌کنند، در صورتی که آن روز را کسی تکذیب نمی‌کند، مگر ظالمان و بدکاران ستیزه‌گر که وقتی آیات ما بر آنها تلاوت شود، گویند: این سخنان افسانه پیشینیان است! چنین نیست، بلکه ظلم و بدکاری‌هایشان بر دل‌های آنان غلبه کرده است»^۲.

به همین جهت در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾^۳؛ «و اگر فرستاده بودیم بر تو کتابی در کاغذی آن را با دست‌هایشان لمس می‌کردند، باز کافران می‌گفتند: این نیست مگر جادوی آشکار».

انسان با تکرار گناه و انس با آن، گوش شنوایی نسبت به مطالب حق نخواهد داشت. هر بار تکرار گناه، علاقه و شیفتگی به باطل را دوچندان می‌کند و انسان را از فضای مصلحت دورتر می‌کند و در نتیجه به جایی می‌رساند که هر آیت و نشانه حقی را به سخره نیز بگیرد؛ از این رو قلب چنین شخصی از درک و شهود آیات الهی محروم می‌شود. نظیر جسمی که به دلیل بیماری بهترین میوه‌های شیرین به کام او تلخ می‌آید.

قرآن در این مورد می‌فرماید:

﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^۱؛ «و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید».

و در آیه دیگر می‌خوانیم:

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾^۲؛ «پس فرجام آنان که بد کردند، تکذیب آیات خدا شده و آنان کسانی بودند که آیات را مسخره می‌کردند».

۱. مفاتیح الجنان، دعای ابو حمزه ثمالی.

۲. مطفین (۸۳)، آیات ۱۰ - ۱۴.

۳. انعام (۶)، آیه ۷.

۱. اسراء (۱۷)، آیه ۸۲.

۲. روم (۳۰)، آیه ۱۰.

جهان شمولی قرآن

قرآن و اصطلاحات عربستان

● پرسش ۱۹. اگر قرآن برای همه زمان‌ها و مکان‌ها است؛ چرا از اصطلاحات و

فرهنگ رایج عربستان بهره برده است؟

قرآن در بیان پیام و آموزه‌های خود، از الفاظ، عبارات و مثال‌های رایج بین مردم عرب آن زمان استفاده کرده است؛ ولی آنچه فرهنگ‌ساز است، «پیام» آن مثال‌ها و عبارات است و «پیام‌ها» فراتر از محدودیت زمان، مکان و قوم خاصی است. روشن است که اهداف قرآن، در آن مثال‌ها و مصادیق محدود نمی‌گردد؛ ولی برای تفهیم و محاوره، گریزی از آنها نیست. مفاهیم و معانی بلند و ژرف، از رهگذر آن مثال‌ها و مصادیق، پی‌گیری می‌شود و نتایج معرفتی، اخلاقی و هدایتی را برای عموم مردم به ارمغان می‌آورد.

بنابراین عربی بودن قرآن و به کارگیری بعضی از مثال‌های رایج در حجاز، به جهت آن است که مخاطبان اولیه قرآن، مردم آن سامان بودند. اما زبان عربی، موجب محدودیت ارسال پیام و بیان اهداف قرآن به مردم عرب نیست؛ بلکه برای

همگان و به‌طور همیشه، قابل استفاده است و این دو با هم منافات ندارد؛

چنان که در آیات نخستین سوره ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

﴿الرَّكِنَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... وَمَا أَرْسَلْنَا

مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾^۱؛ «کتابی است که آن را به سوی تو

فرود آوردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری ... و

ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم».

با توجه به اینکه قرآن، بیانگر همه چیز است^۲ و محدود در زمان و مکان

مشخصی نیست^۳ و همه را به تدبیر و اندیشه در معانی خود دعوت کرده است؛^۴

معلوم می‌شود که واژگان اختصاصی، محدودیتی در ارتباط با اهداف بلند آن

پدید نمی‌آورد و اگر چنین تأثیری هم داشته باشد، با توجه به بطون قرآن،

جایگاه خود را نزد هر مخاطبی حفظ خواهد کرد. این از ویژگی‌ها و معجزات

قرآن است که گاهی از عبارات و زبان ویژه یک منطقه، استفاده می‌کند؛ ولی برای

سایر مناطق و فرهنگ‌ها نیز قابل استفاده است و گاهی تعبیرات را به گونه‌ای

می‌آورد که چندمنظوره بوده و همه آنها پذیرفتنی است.^۵

البته در قرآن تنها برخی از نمونه‌های رایج در منطقه حجاز، گزینش و

از آنها یاد شده است. این موارد به گونه‌ای است که علاوه بر ملموس بودن

برای عرب‌ها، مورد پذیرش جامعه بشری و قابل توجه برای دیگران نیز

می‌باشد.

۱. ابراهیم (۱۴)، آیات ۱ و ۴.

۲. نحل (۱۶)، آیه ۸۹.

۳. ص (۳۸)، آیه ۸۷ و انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۷.

۴. ص (۳۸)، آیه ۲۹.

۵. ر.ک: مطهری، مرتضی، *آشنایی با قرآن*، ج ۴، ص ۱۳۴.

به عنوان مثال اگر از دقت و تأمل در شتر - که جایگاه ویژه‌ای در زندگی

ساکنان شبه جزیره دارد - یاد شده است:

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾^۱.

علاوه بر پیام کلی (دقت در آفریده‌های خدا در هر مکان و نقطه‌ای از جهان)

پیام ویژه‌ای نیز دارد و آن اینکه دقت در ویژگی‌های این حیوان، حتی برای مردم

مناطق دیگر نیز اسرار بسیاری را روشن خواهد ساخت.

عربی بودن زبان قرآن نیز اگر چه به جهت بعثت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان عرب‌زبانان

بوده است؛ اما خود زبان عربی دارای امتیازات فراوانی نسبت به زبان‌های دیگر

است و چه بسا حکمت خداوند بر این اساس بوده که دین خاتم و کامل خود را

به زبان کامل و مبین به ظهور رساند.

در پایان گفتنی است؛ استفاده از زبان یک قوم، غیر از استفاده از فرهنگ

آن قوم است. قرآن اگرچه به زبان عربی است؛ ولی فرهنگ نوینی را با خود

به همراه آورده و در موارد بسیاری، با عناصر فرهنگی حاکم بر شبه جزیره،

به مخالفت برخاسته و آنها را نسخ کرده است. علاوه بر این قرآن برای خود،

زبان و ادبیات مستقلی دارد. اسلوب آن پدیده‌ای بی‌نظیر در ادبیات عرب است.

زبان قرآن، همان «زبان فطرت» بشری است، از همین رو پیام آن برای همه

انسان‌ها، قابل درک و پذیرش است.

۱. «آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است»؛ غاشیه (۸۸)، آیه ۱۷.

قرآن و پیشرفت زمان

● پرسش ۲۰. چگونه قرآن که حدود ۱۴۰۰ سال قبل برای اعراب بدوی نازل شده،

می تواند موجبات تکامل و سعادت انسان ها را فراهم کند؟

در رابطه با این مسئله باید چند نکته مورد توجه قرار گیرد:

یکم. دین خداوند در طول تاریخ - متناسب با رشد علمی، اجتماعی، فکری و مقتضیات عصری - روند تکاملی داشته است تا آنجا که بشر، به حدی از بلوغ رسید که بتواند برنامه تکاملی مربوط به تمام دوره های تاریخی را دریافت دارد و قرآن - که اساسنامه و برنامه تکامل نهایی بشر برای همه زمان ها و سرزمین ها است - بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گردید و به عنوان سندی جاودان و زنده برای بشریت باقی ماند.

دوم. قرآن «در میان مردمی بدوی و عرب زبان» نازل شده و فرق است بین اینکه چیزی در میان قومی خاص ظهور یابد، با این سخن که «مخصوص آنها پدید آمده باشد»!! جالب این است که قرآن هیچ گاه مخاطب خود را فقط اعراب قرار نداده و همواره خطاب همگانی «ناس» (جمع مردم) و یا «الذین آمنوا» را به کار برده است که هر انسان خداجوی در هر عصر و مکان و وابسته به هر نسلی را شامل می شود.

از نظر فهم پذیری نیز آیات قرآن چند دسته است:

۱. برخی از آیات قرآن، هم برای اعراب بدوی آن زمان فهم پذیر بود و هم

در عین سادگی بیان، دارای چنان استواری علمی و منطقی است که برای

دانشمندان برجسته امروزی نیز جالب توجه و درخور دقت است.

۲. بعضی از آیات، چه در زمان نزول و چه در زمان ما، جز با تعمق و

ژرف کاوی های دقیق و روش مند قابل درک نیست.

۳. بسیاری از حقایق علمی و فلسفی و مباحث اجتماعی قرآن، تنها در پرتو

دانش کنونی یا آینده بشریت قابل درک است^۱.

۴. بسیاری از آیات قرآن نیز تاحد زیادی فراتر از عقول و افهام عادی بشر

بوده و تنها در سایه پرتوافشانی های پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام)،

فهم پذیر بوده و تفاسیر رسیده از آنان، گنجینه های ارزشمندی است

که حقایق والای قرآن را به نیکوترین وجهی در اختیار بشریت قرار

می دهد. این نکته چیزی نیست که تنها شیعه بدان معترف باشد، بلکه

اهل تسنن نیز در بسیاری از تفاسیر خود به این احادیث تمسک کرده اند.

۵. اینکه قرآن به وقایع زمان خود اشاره کرده، آن را منحصر به

آن عصر نمی سازد؛ زیرا قرآن منحصر به ذکر چند حادثه و نکته تاریخی

گذرا نیست؛ بلکه مشتمل بر معارفی جاودان در باب خداشناسی،

کیهان شناسی، انسان شناسی، راه شناسی، راهنما شناسی و مجموعه

گسترده ای از احکام، اخلاق و... است که همه زمان ها را پوشش می دهد و

هدایت بشریت به سوی سعادت را در هر مقطع تاریخی تأمین می کند.

وقایع تاریخی نیز که در قرآن به آن اشاره شده، هر چند مربوط به گذشته

می باشد، ولی کار کرد آنها مربوط به آینده است. به عبارت دیگر هر یک از آنها،

بیانگر نوعی سنت تغییرناپذیر تاریخی یا حکم و قانونی است که دارای کلیت و

شمول است.

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: بوکای، موریس، مقایسه ای میان تورات انجیل قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر.

برای مثال وقتی قرآن درباره بنی اسرائیل می‌گوید: «آنان پس از رهایی از چنگال فرعون اظهار نارضايتی از غذای آسمانی کرده و بهانه‌جویی‌های متعددی داشتند و در نتیجه گرفتار غضب الهی گردیدند»^۱؛ نشان می‌دهد که رفاه‌طلبی، افزون خواهی و نافرمانی در برابر فرستاده خداوند، سرانجام به تباهی و تیره‌بختی خواهد انجامید!! این درس بزرگی برای همه کسانی است که پس از رهایی از بند حکومت‌های استبدادی و ظالمانه، در برابر اندک دشواری صبروری نمی‌ورزند و در جست‌وجوی خواست‌های مادی، بی‌تابی می‌کنند. از این رو با اطمینان می‌توان گفت؛ قرآن برای هدایت انسان‌ها، از هر نژاد و ملت و با هر سطح فرهنگی، نازل شده است؛ و همگان روند تمدن‌سازی و راهکار نجات خود را می‌توانند از این کتاب آسمانی به دست آورند. به روشنی می‌توان اثبات کرد، تمام گزاره‌های به کار رفته در قرآن، نگاهی به مردم معاصر نزول قرآن و نگاهی به انسان در طول تاریخ دارد.

قرآن و نیاز بشر

● پرسش ۲۱. در جهان پیشرفته امروز با توجه به گستردگی اطلاعات و تجربیات بشری، قرآن چه نقشی در زندگی بشری و دهکده جهانی دارد؟

نقش قرآن در زندگی بشری در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و حتی بین‌المللی، قابل دقت و بررسی است که به‌طور مختصر به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ر.ک: بقره (۲)، آیه ۶۱.

یکم. انسان نیازمند ارتباط مستقیم با آفریننده و هستی بخش خود است. این ارتباط اگر چه می‌تواند از طریق مناجات و رازگویی درونی و قلبی انجام می‌گیرد؛ اما دسترسی به کلمات خود خداوند، بسیار لذت بخش و اطمینان‌آور است. چنان که اقبال لاهوری گفته است: «اگر می‌خواهی خدا با تو سخن بگوید، قرآن بخوان».

این ویژگی به‌طور کامل، تنها برای قرآن مجید باقی مانده است و هیچ کتاب آسمانی دیگر، چنین جایگاهی ندارد.

دوم. انسان در تکاپو و جست‌وجوی آگاهی‌های صحیح و معارف بلند و پرمعنا است. البته با استفاده از تجربیات بشری و تلاش‌های علمی، به بسیاری از آگاهی‌ها می‌توان دست یافت؛ اما برای اطمینان به درستی یافته‌های خود و آگاهی به آنچه برای او دست‌نیافتنی است، نیاز به یک منبع اصیل و غنی، بسیار محسوس است؛ چنان که از زبان امام راحل (ره) گفته شده است: «اگر قرآن نبود، درهای معرفت بر ما بسته بود».

قرآن مجید در این باره جایگاه ممتازی دارد. تعریفی که قرآن از انسان دارد ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۱ و تعریفی که قرآن از خداوند ارائه کرده است: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾^۲، تعریفی که از نظام هستی و حیات و شعور همگانی موجودات ارائه داده ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾^۳ و بیانی که از پیوستگی و هماهنگی منظم همه کرات و افلاک و زمین و آسمان دارد ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا

۱. بقره (۲)، آیه ۳۰.

۲. شوری (۴۳)، آیه ۱۱.

۳. رعد (۱۳)، آیه ۱۳.

وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهَا وَ النَّهَارَ إِذَا جَلَّاهَا وَ اللَّيْلَ إِذَا يَغْشَاهَا...^۱ و... نیازمندی همه جامعه بشری و پویندگان راه حق و حقیقت را به این کتاب آسمانی ضروری و آشکار ساخته است؛ زیرا بعضی از دانش‌ها به جز از طریق قرآن، برای بشر دست یافتنی نیست:

﴿وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾^۲؛ «و آنچه را [که هرگز] نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد...».

از جمله آگاهی‌هایی که جز از طریق قرآن راهی برای دریافت آن نیست، آگاهی درباره جهان پس از مرگ و جزئیات جهان آخرت است؛ زیرا هیچ کدام از افراد بشر، تجربه تکرار و رفت و آمد آن را ندارند و درک بشری، هیچ‌گونه سابقه ذهنی از آن ندارد. در حالی که در سوره «واقع»، «صافات»، «مرسلات» و... صحنه قیامت به تصویر کشیده شده است.

سوم، نقش برجسته دیگر قرآن این است که از سابقه تاریخ بشر، خبرهای درست و مطابق واقع را نقل کرده و سرگذشت پیامبران و محتوای پیام آنان را -بدون هرگونه تحریف و دسیسه بشری- به انسان‌ها رسانده است. از این رو قرآن حتی بر پیروان تورات و انجیل، منت شایان توجهی دارد که چهره پیامبران بنی اسرائیل را به درستی معرفی کرده و حضرت موسی، عیسی، زکریا و... را آن‌گونه که بوده‌اند -به دور از هرگونه تهمت و توهینی- شناسانده و دست تحریف‌گران و دسیسه‌گران را نقش بر آب ساخته است.

قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ

دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ^۱؛ «ای عیسی پسر مریم! آیا تو گفتی به مردم که من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید؟! گفت: منزهی تو! مرا نشاید که چیزی را که حق نیست بگویم».

چهارم، نقش برجسته دیگر قرآن برای جامعه بشری، این است که ظرفیت جهان شمولی دارد و پیام‌های آن برای تمام مصلحان جهان و حافظان حقوق بشر، قابل اعتنا و کاربردی است. تکیه بر نقاط مشترک پیروان ادیان آسمانی و پایبندی به اصول انسانی (مانند عدالت گستری، امانت‌داری و...)، تلاش برای ریشه‌کنی هرگونه ناهنجاری، ناپاکی و اختلاف و مخالفت با حق و درستی و... همگی شاخص‌هایی است که ظرفیت جهان شمولی قرآن را به نمایش گذاشته است.

آیات نورانی قرآن، تمامی اصلاحگران و حق‌گرایان را به سوی محور وحدت و پاکی، به دور از هرگونه تعصب و خودخواهی، دعوت کرده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^۲؛ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و برخی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به پروردگاری نگیرد»^۳.

۱. مانده (۵)، آیه ۱۱۶.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

۳. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

الف. طباطبائی، محمدحسین، قرآن در اسلام، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲):

۱. شمس (۹۱)، آیات ۴ - ۱.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۵۱.

بی‌تردید گسترده‌ی دانش بشر، تحولات شایان توجهی داشته و شکوفاسازی طبیعت و سلطه بر آن، به دست قدرت علمی و اطلاعاتی انسان و تجربه‌های بشری، تا حدود زیادی تأمین شده است. قرآن خود این تحول آفرینی را در گستره ظرفیت‌های انسان دانسته است:

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^۱؛ «خداوند شما را در زمین

ایجاد کرد و وظیفه شکوفایی و آبادانی و استخراج ظرفیت‌های زمین را به شما واگذار کرد».

رسالت دین و قرآن، «شکوفایی متوازن، متعادل و هماهنگ انسان» است. بر این اساس باید انسان را شناخت و آغاز و انجام او را دانست. باید جایگاه انسان را در کل هستی به درستی تعریف کرد و رابطه او با خدا، خود، جامعه و طبیعت را تنظیم نمود. این همان کلید سعادت است که قرآن برای جامعه بشریت به ارمغان آورده است.

«رسالت علم»، ساخت جهان است و «رسالت قرآن»، رشد ایمان و جهت‌دهی به حرکت انسان است و با توجه به اسارت علم در دست برخی از انسان‌های آلوده به قدرت و ثروت و فزون‌خواه، پای‌بندی به یک مکتب الهی و به یک کتاب آسمانی به دور از تحریف، یک ضرورت آشکار است.

ب. جواد آملی، عبدالله، *قرآن در قرآن*، (مرکز نشر اسراء، بهار ۱۳۷۸)؛

ج. همو، *انتظار بشر از دین*، (مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰)؛

د. مدرسی، محمدتقی، *مباحثی پیرامون معارف قرآن کریم*، (انتشارات مجبان الحسین علی‌علیه السلام، ۱۳۷۹)؛

ه. غزالی، محمد، *نقش قرآن در جهان معاصر*، (انتشارات هزار سنندج، ۱۳۸۰).

۱. هود (۱۱)، آیه ۶۱.

خطاب‌های قرآن

● پرسش ۲۲. چرا خطاب آیات قرآن، بیشتر به مردان است؟ مگر بانوان نیمی از

جمعیت را تشکیل نمی‌دهند؟

قرآن پژوهان، خطاب‌های قرآن را به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. خطاب ویژه برای مرد یا زن؛ مانند:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ...﴾^۱؛ «مادران فرزندان‌شان را شیر دهند».

زیرا شیردهی ویژه زنان است و به طور طبیعی و بدیهی از عهده مردان خارج است. و همچنین:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ...﴾^۲؛ «جنگ بر شما (مردان) نوشته (واجب) شده

است».

زیرا به طور معمول شرکت در جنگ‌ها وظیفه مردان است و زنان از این سختی معاف شده‌اند.

۲. خطاب مشترک: خطاب‌های مشترک در قرآن دو گونه است:

۱-۲. گاهی با عنوان فراگیری همچون واژه «ناس» و «انسان» عموم انسان‌ها را

خطاب می‌کند؛ مانند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ...﴾^۳؛ «ای مردمان پروردگارتان را بپرستید...».

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا...﴾^۴؛ «و به انسان سفارش کردیم که به پدر

و مادر خود نیکی کند».

۱. بقره (۲)، آیه ۲۳۳.

۲. همان، آیه ۲۱۶.

۳. بقره (۲)، آیه ۲۱.

۴. عنکبوت (۲۹)، آیه ۸.

اینگونه خطاب‌های قرآنی مشترک میان زن و مرد است و همگان را شامل می‌شود.

۲-۲. گاهی در ظاهر از لفظ مذکر استفاده می‌کند؛ ولی شامل زن و مرد می‌شود؛ مثل:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ «همانا برای شما در

[پیروی از] رسول خدا سرمشقی نیکوست».

بدیهی است الگوگیری از پیامبر ﷺ اختصاص به مردان ندارد.

در قرآن گاهی حتی از لفظ «رجل» استفاده می‌شود اما مرد و زن را شامل می‌شود؛ مانند:

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ...﴾؛ «خداوند برای هیچ مرد

[و زنی] در درونش دو قلب ننهاده است».

بدیهی است دارا بودن یک قلب اختصاص به مردان ندارد. در این باره دلایلی گفته شده است:

یکم. استفاده بیشتر از الفاظ مذکر، به جهت قاعده ادبی «تغلیب» است. در زبان‌هایی مانند عربی - که برای مرد و زن، دو گونه فعل وجود دارد (مذکر و مؤنث) - در مواردی که هر دو گروه، مورد نظر باشد، صیغه مذکر به کار می‌رود. بنابراین ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ هم شامل زنان می‌شود و هم مردان. هم‌چنان که در مورد موجوداتی مانند خداوند که مذکر و مؤنث درباره آنان مطرح نمی‌باشد از ضمائر مذکر استفاده می‌شود. مثل: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

از این رو تاکنون هیچ مفسر و یا آشنا به زبان و ادبیات، نگفته است که مجموعه خطاب‌های قرآن اختصاص به مردان دارد.

دوم. این‌گونه سخن گفتن در میان انسان‌ها، معمول است و اختصاصی به قرآن ندارد؛ به خصوص در مقام قانون‌گذاری و تهیه آیین‌نامه‌ها و منشورها، از الفاظ و ضمائر مذکر استفاده می‌شود، ولی معنای عموم اراده می‌گردد.

سوم. خطاب کمتر قرآن به زنان، برخاسته از نگرش قرآن به رعایت حرمت زنان است و نشان از غیرت خداوند دارد. طبیعی است سخن گفتن مؤدبانه و عفیانه با زنان و کمتر نام بردن آنها، یکی از راه‌های حفظ حرمت آنان است. این به معنای عقب‌نگه‌داشتن نیمی از انسان‌ها نیست؛ زیرا این‌گونه سخن گفتن، نشانگر نوعی احترام و ارج نهادن به مقام شامخ آنان است؛ چنان که در میان خانواده‌های محترم و با شخصیت، این‌گونه معمول است و زنان را کمتر به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار می‌دهند.

البته در مواردی که نیاز به تأکید دارد و یا جهت فرهنگ‌سازی نیاز به تصریح دارد، به‌طور آشکار و جداگانه از الفاظ ویژه زنان و مردان در آیات قرآن استفاده شده است؛ مانند آیات شریفه:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱.

۱. احزاب (۳۳)، آیه ۲۱.

۲. احزاب (۳۳)، آیه ۴.

۱. احزاب (۳۳)، آیه ۳۵.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱.

و حتی گاهی یک زن به عنوان الگو و ضرب‌المثل برای همگی مردان و زنان مطرح شده است. چنان که درباره زن فرعون در قرآن می‌خوانیم:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...﴾^۲؛ «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مَثَل آورده...».

فصل پنجم

قرآن و علم

قرآن و علوم بشری

● پرسش ۲۳. با توجه به آیه شریفه ﴿لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ آیا تمام علوم بشری (مانند ریاضی، فیزیک، طب و ...) در قرآن موجود است؟

رطب و یابس در کتاب

خدای سبحان، قرآن کریم را «کتاب مبین» معرفی می‌کند: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ
وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾^۱.

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۲؛ یعنی، هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه در کتاب مبین آمده است.

بنا بر گفته برخی مفسران، مقصود از «رطب و یابس» -به قرینه قبل و بعد آیه- علم همه اشیا است؛ چنان‌که در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ

۱. مائده (۵)، آیه ۱۵.

۲. انعام (۶)، آیه ۵۹.

۱. نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۲. تحریم (۶۶)، آیه ۱۱.

مِنْ شَيْءٍ^۱؛ یعنی، هیچ چیزی در کتاب الهی فروگذار نشده است. در حالی که بسیاری از علوم و دانش‌ها مانند ریاضی، فیزیک، پزشکی، مکانیک و... در ظاهر الفاظ قرآن دیده نمی‌شود. درباره چگونگی سازگاری با این‌گونه آیات، احتمالات و دیدگاه‌های چندی وجود دارد:

۱. منظور از «کتاب مبین» در آیه ۵۹ سوره «انعام»، علم الهی یا لوح محفوظ است و «کتاب» در آیه ۳۸ همان سوره «اجل» است، نه قرآن مجید. در بعضی از روایات نیز «کتاب مبین» به «امام مبین» معنا شده است.^۲
۲. منظور از «کتاب» همین قرآن، به لحاظ باطن والای آن است که «ام‌الکتاب» می‌باشد؛ زیرا همه حقایق در آن نهفته است و انسان کامل به آن دسترسی دارد.
۳. منظور از «کتاب» قرآن است و در مراتب مختلف آن، همه امور دین و دنیا وجود دارد.
۴. منظور از «کتاب» همین قرآن - در همه مراتب آن - است؛ لیکن مراد از همه چیز، اصول و کلیاتی است که براساس آن، دانش‌ها و معارف مختلف را می‌توان بنیان نهاد و رشته‌ها و انگاره‌های گوناگون علمی را تولید کرد.
۵. منظور از کتاب، قرآن در همه مراتب آن است؛ لیکن مراد از همه چیز، جامع بودن قرآن نسبت به تمامی معارف و دستوراتی است که در جهت هدایت بشر و نیل به سعادت او مؤثر است. این مجموعه مشتمل بر عقاید، جهان‌بینی، آموزه‌های اخلاقی و دستورات عملی جامعی در حوزه روابط چهارگانه انسان (رابطه با خدا، دیگران، خود و جهان) است.

۱. همان، آیه ۳۸.

۲. الزرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، *تفسیر البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، (قاهره: دار احیاء الکتب العربیه)، ج ۱، ص ۵۲۹.

علامه طباطبایی همین دیدگاه را اختیار کرده و در ذیل آیه ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾^۱ می‌نویسد: «ظاهراً مراد از «کل شیء» هر چیزی است که به هدایت مربوط باشد. هر چه که مردم در مورد مبدأ، معاد، اخلاق فاضله، شریعت‌های الهی، قصص و موعظه‌ها احتیاج دارند، قرآن به آن هدایت و بیان کرده است و ما از ظاهر قرآن و مقاصد آن، همین مطلب را متوجه می‌شویم. اما در روایات نقل شده است که در قرآن، علم گذشته و آینده، تا قیامت موجود است. اگر این روایات صحیح باشد، منظور از «تبیان» اعم از دلالت لفظی است. پس شاید اشاراتی از غیر طریق دلالت لفظی دارد و اسراری را کشف می‌کند که فهم عرفی، به آنها راهی ندارد».^۲

بنابراین اگرچه علامه طباطبایی قرآن را بیانگر هر چیزی که به هدایت مربوط می‌شود، دانسته است اما گستردگی دانش‌های قابل استخراج از قرآن را نفی نکرده است.

درباره گستردگی و جامعیت قرآن، می‌توان دیدگاه‌های دانشمندان را به سه گروه تقسیم‌بندی کرد:

۱. دیدگاه حداکثری؛ که به گستردگی قرآن در همه علوم و روش‌ها معتقد است.

این گروه از طرفداران جامعیت قرآن، قرآن را دربردارنده همه علوم نخستین و واپسین می‌دانند. در نگاه آنان، قرآن همه مسائل جزئی و کلی و حتی

۱. نحل (۱۶)، آیه ۸۹.

۲. ر.ک: *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

جهت آگاهی بیشتر نگا: رضایی اصفهانی، محمدعلی، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، (قم: انتشارات کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱).

بسیاری دیگر از موضوعات مانند شیمی، فیزیک و... را شامل می‌شود. اینان قرآن را جامع مسائلی می‌دانند که بیانگر قوانین علوم نظری و تجربی است.^۱ اسکندرانی و طنطاوی و ملامحسن فیض کاشانی و ابن‌کثیر در شمار این گروه جای دارند.^۲

فیض کاشانی، پس از آن که دانش انسان را به دو نوع جزئی و کلی، یا حسی و مطلق تقسیم می‌کند، می‌گوید: معنا و مفهوم آیه مبارک ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾^۳ گواهی می‌دهد که همه دانش‌ها در قرآن کریم وجود دارد.

ابن‌کثیر^۴ نیز، پس از نقل کلام ابن‌مسعود درباره نهفته بودن همه علوم در قرآن، می‌گوید: هر چه مردم در کارهای دنیایی و دین و معیشت و عالم رستاخیز نیازمندند، در قرآن بیان شده است.

بی‌تردید اگر مراد ابن‌کثیر و دیگر صاحب‌نظران این گروه، ظواهر کلمات قرآن باشد، قابل‌پذیرش نیست؛ زیرا اموری چون مسائل دقیق و جزئی ریاضی، شیمی، فیزیک و مانند آن در ظواهر قرآن به صورت شفاف بیان نگردیده است؛ ولی چنانچه مرادشان، نهفته بودن این دانش‌ها در مراتب گونه‌گون معانی و مفاهیم قرآن باشد، می‌توان آن را پذیرفت.

۲. دیدگاه حداقلی؛ طرفداران این نظریه قرآن را در محدوده توصیف جهان‌بینی و عقاید و بیان ارزش‌های جامع می‌دانند و معتقدند طرح مسائل علمی با قدسی بودن دین سازگار نیست.

محمد عزة دروزه^۱ و دکتر سروش^۲ در شمار این گروه جای دارند. در نظر این گروه؛ تبیین امور معنوی و آخرتی بر عهده قرآن و دین است و تبیین علوم انسانی و تجربی، از جمله شیوه حکومت بر عهده مردم است. برخی در تأیید نظریه حداقلی قرآن، گفته‌اند:^۳ افزودن سنت رسول الله ﷺ، توجه به سیره امامان علیهم‌السلام و توسل به اجتهاد در کنار قرآن دلیل واضح، کامل نبودن قرآن به شمار می‌آید.

بی‌تردید این دیدگاه نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا طرح مسائل علمی در راستای هدایت، تربیت و رفاه مردمان، ضرورت دارد و به قدسی بودن قرآن، زیان نمی‌رساند. افزون بر این، مسائلی چون سنت رسول الله ﷺ و سیره ائمه علیهم‌السلام و اجتهاد از پایه‌های جامعیت قرآن به شمار می‌آیند؛ به عبارت دیگر، همه این‌ها از متن قرآن کریم الهام گرفته‌اند؛ آیاتی مانند:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۴؛ «و آن چه را فرستاده

او به شما داد، آن را بگیرید و از آن چه شما را باز داشت، بازایستید».

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۵؛ «خدا را اطاعت کنید و

پیامبر و اولیاء امر خود را نیز اطاعت کنید».

﴿وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا

فِي الدِّينِ﴾^۶؛ «و شایسته نیست مؤمنان همگی (برای جهاد) کوچ کنند.

۱. محمد عزة دروزه، تفسیر الحديث، ج ۶، ص ۹۱.

۲. عبدالکریم سروش، فربه‌تراز/ایدئولوژی، ص ۴۸، ۵۸ و ۱۲۲.

۳. پیمان، حبیب‌الله، مجله کیان، شماره ۵، ص ۲۷ و ۲۸.

۴. حشر (۵۹)، آیه ۷.

۵. نساء (۴)، آیه ۵۹.

۶. توبه (۹)، آیه ۱۲۲.

۱. اشاره به دو کتاب معروف تفسیری است که به شکل افراطی به مسائل علوم و تجربی پرداخته‌اند:

کشف‌الاسرار النورانیة (اسکندرانی) و الجواهر فی تفسیر القرآن (طنطاوی).

۲. مفهده گفتار در علوم قرآنی، ترجمه: سیدحسین حسینی، ۹۳ - ۹۸.

۳. نحل (۱۶)، آیه ۸۹.

۴. ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظيم، ج ۲، ص ۵۰۳.

پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا (دسته‌ای بمانند و) در دین آگاهی پیدا کنند».

۳. دیدگاه اعتدالی؛ طرفداران این نظریه^۱، چنان باور دارند که قرآن اصول و ارزش‌هایی را مطرح کرده است که می‌توان بر اساس آن یک نظام حقوقی، سیاسی، اجتماعی و پیام‌های ارزشی مبتنی بر یک مکتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را استخراج کرد. بنابراین، قرآن از زاویه‌ای خاص بیانگر همه چیز است. گرچه جامعیت و شمول قرآن در گستره دیدگاه‌های علمی چنان است که درخصوص تک‌گزاره‌های آن سخنی ندارد.

در یک جمع‌بندی شاید بتوان گفت: بدیهی است تمام علوم در ظاهر الفاظ قرآن نمایان نیست اما مخاطبان اصلی قرآن و راسخان در علم توانایی دارند که از اشارات، لطایف، حقایق و ارتباطی که از الفاظ قرآن به دست می‌آید، ریشه تمام علوم را بیان کنند.

امام صادق علیه السلام^۲ می‌فرماید: «خداوند متعال هر چیزی را در قرآن بیان کرده است. به خدا سوگند، قرآن همه نیازمندی‌های مردم را آورده تا گفته نشود؛ کاش این موضوع در قرآن بود».

امام باقر علیه السلام^۳: «بی‌تردید خداوند متعال چیزی که اَمّت نیاز دارد، رها نساخته، در کتاب خود فرو فرستاده است».

امام صادق علیه السلام^۴ در این باره می‌فرماید: «هر چه که دو تن در آن اختلاف دارند، ریشه‌اش در کتاب خدا موجود است؛ اما عقل مردم به آن نمی‌رسد».

۱. مکارم شیرازی، ناصر، *مجله معرفت*، شماره ۵، ص ۴.

۲. کلینی، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۵۹.

۳. همان.

۴. همان.

مولای متقیان علی علیه السلام^۱ در توصیف قرآن می‌فرماید: «آگاه باشید، دانستنی‌های گذشته و آینده تا روز قیامت در قرآن آمده است».

از این رو، گروهی از صاحب‌نظران مانند استاد حسن زاده آملی جامعیت را براساس فهم زبان قرآن و ذوب‌توان بودن آن معنا کرده‌اند.

ایشان می‌نویسد:^۲ «کلمه مبارکه «کَلَّ شَیْءٌ» چیزی را فروگذار نکرده است. پس چیزی نیست که قرآن تبیین آن نباشد. ولی این انسان زبان فهم، «راسخ در علم» است».

علوم تجربی و اسلام

● پرسش ۲۴. اضافه کردن کلمه اسلامی به انتهای نام یک علم (مثل پزشکی اسلامی، اقتصاد اسلامی و...) چه معنایی دارد؟ یا اینکه از آیات و روایات می‌توان «روش» استخراج کرد (مثلاً روش پزشکی در اسلام)؟

در این باره باید دانست؛ منابع اسلامی - که شامل آیات و روایات است - حاوی «دانش»‌ها و «روش»‌ها است. با این تفاوت که آنچه مربوط به معرفت‌شناسی و احکام تکلیفی شرعی می‌شود، به‌طور حداکثر آمده است؛ زیرا معارف ملکوتی فراتر از دسترسی بشر است و اگر از طریق پیامبران و وحی القا نمی‌شد، راه آن بر روی بشر بسته بود. اما آنچه مربوط به

۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۵۸.

۲. حسن‌زاده آملی، حسن، *انسان و قرآن*، ص ۹.

علوم تجربی و آزمودنی می‌شود، به‌طور اشاره و حداقل آمده است؛ زیرا مشیت و اراده خدا بر آن است که دانش‌ها و روش‌هایی که تجربی و حسی است و انسان با تلاش و پویایی، توانایی دست‌یابی به آنها را دارد، به وسیله خود انسان به دست آید.

البته از آنجا که آیات، دارای مفاهیم و لایه‌های متعدد و فراوان است و روایات نیز بسیار گسترده است، با تفکر، جست‌وجو و یافتن ارتباط میان موضوعات مطرح شده در آیات و روایات، می‌توان راهنمایی‌های فراوانی از جهت دانشی و روشی در خصوص علوم تجربی به دست آورد؛ در نتیجه به هر مقدار از دانش‌های مطرح شده در آیات و روایات، در یافته‌های علمی، بیشتر استفاده شود، رنگ اسلامی بودن آن بیشتر خواهد بود و پسوند اسلامی برای آن سزاوارتر است.

«مکتب» مجموعه‌ای از هست‌ها، باید‌ها و نبایدهاست و اگر نظام اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، اجتماعی و تربیتی کشور بر اساس مکتب اسلام شکل گیرد و روش‌ها و تجربه‌ها، در چارچوب اجرای دستورات مکتب قرار گیرد، اضافه کردن پسوند اسلامی به علم صحیح است. به ویژه در گرایش‌ها و رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، وظیفه ما مراجعه به متن آیات، احادیث و تطبیق آنها با شرایط حاضر است. و در علوم پایه و فنی، وظیفه ما استفاده از دانش‌ها و تجربیات بشری همراه با رعایت ارزش‌های دینی در جواز و عدم جواز کاربرد آنها است. در این صورت می‌توان ادعا کرد جامعه در راستای اهداف مکتب اسلام در حرکت است.

قرآن و پیشرفت علم

● پرسش ۲۵. چرا بعد از کشف هر حقیقت علمی ادعا می‌کنیم که این حقیقت در قرآن بیان شده است؟

در راستای پاسخ به این پرسش، نکاتی چند شایان توجه است:
یکم. در قرآن به برخی از موضوعات اشاراتی شده است و وقتی یک مسئله علمی کشف شد، آن گاه روشن می‌شود که آن اشاره برای چه بوده است. در این آیه دقت کنید:

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾^۱؛ «خداست آن ذات پاکی که

آسمان‌ها را بدون ستونی که مشاهده کنید، برافراشته است».

تا قبل از اینکه جاذبه زمین و اجرام مادی توسط «نیوتن» کشف شود، معنای این آیه در هاله‌ای از ابهام بود. اما وقتی جاذبه کشف شد، معنای آن وضوح بیشتری یافت. می‌دانیم که در عالم طبیعت برای هر چیزی سببی قرار داده شده و بر این اساس برافراشتن آسمان‌ها، بدون سبب امکان ندارد. بنابراین پایه و نیرویی وجود دارد؛ ولی آن را نمی‌بینیم.

دوم. در تفسیر برخی از آیات، مطالبی بیان شده که بر ما روشن نیست و باید در انتظار بمانیم تا حقایق جدیدی کشف شود. از باب نمونه:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ﴾^۲؛ «خدا کسی است که

هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمان‌ها از زمین خلق فرمود».

۱. رعد (۱۳)، آیه ۲.

۲. طلاق (۶۵)، آیه ۱۲.

منظور از هفت آسمان و هفت زمین، هنوز کاملاً مشخص نیست و باید در انتظار پیشرفت ابزار و کشفیات جدید بود.^۱

البته ناگفته نماند از آن رو که علم دستخوش نوسان است و هر روز تئوری تازه‌ای به بازار علم می‌آید و نظریات قبلی را یا به کلی ابطال کرده یا دستخوش تزلزل می‌سازد، لذا مفسران در تطبیق آیات قرآن با علوم روز، با احتیاط و دست به عصا راه می‌روند. به دیگر عبارت: علما و دانشمندان از اظهار این نکات، خودداری کرده و اجازه نمی‌دهند اشتباهات گذشته تکرار شود.

تفسیر علمی

● پرسش ۲۶. آیا قرآن را می‌توان براساس پیشرفت‌های علوم روز تفسیر کرد؟

قرآن کریم، کلام الهی است که معجزه جاویدان پیامبر اسلام ﷺ بوده و اعجاز آن دارای ابعاد مختلف است؛ از جمله: فصاحت، بلاغت، محتوا و قوانین عالی، مطالب علمی اعجاز‌آمیز و... که مقصود از اعجاز علمی، مطالبی از قرآن است که به علوم بشری اشاره دارد. به‌طوری که قبل از اسلام کسی از این مطالب آگاه نبوده؛ بلکه مدت‌ها بعد از نزول قرآن، آن مطالب علمی کشف شده است.

وجود این گونه مطالب در قرآن، نوعی اخبار غیبی و سرگویی قرآن و معجزه است. مثل اشارات قرآن به نیروی جاذبه^۲؛ مراحل خلقت انسان^۳؛

۱. ر.ک:

الف. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*؛

ب. معرفت، محمدهادی، *علوم قرآنی*، فصل هشتم.

۲. رعد (۱۳)، آیه ۲؛ لقمان (۳۱)، آیه ۱۰.

۳. حج (۲۲)، آیه ۵؛ مؤنون (۲۳)، آیه ۱۲.

لقاح ابرها و گیاهان^۱ و زوجیت عام موجودات^۲.

در قرآن کریم بیش از هزار آیه به کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، علوم پزشکی و... اشاره دارد که برای فهم و تفسیر آنها نیازمند علوم تجربی هستیم. البته در این مورد سه شیوه وجود دارد:

الف. تحمیل نظریه‌های اثبات نشده علمی بر قرآن.

ب. استخراج علوم قطعی از قرآن.

ج. استخدام علوم در فهم قرآن.

شیوه اول غلط و موجب تفسیر به رأی می‌شود و شیوه دوم و سوم صحیح است و موجب فهم بهتر قرآن می‌گردد.

در مواردی تفسیر علمی قرآن جایز است که:

۱. ظاهر آیه شریفه قرآن بر مطلب علمی دلالت داشته باشد.

۲. مطلب علمی، قطعی باشد (یعنی نظریه‌های اثبات نشده علمی نباشد).

در پایان گفتنی است؛ برخی آیات حاوی اشارات علمی است و برخی آیات انسان‌ها را دعوت به تفکر و تعقل می‌کند که انگیزه‌ساز حرکت‌های علمی و کشفیات بشری است.^۳

۱. حجر (۱۵)، آیه ۲۲.

۲. ذاریات (۵۱)، آیه ۴۹.

۳. جهت آگاهی بیشتر در این زمینه:

الف. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، (انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۵)؛

ب. همو، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، (انتشارات مبین)؛

ج. همو، *اشارات اعجاز‌آمیز علمی قرآن*، (نشر معارف).

شعر و قرآن

● پرسش ۲۷. با توجه به آیه شریفه ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ...﴾^۱ چرا قرآن از شعر نکوهش می‌کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است؟

نخست باید به حقیقت شعر رایج در دوران جاهلی و در آغاز طلوع خورشید اسلام، توجه کرد، سپس به هدف آیه از نکوهش شاعران واقف گردید. شعر در آن دوران، بیشتر براساس تخیلات بی‌اساس بود که در قالب نظم ریخته می‌شد، زیربنای این نوع سروده‌ها را یک سلسله اهداف مادی یا احساسات جنسی و تشویق به جنگ و خونریزی و... تشکیل می‌داد. شعر در دوران جاهلیت، تحریک‌کننده یک سلسله عواطف کاذب و احساسات پست مادی بود. وسیله‌ای برای توصیف چهره و خال و ابرو و چشم معشوقه‌ها، بدگویی پشت‌سر صالحان، ستایش افراد ستمگر و تملق‌گویی و چاپلوسی برای دارندگان زور و زر و سرگرمی برای می‌گساران به حساب می‌آمد. ناگفته پیداست، گوینده‌ای که انگیزه او، احساسات سودجویانه و ارضای غرایز حیوانی باشد و از مواهب معنوی و تربیت صحیح انسانی برخوردار نباشد، هرگز برای میدان تاخت و تاز شاعرانه خود، حد و مرزی نخواهد شناخت!! چنین شخصی درزننده کردن باطل، پنهان ساختن حق، پایمال نمودن حق بیچارگان، تعرض به نوامیس دیگران، شعله‌ور ساختن آتش شهوت جوانان و ده‌ها آموزه زشت و نکوهیده دیگر، پروایی نخواهد داشت.

قرآن، درباره چنین شاعران بی‌هدفی که جز تأمین منافع مادی و ارضای نامشروع احساسات جنسی و غرایز پست حیوانی، انگیزه‌ای ندارند، چنین می‌فرماید:

﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ، أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ، وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾^۱؛ «تنها افراد گمراه از شاعران پیروی می‌کنند! آیا نمی‌بینی که آنان درباره هر چیزی به دروغ سخن می‌گویند، و آنچه را که می‌گویند عمل نمی‌کنند؟!».

از این آیات، استفاده می‌شود که هدف قرآن، آن دسته از شاعرانی است که بر اثر نداشتن مایه‌های مذهبی و نگهبان باطنی، صفات زیر را دارند:

۱. رهبری گمراهان ﴿يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾.

۲. گفتار آنان را حد و مرزی نیست؛ چه بسا باطل را حق جلوه داده و احیاناً حق را در نظر مردم، بد معرفی می‌کنند ﴿فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾.

۳. چون به گفته خود معتقد نیستند، به هنگام عمل، به آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند. ﴿وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾.

از این رو حضرت صادق (ع) درباره معنای این آیه فرمود: «مقصود، داستان‌سرایان دوران جاهلی هستند که به عنوان سرگرمی نادرست اشعاری را می‌سرودند. هنگامی که آیات فوق نازل گردید، گروهی از شاعران عصر رسالت که همگی به وسیله اشعار خود از اسلام و مسلمانان حمایت می‌کردند، خدمت پیامبر (ص) رسیدند و گفتند: [با توجه به این آیه] سرانجام زندگی ما جز تباهی

۱. شعراء (۲۶)، آیات ۲۲۴ تا ۲۲۶.

۱. شعراء (۲۶)، آیه ۲۲.

چیزی نیست! در این موقع، آیه ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ نازل گردید و این گروه مؤمن را -که به جهت حق و عشق به معنویت، شعر می‌گویند - استثنا کرد.^۱

لذا هر نوع سروده‌ای که در آن احساسات پاک و شورانگیز گوییده، از عشق به بیان حقیقت، مبارزه با باطل و دعوت به کارهای نیک سرچشمه گیرد؛ مشمول آیه‌های دیگری خواهد بود که می‌فرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا...﴾^۲؛ «مگر افرادی که به خدا ایمان دارند و عمل نیک انجام می‌دهند و بسیار خدا را یاد می‌کنند و در برابر ستمی که کشیده‌اند، دادخواهی می‌کنند».

روشن است که هر گوینده و سراینده‌ای که زیر بنای افکار و سخنان او را ایمان به خدا، عمل صالح، یاد خدا و انتقام از ستمگران تشکیل دهد؛ در اشعار و گفتارش چیزی جز حکمت، موعظه، ترویج حق و نابودی باطل، پیدا نمی‌شود. از این نظر، پیامبر عالی قدر اسلام ﷺ درباره این دسته از شاعران فرموده است: «أَنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةٌ»^۳؛ «پاره‌ای از شعرها دانش و حکمت است».

تأثیر شعر آموزنده و سروده مفید در روحیه اجتماع، قابل انکار نیست و گاهی آن چنان قدرت آفرین است که چیز دیگری نمی‌تواند جایگزین آن گردد. ازاین رو، پیشوایان اسلام همواره از سروده‌های شاعران با ارزش، استقبال نموده و آنان را مورد احترام و محبت خود قرار می‌دادند. روزی که دعای پیامبر ﷺ درباره نزول باران مستجاب گردید، به یاد عمومی خویش

ابوطالب ﷺ افتاد و فرمود: اگر ابوطالب زنده بود، از دیدن این منظره، شاد و خرسند می‌شد. آیا کسی هست که شعر او را برای ما بخواند؟ یکی برخاست و گفت: ظاهراً مقصود شما این شعر است:

و ما حملت من ناقة فوق ظهريها ابر و اوفی ذمه من محمد^۱
«هیچ مرکبی در جهان کسی را بر پشت خود حمل نکرده است که نیکوکارتر و باوفا تر از محمد باشد».

پیامبر ﷺ فرمود: گوینده این شعر، حسان بن ثابت است. در این لحظه امام علی ﷺ برخاست و اشعاری چند از سروده‌های پدر و الامقام خود را خواند، که نخستین بیت آن، این است:

و ابیض یستسقی الغمام بوجهه شمال الیتامی عصمه للارامل^۲
«چهره روشنی که به احترام آن، باران از ابر درخواست می‌شود، شخصیتی که پناهگاه یتیمان و نگهبان بیوه زنان است».

سپس یکی از افراد طایفه بنی کنانه برخاست و از حضرتش اجازه گرفت که اشعاری را درباره آن حضرت بخواند. حضرت اجازه داد و او اشعار خود را خواند.

پیامبر ﷺ درباره او چنین دعا فرمود: «لَكَ لِكُلِّ بَيْتٍ قُلْتَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»^۳؛ «در برابر هر بیتی از این اشعار خانه‌ای در بهشت داری».

۱. ر.ک: مفید، امالی، ص ۷۶؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۸.

۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۹۵۵؛ طبع کمپانی؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲.

۱. شعرا (۲۶)، آیه ۲۲۷.

۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۷۶۶، ح ۹۴۳۶.

هنگامی که عبدالرحمان بن کعب از پیامبر اکرم ﷺ درباره شعر پرسید، آن حضرت پاسخ داد: «ان المومن مجاهد بسیفه و لسانه فوالذی نفسی بیده لکأنما ينضحونهم بالنبل»^۱؛ «مرد با ایمان با شمشیر و زبان خود از حریم حق دفاع می‌کند، به خدایی که جان من در دست او است، سروده‌های شما بسان تیری است که به قلب و چشم دشمن می‌نشیند».

تقدیر امام سجاد علیه السلام از فرزدق و حضرت صادق علیه السلام از هاشمیات کمیت و امام رضا علیه السلام از دعبل خزاعی نمونه‌ای از تأیید شعرها و شاعران مدافع حق و حقیقت است.

اعجاز قرآن

جنبه‌های اعجاز قرآن

● پرسش ۲۸. قرآن از چه جهت معجزه است؟ برای اثبات اعجاز قرآن چه دلیلی می‌توان اقامه کرد؟

قرآن معجزه‌ای جاوید و زنده است؛ و تمام اندیشمندان و فرزندگان بشری را، به تحدی و چالش فراخوانده است. بعضی از جنبه‌های اعجاز قرآن عبارت است از:

۱. اعجاز ادبی و موسیقایی

قرآن از جهت اعجاز ادبی، برجسته‌ترین ادیبان عرب را شگفت‌زده ساخته است تا آنجا که سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر ﷺ (مانند ولید)، بر اسلوب زیبا، ترکیب بدیع و آهنگ بی‌نظیر آن اعتراف کرده و نفوذ کلام قرآن را سحرآمیز خوانده‌اند.

پروفسور دورمان آمریکایی می‌نویسد: «قرآن لفظ به لفظ به وسیله جبرئیل، بر حضرت محمد ﷺ وحی شده و هر یک از الفاظ آن کامل و تمام است.

۱. ری شهری، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۴۶۲.

قرآن معجزه‌ای جاوید و شاهد بر صدق ادعای محمد رسول خدا ﷺ است. قسمتی از جنبه اعجاز آن، مربوط به سبک و اسلوب انشای آن است و این سبک و اسلوب، به قدری کامل و عظیم و باشکوه است که نه انسان و نه پریان، نمی‌توانند کوچک‌ترین سوره‌ای نظیر آن را بیاورند»^۱.

پروفسور^۲ می‌گوید: «قرآن با آهنگ زیبای مخصوص، دارای موسیقی دلنوازی است که گوش را می‌نوازد. عده کثیری از مسیحیان عرب‌زبان، سبک قرآن را ستوده‌اند. از میان شرق‌شناسان کسانی که به زبان و ادبیات عرب آشنایی دارند، فصاحت و لطافت و ظرافت شیوه قرآن را می‌ستایند. زمانی که قرآن را تلاوت کنند، جذابیت خاص آن، بی‌اختیار شنونده را به سوی خود می‌کشد و این حلاوت و موسیقی دلنشین بود که فریاد سرزنش‌کنندگان را خاموش کرد و به کالبد شریعت پیامبر اسلام، روح دمید و آن را غیرقابل تقلید گردانید. در پهنه نظم، نثر و ادبیات پردامنه عرب، کتابی به فصاحت، بلاغت، بلندپایگی و پرمایگی قرآن نمی‌شناسیم و اثری نیست که بتوان آن را با قرآن مقایسه کرد. تأثیر عمیق آیات قرآن بر عرب و غیر عرب، آن چنان است که عنان اختیار از کف می‌دهند»^۳.

نولدکه آلمانی در کتاب تاریخ قرآن می‌نویسد: «کلمات قرآن آن چنان خوب و به هم پیوسته است که شنیدنش، با آن هماهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است؛ مؤمنان را به شور می‌آورد و قلب آنان را مالا مال از وجد و شغف می‌گرداند»^۴.

۱. نیک بین، نصرالله، *اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب*، (دورود، سیمان و فارسیت، بی‌تا)، ص ۴۸؛ به نقل از: *اسلام و غرب*، ص ۱۰۶.

۲. A. Guollavome.

۳. The Quran Interpreted, A. J. Arberry, New York. 1974, v.2, p.10.

۴. (عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ترجمه تصویر و تفسیری آهنگین سوره فاتحه و توحید، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم ۱۳۷۴).

4. Geschichte Des Quran. Neeldke. p.56.

بارتلمی سنت هیلر دانشمند فرانسوی نیز در کتاب محمد و قرآن می‌نویسد: «قرآن کتابی است بی‌همتا که زیبایی ظاهری و عظمت معنوی آن برابر است. استحکام الفاظ، انسجام کلمات و تازگی افکار در سبک نو ظهور آن، چنان جلوه‌گر است که پیش از آنکه خرده‌ها تسخیر معانی آن گردند، دل‌ها تسلیم آن می‌شوند. در میان پیامبران هیچ کس، مانند پیامبر اسلام نتوانسته است این همه نفوذ کلام داشته باشد.

قرآن با سبک خاص خود، هم سرود مذهبی است و هم نیایش الهی؛ هم شریعت و قوانین سیاسی و حقوقی است و هم نویدبخش و هشداردهنده؛ هم پندآموز است و هم راهنما و هدایت‌کننده به راه راست؛ هم بیان‌کننده قصه، داستان و حکم و امثال و... بالاخره قرآن زیباترین اثر به زبان عربی است که در میان کتاب‌های مذاهب جهان نظیر ندارد. به اعتراف مسیحیان عرب‌زبان، این کتاب شریف، تأثیر شگرفی در دل و جان شنوندگان دارد»^۱.

از دیگر ابعاد اعجاز و زیبایی قرآن، نظم و هندسه و بلاغت کلام است؛ به گونه‌ای که با کمترین لفظ، بیشترین معنا را به ذهن مخاطب منتقل می‌کند و از هرگونه لفظ‌پردازی‌های زاید اجتناب کرده و در عین حال مراد خود را به‌طور کامل و رسا، به مخاطب انتقال می‌دهد که عظمت این بعد از اعجاز، به گونه‌ای است که اگر کلمه‌ای از قرآن را حذف کنید توانا نخواهید بود

1. Mohomet et Le Quran, Hilaire, B.Saint, Paris, 1865 P.127.

۲. جهت آگاهی بیشتر در این زمینه نگاه:

الف. رافعی، مصطفی صادق، *اعجاز قرآن*، (تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱)؛

ب. سید قطب، *التصویر الفنی فی القرآن*؛

ج. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *ترجمه تصویر و تفسیری آهنگین سوره فاتحه و توحید*، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴).

تا کلمه‌ای مترادف با آن در جمله قرار دهید، به‌طوری که مراد و آهنگ و وزن آیه را از اوج اعجازی آن خارج نسازد!!».

از دیگر ابعاد اعجاز بیانی قرآن، تصویر سازی است. قرآن در نظر برخی از دانشمندان (مثل سید قطب)، با کِلک قلم، تصاویر زیبا، مهیج و جاننداری از موجودات عالم هستی ارائه و بسیاری از صحنه‌ها را در مقابل چشم مخاطب ترسیم می‌کند تا مطلب در اعماق جان مخاطب نشانداده شود؛ نظیر به تصویر کشیدن و شباهت دانشمند پلید و فاسد، به سگ زبان بیرون آمده از کام، تصویر آغاز صبح به نفس زدن آن، تصویر عالم بی‌عمل به الاغ پر از بار کتاب و....

۲. اعجاز علمی

رازهای علمی نهفته در قرآن، اقیانوس بی‌کرانی از دانش‌های کیهان‌شناختی، انسان‌شناختی، تاریخ، نجوم و... است که دانشمندان شرق و غرب را به تحقیقات زیادی واداشته و آنان را سخت به حیرت افکنده است.

در اینجا به نمونه‌های چندی از آیات و موضوعات علمی ذکر شده اشاره می‌شود:

۱. ترکیب خاص نباتات (آیه ۱۹، سوره حجر).

۲. تلقیح نباتات (آیه ۲۲، همین سوره).

۳. قانون زوجیت و تعمیم آن به عالم نباتات (آیه ۳، سوره رعد).

۴. حرکت وضعی و انتقالی زمین (آیه ۵۳، سوره طه).

۵. وجود یک قاره دیگر غیر از قاره‌های شناخته شده آن روز (آیه ۱۷، سوره رحمن).

۶. اصل کروی بودن زمین (آیه ۴۰، سوره معارج).

۷. ارتباط بین پدیده‌های جوی (آیه ۱۶۴، سوره بقره و آیه ۵ سوره جاثیه).

در عین حال با توجه به اینکه قرآن، کتابی انسان‌ساز و هدایتگر است، تنها ممکن است در موارد خاصی به مسائل علمی اشاره کند. این اشارات جزئی، منبع الهام برای دانشمندان است. گذشته از آن، قرآن همیشه مردم را به سیر در روی زمین و مطالعه پدیده‌های جوی، فرا خوانده و بنا بر پاره‌ای از تفاسیر، امکان صعود به کرات دیگر را خبر داده است.

در این زمینه کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری از سوی دانشمندان، در رشته‌های مختلف علوم به نگارش درآمده و همه از عظمت قرآن و تطبیق آیات آن، با جدیدترین رهیافت‌های دانش بشری سخن گفته‌اند.^۱

«موريس بوكای»^۲ در کتاب *مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم* می‌گوید: «چگونه می‌توان از تطبیق قرآن با جدیدترین فرآورده‌های علمی بشر، در شگفتی فرو نرفت و آن را اعجاز به حساب نیاورد؟!»^۳.

او ضمن مقایسه آموزه‌های علمی قرآن، با تناقضات عهدین و دانش‌های رایج زمان نزول قرآن، می‌گوید: «نظر به وضع معلومات در عصر محمد ﷺ،

۱. نگا:

الف. طباطبائی، سید محمدحسین، *اعجاز قرآن*؛

ب. مکارم شیرازی، ناصر، *قرآن و آخرین پیامبر*؛

ج. المکی العاملی، حسن محمد، *الالهیات علی هدی الکتاب والسنه والعقل*، محاضرات استاد جعفر سبحانی،

(قم: امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷)، ج ۳، ص ۴۱۸؛

د. آیه‌الله خویی، سید ابوالقاسم، *ترجمه البیان*، ج ۱، ص ۱۱۷.

2. Maurice Bucaille.

۳. بوكای، موريس، *مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم*، ترجمه: مهندس ذبیح الله دبیر، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۴).

نمی‌توان انگاشت که بسیاری از مطالب قرآنی - که جنبه علمی دارد - مصنوع بشری بوده باشد. به همین جهت کاملاً به حق است که نه تنها قرآن را باید به عنوان یک وحی تلقی کرد؛ بلکه به علت تضمین اصالتی که عرضه می‌دارد... به وحی قرآنی، مقام کاملاً متمایزی می‌دهد.^۱

۳. اعجاز در پیشگویی

قرآن از حوادثی در آینده خبر داده است. این خبرها، برخی نسبت به خود قرآن است و بعضی نسبت به حوادث خارجی. بخشی، رویدادهای مقطع خاصی از تاریخ است و بعضی مستمر و پایا. برخی زمان تحققش فرارسیده و از نظر تاریخی صدق و حقانیت قرآن را به اثبات رسانده است. در مقابل، برخی دیگر مربوط به آینده بشریت است؛ مانند: حاکمیت صالحان، برقراری حکومت جهانی عدل و توحید و تحقق مدینه آرمانی اسلامی.

دورمان می‌نویسد: «قسمت دیگر از اعجاز قرآن، مربوط به پیشگویی‌هایی است که در آن مندرج است و به نحو اعجاب آوری، دارای اطلاعاتی است که مرد درس نخوانده‌ای مانند محمد ﷺ، هیچ گاه قادر نبود آنها را جمع کند».^۲

به اختصار بعضی از موارد یاد شده بیان می‌شود:

۳-۱. تحریف ناپذیری

قرآن مجید به صراحت اعلام می‌دارد: دست تحریف و دسیسه برای همیشه از ساحت این کتاب مقدس، کوتاه است و حفظ و عنایت الهی، همواره تضمین‌کننده عصمت آن است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾؛ «همانا ما ذکر [قرآن]

را فروفرستادیم و ما همواره آن را نگاهبانیم».

﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ

حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾؛^۲ «و این کتابی است نفوذناپذیر، باطل از پیش و پس در

آن راه نمی‌یابد. نازل شده از سوی خدای حکیم و حمید است».

این ادعای قرآن، اکنون تجربه‌ای پانزده قرنه را پشت سر نهاده و نشان داده است که تلاش‌های دشمنان، در این زمینه ناکام مانده و حسرت افزودن یا کاستن حتی یک کلمه از قرآن، بر دل آنها مانده است و از اینکه در آینده نیز بتوانند از عهده آن برآیند، به‌طور کامل مأیوس و ناامید گشته‌اند!

۳-۲. تحدی و فراخوانی

قرآن به گونه‌های مختلف، انسان‌ها را به تحدی و همانندآوری فراخوانده و با قاطعیت کامل ادعا کرده است: اگر تمام بشر، دست به دست هم دهند، نمی‌توانند مانند آن را بیاورند:

﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ

بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾^۳؛ «بگو اگر جن و انسان‌ها با یکدیگر

اتفاق کنند، هرگز نمی‌توانند همانندی چون این قرآن آورند؛ هر چند

گروهی از ایشان گروه دیگر را پشتیبان باشند».

قرآن از این فراتر رفته و مخالفان را به آوردن سوره‌ای چون قرآن، دعوت کرده و عجز و ناتوانی همیشگی آنان را در این باره اعلام کرده است:

۱. حج (۱۵)، آیه ۹.

۲. فصلت (۴۱)، آیات ۴۱ و ۴۲.

۳. اسراء (۱۷)، آیه ۸۸.

۱. همان، ص ۳۳۸.

۲. نیک بین، نصرالله، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۴۸.

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾^۱؛ «و اگر در آنچه ما بر بنده خویش نازل کردیم (قرآن) تردید دارید، پس سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود - جز خدا - را فراخوانید، اگر راست می‌گویید! پس اگر چنین نکنید - و هرگز نخواهید کرد - پس پرهیزید از آتشی که هیزم آن انسان است و سنگ که برای کافران مهیا شده است».

این پیشگویی قرآن، طی پانزده قرن تجربه شده است و همه تلاش‌ها در جهت همانندآوری سوره‌ای - حتی به اندازه سوره «کوثر» که دارای حجمی در حدود سه سطر است - ناکام مانده و تکاپوگران این عرصه را جز رسوایی سودی نبخشیده است.^۲

۳-۳. حوادث تاریخی

قرآن مجید رخدادهایی را پیش از وقوع آنها و در شرایطی که محاسبات عادی قادر به پیش‌بینی آنها نبود، اعلام کرده و واقعیت تاریخی نیز به‌طور دقیق - آن‌سان که قرآن از پیش خبر داده - تحقق یافته است. نمونه‌هایی از آن عبارت است از:

۳-۱. پیروزی اسلام بر مشرکان مکه و ورود مسلمانان به خانه خدا در امنیت کامل:

﴿لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ

۱. بقره (۲)، آیات ۲۳ و ۲۴.

۲. جهت آگاهی بیشتر در این زمینه نگا: خویی، سیدابوالقاسم، *مرزهای اعجاز*، ترجمه: جعفر سبحانی، (تهران: محمدی، چاپ اول، ۱۳۴۹)، صص ۱۵۳-۱۶۶.

لَا تَخَافُون﴾^۱؛ «هر آینه به خواست خدا به مسجد الحرام در می‌آیید؛ در حالی که سرهای خود را تراشیده و تقصیر می‌کنید و هیچ خوفی بر شما نباشد».

پس از نزول این آیه، چیزی نگذشت که صلح و به تعبیری فتح حدیبیه پدید آمد و زمینه‌های ورود سرافرازانه مسلمانان و از پی آن، پیروزی قاطع اسلام بر شرک و کفر و تبدیل مجدد مسجد الحرام به کانون اصلی توحید فراهم شد.

۳-۲. پس از پیروزی امپراتوری ایران بر روم، به زودی روم بر ایران چیره شده و مؤمنان از این حادثه خرسند خواهند شد:

﴿غُلِبَتِ الرُّومُ. فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ. فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۲؛ «روم در ادنی الارض (اطراف شام یا الجزیره)^۳ مغلوب گردیده و پس از آن در اندک سالی (بین سه تا هفت سال) چیره خواهد شد. امر همواره از آن خدا است؛ چه پس از آن و چه پیش از آن و در آن روز، مؤمنان شادمان خواهند شد».

این پیشگویی قرآن همزمان با پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، رخ نمود و شادی مضاعف برای مسلمانان به همراه آورد.^۴

۱. فتح (۴۸)، آیه ۲۷.

۲. روم (۳۰)، آیات ۲-۴.

۳. نگا: شبیر، عبدالله، *تفسیر القرآن الکریم*، (بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا)، ص ۳۸۵.

۴. همان.

۴. اعجاز از نظر آورنده

از دیگر وجوه اعجاز قرآن، اعجاز از نظر آورنده آن است. قرآن بر این جنبه از اعجاز تأکید کرده، می‌فرماید:

﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّ بِمِيمِكَ إِذَا لَا زُنَابَ الْمُبْطِلُونَ﴾^۱؛ «تو قبل از این کتابی نمی‌خواندی و چیزی نمی‌نوشتی اگر

این چنین بود اهل باطل به اظهار تردید می‌پرداختند».

منطقه عربستان، در میان سایر مناطق مجاور آن - نظیر روم، مصر و ایران - در نهایت ضعف فرهنگی و بلکه دارای فرهنگ مادری «امّی» بود؛ به گونه‌ای که نهایت دانش آنان به اطلاعات سینه به سینه مستند بود و باورها و سنت‌ها و رفتار آنان در همان چارچوب شکل می‌گرفت. آوردن کتابی با عظمت قرآن - به گونه‌ای که هم در آن زمان و هم در آینده، تمام فرهنگ‌ها و دانشمندان را در برابر خود خاضع کند - از نشانه‌های الهی بودن و غیر بشری بودن آن است.

به خصوص که آورنده آن در همان جامعه عربی محدود، شخصیتی درس‌نخوانده بود. برای مثال تصور کنید: در یکی از مناطق قبیله‌ای آفریقا و از میان آنان، شخصی که نه با ریاضیات و فیزیک و نه با سایر کتاب‌های علمی سر و کار ندارد، ناگهان کتابی در زمینه انرژی هسته‌ای، یا شیوه‌های علمی همانندسازی و سلول‌های بنیادی عرضه کند و تمام دانشمندان متخصص با وجود مراکز علمی و پژوهش گسترده خود، از آوردن مثل آن عاجز باشند!!

۱. عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۸.

۵. اعجاز قرآن از نظر عدم اختلاف

از دیگر جنبه‌های اعجاز قرآن عدم وجود اختلاف و تناقض میان مطالب آن است. قرآن کریم بر این جنبه از اعجاز نیز تأکید کرده است:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾^۱؛

«چرا تدبر در قرآن نمی‌کنید؛ اگر این کتاب از جانب غیر خدا بود، هر

آینه در آن اختلاف زیادی می‌دیدند».

می‌دانیم که قرآن در طول ۲۳ سال بر زبان رسول گرامی اسلام ﷺ جاری شده است؛ آن هم در زمانی که شاهد قوت دشمن، ضعف گروه مؤمنان، هجرت، محاصره، جنگ و بیم و امید و شکست و پیروزی‌ها و... بوده است. در این مدت مطالب به ظاهر پراکنده قرآن، به مناسبت حادثه‌ها گفته می‌شد و در اختیار مخاطبان قرار می‌گرفت. اگر این نوشته جنبه بشری داشت، حداقل شاهد دو پدیده بودیم.

الف. تکامل متن؛ یعنی، سبک گفتار و کلام به مرور زمان، رو به کمال و ترقی می‌نهاد و واژه‌ها و اصطلاحات و عبارت‌پردازی‌ها کامل‌تر می‌گشت!

ب. تکامل محتوا، یعنی، معارف، اخلاقیات، دستورات آن، روند تکاملی می‌یافت. در واقع معارف آغازین آن از سطحی نازل‌تر و عمقی کمتر و گاه غلط برخوردار بود و هر چه زمان به جلو می‌رفت، قوانین قبلی کامل‌تر و با چهره‌ای متفاوت از گذشته ارائه می‌شد. نوشتن چنین کتابی با این گستردگی موضوع از سوی شخصی که در متن حوادث و درگیری قرار می‌گیرد، موجب می‌شود تا به تدریج تفاوت‌هایی از نظر روحی و قدرت تحلیلی و درستی

۱. نساء (۴)، آیه ۸۲.

محتوایی را شاهد باشیم؛ در حالی که در قرآن هیچ یک از این آسیب‌ها و آفت‌ها ملاحظه نمی‌شود.

۶. لذت تکرار قرآن

یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن کریم، حلاوت و شیرینی آن است؛ یعنی، هر چه تکرار شود، از حلاوتش کاسته نمی‌شود.

سوره «حمد» را در روز چندبار (ده بار فقط برای نمازمان) می‌خوانیم. هر قطعه زیبایی را اگر روزی ده بار بخوانیم، برای مان خسته کننده است؛ ولی تنها قرآن است که هر چه بخوانیم شیرینی آن سلب نمی‌شود. این، حکایت از نوعی تناسب روح و فطرت بشر و کلام الهی دارد و انسان چون واقعاً کلام خالقش را می‌شنود، ندای غیب و ماورای طبیعت را می‌شنود.

بنا بر آنچه گفته شد فرابشری بودن قرآن حتی نسبت به شخص پیامبر ﷺ به روشنی اثبات می‌شود.

وجوه دیگری نیز دربارهٔ اعجاز قرآن ذکر شده است؛ از قبیل: اعجاز در معارف، قانون‌گذاری و... .

مطالعهٔ منابع مختلف در این زمینه سفارش می‌شود.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

الف. مطهری، مرتضی، *وحی و نبوت*، (قم: صدرا)؛

ب. طباطبائی، سیدمحمدحسین، *تفسیر المیزان*، (قم: اسماعیلیان، بی‌تا)، ج ۱، صص ۵۸-۷۳؛

ج. توسلیان، سید مرتضی، *عظمت قرآن*؛

د. جمعی از نویسندگان «در راه حق»، *درس‌هایی پیرامون شناخت قرآن*؛

هگرامی، محمد علی، *درباره شناخت قرآن*؛

و. حجازی، فخرالدین، *پژوهشی پیرامون قرآن و پیامبر*؛

ز. مکارم شیرازی، ناصر، *قرآن و آخرین پیامبر*؛

ح. مؤدب، سیدرضا، *تأملی در آفاق اعجاز قرآن* (مق)، معارف، ش ۲۰، آبان ۱۳۸۳؛

ط. همو، *اعجاز قرآن در نظر اهل بیت (علیهم‌السلام) و...*، (قم: احسن الحدیث، چاپ اول ۱۳۷۹).

اعجاز همگانی قرآن

● پرسش ۲۹. آیا اعجاز قرآن تنها برای عرب‌زبانان است و یا برای دیگران هم می‌باشد؟

اعجاز و تحدی قرآن حتی در جنبه لفظی، سبک، آهنگ، تصویرسازی، هندسهٔ کلمات و بلاغت، منحصر در زبان عربی نیست؛ بلکه شامل تحدی به هر متن ادبی در هر زبانی می‌شود.

اگر دست روی هر متن ادبی زیبا بگذارید و پنج خط آن را انتخاب کنید و سپس دست روی یکی از صفحات قرآن بگذارید و پنج خط آن را انتخاب کنید آن‌گاه میان سبک، آهنگ و تصویرها، هندسه کلمات، بلاغت و وزن آنها مقایسه کنید؛ ملاحظه خواهید کرد تفاوت آن دو بسیار است و متن غیرقرآنی، از جهت رعایت نکات ادبی و بیانی، در حد و اندازه قرآن نیست. علاوه بر اینکه اعجاز معنوی و بلندای معارف قرآنی مهم‌تر از اعجاز لفظی است. در طول قرن‌ها مردمان بسیار و اندیشمندان زیادی، از قرآن بهره‌های علمی و معنوی برده‌اند به گونه‌ای که به هر مقدار جامعه بشری رشد داشته، به همان میزان از دانش و معارف قرآن و نورانیت معنوی آن بهره‌مند گردیده است؛ تا جایی که گفته شده برخی از آیات قرآن (مانند شش آیه اول سوره حدید)، در آخرالزمان، به عمق آن پی خواهند برد.^۱

اعجاز قرآن از نظر معانی، اختصاص به گروه خاص و یا زبان خاصی ندارد که

در این باره می‌توان به برخی نمونه‌ها اشاره کرد؛

۱. ر.ک: *تفسیر نمونه*، ج ۲۳، ص ۲۹۵.

۱. قرآن، خدا را توصیف نموده است؛ صفاتی را که شایسته او نیست، از او سلب کرده و او را منزّه از آن صفات دانسته و از طرف دیگر صفات کمال و اسمای حُسنی را برای ذات حق اثبات کرده است.

قرآن در این توصیفات خود آن چنان دقیق است که ژرف اندیش ترین علمای الهی را به حیرت انداخته است و این خود روشن ترین معجزه از یک فرد درس نخوانده است.

قرآن در پیوند انسان با خداوند، زیباترین بیانها را دارد. خدای قرآن از رگ گردن به انسان نزدیک تر است. با او در داد و ستد است و با او خشنودی متقابل دارد. او را به خود جذب می کند و مایه آرامش دل اوست: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱ بشر با او انس و الفت دارد؛ بلکه همه اشیاء، او را می خواهند و او را می خوانند. تمام موجودات از عمق و ژرفای وجود، با او سر و سر دارند. او را ثنا می گویند و تسبیح می کنند: ﴿إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾^۲.

۲. قرآن کتاب راهنمایی بشر است و در واقع کتاب «انسان» است انسان از نظر قرآن نفخه روح الهی است و خواه ناخواه به سوی خدای خودش باز می گردد. این است که معرفت خدا از شناخت انسان جدا نیست. انسان تا خود را شناسد، به درستی نمی تواند خدای خود را بشناسد. از طرف دیگر، تنها با شناخت خداوند است که انسان به واقعیت حقیقی خود پی می برد.

انسان در مکتب پیامبران، با انسانی که بشر از راه علوم می شناسد،

بسی متفاوت است.

۳. گستره آگاهی نسبت به معاد، رستاخیز و حشر اموات، مراحل بین مرگ تا قیامت و... تنها در قرآن به طور شایسته و به دور از تردید بیان شده است.

۴. تاریخ و قصص پیامبران (علیهم السلام) و فرجام نیک پیروان آنان و عاقبت بد تکذیب کنندگان آنها به روشنی و گستردگی در قرآن ذکر شده است.

۵. مکارم و فضایل اخلاقی؛ از قبیل شجاعت، استقامت، صبر، عدالت، احسان، محبت، ذکر خدا، محبت خدا، شکر، ترس از خدا، توکل، رضا و تسلیم در مقابل فرمان خدا، تعقل و تفکر، علم و آگاهی، نورانیت قلب به واسطه تقوا، صدق، امانت و... به خوبی در قرآن آمده است.

۶. اخلاق اجتماعی؛ از قبیل اتحاد، تواصی بر حق، توصیه بر صبر، تعاون بر نیکی و تقوا، ترک دشمنی، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد به مال و نفس در راه خدا و... به گستردگی در قرآن ذکر شده است.

۷. احکام؛ از قبیل نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، نذر، قسم، بیع، رهن، اجاره، هبه، نکاح، حقوق زوجین، حقوق والدین و فرزندان، طلاق، وصیت، ارث، قصاص، حدود، دین، قضا، شهادت، مالکیت، حکومت، شورا، حق فقرا، حق اجتماع و... در قرآن بیان شده است.

بنابراین ثابت می شود که قرآن جنبه های اعجازی گوناگونی دارد و این به گونه ای است که نه تنها عرب در برابر آن عاجز است؛ بلکه تمام جهان نیز در مقابل آن خاضع است. در این زمینه هزاران کتاب و مقاله به وسیله دانشمندان در رشته های مختلف علوم به نگارش درآمده و همه از عظمت قرآن و تطبیق آیات آن با جدیدترین رهیافت های دانش بشری سخن گفته اند.

۱. رعد (۱۳)، آیه ۲۸.

۲. اسراء (۱۷)، آیه ۴۴.

تحریف قرآن

تحریف قرآن در اینترنت

● پرسش ۳۰. به تازگی قرآن به صورت تحریف شده در اینترنت آمده است!

این اتفاق چگونه با آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ سازگار است؟

تحریف در لغت از ریشه «حرف» به معنای کناره، جانب و اطراف یک چیز گرفته شده و تحریف چیزی، کنار زدن و کج کردن آن از جایگاه اصلی خود و به سوی دیگر بردن است^۱.

تحریف در اصطلاح قرآن‌شناسی دارای اقسامی است از جمله:

۱. تحریف با تعویض کلمات؛ یعنی، برداشتن کلمه‌ای و جایگزین کردن آن با کلمه‌ای دیگر.

۲. تحریف به زیاده؛ یعنی، افزودن کلمه یا جمله‌ای به آیات قرآن.

۱. نگا: معرفت، محمد هادی، مصونیت قرآن از تحریف، ترجمه: محمد شهرابی، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول ۱۳۷۶)، ص ۱۹.

۳. تحریف به نقیصه؛ یعنی، ساقط کردن کلماتی از قرآن و یا اعتقاد به اینکه کلمه، آیه یا سوره‌ای از قرآن کریم ساقط شده است.

دیگر اقسام آن عبارت است از: ۱. تحریف معنوی، ۲. تحریف موضعی، ۳. تحریف در قرائت، ۴. تحریف در لهجه و گویش^۱.

هیچ یک از این اقسام، به ساحت قرآن کریم راه ندارد. اساساً تحریف کتاب آسمانی، بدین معنا است که این تغییرات به گونه‌ای انجام پذیرد که دیگر کلام الهی، به درستی شناخته نشود و از دسترس بشر خارج گردد و یا چیزی به عنوان کلام خدا شناخته شود که سخن او نیست. مصونیت قرآن از تحریف، به معنای «ماندگاری» متن اصلی قرآن و آشنایی با آن در میان مردم است؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه مسلمانان و دیگر جوامع بشری، از شناخت و دسترسی به متن اصلی آن محروم نشده و کلام خدا را از غیر آن با وضوح و آشنایی کامل تمیز خواهند داد.

این به معنای آن نیست که بدخواهان از تغییر و تصرف در الفاظ قرآن، به هر شکلی ناتوان‌اند؛ بلکه منظور این است که، خیانت بدخواهان به نتیجه نمی‌رسد و برای مسلمانان توطئه‌ها شناخته شده و خنثی می‌شود.

تحریف قرآن در اینترنت نیز از این قاعده مستثنا نیست و خیانت آنان، برای عموم آشکار می‌شود و هیچ‌گاه نمی‌توانند با این‌گونه ترفندها، متن اصلی قرآن را تغییر دهند.

دلایل تحریف ناپذیری قرآن

● پرسش ۳۱. چگونه می‌توان عدم تحریف قرآن را اثبات کرد؟

به‌طور کلی در رابطه با تحریف ناپذیری قرآن، دلایل متعددی اقامه شده است که از جمله آنها «گواهی تاریخ» است. پژوهش‌های تاریخی و مقایسه بین قرآن‌های موجود و قرآن‌های صدر اسلام، نشان می‌دهد که حتی یک کلمه از این کتاب الهی، کم یا زیاد نشده است.

اینجا به بیان بخشی از آنها به‌طور اختصار اکتفا می‌کنیم:

۱. برهان حکمت^۱

خداوند آخرین کتاب آسمانی خود را به نام قرآن، برای هدایت بشر فرستاده است. خداوند دیگر نه کتابی می‌فرستد و نه پیامبری؛ بنابراین قرآن اولین و آخرین منبع هدایت بشر تلقی می‌شود. تحریف چنین کتابی، مساوی با گمراهی و یا حداقل سرگردانی بشر است و این با حمید و حکیم بودن خداوند سازگار نیست. بنابراین خداوند خود به مقتضای حکیم بودنش این کتاب را حفظ می‌کند.

۲. برهان اعجاز

این دلیل به تعبیر علامه طباطبایی^۲ بهترین و استوارترین دلیل برای صیانت قرآن در زمان کنونی به شمار می‌رود. تمام وجوه اعجازی که برای قرآن، زمان رسول‌الله وجود داشت مثل تحدی، فصاحت و بلاغت و زیبایی الفاظ آن، هدایت انسان به سوی حق، صدق مطلق مطالب آن و... بر همین قرآن کنونی منطبق و یافت می‌شود. بی‌تردید در صورتی که بین این فاصله زمانی، کمترین نقصان

۱. قرآن شناسی، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، ص ۱۱۷.

۱. جهت آگاهی بیشتر نگا: همان، صص ۲۶ - ۲۲.

و یا اضافه‌ای در آن به وقوع می‌پیوست، به‌طور یقین دیگر از آن اوصاف اعجازی، خبری نمی‌ماند و حال آنکه همه آنها در قرآن کنونی باز هم یافت می‌شود.

۳. برهان خاتمیت

قرآن از طرفی، در چندین جا تصریح می‌کند که کلام خدا و سند نبوت است و کتاب اسلام به شمار می‌آید^۱ و از طرف دیگر، دین اسلام را دین خاتم معرفی می‌کند^۲. روشن است که معنای خاتمیت، مصونیت از تحریف است. اما سخن در این است که چه چیزی از دین باید مصون از تحریف باشد؟ یقیناً آنچه به نام دین و مجموعه هدایت الهی برای یک پیامبر نازل گشته است؛ یعنی، کتاب او باید مصون از تحریف باشد و این شرط لازم مصونیت دین از تحریف است^۳.

۴. برهان تحدی دائمی

قرآن در همه زمان‌ها و مکان‌ها و حتی در زمان حاضر، توان و قدرت فکری و ذهنی بشر را برای همانندسازی به مبارزه فرا می‌خواند. اما بشر حاضر، مثل انسان‌های گذشته، عاجزانه در مقابل آن شکست را پذیرا می‌شود. از این ناتوانی موجود، به راحتی می‌توان پی برد که حتی قرآن کنونی به تحریف دچار نشده است.

۵. برهان جامعیت

قرآن در راستای هدایت و راهنمایی بشر، از بیان چیزی که لازمه بشر در امر سعادت باشد، فروگذاری نکرده است. قرآن حاضر همانند قرآن موجود در گذشته‌ها دارای این صفت است. حال اگر قرآن در زمان حاضر، دارای صفتی است، چگونه می‌توان احتمال نقصان یا زیادت را در آن داد؟ بنابراین قرآن کنونی از هرگونه تغییری مصون است.

۱. مانند: آیه ۳۴ سوره طور و آیه ۸۸ سوره اسراء (۱۷).

۲. مانند: آیه ۸۵ سوره آل عمران و آیه ۴۰ سوره احزاب.

۳. همان، ص ۶۶ و درباره خاتمیت ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۸۳ و ج ۳، ص ۱۵۳.

۶. برهان تواتر

تمام آیات و سوره‌های کنونی قرآن مجید، همانند قرآن گذشته، دست به دست و سینه به سینه به‌طور همگانی، توسط مسلمانان نقل گردیده است. این تواتر منطقی، دلالت می‌کند هیچ کلمه و آیه یا سوره‌ای، نه از قرآن کاسته و نه بر آن افزوده شده است. بنابراین قرآن کنونی با توجه به واجد بودن صفت تواتر، از هرگونه تحریفی سالم است.

۷. شیوه وحیانی قرآن

این برهان مبتنی بر نوع نگرش مسلمانان بر مسئله وحی و تمایز مسیحیان از آن است. مسلمانان معتقدند وحی در واقع، تکلم و گفتار لفظی خداوند است که به وسیله جبرئیل به پیامبر ﷺ می‌رسید و پیامبر ﷺ موظف بود عین همان الفاظ را به مردم برساند. اما مسیحیان بر این باورند که وحی در حقیقت انکشاف خدا و تجربه انسان است که در بشر تجلی می‌کند و این عامل انسانی است که آن را در مقام بازگو، تعبیر می‌کند و لذا ممکن است در تعبیر آن، مرتکب اشتباه هم بشود. روشن است که طبق نگرش اول به یقین الفاظ قرآن نمی‌تواند از نقش عامل انسانی متأثر شود. از این رو، چاره‌ای جز پذیرفتن تحریف‌ناپذیری قرآن بر اساس دیدگاه مسلمانان در بین نمی‌ماند.

۸. شیوه بیانی قرآن

قرآن در جهت تعارض با منافع زورمندان و سلطه جویان، بیش از آنکه به نام اشخاص بپردازد به بیان شاخص‌ها توجه کرده است و به استثنای تصریح نام برخی افراد، به موارد جزئی نپرداخته است. و این یکی از تمهیدات الهی در مصونیت قرآن است که به نوبه خود باعث گردیده، برای کسی

انگیزه کتمان یا تحریف آیات پیش نیاید و بهانه‌ای برای دسیسه حاکمان به‌طور آشکار نباشد.

۹. شیوه نزول قرآن^۱

یکی از تمهیدات الهی برای مصون ماندن قرآن، نزول تدریجی آن، آن هم با سبک و برنامه‌ای ویژه است. در مدت تقریباً ۲۳ سال، آیات قرآن به دو شکل نازل شده است. آیاتی که در آغاز بعثت در مکه نازل گردیده، آیاتش کوتاه و موزون است؛ مانند:

﴿وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ...﴾.

﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ...﴾.

این مقاطع کوتاه و موزون، در حفظ آیات، تأثیر بی‌شائبه‌ای داشته است، آن هم در میان مردم روزگاری که امی بوده‌اند. اما در سال‌های بعد، آیات و سوره‌های بزرگ‌تری در مدینه نازل شده است؛ زیرا در مدینه، هم آرامش بیشتری برای مسلمانان بوده و هم امکانات نوشتن و ثبت آیات وجود داشته است. بالاخره، نزول تدریجی قرآن، این نتیجه را داشت که وقتی حتی چند آیه نازل می‌شد، پیامبر آن را برای مسلمانان می‌خواند (و آنان نیز حفظ می‌کردند) و بعد آیه‌ای دیگر نازل می‌گشت.

۱۰. شیوه تعلیم قرآن

در تاریخ قرآن مهم است بدانیم که پیامبر ﷺ چگونه آیات را بر مردم می‌خوانده و آنها را تعلیم می‌داد؟ راوی می‌گوید: پیامبر ﷺ در مدینه هر بار ده آیه به ما می‌آموخت. ما ده آیه را یاد می‌گرفتیم، سپس ده آیه دیگر و... برای مثال،

یکی از صحابه در مسجد دمشق ۱۶۰۰ شاگرد را تعلیم قرآن می‌داده است. به این شکل که آنها را به گروه‌های ده نفری تقسیم کرده بود و هر ده نفر یک ناظر داشته‌اند که مجموع این ناظران و سرگروه‌ها ۱۶۰ نفر می‌شدند. افزون بر آن^۱ به شهادت تاریخ، در صدر اسلام عده زیادی از مسلمانان - که تعداد آنان را تا ۴۳ نفر نوشته‌اند - به دستور پیامبر ﷺ هر آیه و یا سوره‌ای که نازل می‌شد، بلافاصله می‌نوشتند؛ از جمله معروف‌ترین اصحاب پیامبر که به نوشتن قرآن اهتمام خاصی می‌ورزیدند، حضرت علی رضی الله عنه و زید بن ثابت بودند.

۱۱. اهتمام مسلمانان

بی‌شک از اهتمام پیامبر ﷺ بر قرائت قرآن و تحفیظ آن، مسلمانان جامعه آن روز، فضیلت بزرگی برای حفظ قرآن قائل بودند. مؤمن و منافق در این جهت بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند. معاشرت و انس با قرآن، جزو آداب و رسوم مردم در آمده بود و در مسائل و مشکلات خود به آن مراجعه می‌کردند. تقدس و فضیلت یافتن قرآن نزد مسلمانان، این نتیجه را به دنبال داشت که کسی نمی‌توانست ایده تغییر قرآن را در سر پیوراند^۲.

اهتمام به نگهداری و حفظ قرآن کریم در میان مسلمانان به اندازه‌ای بود که پس از نبی اکرم و در زمان خلافت ابوبکر، وقتی در جنگ یمامه تعدادی از حافظان قرآن کشته شدند، مسلمانان تصمیم گرفتند توجه بیشتری در حفظ قرآن به خرج دهند و به این منظور همه نسخه‌های قرآن را در یک جا جمع‌آوری کرده و از اینکه نقصانی در آنها واقع شود، جلوگیری نمودند. حفظ این نسخه‌ها

۱. ابو عبدالله زنجانی، *تاریخ القرآن*، ص ۴۲، موسسه الاعلمی، بیروت.

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *قرآن شناسی*، ج ۱، ص ۲۱۵، (نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی).

۱. کیهان اندیشه، شماره ۲۸، *مقاله تحریف ناپذیری قرآن*، علامه مرتضی عسکری.

به شدت مورد توجه قرار گرفت و همین طور نسل بعد، قرآن را سینه به سینه حفظ می‌کردند و به نسل بعد انتقال می‌دادند.^۱

۱۲. تکامل خط و کتابت

برای حفظ یک متن به صورت اصلی، باید شرایط طبیعی چنین امری فراهم باشد. در عصرهای گذشته تکامل خط و پیشرفت کتابت به آن میزان نبوده است که بتواند متنی را در بستر خویش و به صورت کامل حفظ کند. البته با رشد تمدن بشری، زمینه‌های لازم برای چنین امری پدیدار می‌شد؛ چنان که به نظر برخی^۲ در زمان رسول‌الله شرایط و موقعیت حصول چنین کاری مهیا شد و زمینه را برای حفظ و صیانت قرآن فراهم آورد.

در پایان گفتنی است: اکثریت اهل سنت و شیعیان بر مصونیت قرآن موجود اتفاق نظر دارند اما برخی از اهل سنت و اندکی از شیعه گمان کرده‌اند که آیات فراوان دیگری در قرآن وجود داشته که حذف شده است.

چنان که سیوطی از خلیفه دوم عمر بن خطاب نقل کرده است: «آیات سوره احزاب به اندازه سوره بقره بوده و آیه رجم در آن بوده است!!» اما واقعیت این است که این گروه در اشتباهند و بنا بر تحقیق، آیات قرآن بدون کاستی و فزونی همین است که الان موجود است.^۳

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶۷ - ۱۶۱ (مرکز نشر فرهنگی رجا).

۲. علامه خوئی، ترجمه البیان، ج ۱، ص ۳۰۹، (نشر مجمع ذخائر اسلامی - قم، ۱۳۶۰ ش).

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

الف. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، (تهران: سمت، چاپ دوم ۱۳۷۷)، صص ۱۶۷ - ۱۵۴؛

ب. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۶)؛

پ. حسن‌زاده آملی، حسن، قرآن هرگز تحریف نشده است؛

ت. معرفت، محمدهادی، التحقيق فی نفی التحریف عن القرآن.

روایات تحریف

● پرسش ۳۲. چگونه می‌توان روایاتی را که برای اثبات تحریف قرآن، نقل شده،

نادیده گرفت و یا توجیه کرد؟

عده‌ای از محدثان شیعه و حشویه و جماعتی از محدثان اهل سنت درباره تحریف قرآن به اخباری که در کتاب‌های معتبر شیعه و در صحاح اهل سنت نقل شده، استدلال کرده‌اند؛ اما به موجب دلایل و براهین متقن، هیچ کدام از آن اخبار بر تحریف قرآن دلالت نمی‌کند؛ زیرا:

۱. بعضی از روایات که آیه‌ای از قرآن را همراه با عبارتی افزون بر اصل آن آیه آورده است، در صدد تفسیر و شرح آن آیه است و دلالتی بر الحاق آن عبارت به آیه قرآنی ندارد. برای مثال امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا﴾^۱ فرموده است: «وَإِنْ تَلَوْا (الامر) أَوْ تُعْرَضُوا (عما امرتهم به)» که جملات بین پرانتز آن، تفسیر آیه است، نه جزء آیه.

و همین‌طور است عبارت «فی علی» در آخر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ (فی علی)﴾^۲؛ در این روایت نمی‌خواهد بگوید: آن کلمه جزء قرآن است؛ بلکه می‌خواهد بگوید: آیه در حق آن حضرت نازل شده است. آنچه موجب اشتباه شده، این است که گاهی این پرانتزها مشخص نشده است.

۲. در روایاتی که در مقام تفسیر آیه‌ای است، ذکر و یا داعایی به آن اضافه می‌شده تا مردم هنگام تلاوت، ادب آن آیه را رعایت بکنند؛ مانند روایتی که در آن عبارت «کذلک الله ربی» در آخر سوره‌ی توحید از زبان مبارک امام رضا علیه السلام نقل شده است.

۱. نساء (۴)، آیه ۱۳۵.

۲. مائده (۵)، آیه ۶۷.

۳. اختلافاتی که در باب نوع الفاظ آیات در روایات مشاهده می‌شود، قرینه بر این است که مراد تفسیر آیه به معنا است؛ مثل روایات مربوط به آیه ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾^۱ که در بعضی «انتم ضعفاء» آمده و در برخی «انتم قلیل» ذکر شده است.

۴. گاهی در میان برخی از روایات، تعارض و تنافی مشاهده می‌شود که براساس قاعده کلی «تساقط»، باید آنها را به کنار نهاد؛ مانند روایات وارده از خاصه و عامه در مورد اینکه آیه‌ای در قرآن برای حکم سنگسار بوده و بعد حذف شده است.

در یک روایت، آیه ادعایی این‌گونه آمده است: «اذا زنى الشيخ و الشيخه فارجموهما البتة فانهما قضيا الشهوة» و در دیگری: «الشيخ و الشيخه اذا زنيا فارجموهما البتة...» و در بعضی: «و بما قضيا من اللذة» و در برخی: ﴿نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾. و در بعضی هم آخر آیه آمده است: ﴿نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.

این اختلافات به طور حتم، این‌گونه روایات را از اعتبار ساقط می‌کند.

افزون بر آنچه گذشت، این روایات با حدیث شریف «ثقلین» - که استحکام سندی و دلالتی آن بر مصون ماندن قرآن، بر کسی پوشیده نیست - تنافی دارند و از طرفی با مفاد روایاتی که امر به عرضه آنها بر قرآن نموده و محوریت را قرآن معرفی می‌کنند، سازگاری ندارند.^۲ در نتیجه به‌طور یقین این روایات در دلالت بر تحریف عاجز و ناتوانند.

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۲۳.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

الف. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲ ص ۱۵۰ تا ۱۹۲؛

ب. معرفت، محمد هادی: مصونیت قرآن از تحریف، ترجمه محمد شهرابی؛

ج. حسن زاده آملی، حسن، قرآن هرگز تحریف نشده است.

تحریف انجیل

● پرسش ۳۳. چرا خداوند تورات و انجیل را همانند قرآن از تحریف حفظ نکرد؟

در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است:

یکم. چون ادیان پیشین برای مقطع و برهه‌ای از تاریخ، کارایی داشته و با پیشرفت زمان و تاریخ، باید در آنها تحولاتی حاصل می‌شد؛ حفظ آن کتاب‌ها برای همیشه ضروری نبوده است.

دوم. برای حفظ یک متن به صورت اصلی، باید شرایط طبیعی چنین امری فراهم باشد. در عصرهای گذشته تکامل خط و کتابت به آن میزان نبوده است که بتواند متنی را در بستر خویش و به صورت کامل حفظ کند.

سوم. الفاظ و جملات تورات و انجیل دارای خصوصیت ویژه و متمایز از سایر کلمات اعم از کلمات بشر و روایات قدسی نداشت - و به عنوان معجزه صادر نگشته بود بلکه پیام‌هایی بود جهت هدایت انسان‌ها - معجزه حضرت موسی علیه السلام ید بیضاء و عصا بود و معجزه حضرت عیسی علیه السلام، مرده زنده کردن و مریض شفا دادن بود. برخلاف قرآن که همین الفاظ و آیات و سوره‌ها، جایگاه معجزه و خارق‌العاده‌ای داشت و دارد.

چهارم. دین حضرت موسی و عیسی علیه السلام به عنوان دین آخر مطرح نبودند، در این صورت طبیعی است که اگر تحریفی صورت بگیرد راه اصلاح آن توسط شریعت بعدی ممکن است، برخلاف اسلام و قرآن که به عنوان دین آخر و کامل‌ترین ادیان مطرح است.

آنها را به عیسی منسوب دانسته‌اند. باز روی هم رفته، همین مجموعه نوشته‌ها، نخستین منبع و تنها سرچشمه اطلاعاتی است که نویسندگان *انجیل متی* و *انجیل لوقا* از آن اقتباس کرده‌اند. آنان بعداً از *انجیل مرقس* - که قبلاً وجود داشته و در حدود سال ۶۵ میلادی کتابت شده است - نیز استفاده کرده‌اند. *انجیل یوحنا* از همه متأخر است و در آخر آن قرن نگاشته شده و بیشتر از منابع خصوصی دیگر کسب اطلاع کرده است»^۱.

توماس میشل کشیش کاتولیک می‌نویسد: «مسیحیان معتقدند: خداوند کتاب‌های مقدس را به وسیله مؤلفان بشری نوشته است. هر یک از آنان در عصری خاص می‌زیسته و به رنگ زمان خود در آمده بوده‌اند. همچنین این مؤلفان مانند دیگر انسان‌ها با محدودیت‌های زبان و تنگناهای علمی دست به گریبان بوده‌اند. اصولاً مسیحیان نمی‌گویند که خدا کتاب‌های مقدس را بر مؤلفان بشری املا کرده است؛ بلکه معتقدند او به ایشان برای بیان پیام الهی به شیوه خاص خودش و همراه با نگارش مخصوص و سبک نویسندگی ویژه، توفیق داده است. به عقیده همه مسیحیان، اصل پیام از خدا آمده و در نتیجه حق است؛ اما شکل پیام تنها به خدا مربوط نمی‌شود؛ بلکه به عامل بشری نیز ارتباط می‌یابد. این عامل بشری، نویسنده کتاب است که مانند همه مردم محدود و در معرض خطا است. گاهی این نویسنده بشری نظریات غلط یا اطلاعات اشتباه‌آمیزی دارد که اثر آن در متن کتاب باقی می‌ماند»^۲.

گفتنی است: گروهی از دانشمندان مسلمان معتقدند: در کتاب‌های آسمانی

پنجم. شاید حکمت و اراده الهی بر این بود که تا آخرالزمان یک کتاب معتبر آسمانی بیشتر در دست بشر نباشد تا همه بر گرد یک محور جمع گردند. به همین جهت، دیگر کتاب‌های آسمانی تحریف شد و تنها قرآن مصون از تحریف باقی ماند.

سرگذشت انجیل

● پرسش ۳۴. چگونه می‌توان قبول کرد تنها قرآن تحریف نشده است؛ اما کتاب‌های آسمانی دیگر تحریف شده‌اند؟

در این باره گفتنی است، تورات و انجیل‌های چهارگانه، به اتفاق همه محققان مسیحی و ارباب کلیسا سال‌ها پس از حضرت مسیح، از سوی عده‌ای به رشته تحریر درآمده است.

میلر نویسنده کتاب *تاریخ کلیسای قدیم* می‌گوید: «خداوند ما، عیسی مسیح کلمه پاک خدا بود و در وی تمام خزاین علم و حکمت مخفی بود و لازم نبود کتابی نوشته به یادگار بگذارد»^۱.

جان بی‌ناس نویسنده کتاب *تاریخ جامع ادیان* می‌گوید: «این نکته مسلم است که عیسی خود تعالیم خود را تحریر نکرد. عموم مورخان متفق‌اند: بعد از مرگ او (عیسی) بعضی از شاگردان وی آن کلمات و اقوال را به رشته کتابت درآوردند. از دیدگاه آنان مجموع نوشته‌ها در اثر اعمال مسیحیان صدر اول، رنگ‌های خاصی به خود گرفته و بعضی اقوال بر آن افزوده شده است که به سهو و غلط

۱. *تاریخ جامع ادیان*، ص ۵۷۶.

۲. میشل، توماس، *کلام مسیحی*، ترجمه: حسین توفیقی، ص ۲۷ - ۲۶.

۱. *تاریخ کلیسای قدیم*، ص ۶۷.

گذشته، تحریف لفظی صورت نگرفته؛ بلکه آنچه واقع شده تحریف معنوی و نیز گم شدن آنها و تحریف در ترجمه‌ها بوده است.^۱

اما در هر صورت آنچه اکنون در کتاب عهدین وجود دارد در بسیاری از موارد غیر قابل قبول است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. اتهامات ناروا به پیامبران

علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقدس، پاره‌ای از اتهامات ناروا و غیراخلاقی به برخی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد!^۲ این در حالی است که براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می‌کند.

۲. وجود افسانه‌ها

وجود افسانه‌های بی‌پایه در کتاب مقدس، یکی دیگر از جنبه‌های تحریف آن است؛ از جمله می‌توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه او بر خدا، اشاره کرد!^۳

۳. گناه جیلی

مسیحیان معتقدند: آدم در بهشت به گناه آلوده و این گناه به حساب همه فرزندان او نوشته شده است؛ یعنی، انسان ذاتاً با به دوش کشیدن بار گناه، به دنیا می‌آید! هر چند پس از آمدن به دنیا هیچ گناهی مرتکب نشود و هرگونه تلاش و عمل انسان در رهایی از این خطا، سودی نخواهد بخشید و تصلیب و به دار کشیده شدن حضرت عیسی، کفاره گناه ذاتی و جیلی انسان است!

۴. تقویت ظلم

یکی دیگر از آموزه‌های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم و ستم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم، به بهانه این است که آنان، حاکم و سایه خدا در زمین‌اند!^۱

وجود این گونه آموزه‌های غیرعقلانی در کنار طرح مسئله تثلیث و تجسیم و وجود تناقض‌های متعدد در متن کتاب مقدس، موجب سلب اعتماد هر چه بیشتر می‌شود.^۲

افزون بر آن، تحقیقات علمی و زبان شناختی، بر عدم وثاقت متون مقدس گواهی داده است. توماس میشل - استاد الهیات مسیحی - بر آن است که به اعتقاد بیشتر متفکران کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس کتب مقدس املای الهی نیست و دارای عصمت لفظی نمی‌باشد و گاهی نویسندگان بشری آن، نظریات غلط یا اطلاعات اشتباه‌آمیزی را در متن کتاب باقی گذاشته‌اند.^۳

تحریف تورات

تحریف تورات از نظر تاریخی و علمی قطعی است، از جمله در عهد قدیم کتاب دوم تواریخ ایام، باب ۳۴ سخن از یافته شدن دوباره تورات است که معلوم می‌شود تورات در نزد بنی اسرائیل نبوده و مفقود شده بود و نیز در باب ۳۶ سفر پیدایش، شرح وفات و دفن حضرت موسی است و معلوم می‌شود که این مطالب

۱. انجیل متی، ۳۸:۵ و اکثر نامه‌های پولس به رومیان.

۲. نیز نگا: حقیقت مسیحیت، (قم: مؤسسه در راه حق، چاپ اول ۱۳۶۱)، صص ۱۳۳ - ۱۲۷؛ زمانی، مصطفی، به سوی اسلام یا آیین کلیسا، (قم: پیام اسلام، ۱۳۴۶).

۳. نگا: میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، (قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷)، صص ۲۷ - ۲۳.

۱. معرفت، محمد هادی، صیانه القرآن من التحریف.

۲. ر.ک: انجیل یوحنا، ۱:۱۱۲، سفر تکوین، ۳۸:۱۹ و ۳۰:۱۹ و برای آشنایی بیشتر ر.ک: انیس الاعلام، ج ۳؛ صادقی، محمد، بشارات عهدین، ص ۷۳ و ۱۷۷.

۳. سفر پیدایش، ۲۳:۳۳.

پس از حضرت موسی به تورات اضافه شده است و تورات دست کاری شده است. در صورتی که قرآن معجزه نبی اکرم است و یکی از وجوه اعجاز آن، فصاحت و بلاغت آن است. معجزه امری است خارق العاده که سایر افراد بشر از آوردن نظیر آن عاجزند و دلیل و شاهد بر صدق ادعای نبوت است و جاودانگی این معجزه، می طلبد که همچنان از تحریف به دور باشد. قرآن با بیان بسیار قاطع و صریح، تمام کسانی را که منکرند یا شک و تردید دارند؛ نه تنها دعوت به مبارزه کرده بلکه تحریک و تشویق هم کرده است: «بگو اگر تمام جهانیان اجتماع کنند تا کتابی مانند قرآن بیاورند، نمی توانند؛ اگر چه نهایت همکاری را به خرج دهند»^۱ و بالاتر از این می گوید: «اگر می توانید ده سوره و یا حتی یک سوره مثل قرآن بیاورید»^۲. اما آن قدر فاصله بین کلام بشر و کلام وحی قرآن و این معجزه جاوید وجود دارد که تا به امروز هیچ کس نتوانسته حتی سوره ای نظیر قرآن بیاورد. همین معجزه بودن قرآن و ناتوانی بشر در آوردن کلامی نظیر آن، مانع از تغییر به معنای افزودن چیزی به آن شده است؛ چرا که تفاوت قرآن با کلام بشری آن قدر زیاد است که به آسانی آنها را از هم جدا می کند.

علاوه بر نکات یاد شده، بررسی مضمون و مفاد قرآن کریم، خود شاهی بر عدم تغییر و بقای کلام الهی است؛ زیرا از یک سو از نظم و هماهنگی و عدم اختلاف در مطالب و مضامین برخوردار است (در حالی که اگر دستخوش تحریف و تغییر و اضافه می گشت، تناقض و ناسازگاری بین مطالب آن پیدا می شد و یکسان و یک دست نمی بود) و از سوی دیگر مضامین آن، با موازین و براهین عقلی سازگار است که خود شاهی بر صحت و عدم تغییر آن است.

۱. اسراء (۱۷)، آیه ۸۸

۲. هود (۱۱)، آیه ۱۳؛ بقره (۲)، آیه ۲۱.

فصل هشتم

دانستنی های قرآن

تکرار داستان بنی اسرائیل

● پرسش ۳۵. چرا در قرآن داستان بنی اسرائیل بسیار تکرار شده است؟

در این باره باید دانست، یکی از مهمترین اهداف قصص قرآنی پندگیری و عبرت آموزی از حوادث گذشته می باشد.

اما درباره بیان سرگذشت بنی اسرائیل و حوادث تاریخی آن، در موارد متعددی از آیات قرآن، به نکاتی چند اشاره شده است؛

۱. برای بنی اسرائیل - که همان فرزندان یعقوب علیه السلام هستند - پیامبران بسیاری مبعوث شده اند؛ همانند یعقوب، یوسف، موسی و عیسی علیه السلام و... لذا حوادث زیادی در تاریخ آنها نیز به وقوع پیوسته است که آگاهی نسبت به آنها برای مردمان طول تاریخ مفید می باشد.

۲. در روایات آمده است: هر آنچه بر بنی اسرائیل گذشت و برای آنان پیش آمد، برای مسلمانان نیز پیش خواهد آمد. بنابراین، ذکر تاریخ بنی اسرائیل در موارد متعدد، موجب هوشیاری و هشدار برای مسلمانان می باشد.

بگوییم: پروردگارا! ما هیچ یک از نعمت‌های تو را تکذیب نمی‌کنیم «لَا بِشَيْءٍ مِنْ آلَائِكَ رَبُّ أَكْذَبُ». اندیشه و دقت در نعمت‌های الهی - با جزئیات و ریزه‌کاری‌ها و اسراری که در هر یک از آنها نهفته است - حس شکرگزاری را برمی‌انگیزد و انسان را به عرفان و شناخت مبدأ این نعمت‌ها دعوت می‌کند. به همین جهت خداوند از بندگانش، اقرار می‌گیرد.

برخی گفته‌اند؛ به دلیل اینکه خداوند نعمت‌های متعددی را در این سوره مطرح کرده است، هر بار که آیه شریفه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ تلاوت می‌شود اعتراف و اقرار نسبت به نعمت جدیدی می‌باشد و هیچ‌کدام تکرار نیست.

اما برخی دیگر از بزرگان گفته‌اند؛ اگرچه نعمت‌ها متعدد است اما همگی شکرگذاری و اقرار در برابر خداوند یکتاست و همگی تکرار و تأکید بر یک حقیقت است تا به خوبی این اعتراف و اقرار در اعماق وجودی انسان تأثیرگذار باشد، لذا این نوع تکرار، نه تنها منافاتی با فصاحت و بلاغت ندارد، بلکه خود یکی از فنون فصاحت است. این درست مانند آن است که پدری فرزند فراموش کار خود را مخاطب ساخته، می‌گوید: آیا فراموش کردی کودکی خرد و ناتوان بودی. من چه خون جگرها برای پرورش تو خوردم؟! آیا فراموش کردی هنگامی که به مرحله جوانی رسیدی و نیاز به همسر داشتی، پاک‌ترین همسر را برای انتخاب کردم؟! آیا فراموش کردی نیاز به خانه و وسایل زندگی داشتی، برایت فراهم کردم؟ اما در پی این پرسش‌ها، یک اعتراف و اقرار را از فرزندش می‌خواهد، پس این سرکشی و بی‌مهری از چیست؟! خداوند مهربان نیز نعمت‌های گوناگونش را به این بشر فراموش‌کار یادآور می‌شود و به دنبال هر بخش از آنها، از او سؤال می‌پرسد: «کدام یک از اینها را انکار می‌کنی؟!»

۳. تکرار داستان بنی‌اسرائیل در سوره‌های مکی و مدنی، نمادی از شکل‌گیری یک تمدن و عوامل اوج و سقوط آن است. لذا در سوره‌های مکی، تأکید بیشتر بر روی برخورد موسی (علیه السلام) با فرعون و اطرافیان او است و در سوره‌های مدنی، بیشتر از رابطه موسی (علیه السلام) با بنی‌اسرائیل و مشکلات اجتماعی و سیاسی آنان صحبت شده است بنابراین تکرار آیات و برخی از داستان‌ها، متناسب با موقعیت‌های مختلف مسلمانان در شرایط مبارزه با مشرکان و تشکیل حکومت می‌باشد.^۱

در پایان گفتنی است قوم بنی‌اسرائیل نمادی از یک جامعه بشری است که از یک سو خداوند بیشترین نعمت‌ها و پیروزی‌ها را به آنان ارزانی داشته و از سوی دیگر آنان بیشترین بهانه‌جویی‌ها، نافرمانی‌ها، راحت‌طلبی‌ها و... را به نمایش گذاشته‌اند و از این جهت داستان آنها بسیار عبرت‌آموز است و تکرار سرگذشت آنان، نماد اتمام حجت خداوند متعال بر تمام بشریت است.

تکرار آیات الرحمن

● پرسش ۳۶. در سوره «الرحمن» چرا آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ تکرار شده است؟

در سوره «الرحمن» خداوند نعمت‌های گوناگون خود را - اعم از مادی و معنوی - بیان کرده و بعد جن و انس را مخاطب قرار داده است که: کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید. این پرسش، استفهام تقریری است که در مقام اقرار ذکر می‌شود.^۲ از این رو در روایتی آمده است که بعد از این جمله

۱. ر. ک: معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، ج ۲، ص ۲۳۵، مؤسسه نشر اسلامی.

۲. همان، ص ۲۴۰.

البته این تنوع، لطمه‌ای بر وحدت موضوعی سوره‌ها وارد نمی‌سازد؛ نظیر اینکه در طبیعت شاهد فضاها، طبیعی، جنگل‌ها، باغ‌ها، فضای وحش، محیط‌های شهری و یا روستایی هستیم. به‌طور کلی زیبایی هر کدام از این مکان‌ها، به ترکیبی است که در خود جای می‌دهند. شهر بدون درخت، حیوان، آب و... زیبا نیست و جنگل با کلبه‌ها و حیوانات وحش و پرندگان و... زیباتر می‌شود؛ به خصوص که این امور پراکنده، تأثیر مثبتی بر جنگل یا شهر می‌گذارد. پس بایسته است پراکندگی موضوعات را با وحدت موضوع محوری و اصلی هر سوره مرتبط دانست و ذکر موضوعات متنوع را به مناسبت موضوع اصلی تحلیل کرد.

نکته دیگر آنکه قرآن، کتاب انسان‌سازی و جامعه‌سازی است. این مقصد از راه پرداختن به تمام موضوعاتی که به گونه‌ای با این دو مقوله در ارتباطند، تأمین می‌گردد. پراکندگی بخشی از مطالب قرآن، به جهت پاسخ به سؤالات و نیازهای مردم و به تبع حوادث و وقایع بوده است. قرآن با حفظ وحدت کلی مقاصد سوره‌ها، به این موارد نیز پرداخته است و علت دستور پیامبر ﷺ مبنی بر قرار دادن آیات جدید در بعضی از سوره‌ها، همین بوده است.

در پایان گفتنی است تنوع و گوناگونی آیات و روایات، تأثیر خاصی برای جذب و تربیت مخاطبان دارد. به طوری که آیات یک سوره، آمیزه‌ای از بیم و امید، شادی و نگرانی، آسیب‌ها و درمان‌ها را در خود جای داده است و همگی با هدف هدایتگری و آموزشی هماهنگ است. در نتیجه روش قرآن در بیان مفاهیم و موضوعات، منحصر به فرد است؛ چرا که نظام عملی و عقیدتی و اخلاقی را آمیخته به یکدیگر بیان می‌کند. این بهترین روش برای هدایت است؛

پس این نافرمانی و طغیان برای چیست؟! در حالی که اطاعت من نیز رمز تکامل و پیشرفت خود شما است و از آن چیزی عاید پروردگارتان نمی‌شود^۱.

پراکندگی در قرآن

● پرسش ۳۷. علت اینکه در قرآن، موضوعات به صورت پراکنده بیان شده، چیست؟

این تصور از آیات قرآن را نمی‌توان به کلی تأیید کرد. با توجه به اهداف خاص هدایتی قرآن، سوره‌ها به تدریج نازل می‌شد و آیات، در سوره‌ها قرار می‌گرفت. برای مثال در سوره «علق» (نخستین سوره نازل شده در مکه) پیامبر اکرم ﷺ مأمور می‌شود تا مردم را به سوی پروردگار یگانه دعوت کرده و آنان را به اطاعت از او فرا خواند و در عین حال به آن حضرت توضیح داده می‌شود که: همه مردم چنین دعوتی را نخواهند پذیرفت؛ بلکه برخی با تو برخورد خواهند کرد! البته ما این اشخاص را تنبیه خواهیم کرد و وظیفه تو تحت تأثیر قرار نگرفتن از این جریان طغیان و اطاعت محض از ما است.

یا در سوره «قلم» (دومین سوره نازل شده در مکه) به اذیت صاحبان زر و زور اشاره و نسبت دیوانگی، به ساحت پیامبر ﷺ دفع می‌شود. این سوره علت این نسبت را، تحلیل و انگیزه‌های خاص صاحبان قدرت و ثروت می‌داند و وظیفه پیامبر ﷺ را در برابر این برخورد‌ها روشن می‌کند و وعده برخورد خدای متعال را با آنان می‌دهد.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۱۳-۱۱۵.

به‌طور مثال: در جایی احکام را بیان می‌کند و پس از بیان احکام، به موضوع قیامت و حسابرسی هم اشاره می‌کند تا شنونده و خواننده، برای عمل تحریک شود. البته در قرآن مجید سوره‌های موضوعی نیز وجود دارد؛ مثلاً برخی از سوره‌ها به یک داستان و قصه اختصاص یافته است (مانند سوره یوسف) و بعضی به مسائل توحیدی پرداخته و برخی دیگر به موضوع قیامت. در عین حال در سوره‌های دیگر، همه مسائل را در سیستم و نظام واحدی تبیین کرده است. از این رو نباید قرآن را کتابی بدانیم که تنها برای بیان موضوعات نازل شده؛ بلکه کتابی است برای هدایت و به همین منظور مطابق با فطرت انسانی و عواطف و احساسات و تعقل او، خداوند این روش را برگزیده است.

محکم و متشابه

● پرسش ۳۸. دلیل وجود آیات متشابه در قرآن چیست؟

نخست، باید به این مقدمه ضروری توجه کرد که راه تفهیم و تفاهم در میان انسان‌ها، به کارگیری الفاظ است اما گاهی برای بیان مفاهیم و پیام‌ها، قالب الفاظ، کوتاه و تنگ است. لذا می‌توان گفت؛ عوامل تشابه عبارت است از:

۱. بلندای مفاهیم و معانی

آیاتی مانند: ﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾^۱، ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾^۲ دارای معانی گسترده و تفاسیر متعدد هستند.

۱. بقره (۲)، آیه ۲۵۵.

۲. انبیا (۲۱)، آیه ۳۰.

۲. اشتراک لفظ

اشتراک لفظ می‌تواند عامل ایجاد تشابه در آیات باشد؛ زیرا به سبب آن، کلام قابل حمل بر معنای غیر مقصود می‌شود. برای مثال در آیه:

﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ... اِذْ قَالَ لِاِبْنِهِ يَا اَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا﴾^۱.

واژه «اب» مشترک بین چند معنا، از جمله پدر، جد و عمو می‌باشد. این اشتراک سبب تشابه آیه گردیده است، لذا برخی در فهم مراد آن دچار اشتباه شده و پدر حضرت ابراهیم را بت پرست و مشرک دانسته‌اند!

۳. ایجاز

یکی از عوامل تشابه، ایجاز (مختصر گویی) در آیات است؛ برای نمونه در آیه: ﴿وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾^۲. بدیهی است منظور از «آمدن پروردگار» حالت جسمی و مکانی نیست بلکه چه بسا منظور «آمدن فرمان پروردگار» باشد.^۳ اما این ایجاز و مختصرگویی ممکن است برای برخی «شبهه» ایجاد کند و مکان داشتن و محدود بودن خداوند را القا کند.

۴. مباحثی جدلی

برخی از آیات - که اکنون از متشابهات به شمار می‌آید - در آغاز متشابه نبوده و مسلمانان به دور از سابقه ذهنی گمراه‌کننده بلکه با خلوص نیت، با آن برخورد می‌کردند. بدین لحاظ به‌طور عموم معنا و مراد آن به خوبی درک می‌شد و هیچ‌گونه شبهه‌ای ایجاد نمی‌گردید. اما پس از به وجود آمدن مباحث جدلی و

۱. مریم (۱۹)، آیات ۴۴-۴۱.

۲. فجر (۸۹)، آیه ۲۲.

۳. غافر (۴۰)، آیه ۸۸.

رایج شدن برخی از اصطلاحات به گونه ناپخته و نارس، بر چهره پاره‌ای از آیات، هاله‌ای از غبار ابهام نمودار شد.

برای مثال آیات «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ. إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»^۱ بر حسب استعمالات متعارف عرب، چشم داشتن به جایگاه بلند پروردگار را می‌رساند، اما بعدها با بروز مباحث جدلی و تفسیر به رأی، عده‌ای آن را به معنای «رؤیت با چشم» گرفتند.

۵. تعریض

«تعریض» از جمله فنون بلاغی است که قرآن کریم آن را به کار گرفته و از این راه، مطالب خود را غیرمستقیم، به مخاطبان خود القا کرده است. در تعریض، از امر، نهی، تهدید، تعجب و... استفاده می‌شود و در آن خطاب گوینده در ظاهر متوجه شخصی است و در واقع به غیر او نظر دارد.

برای نمونه می‌فرماید: «ای پیامبر! اگر شرک آوری اعمالت حبط و نابود خواهد شد»؛ در اینجا خطاب به پیامبر ﷺ است؛ اما چه بسا منظور اصلی مردمان دیگر باشند.

از پنج عامل یاد شده، سبب اصلی تشابه در آیات، علو معانی و مفاهیم بلند قرآن است (عامل نخست)؛ زیرا از سویی لزوم ارایه معارف الهی بایسته است و از سوی دیگر کوتاهی لفظ و کوچکی قالب ارائه، به‌طور طبیعی باعث بروز این تشابه است.

قرآن پیچیده‌ترین روابط و عوالم وجود را به کلام کشیده است و چون موضوع پیچیده و بسیار بلند است، کلمات در همین حد می‌توانند بیانگر آنها

باشند. البته هیچ کلام غیرقابل فهمی در قرآن نیست و حتی آیات متشابه آن با رجوع به محکّمات، قابل فهم است. از این رو قرآن، آیاتش را دوگونه دانسته است: محکّمات و متشابهات.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾^۱.

آیات محکّمات را آیات مادر می‌نامد و آیات متشابه، چند مفهوم از آن قابل برداشت است که برای کشف معنای اصلی آن، لازم است به آیات محکم ارجاع داده شوند.

معنی آیه متشابه این نیست که لغتی در آن است که معنایش را نمی‌دانیم، بلکه آیه متشابه یعنی آیه‌ای که می‌شود آن را به چند گونه شبیه یکدیگر توجیه کرد. به‌طور مثال: در قرآن آیاتی هست که همه چیز را به مشیت الهی نسبت می‌دهد و استثنا نمی‌کند.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۲؛

«مالک اساسی همهٔ مُلک‌ها و قدرت‌ها تو هستی و به هر که ملک بدهی تو می‌دهی و از هر که بخواهی تو می‌گیری و به هر که می‌خواهی عزت می‌دهی، هر که را بخواهی ذلت می‌دهی، خیر و صلاح در دست توست و تو بر همه چیز توانا هستی».

این آیه از این نظر متشابه است که چندگونه ممکن است از آن برداشت شود. یکی اینکه در مشیت الهی هیچ چیزی، شرط هیچ چیز نیست، کما اینکه بعضی

۱. آل عمران (۳)، آیه ۷.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۲۶.

۱. قیامت (۷۵)، آیات ۲۲-۲۳.

علاوه بر دلایل پیشین، می‌توان به دو فایده مهم دیگر درباره آیات متشابه اشاره کرد:

۱. لزوم پیوند و ارتباط مردم با پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام: در قرآن مجید می‌خوانیم: ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «... و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند».

مسئولیت تبیین بسیاری از احکام و معارف توسط معصومان علیهم‌السلام، جایگاه مرجعیت علمی و معنوی آن رهبران آسمانی را تثبیت می‌کند و مردمان مسیر هدایت خود را به درستی پیدا خواهند کرد و با بهره‌مندی از علم و عصمت اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر اینکه آیات متشابه برای آنان تبیین خواهد شد از محبت و مودت آنان نیز بهره‌مند خواهد شد و از ناهلان و مدعیان دروغین خلافت به دور خواهند ماند.

۲. امتحان مردم؛ در قرآن مجید می‌خوانیم:

﴿... فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ «... اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه]

از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود».

همین‌طور نتیجه‌گیری کرده و معتقدند؛ تمام شرایطی که ما آنها را شرایط عزت می‌نامیم ممکن است؛ پیدا بشود ولی به دنبال آن به جای عزت، ذلت بیاید و ممکن است تمام شرایطی که ما آنها را شرایط ذلت می‌نامیم حاصل شود اما پشت سر آن عزت بیاید! در سعادت دنیا و سعادت آخرت هیچ چیزی شرط هیچ چیز نیست چون همه چیز به مشیت الهی است! این گروه را «اشاعره» می‌نامند. در حالی که وقتی ما به آیات دیگر قرآن مراجعه می‌کنیم، آنها آیات مادر می‌شوند و این آیه را تفسیر می‌کنند. به‌طور مثال در آیه دیگر می‌خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ «خدا آنچه را که برای قومی هست از آنها نمی‌گیرد مگر آنچه را که خودشان از خودشان بگیرند».

این‌گونه آیات که محکم هستند، آیه قبل را توضیح می‌دهد و از حالت متشابه خارج می‌سازد.

البته آنچه درباره آیات متشابه گفته شد متناسب با قدرت فهم افراد است اما برای راسخان در علم، چه بسا آیات متشابه مطرح نباشد و نزد آنان همگی آیات به روشنی قابل فهم باشد و جنبه آیات محکم را داشته باشد.

به همین جهت در اول سوره هود آمده است:

﴿الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ...﴾؛ «الف، لام، راء. کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است».^۳

۱. رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

۲. هود (۱۱)، آیه ۱.

۳. منابع:

الف. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، (مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸، چاپ اول)، ص ۲۸۹-۲۷۱.

ب. سعیدی روشن، محمد باقر، علوم قرآنی، (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول)، ص ۲۹۳.

۱. نحل (۱۶)، آیه ۴۴.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۷.

به طور معمول در فراز و نشیب‌های زندگی، پایداری و پابندی مردمان آشکار می‌شود. در عرصه اندیشه و انتخاب راه و مسیر نیز در هنگام ابهام و تشابه است که پاک‌دلان از تاریک‌دلان بازشناخته می‌شوند. در مجموع وجود آیات متشابه در قرآن مجید، دلایل و فوائد متعددی دارد که به برخی از آنها به طور مختصر اشاره شد.

ناسخ و منسوخ

● پرسش ۳۹. نسخ را تعریف و فلسفه آن را بیان کنید و بگویید چند آیه نسخ شده است؟

نسخ نزد پیشینیان، مفهومی گسترده داشت و عبارت بود از: هرگونه تغییر در حکم پیشین؛ در حالی که نسخ در اصطلاح امروز، جایگزین کردن حکم جدید، به جای حکم قدیم است. به تعبیر علامه طباطبایی نسخ؛ یعنی: «آشکار ساختن انتهای مدت و زمان حکم و پایان عمل به آن»^۱.

حکمت نسخ

حکمت نسخ، به شیوه وضع احکام و نزول قرآن بر می‌گردد. حکمت اساسی تدریج در تشریع و نزول آیات، تعلیم و تربیت مخاطبان بوده است. خدای متعال برای تثبیت معارف و نظام‌های ارزشی جاودانه اسلام، شرایط عینی و واقعیت‌های خارجی معرفتی و توان علمی و عملی مخاطبان را

در نظر گرفته است. بنابر مصالح مورد نظر، احکام الهی همه یکسان و یکنواخت نیست. برخی احکام به حسب شرایط و موقعیت اجتماعی عصر نزول، دارای مصلحت موقت بوده و در نتیجه حکم خاص آن موارد از همان آغاز نیز در نزد خداوند، قلمروی محدود داشت؛ ولی بنا بر حکمت‌هایی از مردم پوشیده داشته شده است.^۱

تعداد آیات نسخ شده

برخی در این باره نظر افراطی داشته و آیات زیادی را منسوخ دانسته‌اند. اما با ضابطه‌مند شدن تعریف نسخ و شرایط آن از سوی قرآن‌شناسان، دایره نسخ محدود گردیده است و تعداد آن از نظر بیشتر محققان، از ده آیه تجاوز نمی‌کند.^۲

در آیه ۱۰۶ سوره «بقره» خداوند می‌فرماید: هر آیه‌ای را که ما نسخ کنیم یا آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم. از نظر عقلی هم مانعی ندارد که حکمی نازل شود و بعد بنا به مصالحی آن حکم عوض گردد. به طور نمونه در آیات نجوا^۳ خداوند مسلمانان را نهی می‌کند از این که در گویی با پیامبر ﷺ صحبت کنند؛ مگر این که قبل از آن صدقه بدهند، اما هیچ‌کس به این آیه عمل نمی‌کند مگر امیرالمؤمنین علی علیه السلام. بعد آیه نازل می‌شود که می‌توانید با پیامبر ﷺ نجوا کنید و نیازی به دادن صدقه نیست. چه بسا در تشریع دستور اول و نسخ آن، امتحانی برای مسلمانان بوده است و فضیلت امام علی علیه السلام بر دیگران در طول تاریخ ثبت شود.

۱. سعیدی روشن، محمد باقر، علوم قرآن، ص ۳۰۴.

۲. جوان آراسته، حسین، درسمانه علوم قرآنی، ص ۴۲۹.

۳. مجادله (۵۸)، آیات ۱۲ و ۱۳.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۲۴۷، ج ۲، اسماعیلیان.

نمونه دیگر؛ نماز خواندن مسلمانان تا سال دوم هجری به طرف بیت المقدس بود اما آیه تغییر قبله نازل شد و به پیامبر ﷺ و مسلمانان دستور داده شد، به سوی کعبه نماز بخوانند.^۱

و مسجدی به نام «ذوقبلتین» در آن محل ساخته شد که تا هم اکنون مورد استقبال زائران مدینه می باشد، چه بسا تغییر قبله نیز به جهت جداسازی صف مسلمانان از بدخواهان و منافقان و دوری از زخم زبان یهودیان بوده باشد. علاوه بر اینکه احیاء اولین عبادتگاه از زمان حضرت آدم ﷺ به بعد را نیز به ارمغان آورد.

خلاصه در اصل نسخ شدن برخی احکام، بنا بر مصلحت زمان و اشخاص یا مصالح دیگر، جای سخن و تردید نیست. اما بسیاری از آیات هستند که عده ای مدعی نسخ آن شده اند؛ در حالی که این چنین نیست و هر آیه حکم خاصی را بیان می کند و مدعیان نسخ چون نتوانسته اند هر آیه را در جایگاه خودش معنا کنند، بین دو آیه تنافی دیده و حکم به نسخ کرده اند.

به طور مثال در آیات تحریم خمر، هیچ گونه نسخی وجود ندارد بلکه حکم تحریم شراب در ادیان گذشته نیز بوده و در اسلام نیز حرام بوده است اما اعلام آن به ترتیب و در چند مرحله انجام گرفته است. روایات هم مؤید این مطلب است.^۲

۱. بقره (۲)، آیه ۱۴۲ تا ۱۴۵.

۲. برای آگاهی بیشتر به کتاب های زیر مراجعه کنید:

الف. مولایی نیا، عزت الله، *نسخ در قرآن*، نشر رایزن، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش (یک جلد، قطع رقعی).

ب. ابی جعفر احمد بن محمد بن اسماعیل النحاس، *الناسخ والمنسوخ فی کتاب الله*، تحقیق: دکتر سلیمان بن ابراهیم بن عبدالله، مؤسسه الرساله، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ۱۹۹۱ م، (سه جلد، قطع وزیری).

تمثیلات در قرآن

● پرسش ۴۰. لطفاً در مورد تشبیهات و تمثیلات در قرآن، علت، معنا و تفسیر آن من را راهنمایی کنید.

قرآن دارای «مثل» های آسمانی است و بیشترین تأثیر را در عبرت آموزی و تحریک اندیشه ها دارد:

﴿لَوْ أَنزَلْنَاهُ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، آن را در برابر قرآن خاشع و از خوف خدا متلاشی شده می دیدی، اینها مثال هایی است برای مردم می زنیم تا در آنها بیندیشند».

لازم است بدانیم؛ «مثل» دو معنا دارد:

۱. سخن حکیمانه که به مناسبتی در موردی گفته می شود، و به تدریج در فرهنگ مردم وارد می شود و سینه به سینه از نسلی به نسلی منتقل می گردد تا رنگ «مثل» به خود می گیرد.

۲. «مثل» به معنای تمثیل است که اساس آن را تشبیه و استعاره، کنایه و مجاز تشکیل می دهد، و چنین تمثیلی ارتباطی به مَثَل به معنی نخست ندارد و نیازی به گذشت زمان و به تدریج ضرب المثل شدن ندارد. «مَثَل» های قرآنی بیشتر از این مقوله می باشند.

۱. حشر (۵۹)، آیه ۲۱.

اقسام تمثیل‌ها

اکنون که روشن شد مثل‌های قرآن از مقوله تمثیل است، شایسته است به اقسام تمثیل اشاره کنیم؛

۱. تمثیل رمزی

مقصود از تمثیل رمزی آن داستان‌هایی است که از زبان پرندگان و گیاهان حتی سنگ‌ها و صخره‌ها بیان می‌شود، و کتاب **کلیله و دمنه**، نوع بارز از این تمثیل رمزی است.

برخی صاحب‌نظران؛ قصص قرآنی را به ویژه آنچه که مربوط به داستان آدم و پیروزی شیطان بر او و سرگذشت قابیل و هابیل و یا سخن گفتن مورچه با سلیمان را از مقوله تمثیل رمزی بدانند، در حالی که یک چنین تفسیری بر خلاف تصریح قرآن است. زیرا این کتاب اصرار می‌ورزد که قصص خود را یک رشته حقایق و بیان واقعیت بدانند. و سجده فرشتگان بر حضرت آدم علیه السلام فراتر از یک داستان سمبلیک و رمزی است، بلکه به طور حقیقی اتفاق افتاده است.

۲. تمثیل قصصی

مقصود از «تمثیل قصصی»، داستان‌هایی است که بیانگر سرگذشت اقوام پیشین است به منظور این که آیندگان از آن عبرت بگیرند و قصه‌های قرآن از آدم تا خاتم همگی از این مقوله بوده، و در حقیقت نوعی تشبیه مخفی در بر دارند و آن تشبیه آیندگان به گذشتگان است، قرآن می‌فرماید:

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ

مَعَ الدَّٰخِلِينَ﴾^۱؛ «خداوند برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثل آورده که هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست شوهران آنها در برابر خدا ساخته نبود، و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید».

۳. تمثیل طبیعی

مقصود از «تمثیل طبیعی»، تشبیه غیرمحسوس به محسوس است مشروط بر این که آنچه به آن تشبیه شده، از امور آفرینشی باشد، چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۲؛ «در حقیقت، مثل زندگی دنیا، بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم پس گیاه زمین از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند با آن درآمیخت. تا آنگاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند، شبی یا روزی فرمان (ویرانی) ما آمد و آن را چنان درو شده کردیم که گویی دیروز وجود نداشت‌هاست. این گونه نشانه‌های خود را برای مردمی که اندیشه می‌کنند، به روشنی بیان می‌کنیم».

خلاصه سخن این که: مثل‌های قرآن یا از مقوله تمثیل قصصی است یا تمثیل طبیعی است و هرگز در قرآن تمثیل رمزی به معنای غیرواقعی وجود ندارد.

۱. تحریم (۶۶)، آیه ۱۰.

۲. یونس (۱۱)، آیه ۲۴.

امامان علیهم السلام نیز به تدبیر در مثل‌های قرآنی اهمیت داده و در سخنان و ادعیه خود به آن اشاره نموده‌اند:

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ مَبِينًا حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ وَ رُخْصَهُ وَ عَزَائِمَهُ وَ خَاصَّهُ وَ عَامَّهُ وَ عِبَرَهُ وَ أَمْثَالَهُ»^۱؛ «کتاب پروردگارتان در میان شماست، بیانگر حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، جایز و واجب، خاص و عام، عبرت‌ها و مثال‌های آن است». هم‌چنین امیرمؤمنان علیه السلام فرموده‌اند: «نَزَلَ الْقُرْآنُ أَرْبَعًا رُبْعٌ فِينَا وَ رُبْعٌ فِي عَدُوِّنَا، وَ رُبْعٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ، وَ رُبْعٌ فَرَائِضٌ وَ أَحْكَامٌ»^۲؛ «قرآن در چهاربخش فرو فرستاده شده است: یک چهارم آن در حق ما، و یک چهارم دیگر در مورد دشمنان ما، و یک چهارم آن سنت‌های الهی و مثل‌های آن است و یک چهارم آن فرائض و احکام می‌باشد»^۳.

اصطلاحات تلاوت

● پرسش ۴۱. می‌خواستم بدانم چه فرقی میان تلاوت، قرائت، ترتیل، تحقیق، تجوید، تفسیر و تأویل وجود دارد؟

تلاوت

«تلاوت» اصطلاحی مختص به خواندن کتاب‌های آسمانی است و تلاوت اخص از «قرائت» می‌باشد. هر تلاوتی قرائت است اما هر قرائتی، تلاوت نیست.

تلاوت قرآن در قالب الحان عرب، مورد تصویب پیغمبر اکرم است، و به فهم بهتر آیات کمک می‌کند و انگیزش انسان را بر عمل بیشتر می‌سازد.^۱ البته لحن اهل فسق ممنوع است.

«ترجیع» نیز به معنی کشش آواز در گام‌های موسیقی است که در قرآن نباید به طرز کشش‌های غنائی اهل کتاب و اهل فسق و رهبانان و نوحه‌گران باشد. تلاوت قرآن لحن خاصی دارد که باید از استاد فن یاد گرفت که آن استادان سینه به سینه از اساتید سابق یاد گرفته‌اند، تا به زمان امامان علیهم السلام و صدر اسلام رسیده است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «حَسَّنُوا بِالْقُرْآنِ أَصْوَاتَكُمْ»^۲؛ یعنی برای قرائت قرآن آوازهای خود را نیکو سازید.

و به دنبال آن فرمود: «فَإِنَّ صَوْتَ الْحَسَنِ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا» و این نکته

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۱.

۲. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۵، باب جواب تأویل ما نزل فیهم، ح ۱.

۳. جهت آگاهی بیشتر ر.ک: مکارم شیرازی ناصر، مثل‌های زیبای قرآن.

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۹۰.

۲. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۶۹.

بسیار مهم است که آواز خوب سبب افزایش تأثیر قرآن در دلهاست.^۱

قرائت قرآن چهار مرتبه دارد؛

۱. ترتیل، خواندن قرآن با تأنی و شمرده و شیوا می‌باشد به طوری که همراه با تدبیر در معانی و رعایت تمامی قواعد تجوید است.

۲. تحقیق، خواندن قرآن با حداکثر آرامش و تأنی، آهسته‌تر از قرائت و ترتیل و اشباع مدها و تحقیق همزه‌ها و اتمام حرکات و تحقیق مخارج حروف می‌باشد. قرائت تحقیق، روشی است که جهت تعلیم قرائت به شاگردان و تمرین زبان و رعایت کامل قواعد تجوید، استفاده می‌گردد.

۳. تحدید، سریع خواندن (سریعتر از تحقیق و ترتیل) ولی با حفظ احکام تجوید می‌باشد.

۴. تدویر، نوعی قرائت است نه به سرعت (تحدیر) و نه به کندی (تحقیق) می‌باشد.

افضل القراءات همان ترتیل است.

ترتیل

ترتیل یعنی درست و شمرده و شیوا خواندن قرآن مجید، این واژه در قرآن یکبار آمده است:

﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^۲؛ «و قرآن را با ترتیل مناسب آن بخوان».

«ترتیل» خواندن به نظم و توالی و مقدم و مؤخر نکردن است و اصل آن از «ترتیل الاسنان» یعنی صاف و مرتب بودن دندان‌ها است.

۱. جهت آگاهی بیشتر ر.ک: کمالی، سید علی، *دائرة المعارف شیعی*.

۲. مزمل (۷۳)، آیه ۴.

از امام علی (علیه السلام) درباره ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ پرسیدند فرموده‌اند: «الترتیل تجوید الحروف و معرفه الوقوف»^۱؛ «ترتیل خوب ادا کردن حروف و آشنایی به وقف‌هایی قرآن است».

ابن جوزی در تعریف ترتیل می‌نویسد: پیوسته و آهسته خواندن بدون شتاب است و قرآن بدون شتاب و به تأنی نازل شده است.

برخی گفته‌اند: ترتیل آهسته و شمرده خواندن به قصد تدبیر و تفکر و استنباط معانی است!^۲

در مجمع البیان در تفسیر آیه شریفه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود: «هُوَ أَنْ تَتَمَكَّنَ فِيهِ وَ تُحَسِّنَ بِهِ صَوْتَكَ»؛ «در قرائت درنگ کنی و آواز خود را به قرائت نیکو گردانی».

تفسیر^۳

تفسیر در لغت به معنی روشن‌گری و تبیین است و از این باب است گفته خداوند فرموده است:

﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾^۴؛ «و برای تو مثلی

نیاورند، مگر آن که (ما) حق را با نیکوترین بیان برای تو آورده‌یم».

واژه تفسیر در قرآن مجید تنها همین یک مورد آمده است برخی اهل لغت، تفسیر را به معنای آشکار کردن و پرده‌برداری از پوشیده دانسته‌اند.^۵

۱. ابن جوزی، *النشر*، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: خرماهی، بهاء‌الدین، *دائرة المعارف تشیع*.

۳. *دائرة المعارف تشیع*، ص ۴۶۸.

۴. فرقان (۲۵)، آیه ۳۳.

۵. ر.ک: *قاموس القرآن*.

و برخی دیگر؛ تفسیر را به معنای کشف مراد و مقصود گوینده از لفظ مشکل دانسته‌اند.^۱ اما در اصطلاح، تفسیر قرآن همان علم فهم قرآن است و مفسّر لازم است به شأن نزول، اسباب نزول، عام و خاص، مطلق و مفید، مجمل و مبیین، محکم و متشابه آیات قرآن آگاهی داشته باشد.

شیخ طوسی مراد از تفسیر قرآن را دانستن معانی و مقاصد آن و اغراض گوناگون آن می‌داند.^۲

علامه طباطبائی در *المیزان*، تفسیر را این گونه تعریف کرده‌اند: «التفسير هو بيان معاني آيات القرآنية و الكشف عن مقاصدها و مداليها»؛ «تفسیر بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست».

طبق این تعریف دو مرحله برای تفسیر بیان شده:

مرحله اول بیان معانی آیات معناهایی که از آیات به خودی خود با قطع نظر از سایر آیات و قرائن دیگر فهمیده می‌شود و مرحله دوم کشف مقاصد آیات یعنی آن معناهایی که خداوند از آیات قرآن قصد کرده است.

تأویل

«تأویل» از «اول» به معنای رجوع است.^۳

کلمه تأویل ۱۷ بار در قرآن مجید آمده است و به سه معنی به کار رفته است:

۱. به معنای «مآل امر» (سرانجام) در پنج مورد: نساء ۵۹، اسراء ۳۵،

اعراف ۳۵ (دوبار)، یونس ۳۹.

۲. به معنای «تعبیر رؤیا» در ۸ مورد: یوسف ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰ و ۱۰۱.

۳. به معنای «توجیه و تبیین متشابه» در چهار مورد: آل عمران ۷ (دوبار)، کهف ۷۸ و ۸۲.

علامه طباطبائی می‌گوید: «تأویل از امور عین است و فرائد از آن است که قالب‌هایی الفاظ آن را فراگیرد. آن امور و حقایق عینی را فقط به خاطر تقریب به اذهان ما مقید به الفاظ و کلمات و عبارات نموده است این الفاظ همانند مثل‌هایی هستند که با آوردن آنها انسان به معنای مورد نظر نزدیک شود. قرآن در تمام موارد استعمال لفظ تأویل همان واقعیت عینی خارجی را در نظر گرفته است»^۱.

استاد معرفت، عقیده دارد که تأویل اصطلاحی است که در دو معنا به کار رفته است:

۱. توجیه متشابه، خواه این متشابه کلام متشابهی باشد یا عملی که به شُبّه و رَیب انجامد این قسم از تأویل مختص به آیات متشابه است.

۲. معنای ثانوی کلام، که از آن به «بطن» تعبیر می‌گردد در مقابل معنای اولی که از آن به «ظهر» تعبیر می‌شود تأویل به این معنی اختصاص به آیات متشابه نداشته بر همه قرآن سایه می‌گستراند به عقیده استاد معرفت، اگر تأویل را عین خارجی بگیریم مصداق را با تأویل خلط نموده‌ایم.

۱. ر.ک: لسان العرب.

۲. ر.ک: مقدمه تفسیر تبیان.

۳. فیروزآبادی، قاموس.

می‌آیند یا خشنود می‌شوند پس خشم و خشنودی آنان را خشم و خشنودی خودش دانسته و به صورت جمع به خودش نسبت داده است.^۱

ضمایر جمع خدا

● پرسش ۴۲. با توجه به وحدانیت خداوند چرا در برخی از موارد در قرآن، از عبارات و ضمایر جمع (انا و نحن و ...) برای خداوند، استفاده شده است؟

در این باره باید دانست؛ در قرآن دو نحوه انتساب انجام کارها، به پروردگار بیان شده است. یکی مواردی که صیغه جمع به کار برده شده و نشانگر نقش و کارکرد وسایط فیض الهی مانند فرشتگان در تحقق فعل و انجام کارها است. یکی مواردی که صیغه مفرد به کار رفته که می‌تواند اعم از فعل مباشر خداوند یا کاری باشد که به اراده او از طریق وسایط فیض انجام گرفته است. لذا این‌گونه آیات، دلالت بر این واقعیت دارند که امور جهان هستی، دوگونه انتساب‌پذیری به ذات اقدس حق دارند: مستقیم و غیرمستقیم.

به‌طور مثال درباره نزول وحی بر قلب پیامبر ﷺ که عواملی همچون جبرئیل دخالت داشته‌اند؛ گفته می‌شود «ما» قرآن را نازل کردیم و در قرآن چنین آمده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱.

در مورد آیه ﴿فَلَمَّا أَصْفُونَا اتَّقَمْنَا مِنْهُمْ﴾^۲؛ «هنگامی که ما را به خشم آوردند از آنها انتقام گرفتیم» از امام صادق (ع) روایت کرده است که: خداوند عزوجل مانند ما، به خشم نمی‌آید و لکن برای خودش اولیای آفریده است که آنها به خشم

نام‌های خدا

● پرسش ۴۳. چرا در قرآن برای خواندن خدا صفت مذکر آمده است؟ مگر خدا دارای جنسیت است؟ ما در اینجا یک نوع برتری برای مردها می‌بینیم. لطفاً توضیح دهید.

در این باره باید دانست؛ خداوند جنس ندارد لذا نه مذکر است و نه مؤنث و نه چیز دیگری شبیه به این موارد.

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾^۲؛ «چیزی مانند او نیست».

اما از آنجا که قرآن مجید به زبان عربی نازل شده است؛ می‌بایستی قواعد زبان عرب در آن رعایت گردد.

در زبان عرب نام‌های خداوند متعال مانند: «الله و رحمان»، مذکر لفظی است. همان‌گونه که لفظ «قمر» مذکر است و لفظ (شمس) مؤنث است. طبق قواعد زبان می‌بایستی صفت با موصوف مطابقت نماید. از این رو صفاتی که در قرآن برای خداوند آورده شده مذکر است ولی توجه داشته باشید که لفظ جلاله «الله» و یا «رحمان» مذکر حقیقی نیست؛ زیرا مذکر حقیقی آن است که در برابر آن جنس ماده وجود داشته باشد و چنین چیزی در مورد خداوند وجود ندارد.

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۴۴؛ برهان، ج ۴، ص ۱۵۰ و ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. شوری (۴۲)، آیه ۱۱.

۱. حجر (۱۵)، آیه ۹.

۲. زخرف (۴۳)، آیه ۵۵.

بنابراین؛ این الفاظ، مذکر مجازی بوده و اوصاف آن باید مذکر باشد؛ ولی به هیچ وجه این مطابقت بدان معنا نیست که (نعوذ بالله) خداوند مذکر و دارای جنس است؛ بلکه تنها تبعیت از ادبیات عرب است که چنین اقتضایی دارد و اگر اسامی مؤنث آورده می‌شد هم خلاف قاعده ادبی بود و هم سوال برانگیز. بنابراین مذکر و مؤنث، همه مخلوقات خداوند هستند و رضایت یا عدم رضایت او از بندگان به ایمان، تقوا و عمل صالح آنان بستگی دارد.

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾^۱؛ «هر کس از -مرد یا زن- کار شایسته‌ای کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم».

نام‌های قرآن

● پرسش ۴۴. کلمه قرآن یعنی چه و اوصاف «مجید» و «کریم» از سوی چه کسی، بر قرآن نهاده شده است؟

کلمه «قرآن» در آیات نیز به کار رفته است: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ. فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾^۲. مثل «فرقان» و «رجحان» که مصدر می‌باشند. قرآن مصدر است به معنی اسم مفعول (مقروء) قرآن کتابی است خواندنی باید آن را خواند و در معنایش دقت نمود.

برخی «قرآن» را به معنای «جمع» گرفته‌اند زیرا که اصل «قرء» به معنی

جمع است و از آنجا که این کتاب آسمانی، جامع حقایق و فرموده‌های الهی است؛ و جامع همه کتب الهی در گذشته است و ثمره همه علوم را دارا هست، قرآن نامیده شده است.^۱

اسامی و اوصاف قرآن را خود خداوند در آیات بیان فرموده است:

۱. ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ﴾^۲.

۲. ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾^۳.

۳. ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۴.

پیامبران خاورمیانه

● پرسش ۴۵. چرا در قرآن نام تعداد کمی از پیامبران آمده است؟ و بیشتر پیامبرانی که در قرآن نام برده شده از منطقه خاورمیانه هستند؟

نخست باید دانست یکی از مهمترین وظایف پیامبران به ویژه پیامبران اولی‌العزم، هدایت و داوری میان مردمی است که به دلیل شکل‌گیری نظام اجتماعی و تزاخم منافع با همدیگر اختلاف پیدا کرده بودند زیرا انسان‌ها در ابتدا به صورت گروه‌های کوچک و به‌طور اشتراکی زندگی می‌کردند. اما رفته رفته با پیدایش آتش و فلز و گسترش امکانات، برخی بر برخی سلطه پیدا کردند و بسیاری از هدایت الهی دور شدند و آن یکپارچگی اولیه را از دست دادند.

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ماده قرء؛ قریشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، ماده «قرأ».

۲. بروج (۸۵)، آیه ۱۳۲.

۳. واقعه (۵۶)، آیه ۷۷.

۴. حجر (۱۵)، آیه ۸۷.

۱. نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۲. قیامت (۷۵)، آیات ۱۸ - ۱۷.

این بحران‌ها بیشتر در سرزمین‌های با تمدن کهن که به‌طور عموم در منطقه خاورمیانه بودند شکل گرفت. از این رو بیشتر پیامبران و به ویژه پیامبران اولی‌العزم در این مناطق مبعوث شدند. چنان که در قرآن مجید نیز می‌خوانیم:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۱؛

«مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد - پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد - به خاطر ستم [و] حسدی که میانشان بود [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند».

برای توضیح بیشتر نظر شما را به مطالب زیر جلب می‌کنیم:

یکی از لوازم نبوت عامه این است که هیچ مردمی بدون راهنما نیستند و ممکن نیست خداوند ملتی را بدون راهنما، رها کند زیرا خدا مریی و مدبر انسان است و انسان مسافری است که عوالمی را پشت سر گذاشته و عوالمی پیش روی دارد انسان بدون راهنمایی وحی نمی‌داند از چه عوالمی

آمده است و به کدام عوالم می‌رود قرآن کریم در این مورد می‌فرماید هیچ امتی بدون بیم‌دهنده نخواهد بود ﴿إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾^۱.

انفکاک بشریت و نبوت ممکن نیست یا خود پیغمبر در یک جامعه معین به سر می‌برد و یا نماینده و جانشین او و یا کتاب و تعالیمش.

درباره این که آیا در غرب پیامبری ظهور کرده است یا نه؟ باید گفت ممکن است در آن مناطق، جمعیتی نبوده و یا اگر بوده ما دلیلی نداریم که خداوند برای آنها انبیایی نفرستاده است چون انبیایی که آمار و نامشان در قرآن و جوامع روایی هست محدود هستند و نام همگی را در دسترس نداریم. خدای سبحان می‌فرماید:

﴿مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾^۲؛ «ما پیش از تو

رسولانی فرستادیم سرگذشت گروهی از آنان را برای تو باز گفته و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم».

لذا شاید در غرب نیز انبیایی بوده‌اند که در قرآن قصه آنان نیامده است و علت عدم ذکر نام و قصه به جهت بیان سرگذشت پیامبران بزرگ و تمدن‌ساز بوده، به طوری که نیازی به طرح داستان دیگر پیامبران نبوده است. آنان در قرآن چه بسا، عدم حضور احتمالی پیامبران و با جانشینان آنان در برخی مناطق بیشتر در اثر موانعی بوده که دشمنان و زورمداران، در راه گسترش دعوت انبیاء بوجود آورده بودند. لذا گناه محرومیت بسیاری از مردم از هدایت انبیاء بگردن کسانی است که جلو گسترش دعوت ایشان را گرفته‌اند.^۳

۱. فاطر (۳۵)، آیه ۲۴.

۲. غافر (۴۰)، آیه ۷۸.

۳. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۲.

۱. بقره (۲)، آیه ۲۱۳.

مجاورت با دو اقیانوس اطلس و هند و وجود دریا‌هایی مانند دریای مدیترانه، دریای احمر، دریای خزر، دریای سیاه و همچنین خلیج فارس، از دیرباز مورد توجه کانون‌های قدرت جهانی بوده است. علاوه بر این که وجود کانال‌ها و تنگه‌های استراتژیکی چون کانال سوئز (محل اتصال دریا‌های مدیترانه و سرخ در مصر)، تنگه هرمز (محل اتصال خلیج فارس و دریای عمان)، تنگه‌های بسفر و داردانل (در شمال غرب ترکیه)، تنگه باب المندب (دریای سرخ به خلیج عدن در جنوب غربی عربستان)، تنگه جبل الطارق (اتصال دریای مدیترانه با اقیانوس اطلس)، نقش برجسته خاورمیانه را دو چندان کرده است. به همین جهت خاورمیانه از نخستین خاستگاه‌های تمدن جهان بوده است. بسیاری از باورها و آیین‌های جهان از اینجا برخاسته‌اند و زادگاه ادیان مهمی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام شده است و اماکن متبرکه این سه دین نیز در این منطقه قرار دارد.

نام پیامبران

تعداد پیامبران الهی بنا بر قول مشهور، یکصد و بیست و چهار هزار نفر است ولی نام‌های تعداد کمی از آنان در قرآن آمده است. زیرا بیشتر پیامبران، صاحب شریعت مستقل نبوده‌اند؛ بلکه دعوت‌کننده به شریعت پیامبر اولی‌العزم دیگر بوده‌اند و بسیاری از پیامبران، بر یک شهر یا روستا و یا حتی برخی بر یک خانواده مبعوث بوده‌اند و برخی از آنها مبعوث بر کسی نبوده‌اند و مأمور به تبلیغ نبوت خود به کسی نبوده‌اند^۱ گرچه مورد اخیر را برخی نپذیرفته‌اند.

البته در این صورت به‌طور قطع می‌توان گفت؛ خداوند متعال در دنیا هیچ گروه و امتی را عذاب نخواهد کرد مگر اینکه پیام وحی برای آنان قابل دسترسی باشد. چنان که در قرآن مجید می‌خوانیم:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾^۱؛ «و پروردگار تو [هرگز] ویرانگر شهرها نبوده است تا [بیشتر] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر ایشان بخواند، و ما شهرها را - تا مردمشان ستمگر نباشند - ویران‌کننده نبوده‌ایم».

و همچنین اگر به جهت سلطه سران شرک و کفر از وحی الهی محروم باشند از مستضعفان به شمار خواهند آمد و در قیامت، مشمول رحمت الهی قرار خواهند گرفت. چنان که در قرآن مجید می‌خوانیم:

﴿إِلَّا الْمُسْتَظْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَظْعِمُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾^۲؛ «مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره‌جویی نتوانند و راهی نیابند».

اهمیت استراتژیک خاورمیانه

علت اینکه بیشتر پیامبرانی که در قرآن نام آنها آمده از منطقه خاورمیانه می‌باشد این است که خاورمیانه محل تلاقی سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا و مشتمل بر قلمروها و آبراه‌هایی است که در زمره پراهمیت‌ترین مناطق ژئواستراتژیک جهان می‌باشد. اهمیت استراتژیک و نظامی خاورمیانه به لحاظ

۱. قصص (۲۸)، آیه ۵۹.

۲. نساء (۴)، آیه ۹۸.

در این سوره، انسان با صحنه‌های مختلفی از آفرینش و قیامت، زندگی و مرگ، انذار و بشارت روبه‌رو می‌شود که مجموعه‌ای بیدارکننده و نسخه‌ای شفابخش را تشکیل می‌دهد.^۱

سوره «الرحمن» نیز به دلیل زیبایی فوق‌العاده آیاتش، «عروس قرآن» نامیده شده است.

نام‌گذاری سوره‌ها

● **پرسش ۴۷.** سوره‌های قرآن به دست چه کسی و بر اساس چه معیاری، نام‌گذاری شده است؟

برخی از مفسران در رابطه با نام‌گذاری سوره‌های قرآنی، معیارهای زیر را ارائه داده‌اند:

۱. نام سوره گاهی با عنوانی که در آن سوره واقع شده یا با موضوعی که در آن سوره از آن بحث شده، انتخاب می‌شود. برای مثال: نام‌گذاری سوره «نساء» به اعتبار بیان احکام زنان، سوره «مائده» به لحاظ سخن رفتن از مائده آسمانی، سوره «انعام» به جهت سخن از چهار پایان، سوره «نحل» به علت تکیه بر زنبور عسل و سوره «نمل» به جهت به میان آمدن نام مورچگان در آن است. در قرآن‌های قدیمی، ابتدای سوره می‌نوشتند: «سُورَةُ تُذَكِّرُ فِيهَا الْبَقَرَةُ»؛ «سوره‌ای که در آن گاو ذکر می‌گردد» و «سُورَةُ يَذْكُرُ فِيهَا آلُ عِمْرَانَ»؛ «سوره‌ای که در آن از آل عمران سخن به میان می‌آید».

۲. گاهی جمله‌ای از اول سوره را معرف و نام آن سوره قرار می‌دهند، چنان که

اسامی پیامبرانی که در قرآن آمده است عبارتند از: آدم، نوح، ادریس، هود، صالح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، یسع، ذوالکفل، الیاس، یونس، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، موسی، هارون، داوود، سلیمان، ایوب، زکریا، یحیی، اسماعیل صادق الوعد، عیسی و محمد ﷺ.

برخی هم پیامبریشان محل بحث است که عبارتند از: ذی‌القرنین، عمران پدر مریم و عزیر.

برخی آیات هم اوصاف پیامبرانی را ذکر کرده و اسم آن پیامبر نیامده مثل آیه ۲۴۳ و ۲۴۶ بقره که به ترتیب در مورد حزقیل و اشموئیل است و یا آیه ۲۵۹ بقره که در مورد ارمیا یا عزیر می‌باشد. همچنین آیه ۶۵ که در مورد خضر می‌باشد اگر چه پیامبری جناب خضر محل بحث است.^۱

در روایات نیز نام برخی انبیاء آمده است همچون شعیا؛ حیقوق یا حبقوق، دانیال، جرجیس و حنظله و خالد.^۲

قلب و عروس قرآن

● **پرسش ۴۶.** چرا سوره‌های «یس» و «الرحمن» به قلب و عروس قرآن معروف‌اند؟

سوره «یس» مشتمل بر پایه‌ها و ارکان عقیدتی و نیز اصول برنامه‌های پیامبران است؛ به ویژه آخرین آیه آن که شامل معارف بلندی است ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^۳ از این رو آن را در روایات «قلب قرآن» نامیده‌اند.

۱. المیزان، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲. ر.ک: بحارالانوار، ج ۱۲ و ۱۴؛ مفاتیح الجنان، دعای عمل ام‌داود.

۳. یس (۳۶)، آیه ۸۳.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۰۹.

گفته می شود: سوره «اقرا بسم ربک»، «انا انزلناه»، «حم سجده» و نظایر آنها.

۳. گاهی با وصفی که سوره دارد، به معرفی آن می پردازند. برای مثال سوره حمد به مناسبت اینکه در اول قرآن آمده، «فاتحة الكتاب» و به مناسبت هفت آیه بودنش «سبع المثانی» نامیده می شود و یا سوره «قل هو الله» به لحاظ اینکه مشتمل بر توحید خالص است «سوره اخلاص» نامیده می شود.

۴. گاهی تسمیه سوره به لحاظ نوع حروف مقطعه موجود در آن است مانند:

سوره ق، ص، حم، عسق و

حاصل سخن اینکه این عمل به صورت طبیعی، شکل گرفته و نمی توان گفت به دستور رسول اکرم ﷺ بوده است. به همین دلیل بسیاری از سوره ها، بیش از یک اسم دارند؛ مانند بقره، آل عمران، نحل، توبه، غاشیه و ...^۱.

اما براساس نظریه دیگری - که نام گذاری را توقیفی می داند - هر سوره ای در قرآن کریم، هم زمان با حیات رسول اکرم ﷺ دارای نام و عنوان یا نام ها و عناوینی است که از طریق وحی معین و مشخص شده بود.

در نظریه سومی؛ علاوه بر معین بودن اسامی سوره ها در زمان حیات پیامبر ﷺ پس از وفات آن حضرت نیز هر سوره ای حتی بسیاری از آیات به جهت خصوصیات و مزایا و یا جهت مشتمل شدنشان بر موضوع خاصی دارای عناوین و اسامی دیگری از جانب علما گردید.^۲

۱. ر.ک:

الف. طباطبائی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۲۱۸، (انتشارات دارالکتب الاسلامیه)؛

ب. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۳۳۹، (انتشارات دارالکتب العلمیه).

۲. ر.ک:

الف. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶،

چاپ دوازدهم)، ص ۹۸؛

ب. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، (تهران: سمت، ۱۳۵۷، چاپ اول)، ص ۷۷.

نام دوم سوره ها

● پرسش ۴۸. برخی سوره ها نام دومی دارند مانند سوره «انسان» که «دهر» هم

نامیده می شود اگر ممکن است نام دوم سوره های دیگر را بنویسید.

بسیاری از سوره ها علاوه بر نام های متداول و معروف، به نام های دیگری نیز

نامیده می شوند که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. الفاتحه	←	حمد، سبع المثانی
۲. بقره	←	سَنَام، فُسطاط
۳. بقره و آل عمران	←	زهرآوان
۴. توبه	←	برائت
۵. اسراء	←	بنی اسرائیل
۶. السجده	←	الم سجده
۷. فاطر	←	ملائکة
۸. غافر	←	مؤمن
۹. فصلت	←	حم سجده
۱۰. شوری	←	حم عسق
۱۱. النباء	←	عم
۱۲. انسان	←	دهر، هل اتی
۱۳. تکویر	←	کورت
۱۴. الشرح	←	انشراح و الم نشرح
۱۵. قریش	←	ایلاف

در پایان لازم است به دو نکته اشاره شود:

یکم. تقسیم قرآن به سوره‌ها به دستور خدا بوده و در زمان پیامبر ﷺ تعیین شده است. هر سوره با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع و با نزول «بسم الله» بعدی، سوره پیشین ختم می‌شده است.

دوم. تقسیم قرآن به سوره‌ها، اختصاص به این کتاب آسمانی ندارد؛ زیرا کتاب‌های آسمانی پیشین (مانند تورات و انجیل) هم به شکل تبویب و سوره‌بندی نازل شده است؛ چنان که زمخشری بدین موضوع اشاره کرده است.^۱

جزء‌های قرآن

● **پرسش ۵۰.** علت تقسیم‌بندی قرآن به ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب چه بوده است؟

تقسیم‌بندی قرآن به صورت ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب، به جهت آسان‌سازی حفظ و یا تقسیم در تلاوت بوده است. از این رو روایت یا حدیثی از پیامبر ﷺ یا ائمه معصومین علیهم‌السلام در زمینه این نوع تقسیم‌بندی وجود ندارد. از این رو، در برخی از کشورها هر جزء به دو حزب تقسیم می‌شود و در مجموع قرآن را دارای ۶۰ حزب می‌دانند.

۱۶. الکافرون ← جحد

۱۷. اخلاص ← توحید، نسبت، قل هو الله

۱۸. فلق و ناس ← معوذتین

تقسیم‌بندی قرآن

● **پرسش ۴۹.** علت تعدد سوره‌ها و تقسیم‌بندی آیات قرآن چیست؟

قرآن پژوهان درباره حکمت تقسیم قرآن به سوره‌های مختلف، نظریه‌های گوناگونی را بیان کرده‌اند. برخی در این باره گفته‌اند: حکمت تقسیم قرآن به سوره‌ها، برای اثبات این مسئله است که هر سوره‌ای از قرآن - حتی در حداقل آیات آن - معجزه و آیتی از نشانه‌های الهی است. همچنین اشاره به آن است که هر سوره، دارای روش و سبک مستقل و مخصوص به خود است.

برای مثال سوره «یوسف» از داستان یوسف و سوره «برائت» از احوال و اسرار منافقان صحبت می‌کند.^۱ به علاوه هر سوره دارای حداقل یک هدف اصلی و پیام ویژه‌ای می‌باشد که آیات سوره بر محور آن دور می‌زند.^۲ برخی نیز به حکمت‌های دیگری اشاره کرده‌اند؛ از جمله: تقسیم قرآن به آیات و سوره‌های مختلف موجب ملاحظه و شناخته شدن معانی و نظم بیشتر می‌گردد.^۳

۱. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد الله، *البرهان فی علوم القرآن*، ج ۱، دارالمعرفه، ص ۲۶۴.

۲. ر.ک: شماته، محمود، *اهداف و مقاصد سوره‌های قرآنی*، ترجمه: محمدباقر حجتی.

۳. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۱، (نشر دار ابن کثیر)، ص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ حجتی، سید محمدباقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۷.

۱. *الاتقان*، ج ۱، ص ۲۰۸.

تعداد آیات قرآن

● پرسش ۵۱. منشأ پیدایش اختلاف در تعداد آیات چیست؟

درباره علت این اختلاف گفته شده است: نبی اکرم ﷺ بر سر هر آیه‌ای، اندکی توقف می‌کرد تا یارانش بدانند که پایان و آغاز آیه کجا است؛ ولی پاره‌ای از موارد نیز وجود داشت که محل وقف پیامبر اکرم ﷺ، فاصله میان دو آیه نبود.

در اینجا گروهی قبل از وقف را به مابعد آن وصل می‌کردند و دسته دیگر، آن وقف را پایان آیه تلقی کرده و دنباله آن را وصل نمی‌کردند. چنین بود که در شمارش آیات، در مصحف‌های مختلف، اختلافی پیش آمد.

البته امروزه تقریباً بیشتر آیات قرآن، از نظر شماره به طریق کوفیان است که عدد آن ۶۲۳۶ ثبت شده و ابو عبد الرحمن المسلمی از امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام نقل کرده و امام الشاطبی آن را در «ناظمه الزهر» آورده است.^۱

۱. ر.ک: رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۵۷؛ برای شرح بیشتر: آمار آیات در نگاه کوفیان، اهل شام، قاریان مکه، قاریان مدینه، صص ۵۷۲-۵۷۰.

حروف مقطعه

● پرسش ۵۲. منظور از حروف مقطعه قرآن چیست؟

در ابتدای ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن، یک یا چند حرف از حروف الفبا وجود دارد (مجموعاً ۸۷ حرف) که با حذف موارد تکراری ۱۴ حرف می‌شود (یعنی نصف حروف الفبای عربی که ۲۸ حرف است). اینها «حروف مقطعه» نامیده می‌شوند. حروف مقطعه در کتابت سرهم و به صورت یک کلمه مثل «الم، المص و...» نوشته؛ ولی هنگام خواندن جدا از هم خوانده می‌شوند.

برای مثال «الف»، «لام»، «میم» یا «الف»، «لام»، «میم»، «صاد»، این حروف چهارده‌گانه عبارت است از: «ا.ح.س.ص.ط.ع.ق.ک.ل.م.ن.ه.ر.ی». بدرالدین زرکشی از ترکیب این حروف، جمله «نَصُّ حَكْمٌ، قاطِعٌ لَهُ سِرٌّ» و فیض کاشانی جمله «صراطٌ علی حقٍّ نُمِسِکُهُ» را ساخته‌اند.

در رابطه با «حروف مقطعه» نظرات متفاوتی از سوی قرآن‌پژوهان ابراز شده که به‌طور خلاصه به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

۱. «حروف مقطعه» نمونه‌ای از حروف الفباست و آیات قرآن از همین حروف تشکیل شده اما دیگران از آوردن هم مانند آن ناتوانند.

۲. «حروف مقطعه» از نوع متشابهات قرآنی است که علم آن مخصوص به خداوند است.^۱

۳. حروف مقطعه هر سوره نام همان سوره است؛ چنان که سوره‌های «یس» و «طه» و... هر یک به این اسامی نامیده شده‌اند.^۲

۱. ر.ک: سیوطی، الاتقان، ج ۳ ص ۲۴؛ تفسیر طبری، ج ۱، ص ۷۲.

۲. زمخشری، کشاف، ج ۱، ص ۲۱.

۴. هر یک از این حروف اشاره به اسمی از اسمای حسناى الهی است و بعضی نیز رمز و اشاره به نام پیامبر اکرم ﷺ است.

۵. حروف مقطعه از ناحیه خدا، سوگندهایی است مبنی بر اینکه این کتاب از سوی او است.^۱

۶. این حروف برای متنبه کردن مردم و برقراری آرامش مجلس به هنگام رساندن آیات الهی از سوی پیامبر ﷺ است.^۲

۷. این حروف در واقع رمز و سری میان خداوند و رسول اکرم ﷺ است که تنها پیامبر و افراد پاک می‌توانند از آنها آگاهی یابند.^۳

۸. حروف مذکور برای آگاه کردن پیامبر ﷺ از نزول وحی و تمایز آن از سخنان بشری نازل شده است.^۴

۹. با تدبر در سوره‌های دارای حروف مقطعه مشترک، روشن می‌شود که مضامین و سیاق آنها با یکدیگر مشابه و متناسب است.^۵

۱۰. تمامی بحث‌ها بر محور حکمت وجود حروف مقطعه دور می‌زند و ربطی به کنه و حقیقت وجود آنها ندارد؛ زیرا انسان از آگاهی یافتن بر آنها ناتوان است.^۶

۱۱. این حروف گرچه از تشابهات قرآن محسوب می‌شود؛ اما گروه راسخان در علم می‌توانند از آنها آگاهی یابند.^۷

۱۲. اینها سرآغاز سوره‌هایی است که خداوند قرآن را با آنها شروع کرده است.

از میان مفسران، مجاهد این قول را پذیرفته است.^۱

گفتنی است تفاسیر دیگری نیز درباره «حروف مقطعه» از جانب قرآن‌پژوهان ارائه گشته و روایات زیادی نیز در این باره نقل شده است.^۲

استخاره

● پرسش ۵۳. چگونه می‌توان استخاره کرد و شرایط آن چیست؟

«استخاره» در لغت، به معنای طلب خیر از خداوند متعال است که دانا به امور و عواقب کارها است. در کنار این معنا، گاهی استخاره به معنای نوعی قرعه در هنگام تحیر است که همراه با دعا و درخواست از خداوند متعال به کار برده می‌شود. این نوع استخاره معمولاً با تسبیح و قرآن انجام می‌شود. در روایات، استخاره به معنای طلب خیر از خداوند متعال، بسیار مورد سفارش قرار گرفته است، و ائمه اطهار علیهم‌السلام، شیعیان را ترغیب کرده‌اند کارهای خود را بر اساس استخاره انجام دهند.

امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «كُنَّا نَتَعَلَّمُ الاسْتِخَارَةَ كَمَا نَتَعَلَّمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ «ما استخاره را آموزش می‌دهیم، همان‌گونه که سوره قرآن را آموزش می‌دهیم».

روایت دوم تصریح دارد که پس از طلب خیر از خداوند متعال، هر اتفاقی که

۱. تفسیر المنار، ج ۱ ص ۱۲۲.

۲. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۳ و ج ۲، صص ۲۰۶ و ۲۷۷؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۷۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۲۰.

برای آگاهی بیشتر درباره تفسیرهای حروف مقطعه ر.ک:

الف. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۲، صص ۶۹-۱۲۹.

ب. معرفت، محمد هادی، تناسب آیات، صص ۱۳۵-۱۶۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۶.

۱. ر.ک: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. ر.ک: رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۸، ص ۲۹۶.

۳. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۶۴.

۴. الاتقان، ج ۳، ص ۳۱.

۵. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۶-۸.

۶. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۲۸۳.

۷. ر.ک: قاضی عبدالجبار، مشابه القرآن، ج ۱، ص ۱۳.

برای استخاره کننده بیفتد، می بایست از آن راضی باشد.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «... مَا أَبَالَى إِذَا اسْتَخَرْتُ اللَّهَ عَلَى أَيِّ جَنْبِي وَقَعْتُ»^۱؛ «... آن گاه که استخاره کردم، باکی ندارم که چه بر من واقع می شود».

دلیل آن را بایست در این نکته جست و جو کرد که استخاره کننده، خود را به خدا سپرده و خداوند متعال نیز به خیر او آگاه تر است. بنابراین در صورت عمل بر اساس استخاره، هر اتفاقی که بیفتد، باید ایمان داشته باشد که خیر او در آن بوده است.

روش های استخاره

از آنجا که معنای اصلی استخاره، طلب خیر از خداوند متعال است، بهترین روش آن، دعا است؛ زیرا در حقیقت استخاره نوعی دعا و طلب خیر از پیشگاه خداوند متعال است که دانا به همه کارها و اسرار است و خیر و شرّ ما نیز در دست او است. دعاهاى متعددی برای استخاره نقل شده از جمله:

۱. امام باقر علیه السلام می فرماید: «من هرگاه در کار مهمی اراده استخاره دارم؛ در حال نشسته صد بار با دعای زیر، از خدا طلب خیر می کنم. اما برای خرید چیزی و کارهای شبیه آن سه بار این دعا را در حال نشسته می خوانم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ إِن كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ كَذَا وَكَذَا خَيْرٌ لِي فَخِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَأَصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي وَرَضِّنِي فِي ذَلِكَ بِقَضَائِكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَقْضِي وَلَا أَقْضِي إِنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»^۲.

۱. همان.

۲. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۷۵.

۲. در صحیفه سجادیه آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ لِي بِالْخَيْرَةِ؛ وَالْهِمَّنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْيَةً إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ فَأَرْخِ عَنَّا رَبِّبَ الْإِزْتِيَابِ، وَابْتَدِنَا بَيِّقِينَ الْمُخْلِصِينَ. وَلَا تَسْمُنَا عَجَزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَنْغِمِطَ قَدْرَكَ، وَنَكْرَهُ مَوْضِعِ رِضَاكَ، وَنَجْنَحَ إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَاقِبَةِ؛ حَبِّبْ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ؛ وَالْهِمَّنَا الْإِنْفِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ، وَلَا تَعْجِلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا نَكْرَهُ مَا أَحْبَبْتَ، وَلَا نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ. وَاخْتِمِ لَنَا بِالَّتِي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَةً، وَ أَكْرَمُ مَصِيرًا، إِنَّكَ تُفِيدُ الْكَرِيمَةَ، وَتُعْطِي الْجَسِيمَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱.

استخاره با قرآن

یکی از روش های استخاره، استخاره با قرآن است. در روایات به این نوع روش نیز در کنار روش های دیگر اشاره شده است.

در روایتی آمده است: الیسع القمّی قال قلت لابی عبد الله علیه السلام أريد الشيء وأستخير الله فيه فلا يوفق فيه الرأي إلى أن قال فقال: «افتتح المصحف فانظر إلى أول ما ترى فخذ به إن شاء الله»^۲؛ الیسع قمی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کاری می خواهم انجام دهم و در آن کار از خدا نیز استخاره می کنم؛ اما به نظر ثابتی موفق نمی شوم. آن حضرت فرمود: «قرآن را بگشا و به نخستین آیه

۱. الصحیفه السجادیة، دعای ۳۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۳۳.

که می‌بینی نگاه کن و آن را بگیر که اگر خدا بخواهد [خیر تو در آن است]». اما درباره چگونگی فهم خیر از آیات قرآن، دعا‌های مختلفی وارد شده که یکی از آنها به پیامبر گرامی اسلام ﷺ منسوب است. آن حضرت می‌فرماید:

هنگامی که خواستی به کتاب خدا استخاره بزنی و از تحیر بیرون بیایی، سه بار سوره اخلاص (توحید) را بخوان و سه صلوات بر پیامبر اکرم و آل او بفرست و سپس این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي تَفَالْتُ بِكِتَابِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَارِنِي مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ الْمَكْتُومُ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ فِي غَيْبِكَ».

سپس قرآن را باز کن و بدون اینکه خطوط و صفحات را بشماری، از خط اول عاقبت کار را بخوان.^۱

استخاره با تسبیح

برای استخاره با تسبیح مشهور آن است که: بعد از نیت، حداقل سه بار صلوات و یک بار حمد و سه مرتبه سوره اخلاص و چند مرتبه «استخیرالله برحمته»؛ «از رحمت خدا طلب خیر می‌کنم» را بگویید و بعد یک قبضه از دانه‌های تسبیح را به دست گرفته و دو تا دو تا بشمارید. اگر یک عدد باقی ماند، «خوب» و اگر دو تا ماند «بد» است.

پنج نکته درباره استخاره

درباره استخاره و روش آن، رعایت پنج نکته ضروری است:

۱. استخاره هیچ‌گاه جای اندیشه و مشورت را نمی‌گیرد؛ بلکه استخاره پس از اندیشه و مشورت است؛ یعنی، هر کاری را که می‌خواهیم انجام بدهیم، ابتدا باید

۲. به رغم اینکه امروزه، استخاره با قرآن رواج بیشتری دارد؛ اما بهترین راه و روش استخاره، قرائت دعا‌های استخاره است. در استخاره با قرآن نیز باید دقت کرد که هرکس حق ندارد فهم خود را بر قرآن تحمیل کند و بر اساس برداشت خود از قرآن و آیات آن عمل نماید. بهتر است در استخاره با قرآن، از علمای آشنا با قرآن، کمک گرفت تا خدای ناکرده دچار اشتباه در فهم قرآن و تحمیل آنها به قرآن نشویم؛ زیرا الهام‌گیری از آیات قرآن، کار آسانی نیست و نیاز به کسانی است که آگاهی و آشنایی تخصصی نسبت به قرآن دارند. پس نمی‌توان به خوب و بدی که در بالای بعضی از قرآن‌ها نوشته شده اعتماد کرد.

۳. خواندن دعای استخاره برای هر کاری توصیه شده است؛ زیرا خیر ما به دست خداوند متعال است و ما در هر کاری، باید خیر خود را از او بخواهیم. در این صورت استخاره با قرآن، نباید به صورت عادت و روش دائمی درآید و جایگزین اندیشه و مشورت و تحقیق شود.

۴. همان‌گونه که در انجام دادن واجبات و ترک محرمات، استخاره نباید کرد؛ در کارهایی که عقل آنها را تأیید می‌کند و همه شواهد و قرائن به خوبی آن گواهی می‌دهند نیز نباید استخاره کرد. به عبارت دیگر استخاره، نظیر قرعه‌ای است که به دنبال بررسی‌های همه جانبه و عدم کشف راه صحیح، انجام می‌شود و هیچ‌گاه نقش اصلی را در تعیین وظایف و درستی یا خطای راه‌ها ایفا نمی‌کند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۰۴.

۵. استخاره به معنای طلب خیر از خداوند متعال است؛ اما تَفَال به معنای فهم عاقبت کارها است. به این دلیل در روایتی از تَفَال زدن به قرآن نهی شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَتَفَالُ بِالْقُرْآنِ»؛ «امام صادق علیه السلام می فرماید: به قرآن تَفَال نزنید».

بر این اساس فهم عاقبت امور و استنباط آن، تنها بر اهلش میسر است و هر کسی نمی تواند از قرآن به چنین استنباطی برسد؛ زیرا اگرچه استنباط عاقبت از آیات قرآن، برای کسی که اهلش باشد امکان دارد، اما همه کس را بدان راه نیست. پس اکثریت مردم در همان حد استخاره با قرآن، باید توقف کنند و اهل معرفت می توانند به عواقب امور نیز پی ببرند.

قرائت قرآن

آداب تلاوت قرآن

● پرسش ۵۴. هنگام تلاوت قرآن چه آدابی را رعایت کنیم تا بیشترین بهره را

ببریم؟ آیا خواندن ترجمه فارسی قرآن هم ثواب دارد؟

برای تلاوت قرآن، آداب خاصی هست که به بعضی از آنها با استفاده از آیات و روایات اشاره می شود:

۱. در حال طهارت و با وضو به تلاوت قرآن پردازید.
۲. در حالی که مسواک کرده اید قرآن را تلاوت کنید.
۳. با صوت زیبا تلاوت کنید.
۴. با جهر متوسط بخوانید؛ نه با صدای آهسته باشد و نه با صدای بسیار بلند.
۵. در حال تلاوت، با آدب و با طمأنینه و رو به قبله باشید؛ چه نشسته و چه ایستاده و اگر نشسته می خوانید، تکیه نکنید.
۶. از روی «مصحف» تلاوت کنید، که نگاه در «مصحف» و تلاوت از روی آن آثار خاصی دارد اگرچه آیات را حفظ باشید.

در روایتی از رسول اکرم ﷺ نقل شده است: «لیس شیء أشدَّ على الشَّیطان من القراءة فی المحصف نظراً»^۱؛ «چیزی برای شیطان سخت تر و کوبنده تر از تلاوت قرآن نیست، آن هم از روی مصحف و با نگاه کردن در آن».

۷. قبل از شروع بگوئید: «أستعِذ بالله السَّمیع العَلیم من الشَّیطان الرَّجیم»؛ «به خداوند شنوا و دانا، از شیطان رانده شده پناه می‌برم» و یا بگوئید: «أعوذ بالله السَّمیع العَلیم من الشَّیطان الرَّجیم» و بعد بگوئید: «بسم الله الرَّحمن الرَّحیم». سپس تلاوت را شروع کنید، تا با عنایت خدای متعال از دخالت‌های شیطانی در نفس خود محفوظ بمانید. قرآن می‌فرماید:

﴿إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾؛ «وقتی قرآن را تلاوت می‌کنی، پناه ببر به خدای متعال از شیطان مطرود. البته شیطان را بر آنانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلط و سیطره‌ای نیست».^۲

۸. ترتیل را مراعات کنید؛ قرآن، خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾^۳؛ «و قرآن را با ترتیل مناسب آن بخوان».

امام موسی بن جعفر از پدران بزرگوار خود نقل می‌کند: از رسول اکرم ﷺ در خصوص آیه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾ سؤال شد و آن حضرت در توضیح و تفسیر آیه فرمود: «بینه تیناناً ولا تشره نشر الرمل، ولا تهذه هذا الشعر، قفو عند عجائبه، و حرکوا به القلوب، و لا یكون هم أحدکم آخر السورة»^۴؛

«قرآن را روشن و واضح تلاوت کن و حروف و کلمات آن را جدا از هم و پراکنده مساز، مانند پراکنده ساختن دانه‌های ریگ از یکدیگر، و آن را سریع و تند تلاوت نکن، همانند تند خواندن شعر. وقتی به عجایب قرآن می‌رسی، توقف کن و به تدبّر و تأمل پردازید و با تلاوت آن دل‌ها را به حرکت آورید و با شتاب و بی‌تأمل نخوانید؛ به نحوی که بخواهید زود به آخر سوره برسید».

۹. به هنگام تلاوت قرآن، به چیز دیگری فکر نکنید و متوجه آیات قرآن باشید.

۱۰. در آیات قرآن تدبّر کنید که در این صورت، از انوار، هدایت‌ها، حقایق، معارف و دقایق و اسرار قرآن کریم، به اندازه خود بهره‌مند خواهید شد. تلاوتی که در آن تدبّر نباشد، آن طور که شایسته است، فایده‌ای نخواهد داشت. البته این بدان معنا نیست که اگر کسی اهل تدبّر نباشد و یا معانی آیات را حتّی در حدّ ترجمه نداند، از تلاوت قرآن بهره‌ای نخواهد برد! چنین کسی هم با مراعات قسمتی از آداب تلاوت، بهره خود را خواهد برد.

۱۱. حقّ آیات را مراعات کنید؛ به این معنا که به هنگام تلاوت قرآن، وقتی از رحمت و بهشت یاد می‌شود، خود را از آن رحمت محروم نبینید و وقتی به آیات عذاب و آتش و سخط و غضب می‌رسید، بترسید و به خدای متعال پناه ببرید که از اهل عذاب و آتش نباشید و مشمول سخط و غضب نگردید. وقتی به آیات تکبیر، تعظیم، تسبیح و تحمید می‌رسید، به تکبیر، تعظیم، تسبیح و تحمید حقّ پردازید. هنگامی که به آیات استغفار و طلب عفو و بخشش می‌رسید، استغفار کنید و طلب عفو و مغفرت نمایید. آنجایی که

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۲.

۲. نحل (۱۶)، آیه ۹۸.

۳. مزمل (۷۳)، آیه ۴.

۴. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۵.

به ذکر صالحان می‌رسید، از خدا بخواهید شما را نیز از آنان و در جمع آنان قرار دهد و آن گاه که به ذکر اهل طغیان و غفلت می‌رسید، از خدا بخواهید که شما را از ورود به جمع آنان حفظ کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اذا مررت بأية فيها ذكر الجنة فاسأل الله الجنة، و اذا مررت بأية فيها ذكر النار فتعوذ بالله من النار»؛ «به هنگام تلاوت قرآن وقتی به آیه‌ای رسیدی که در آن ذکر بهشت شده است، از خدا بهشت را بخواه، و وقتی به آیه‌ای رسیدی که در آن ذکر آتش به میان آمده است، به خدا پناه ببر از آتش».

در پایان تذکر این نکته بایسته است که هر چه می‌توانید در تلاوت قرآن و مراعات آداب آن، جدّیت داشته باشید و این امر را مهم بشمارید و بدانید که هر چه در تلاوت قرآن بکوشید و با آن وحدت یابید؛ به همان اندازه به «حقیقت نوری قرآن» نزدیک شده و در نتیجه «حقیقت نوری خود» را خواهید یافت؛ زیرا «حقیقت نوری انسان» از «حقیقت نوری قرآن» و مرتبه‌ای از مراتب آن است و این سرّ برای اهل آن معلوم، و از نااهلان محجوب است.

«حقیقت قرآن» تجلّیات حقّ است که در ورای این الفاظ و مفاهیم ظاهری بوده و در کتاب مکنون و نزد حضرت محبوب است:

﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾^۲؛ «و همانا که آن در کتاب اصلی به نزد ما سخت والا و پر حکمت است».

در عین حال، با همین الفاظ و مفاهیم، ظاهر و متجلّی است. آن که از «حقیقت قرآن» دور مانده، از «حقیقت خود» دور گشته و از حضرت محبوب، محجوب مانده است.

اما اصرار بر تلاوت قرآن به زبان عربی، دلایل متعددی دارد، از جمله:

۱. ایجاد زبانی مشترک در میان همه پیروان و در واقع فراهم‌سازی نوعی وحدت و پیوند بین‌الملل دینی، باعث تأکید بر قرائت و حفظ زبان عربی شده است.

۲. روح و محتوای هر پیام و سخنی در قالب زبان خاص خود، عمیق‌تر درک می‌شود تا زمانی که به زبان‌های دیگر برگردانده شود و قرآن که دارای مضامین بسیار بلند و عالی است، هرگز قابل ترجمه دقیق و کامل به هیچ زبانی نیست. فرق بین قرآن و ترجمه‌هایش، همان فرق بین کتاب الهی و بشری است. بنا بر آنچه گفته شد، تلاش و همت ما باید بر آن باشد که تلاوت قرآن را به زبان عربی پیگیری کنیم و هر چه بیشتر با ترجمه آن آشنا شویم. حتی اگر کمتر بخوانیم؛ بهره ما بیشتر خواهد بود و کم‌کم تسلط ما بیشتر خواهد شد.

ختم قرآن

● پرسش ۵۵. آیا ثواب قرائت برخی از سوره‌های قرآن - که به اندازه ختم قرآن

ذکر شده است - انسان را از ختم قرآن بی‌نیاز می‌کند؟

در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است:

۱. ثواب‌ها براساس لطف و تفضل از سوی خداوند است و نیازی نیست که تساوی در آن ملاحظه شود؛ برخلاف کیفرها که باید عدالت در آن رعایت گردد.

۲. این‌گونه روایات که بیانگر ثواب بسیار برای یک کار نیک است - بر فرض صحت - به جهت تشویق مردم و ترویج یک فرهنگ هدایتگر در جامعه است؛

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۶.

۲. زخرف (۴۳)، آیه ۴.

یعنی، اگر چنین کارهای پسندیده به طور مستمر به وسیله افراد جامعه انجام پذیرد، شایسته چنان ثواب‌های فراوان از سوی خداوند است. به ویژه آنکه صفت رحمت خداوند، غالب است و در لطف و بخشش به بندگان هیچ‌گونه بخل و محدودیتی ندارد. از این رو، این‌گونه روایات برای ایجاد انگیزه انجام کارهای خیر است؛ نه آنکه انگیزه عمل به کارهای بزرگ و گسترده را در میان مؤمنان از بین ببرد.

۳. روایات مربوط به ثواب قرائت سوره‌ها، همگی دارای اسناد صحیح و معتبری نیست.

۴. برخی از سوره‌ها که فراوانی ثواب تلاوت برای آنها ذکر می‌شود، به تناسب تدبیر و عمل به آنها می‌باشد.^۱

۵. برخی از پیام‌ها و محتواهایی که در سوره‌ای خاص وجود دارد، نقشی کلیدی در عمل کردن و باور به محتوای دیگر سوره‌های قرآن دارد؛ به گونه‌ای که با پذیرش و ایمان به آن، پذیرش و باور نسبت به دیگر سوره‌ها حاصل می‌شود. قرآن گاه مطلبی را به طور اجمال و کلی در جایی مطرح کرده و سپس تفصیل آن را در چندین سوره بیان می‌کند؛ برای مثال عصاره قرآن در سوره حمد است و به عنوان کلید پذیرش تمام معارف قرآن مطرح شده است و مجموعه توحید ذاتی، صفاتی و افعالی خداوند و تنزه کامل او در سوره «اخلاص» آمده است. به عبارت دیگر بعضی از سوره‌ها، مواضع اصولی اسلام است که در دیگر سوره‌ها به تبیین و تفصیل آن پرداخته می‌شود.

۶. علت فضیلت یافتن یک سوره، گاهی با شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی

ارتباط دارد؛ یعنی، روایتی از پیامبر اکرم ﷺ یا ائمه اطهار علیهم السلام در فضیلت سوره‌ای و آیه‌ای وارد شده، که تکرار آن در میان مردم به حفظ کیان اندیشه و عقیده جامعه کمک فراوانی می‌کند و یا در زنده ماندن برخی رخدادهای مهم اسلامی تأثیر بسزایی دارد.

۷. آنچه اهمیت دارد «پایداری ثواب» و عمق بخشی به «نورانیت» کار خیر در دل و جان است. تلاوت قرآن به طور پیوسته، نورانیت را در دل و جان عمق بیشتری می‌دهد، به همین جهت بیشتر روایاتی که برای ثواب برخی سوره‌ها آمده؛ شرط آن را تلاوت هر شب و یا تکرار آن را به تعداد خاصی قرار داده است. ۸. مقصود از روایت‌هایی که آثار خاصی را برای برخی از اعمال ذکر کرده‌اند این نیست که فلان عمل «علت تامه» آن اثر است؛ بلکه مقصود «اقتضا»ی اثر است. «علت تامه» مجموع علل مؤثر بر یک چیز با رفع تمام موانع است. تأثیر چنین علتی بر معلول حتمی و ضروری است و به هیچ وجه تخلف بردار نیست. در حالی که «مقتضی» یکی از شرایط مؤثر بر یک پدیده است که در صورت فقدان موانع می‌تواند اثر کند ولی اگر مانعی بر سر راه آن قرار گیرد تأثیر ندارد.

در پایان اشاره به یک اصل مهم شایان توجه است؛ که «جایگزین» هم مانند «بدل» می‌باشد و از برخی جهات مانند «اصل» است. اما تمامی حقیقت و آثار «اصل» را ندارد. چنان که زینت آلات بدلی، از نظر زیبایی ظاهری مانند طلای اصل می‌باشد اما از نظر پایداری و ارزش واقعی، همانند طلای اصل نیست.

بدیهی است تلاوت تمامی آیات قرآن دارای آثار بسیار فراوان علمی، معنوی می‌باشد که با خواندن یک یا چند سوره تمامی آن برکات حاصل نخواهد شد. اما برخی از آثار مانند ثواب تفضلی را چه بسا خواهد داشت.

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، مباحث آغاز سوره‌ها و روایات فضیلت سوره‌ها.

قاریان قرآن

● پرسش ۵۶. مصادیق روایت «قرآن بخوان و بالا برو» چه کسانی اند؟

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس در حال جوانی، قرآن بخواند و با ایمان هم باشد... به او گفته می شود: بخوان و یک درجه بالا برو».

سپس به قرآن می گویند: آیا آنچه تو خواستی به او رساندیم و تو را خشنود کردیم؟ می گوید: آری»^۱.

از دیگر مصادیق روایت مذکور، حافظان حقیقی قرآن اند. بدین معنی که اگر رفتار انسان با آیات الهی همخوانی داشته باشد، قرآن و مفاهیم آن با گوشت و خون او آمیختگی می یابد. چنین انسانی به طور طبیعی هنگام تلاوت قرآن یک نوع تخاطب و همسخنی را با خدای خویش خواهد یافت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «در روز قیامت، قرآن به انسان گوید: منم که شب تو را به بیداری به پایان بردم، روزهای داغ تو را به تشنگی به سر آوردم و آب دهانت را خشک کردم و اشکت را روان ساختم [اکنون] هر کجا بروی، من هم با تو باشم... آن گاه به او گفته شود: بخوان و بالا برو. سپس هر یک آیه که بخواند، یک درجه بالا می رود»^۲.

به عبارت دقیق، قرآن خواندن و بالا رفتن در آخرت، تجسم عینی حقیقت عمل در این دنیا است و با توجه به اینکه حفظ قرآن مراتبی دارد و مرتبه عالی آن، حفظ و محافظت در همه ابعاد است، میزان ترقی در آن عالم نیز متناسب با مراتب

حفظ است. بنابراین کسی که روح و حقیقت قرآن را حفظ کرده و آن را با جان و دل آمیخته و مورد فهم و عمل قرار داده است، مراتب بسیار بالایی را کسب خواهد کرد. و همچنان که خواندن و عمل کردن به آیات قرآن در دنیا، انسان را از نظر روحی و معنوی بالا می برد؛ در قیامت نیز این واقعیت در ارتقای به مقامات والای بهشت، تجلی می یابد.

تدبّر در قرآن

● پرسش ۵۷. تفکّر و تدبّر در قرآن، چه میزان اهمیت دارد؟

قرآن کتابی است که شکوفایی پیامها و معارف آن، در پناه اندیشیدن است. «تفکر» عبارت است از: به کار بردن فکر برای کشف مجهولات و پاسخ به سؤالات است. قرآن در این زمینه می فرماید:

﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱؛

«وحی آسمانی را بر تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی

ایشان نازل شده است توضیح دهی و شاید آنان تفکر کنند».

پس انتظار آن است که انسان، آیات قرآن را در کنار بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله و سنت قرار داده، در آنها بیندیشد و مجهولات خود را مرتفع سازد؛ زیرا تنها در سایه تفکر در آیات است که بسیاری از سؤالات اساسی انسان، پاسخ داده می شود. قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۰۶.

۲. اصول کافی، ج ۴، ب ۳۴، ح ۲.

۱. نحل (۱۶)، آیه ۴۴.

۳. تدبیرکننده در قرآن با تمام وجود، در جای جای قرآن، حضور خدا را حس می‌کند و دل و جان را از نور خدا سرشار می‌نماید.^۱

هدیه ثواب قرآن

● پرسش ۵۸. چرا گفته شده: اگر قرائت قرآن را به اهل بیت علیهم‌السلام هدیه کنید، ثواب آن مضاعف می‌شود؟

خواندن قرآن یک عمل مستحب است و هر عمل مستحبی، برای خودش ثواب دارد. هدیه کردن نیز برای خودش عمل مستحبی است و ثواب جداگانه دارد و وقتی به پیامبر و ائمه علیهم‌السلام هدیه می‌شود، خداوند به احترام و عظمت آنان ثواب ویژه‌ای به شخص عنایت می‌کند همان گونه که اگر کسی در راه خدا قرضی بدهد، چند برابر، از خدا می‌گیرد. از طرفی ائمه علیهم‌السلام مجرای فیض الهی‌اند و ریش رحمت و فزونی ثواب به سبب برکات وجودی آنان فزونی می‌یابد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: در دعا ابتدا بر اهل بیت صلوات بفرستید تا در اثر ریش رحمت الهی، به شما هم رحمت برسد.^۲ در نتیجه هدیه صلوات و ختم قرآن به ارواح پاک آنان، موجب فزونی رحمت و افزایش فیض الهی است. شخصی به نام علی بن مغیره خدمت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام عرض کرد: در ماه رمضان چند بار قرآن را ختم می‌کنم؛ روز عید فطر که فرا می‌رسد، یکی از آنها را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی را به حضرت علی علیه‌السلام، یکی را به حضرت فاطمه علیه‌السلام و بقیه را به سایر امامان علیهم‌السلام - تا برسد به شما - اهدا می‌کنم. در برابر این عمل چه پاداشی برای

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾؛ «بگو این راه من

است که با بصیرت تمام، من و پیروانم را به سوی خدا، دعوت می‌کنم».

آیات قرآن، از معارف و دستورهایی سخن می‌گوید؛ از مسئولیت‌های انسان و نظام پاداش و جزا می‌گوید و عواقب مثبت و منفی رفتار را متذکر می‌شود. اما تدبیر در آیات قرآن؛ یعنی، توجه به عواقب و لوازم آیات و آثار مترتب بر عمل کردن یا نکردن بر مقتضای آن، با این تدبیر است که دل و قلب انسان، از بشارت‌های قرآن بهره می‌گیرد و تهدیدهایش در او مؤثر می‌افتد. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾؛^۲ «آیا در آیات الهی تدبیر

نمی‌کنند یا آنکه بر دل آنها قفل زده شده (و راه نمی‌افتد)».

در روایات نیز ثواب تدبیر در آیات قرآن، از قرائت آن بیشتر معرفی شده است: «لا خیر فی قرائة لیس فیها تدبیر»؛^۳ [آگاه باشید که] خیری در تلاوت قرآن بدون تدبیر آن وجود ندارد».

در این باره توجه به چند نکته، بایسته است:

۱. الهی بودن قرآن بدون «تدبیر در آن» معلوم نخواهد شد: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾.^۴

۲. بدون تدبیر در قرآن، نمی‌توان از ذخایر بی‌کران و پر خیر و برکت کلام خدا بهره‌ای جست.

۱. یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۸.

۲. محمد (۴۷)، آیه ۲۴.

۳. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۱.

۴. نساء (۴)، آیه ۸۲.

۱. تقی‌پور، ولی‌الله، پژوهشی پیرامون تدبیر برقرآن، (قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۱، چاپ اول)، ص ۳۱.

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰ نقل از: جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۸.

من است؟ امام هفتم علیه السلام فرمود: پاداش تو آن است که در روز قیامت با آن بزرگواران خواهی بود. عرض کردم: الله اکبر! آیا چنین پاداشی برای من است؟ حضرت سه مرتبه فرمود: آری.^۱

فصل دهم

حفظ قرآن

اهمیت حفظ قرآن

● پرسش ۵۹. آیا حفظ قرآن بدون توجه به معنای آن نزد خداوند، دارای اجر و پاداش است؟

حفظ اگر با توجه به معانی همراه باشد، به طور مسلم از رتبه بالاتری برخوردار خواهد بود؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کس قرآن را با تدبیر و فهمیدن ختم کند، گویا نبوت را در دل خود جای داده است؛ ولی به او وحی نمی رسد.^۱

اما این که اجر و ثواب حافظ قرآن چه اندازه است؟ پاسخش را نمی توان به طور دقیق به دست آورد لیکن نکاتی را می توان از این حدیث دریافت که «حافظ قرآن اگر بدان عمل کند، در آخرت رفیق فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتار خداوند است».^۲

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۰۶.

۲. همان، ص ۴۰۵.

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۵، المکتبه الاسلامیه.

باز در این زمینه فضیل بن یسار گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «کسی که درباره قرآن رنج کشد و به سختی و حافظه کم، آن را حفظ کند، دو اجر دارد».^۱

روش حفظ قرآن

● پرسش ۶۰. روش صحیح حفظ قرآن چیست؟

برای حفظ قرآن، لازم است به موارد ذیل توجه کنید:

۱. تصمیم جدی و باقی ماندن بر تصمیم.
۲. داشتن جواب‌های قانع کننده‌ای برای سؤال‌های ذیل: چرا حفظ می‌کنم؟ فایده‌اش چیست؟ قرآن چیست؟ سخن کیست؟ روی من چه اثراتی ممکن است داشته باشد؟ چقدر به قرآن علاقه دارم؟ چه چیزی از قرآن برای من مهم‌تر است؟ چه کتابی از این مهم‌تر است؟ و...
۳. قرائت صحیح و روان قرآن؛ به‌طوری که در هیچ جای قرآن مشکل قرائت نداشته باشید.
۴. استفاده از یک قرآن (مانند خط عثمان‌طه).
۵. انس با صوت قرآن و گوش کردن به نوار ترتیل به ویژه قاریانی که صدای دلنشین دارند.
۶. تقسیم اوقات (یکی برای حفظ و دیگری برای تکرار)، زمان حفظ ثابت باشد و بهتر است در مکانی آرام و اوایل صبح بعد از نماز صبح باشد ولی تکرار هر موقع باشد، مهم نیست.

۷. برای هر نوبت حفظ، قسمتی از قرآن (یک صفحه، یا چند آیه) انتخاب شود. چندین مرتبه از روی متن خوانده شود و سپس بدون نگاه به قرآن نزد دیگران تلاوت شود تا غلط‌های احتمالی را بگوید.

۸. هرگونه که حفظ می‌شود، به همان روش نیز تکرار گردد.

۹. در هنگام حفظ، شمرده شمرده خوانده شود و صدای تلاوت شنیده شود.

۱۰. در مراحل اولیه، هر روز، اول محفوظات تکرار شود؛ بعد هفته‌ای یک بار و به مرور زمان، هر ماه یک بار، دوره شود.

فراموشی قرآن

● پرسش ۶۱. آیا اگر کسی قرآن را حفظ کند و بعد آن را فراموش نماید، گناه دارد؟

فراموش کردن قرآن گناه نیست؛ ولی در قیامت موجب حسرت می‌گردد و فضیلتی از کف او رفته است. ابی‌بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «کسی که سوره‌ای از قرآن را فراموش کند، در قیامت آن سوره به صورتی زیبا و مقامی رفیع بر او ظاهر می‌شود. وقتی بنده او را می‌بیند، می‌پرسد: کیستی؟ چقدر زیبایی؟ پاسخ می‌دهد: آیا مرا نمی‌شناسی؟ من فلان سوره هستم. اگر مرا فراموش نمی‌کردی، تو را به آن مکان رفیع می‌بردم».^۱ البته نوعی فراموشی هم وجود دارد که گناه است و آن فراموش کردن هدایت‌های قرآن و نادیده گرفتن آن در مقام عمل است. در هر صورت برای آنکه قرآن در یاد بماند، بایستی مرتب تکرار گردد.

۱. بحارالانوار، ج ۹۲ ص ۱۸۸.

۱. همان، ص ۴۰۹.

قرآن و رایانه

● پرسش ۶۲. در حال حاضر با وجود رایانه‌های شخصی و مصونیت قرآن از تحریف، چه نیازی به حفظ قرآن و صرف هزینه‌های کلان است؟

چند نکته درباره این پرسش شایان توجه است:

اگر هدف، تنها مصون گشتن قرآن از تحریف بود، نیاز به حفظ قرآن و صرف هزینه‌های کلان وجود نداشت! اما آثار مختلفی بر حفظ قرآن مترتب است؛ از جمله:

۱. یاد خدا

حفظ آیات، بر جان و روح حافظ تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که در هر پیش‌آمدی آیه مناسب با آن بر قلب خطور کند و یا با یادآوری آن، شخص وظیفه خود را در حادثه تشخیص دهد. برای مثال قرآن درباره وسوسه‌های شیاطین می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^۱؛

«پرهیزکاران هرگاه خیالی شیطانی عارضشان شود، یاد [خدا] کنند و آن

گاه بینا باشند».

پس همان گونه که خیال شیطانی جان را شعله‌ور می‌کند، یادآوری آیات، شعله را خاموش و دل را نورانی می‌سازد.^۲ بدیهی است چنین اثری بر ذخیره‌سازی آیات قرآن، در رایانه و دفتر یادداشت مترتب نمی‌گردد.

۲. شفای دردهای معنوی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن، علاوه بر هدایتگری، زبان عاطفه و تأثیرگذاری آن بر عواطف و احساسات و تلطیف کردن آنها است؛^۱ چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُفُّكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ﴾^۲؛

«ای مردم! از سوی پروردگارتان پندی برای شما و شفابخش دل‌ها و

رهنمود و رحمتی برای مؤمنان آمده است».

این شفابخشی هنگامی کامل می‌گردد که دل در محضر قرآن باشد و آیات قرآنی را به خود تلقین و یادآوری کند.

بنابراین توصیه می‌شود، حداقل آیاتی را که بر جان خود مؤثر و در درمان مشکلات روحی خود مفید تشخیص می‌دهید، به حافظه و خاطر خود بسپرید و بکوشید آن را از حد حافظه ذهنی به باور قلبی تبدیل کنید تا در اثر این تلقین، قلب درمان شده و آثار شفابخش آن را شاهد باشید.

شاید مهم‌ترین علت سفارش‌های مکرر به حفظ قرآن از سوی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، رهانیدن انسان از اضطراب، تشویش‌ها و آلام روحی باشد؛ چرا که قرآن «ذکر» است ﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ﴾^۳ و اطمینان قلب در ذکر خدا نهفته است. ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۴ و روگردانی از ذکر خدا زندگانی سخت و توأم با تنگناها و گرفتاری‌ها را به دنبال دارد.^۵

۱. ر.ک: مطهری، مرتضی، تفسیر قرآن، ج ۱۰، بخش اول.

۲. یونس (۱۰)، آیه ۵۷.

۳. انبیاء (۲۱)، آیه ۵۰.

۴. رعد (۱۳)، آیه ۲۸.

۵. طه (۲۰)، آیه ۱۲۴.

۱. اعراف (۷)، آیه ۲۰۱.

۲. نظیر آیات ۵۵ سوره «مدثر» و ۱۲ سوره «عبس»، ۱۶، ۴۱، ۵۱، ۵۴ و ۵۶ از سوره مریم و ۲۴ سوره احزاب.

۳. تحقیق و پژوهش

قرآن مجید کتابی برای همهٔ زمان‌ها و متناسب با نیازهای علمی همهٔ انسان‌ها است. این کتاب طوری تنظیم شده، که عبارت‌های آن علاوه بر معانی ظاهری، دارای معانی باطنی بسیار عمیقی است. معانی باطنی قرآن فراتر از دسترسی به الفاظ از طریق رایانه و کتاب است. راه اصلی رسیدن به معانی باطنی، کشف انواع ارتباط بین آیات است.

به عبارت دیگر تحقیق و پژوهش در قرآن نیاز به هوشمندی ذهن و نورانیت قلب دارد. این مهم با حفظ کردن و انس با قرآن، بهتر امکان‌پذیر است.^۱

کتاب شناسی

کتاب‌شناسی قرآن

● پرسش ۶۳. جهت آشنایی با تفسیر و مطالب قرآنی، منابع و کتاب معرفی کنید.

۱. معرفی برخی تفاسیر شیعه

۱. ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر

موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۵.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳. تفسیر تسنیم، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسراء.

۴. تفسیر کاشف، محمد باقر حجتی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، تهران، دفتر

نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.

۵. نسیم حیات، ابوالفضل بهرامپور، هجرت، قم، ۱۳۷۸.

۶. تفسیر نور، محسن قرائتی، در راه حق، قم، ۱۳۷۶.

۱. ر.ک:

الف. پرهیزگار، شهریار، چگونه قرآن را حفظ کنیم، (نماینده‌گی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۱، چاپ اول)، ص ۲۲.

ب. کلانتری، الیاس، اهمیت و روش حفظ قرآن، (تهران: انتشارات بیان، ۱۳۶۲، چاپ اول)، ص ۹-۲۱.

۷. مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، نصرت امین (بانوی اصفهانی)، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۴۰۳ ق.
۸. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الطبرسی، مترجم: علی کرمی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۹. تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، عبدالحسین طیب، بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۳ ق.

۲. معرفی برخی تفاسیر اهل سنت

۱. ترجمه تفسیر طبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری آملی، مترجم: حبیب یغمایی، توس.
۲. ترجمه فی ظلال القرآن، سید قطب، مترجم: مصطفی خرم دل، احسان، تهران، ۱۳۷۸.
۳. تفسیر کبیر مفاتیح الغیب، امام فخر رازی، ترجمه علی اصغر حلبی، اساطیر، بی جا، ۱۳۷۱.

۳. قرآن و دانش بشری^۱

۱. پیشگویی‌های علمی قرآن، مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام.
۲. رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشنی، نشر مطهر، تهران.

۴. مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه: دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین.
۶. قرآن و طبیعت (۶ جلد)، دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، انتشارات بعثت.
۷. خدا و اختراعات از دیدگاه علم و قرآن، دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. گذشته و آینده جهان، دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، انتشارات طباطبایی قم.
۹. تفسیر علمی قرآن، دکتر علی رفیعی محمدی.
۱۰. داروینیسیم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.
۱۱. کهکشان‌ها در قرآن، لطفی سلیمی، انتشارات انصاری.
۱۲. نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم، جلیل ابوالحب، ترجمه تقی متقی، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۱۳. گیاهان در قرآن، دکتر محمد اقتدار حسین فارقی، ترجمه احمد نمایی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۴. اسلام و طب جدید با معجزات علمی قرآن، عبدالعزیز اسماعیل پاشا، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان.
۱۵. اسلام و بهداشت روانی، نویسندگان متعدد، دفتر نشر معارف.
۱۶. استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، علیرضا نیکبخت نصرآبادی، مؤسسه فرهنگی نشر قبله.
۱۷. موسیقی در تاریخ و قرآن، علی اسماعیل پور، انتشارات ناس.

۱. کتاب‌شناسی این بخش با همکاری انجمن قرآن و علم تهیه شده است که از تلاش آن عزیزان تقدیر و تشکر می‌کنیم.

۶. کتابشناسی مطالعات قرآنی به زبان‌های اروپایی، مرتضی کریمی نیا، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

۷. فهرست کتاب‌های علوم و معارف قرآنی چاپ شده به زبان‌های لاتین، مبین، رشت، ۱۳۸۰.

۸. کتابخانه بزرگ قرآن کریم، محمد حسن بکائی، مرکز فرهنگی نشر قبله، تهران، ۱۳۷۴.

ترجمه‌های قرآن

● پرسش ۶۴. قرآن به چند زبان ترجمه شده است؟ درباره ترجمه‌های خوب فارسی توضیح دهید.

درباره ترجمه قرآن کریم و تاریخچه آن، می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

۱. قرآن کریم در طول تاریخ به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، روسی، هندی، ژاپنی، مالزیایی، اندونزیایی، چینی، ترکی، فارسی و در نهایت به زبان‌های آفریقایی و آمریکایی ترجمه و چاپ شده است. برخی معتقدند: قرآن به ۱۱۸ زبان رایج دنیا ترجمه شده است.^۱ در این رابطه از طرف محققان، کتاب‌هایی به نگارش درآمده که برای کسب آگاهی بیشتر می‌توان به آن منابع مراجعه کرد.^۲

۲. یکی از پژوهشگران غربی به نام «ج.و. پیرسن» می‌گوید: قرآن در سال ۱۲۷

۱۸. قرآن و مدیریت و علوم سیاسی، مهندس عباس زاده و همکاران، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.

۱۹. مدیریت از منظر کتاب و سنت، سید صمصام قوامی، دبیرخانه مجلس خبرگان.

۲۰. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، دکتر ولی‌الله نقی‌پور، مرکز انتشارات مدیریت دولتی.

۴. کتاب‌هایی پیرامون قرآن به زبان انگلیسی

۱. پیام قرآن، حسین لاهور، بنیاد کتاب اسلامی، ۱۹۷۴م.

۲. قرآن مجید، پالمز، ادوارد هنری، آکسفورد، ۱۸۸۰م.

۳. قرآن محمد، راس الکساندر، لندن، ۱۶۴۸م.

۴. قرآن، ساواری، کلرداتین، پاریس، ناپن و پسرش، ۱۷۸۳م.

۵. قرآن، هادی و فرقان، مردوس، ژوزف شارل وکتور، پاریس، اوژنه فاسکل، ۱۹۲۶م.

۵. معرفی برخی منابع برای کتابشناسی قرآن

۱. کتابشناسی کتب علوم قرآنی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.

۲. شناخت نامه تفاسیر، محمدعلی ایازی، کتاب مبین، رشت، ۱۳۷۸.

۳. کتابشناسی جهانی ترجمه‌ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید، عصمت بینازق و خالد اردن، ترجمه محمد آصف فکرت، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.

۴. کتابشناسی علوم و معارف قرآنی، مبین، رشت، ۱۳۸۰.

۵. کتابشناسی اعجاز قرآن، محمد علی رضایی کرمانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۰.

۱. *المجلة العربية*، شماره ۴ مقاله «تراجم القرآن الکریم الى اللغات الاجنبیه».

۲. سلماسی‌زاده، جواد، *تاریخ ترجمه قرآن در جهان*، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹؛ آذرتاش، آذرنوش، *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی* (ترجمه‌های قرآنی ۱ و ۲) انتشارات سروش، ۱۳۷۵؛ مرغی جاسم عثمان، *القرآن الکریم فی عالم الترجمة*، نشر مؤسسه ابلاغ.

به زبان بربری و در سال ۲۷۰ به زبان سندی ترجمه شده است؛ ولی هیچ یک از اینها باقی نمانده است.^۱ به نظر محققان، کهن ترین و اولین، ترجمه کاملی که به دست ما رسیده ترجمه تفسیر طبری (م ۳۱۰) است. همچنین دو ترجمه کهن دیگری در دسترس هست که یکی *تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار* از خواجه عبدالله انصاری (م ۳۹۶) و دیگری تفسیر ابوالفتح رازی (*روض الجنان و روح الجنان*) است که نخستین تفسیر کامل شیعه به زبان فارسی به شمار می آید.^۲

۳. اسامی برخی از مترجمان سالیان اخیر عبارت است از: عبدالمحمد آیتی، مهدی الهی قمشه‌ای، زین العابدین رهنما، ابوالقاسم پاینده، عباس مصباح‌زاده، احسان‌الله علی استخری، محمد مهدی فولادوند، محمود یاسری، میرمحمد کریم علوی حسینی، موسوی، عبدالمجید صادق نوبری، داریوش شاهین، شاه ولی‌الله دهلوی، ابوالقاسم امامی، ناصر مکارم شیرازی، محمدصادق تهرانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، محمدجواد مشکور، فیض الاسلام، عمادزاده، کاظم پور جوادی، امید مجد (ترجمه منظوم)، سید جلال‌الدین مجتبوی، محمدکاظم معزی، محمد خواجوی، مسعود انصاری و

۴. در ترجمه قرآن بایسته است اصول و نکات زیر رعایت شود:

الف. توجه به ظرافت‌های لفظی و معنوی در زبان عربی.

ب. توجه به ظرافت‌های لفظی و معنوی ویژه و نظم بدیعی که در قرآن به کار رفته است.

ج. توجه به معانی دقیق واژه‌ها در آیات.

د. مطالعه وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عرب‌ها در زمان نزول قرآن. ه. توجه به همبستگی و وحدت آیات قرآن (با توجه به اینکه قرآن مجموعه‌ای متحد و از هم جدانشدنی است). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ان الكتاب یصدق بعضه بعضاً»؛ «بخشی از قرآن کریم بخش دیگر را تصدیق می‌کند».^۱

و. آگاهی کامل از اسباب و شأن نزول آیات.

ز. مطالعه و بررسی تفاسیر عمیق و ریشه‌دار قرآن.

ح. بهره‌گیری از توفیقات الهی.

ط. دقت و توجه به الفاظی که دارای معانی مشترک‌اند.

ی. ترجمه باید به‌طور کامل، صحیح، گویا و قابل فهم برای ناآشنایان به زبان عربی باشد.

ک. ترجمه باید به گونه‌ای باشد که پیوستگی آیات مرتبط به هم حفظ گردد.

ل. گزینش قول و نظر برتر در ترجمه.

م. پرهیز از به کارگیری لغات نامأنوس، معانی مستحده و مصطلحات علوم.

افزون بر اینها به نظر قرآن پژوهان در مقام ترجمه، احاطه بر مقدمات ذیل بایسته است: تحقیق و صاحب نظر شدن در قواعد علم نحو و صرف، اطلاع بر مطالب علوم معانی و بیان، اعمال ذوق و دقت و... مقاصد آیات، علم به احکام فقهی، آگاهی از آیات مربوط به آیه در دست ترجمه و...^۲

۱. *نهج البلاغه*، حکمت ۱۸.

۲. ر.ک: حسن مصطفوی، *روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید*، (نشر: دار القرآن الکریم)؛ مروتی، سهراب، *بررسی ترجمه قرآن کریم* (پایان‌نامه).

۱. *نشریه تحقیقات اسلامی*، سال اول، شماره ۲، ص ۱.

۲. ر.ک: آذرتاش، *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی*، ص ۲۵؛ *مجله حوزه*، شماره ۲۴ ص ۵۲؛ مروتی، سهراب، *بررسی ترجمه قرآن کریم* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات تهران).

همچنین دعا‌های قرآنی، احادیث مربوط به قرآن، قرآن و علم، اخبار مربوط به قرآن و اطلاعات سودمند قرآنی از دیگر امکانات این شبکه می‌باشد.

۲. پایگاه المیزان (عربی)

www.almizan.org E-Mail : khalfan@yahoo.com

محتویات این پایگاه، تفسیر المیزان و مؤلف آن می‌باشد.

امکان جست‌وجو در المیزان در این پایگاه وجود دارد.

۳. بخش قرآن شبکه حوزه (فارسی، عربی و انگلیسی)

www.hawzah.net E-Mail : webmaster@hawzah.net

این پایگاه مشتمل است بر: اسلام، اخلاق، احکام، کتابخانه، حوزه علمیه، قرآن، عقاید، فرهنگ و تمدن. علوم اسلامی، مراکز اسلامی. گزینه قرآن مشتمل بر این موارد است: قرآن و ترجمه، علوم قرآنی، تفسیر، قرآن و اهل بیت، ادیان و تمدن‌ها در قرآن، قرآن هنر و ادبیات، مؤسسات قرآنی، خادمان قرآن، کتابخانه، نگارخانه، پایگاه‌ها و نرم افزارها.

دو ترجمه قرآن به زبان فارسی (آیه الله مکارم شیرازی و استاد فولادوند) و یک ترجمه انگلیسی، در این پایگاه قرار دارد.

۴. پایگاه آل البیت (فارسی، عربی، انگلیسی، روسی، اندونزیایی و تایلندی)

www.aalulbayt.org E-Mail : aalulbayt@aalulbayt.org

انبوه اطلاعات قرآنی و حدیثی، کتب تفسیری، حوزوی و آشنایی و ارتباط با مشاهیر شیعه از جمله امکانات این شبکه می‌باشد.

معرفی کتاب خواص سوره‌ها

● پرسش ۶۵. کتابی که خواص آیات و سوره‌های قرآن را بیان کرده، معرفی کنید؟

۱. اسرار قرآن، نوشته غزالی، (ترجمه: خدیو جم)

۲. جاذبه قرآن، نوشته علی کریمی جهرمی

۳. خواص الایات، نوشته محمدتقی نجفی

۴. نمونه‌هایی از تأثیر و نفوذ قرآن، نوشته علی کریمی جهرمی.

ضمناً در بسیاری از تفاسیر، در آغاز هر سوره فضیلت و خواص هر سوره نقل گردیده است؛ مانند: تفسیر مجمع البیان، منهج الصادقین و دیگر تفاسیر.

سایت‌های قرآنی

● پرسش ۶۶. سایت‌های قرآنی را معرفی کنید.^۱

۱. پایگاه القرآن الکریم

www.holyquran.net E-Mail : webmaster@holyquran.net

در این پایگاه، کتاب‌های زیر یافت می‌شود: تقریب القرآن، نورالثقلین، المیزان،

مجمع البیان، التدبّر فی القرآن، متی جُمع القرآن، سلامة القرآن من التحریف، التعرّف علی

القرآن، أحكام الترتیل، أحكام التجوید.

۱. برگرفته از: http://balagh.net/sites/quranic_sites.htm

معرفی پایگاه به منزله تأیید مطالب پایگاه نیست.

گزینه‌های اصلی آن عبارت است از: قرآن، حدیث، شیعه، اهل‌البیت، احکام، پرسش و پاسخ، خدمات، کتابخانه و اجتماعی.

کتاب‌های زیر در این پایگاه موجود است: قرآن و قرآن پژوهی، مصونیت قرآن از تحریف، درسنامه علوم قرآنی، برگزیده تفسیر نمونه، تفسیر و تفاسیر شیعه، طبقات مفسران شیعه، روش‌های تفسیر قرآن، تفسیر جوامع، تفسیر کوثر، مجلات قرآنی بینات و ترجمان وحی، و...

حدیث: مسند نویسی در تاریخ حدیث، شرح حال عده‌ای از روات، زنان دانشمند و راوی حدیث، الغدیر، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مسائل علی بن جعفر، قرب الاسناد، الکافی، تحف العقول، تهذیب الاحکام، الاستبصار، الاحتجاج، خصال شیخ صدوق، المحجة البيضاء، وسائل الشیعه، امالی مفید، تفسیر نور الثقلین، بحار الانوار، الحیة، میزان الحکمة و... شیعه: گزینه شیعه مشتمل است بر: تاریخچه مرجعیت در شیعه، معرفی بزرگان تاریخ شیعه و برگزیده‌ای از تاریخ اسلام.

اهل‌البیت: این گزینه مشتمل است بر کتب: زندگانی چهار ده معصوم، اسرار الامامة، الائمة الاثناعشر، برگزیده تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، خاندان عصمت، اهل‌بیت کلید مشکل‌ها، امامت در پرتو کتاب و سنت، غدیر از دیدگاه اهل سنت، فروغ ولایت، امام حسین ﷺ و عاشورا از دیدگاه اهل سنت و...

پرسش و پاسخ: این گزینه مشتمل است بر صدها پرسش و شبهه و پاسخ آنها، همچنین مجموعه سؤالات متنوع از اهل سنت در زمینه‌های اعتقادی، تاریخی و...

کتابخانه: این بخش مشتمل است بر قریب ۲۰۰ جلد کتاب در زمینه‌های قرآنی و علوم قرآن، حدیث و علوم حدیث، تاریخ و سیره، اخلاق و فرهنگ اسلامی فقه و اصول و...

این پایگاه در سال ۱۳۷۷ راه اندازی شد و مرکز آن شهر مقدس قم بوده و وابسته به مؤسسه آل‌البیت می‌باشد.

آدرس‌های دیگر این پایگاه عبارت است از:

www.al-shia.com - www.al-shia.org - www.al-shia.net

۵. پایگاه نداء الثقلین (انگلیسی و اردو)

www.nidanet.org E-Mail : info@nidanet.org

گزینه‌های این پایگاه عبارت است از: قرآن، پیامبر ﷺ، اهل‌بیت، ویژه. زیر موضوعات گزینه قرآن عبارت است از: اهمیت و جایگاه قرآن، معجزه پیامبر ﷺ، مصونیت از تحریف، قرآن و تفسیر، انواع تفاسیر، تفسیر قرآن (مقدمه ترجمه میراحمد علی برای قرآن) قرآن در اسلام (مرحوم علامه طباطبائی)، (شش جلد از سوره حمد تا سوره نساء و از سوره دهر تا سوره ناس)

۶. پایگاه الاسلام

www.al-islam.org E-Mail : dilp@al-islam.org

مطالب این سایت عمدتاً به زبان‌های انگلیسی و عربی است و امکان دیدن مطالب به چندین زبان دیگر دنیا، از گزینه Translation in other Languages وجود دارد. این پایگاه مشتمل بر موارد زیر است: درباره اسلام، خداوند و قرآن کریم، عقاید، تاریخ، دائرة المعارف شیعه، گالری اسلامی، حقوق اسلامی، ادعیه، غدیرخم.

گزینه قرآن این پایگاه مشتمل است بر: ویژگی‌های خداوند در قرآن، ذات خداوند، ترجمه قرآن به انگلیسی از میر احمد علی (پویا)، شاکر، یوسف علی، پیکتال.

۷. پایگاه اسلام (انگلیسی)

www.islam.org.nz E-Mail : ehaddad@i4free.co.nz

این پایگاه مشتمل بر گزینه‌های زیر است: جامعه ما، موضوعات اسلامی، قرآن و بخش کودکان و... گزینه قرآن شامل قرائت چندین سوره از سوره‌های قرآنی است.

۸. پایگاه شبکه قرآن (انگلیسی)

E-Mail : tariq@muslim.com www.quran.net

صوت قرآن، ترجمه انگلیسی واردوی قرآن از: یوسف علی، پیکتال، شاکر علی و فاتح محمد در این پایگاه وجود دارد.

ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر (آلبانیایی، بنگلادشی، بوسنیایی، چینی، فرانسوی، آلمانی، روسی، ژاپنی، ترکی و مجموعاً ۱۸ زبان...) از این طریق قابل دریافت است. امکان جست‌وجو به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، هلندی، اسپانیایی و آلمانی را فراهم می‌کند.

۹. پایگاه قرآن (انگلیسی)

www.quran.org.uk E-Mail : ieb@tableegh.org.uk

در این پایگاه، مطالبی درباره قرآن، تفسیر، قرائت قرآن، آشنایی با قرآن، حفظ قرآن، قرآن و علوم جدید، معرفی سوره‌های قرآن، وجود دارد.

ترجمه انگلیسی قرآن از: شاکر، یوسف علی، مولوی شیرعلی، محسن خان و محمد تقی الدین هلالی، پیکتال، ایرونیگ و ظهور اسحق از این پایگاه قابل دریافت است.

۱۰. شبکه قرآن (انگلیسی)

E-Mail webmaster@qurannetwork.com

www.qurannetwork.com

در این شبکه، ترجمه قرآن به زبان اردو قرار دارد و ترجمه به ۱۷ زبان دیگر (انگلیسی، چینی، فرانسوی، ترکی، آلبانیایی، بوسنیایی، مالیزیایی، آلمانی، هلندی، ژاپنی و...) از این طریق قابل دسترسی است.

۱۱. بخش قرآن پایگاه (انگلیسی)

www.usc.edu/dept/msa/quran usc.edu

E-Mail : msaschlr@usc.edu

سه ترجمه قرآن از یوسف علی، پیکتال و شاکر در این پایگاه موجود است. گزینه جست‌وجو از جمله امکانات این صفحه می‌باشد. مطالبی درباره «قرآن، شناخت و علم» در این پایگاه وجود دارد.

۱۲. پایگاه منابع اسلامی (انگلیسی)

www.islamicresources.com

E-Mail: webmaster@islamicresources.com

این پایگاه بر گزینه‌های زیر مشتمل است: نماز، رمضان، قرآن، کتب و داستان، پیامبر و اصحاب، ترجمه قرآن، صوت قرآن، قرآن و حدیث در اسلام و...

در این پایگاه ترجمه قرآن به هفت زبان (انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی، ترکی، آلمانی، هلندی، چینی) موجود است؛ ترجمه پیکتان و یوسف علی در بخش انگلیسی این سایت وجود دارد.

فهرست موضوعی قرآن (کلید واژه‌ها و نمایه‌ها)، به ترتیب الفبایی در این سایت قرار دارد.

۱۳. فدک (عربی)

E-Mail : fadak_web@hotmail.com www.fadak.org

این پایگاه مشتمل است بر: قرآن، اهل بیت، سخنرانی (صدا)، ادعیه و زیارات، لطمیات، کربلا، شبها و مناسبت‌های اسلامی. گزینه‌های قرآن دارای این مطالب است: تفسیر آیات ولایت از: المیزان، مجمع‌البیان، طبری، مسلم، ترمذی، تحریف و روایات شیعه، تحلیل اعجاز بیانی قرآن، فضیلت قرائت قرآن.

۱۴. پایگاه اسلام (انگلیسی)

www.islaam.net E-Mail : webmaster@islam.net

این پایگاه مشتمل است بر: قرآن، حدیث، عقاید، فقه، عبادات و مقالاتی درباره موضوعات اسلامی (جهاد، خداوند، تاریخ و نویسندگان، زن و...) گزینه قرآن این پایگاه، مشتمل است بر: درآمدی بر قرآن کریم، جست‌وجوی کلمه‌ای قرآن به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی و هلندی). فهرست موضوعی قرآن و ترجمه آن به انگلیسی، توضیح واژگان اسلامی به انگلیسی، قرائت قرآن و ترجمه تفسیر اضاء البیان به انگلیسی و تفاسیر برخی سوره‌ها به صورت متفرق.

۱۵. پایگاه طب اسلامی (انگلیسی و عربی)

www.islamicmedicine.org E-Mail : skalghazal@hotmail.com

این پایگاه مشتمل است بر: قرآن، طب النبوی و مطالب متنوع طبّی از دیدگاه اسلام. در گزینه قرآن مطالب و مقالات مختلفی به دو زبان انگلیسی و عربی آمده است. گزینه‌ای با عنوان معجزة القرآن الطیبة نیز در این سایت قرار دارد.

۱۶. قرآن، عجیب (انگلیسی و عربی)

http://quran.ajeel.com

E-Mail: http://english.ajeel.com/corporate/feedback.htm

بخش اسلامیات این پایگاه مشتمل است بر: ایمان، امت‌های پیشین، قرآن، عبادات، اخلاق و آداب، معاملات، قضاوت‌ها و احکام، جهاد و... در بخش قرآن گزینه‌های زیر وجود دارد: حفظ قرآن، فضایل قرآن، فضل قرائت قرآن، آداب قرائت قرآن، اختلاف در قرآن، محکم و متشابه، نزول قرآن، معجزة قرآن داستان‌ها و امثال قرآنی. همچنین فهرست سوره‌های مکی و مدنی قرآن، ترجمه انگلیسی قرآن و دو تفسیر جلالین و ابن کثیر در این صفحه موجود است.

۱۷. پایگاه اسلامیا (انگلیسی)

www.islamia.com

E-Mail : http://www.islamia.com/selfregistration.htm

این پایگاه، برگزینه‌های زیر مشتمل است: حدیث، جنّ و فرشتگان، خانواده، خداوند، قلب و روح، تاریخ، اسلام، کتابخانه، محمد ﷺ نماز و پیامبران، قرآن، شریعت زن، آموزش فرزندان و...

زیر گزینه‌های قرآن عبارت است از: ترجمه‌های انگلیسی قرآن (یوسف علی، الخلائی خان و پیکتال)، قرآن برای کودکان، داستان‌های قرآنی، خلاصه و چکیده چندین سوره از سوره‌های قرآن، قرآن و مسلمانان.

۱۸. پایگاه هدی (انگلیسی)

www.uah.edu/msa E-Mail : webmaster@uah.edu.com

گزینه‌های این پایگاه عبارت است از:

قرآن، اسلام، مساجد اطراف دنیا و...

گزینه قرآنی دارای این موضوعات است:

ترجمه‌های قرآنی، قرائت قرآن، سه ترجمه انگلیسی قرآن از یوسف علی، شاکرو پیکتال.

۱۹. صفحه اسلامیک سیتی (انگلیسی)

www.islamicity.com E-Mail : feedback@islamicity.com

این صفحه مشتمل است بر:

قرآن کریم، حدیث، درباره خدا، اسلام و شناخت. احکام دین و پایه‌های اسلام. گزینه قرآن، مشتمل است بر: تلاوت و قرائت تعدادی از سوره‌های قرآن.

پیرامون ترجمه قرآن، زبان عربی و ترجمه قرآن، جست‌وجوی قرآن به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی و ترکی. در این سایت ترجمه قرآن به ۲۲ زبان، موجود است.

۲۰. پایگاه منهای (انگلیسی)

www.minhaj.org E-Mail : tehreek@minhaj.org

گزینه‌های این پایگاه عبارت است از: قرآن، مقالات، اخبار صفحه منهای و... گزینه قرآن مشتمل است بر: قرائت قرآن، استنساخ قرآن، جست‌وجوی قرآنی، فهرست موضوعی قرآن، جست‌وجوی قرآن به زبان‌های اروپایی.

ترجمه قرآن به هفت زبان (انگلیسی، آلبانیایی، هلندی، ایتالیایی، ژاپنی، اسپانیایی، ترکی استانبولی).

۲۱. پایگاه نسیج (عربی و انگلیسی)

www.naseej.com E-Mail : info@naseej.com

این سایت مشتمل بر این گزینه‌هاست: الاسلام و المسلمون، العلوم و الصحّة، الادلّة و المراجع التعليم و العلوم الإنسانيّة، الشعر و الثقافة و الفنون و...

گزینه الاسلام و المسلمون مشتمل بر این گزینه‌ها است: اقتصاد اسلامی، قرآن، تفسیر، حدیث اقلیت‌های مسلمان، مراکز اسلامی، فقه، رمضان، مجلات، کتب و دائرة المعارف اسلامی. در بخش قرآن، مطالبی قرآنی و تفسیری موجود است. مقالاتی موضوعی درباره توبه با استفاده از قرآن، فضیلت و حقیقت آن و... در این آدرس موجود است.

۲۲. پایگاه تراث (عربی)

www.turath.com E-Mail : turath@go.com.jo

گزینه‌های این پایگاه عبارت است از: الاسلام، مشروع القرن، کتب و برامج، برامج مجانیه و صوتیات. از جمله موارد کتب و برامج، بخش علوم القرآن می‌باشد که مشتمل بر موارد زیر است:

کتابخانه تفسیر و علوم قرآن، فی ظلال القرآن، متن الشاطبیه، جزء عمّ و سوره فاتحه یا قراءات هفت گانه متواتره.
گزینه صوتیات، مشتمل است بر: قرائت کامل قرآن توسط عبدالرحمن سدیس و مسعود شریم.

۲۳. پایگاه اسلام ۱۰۱ (انگلیسی)

www.islam101.com E-Mail : islam@islam101.com

گزینه های این پایگاه مشتمل است بر: خدا، قرآن، پیامبر، تاریخ اسلام، حقوق بشر، اسلام و زن، اسلام و حکومت و...
گزینه قرآن این سایت مشتمل است بر: قرآن مجید، قرآن در یک نگاه، راهی به سوی قرآن، حفاظت از قرآن، قرآن معجزه معجزه ها، تحلیل هایی درباره ترجمه های انگلیسی قرآن، ترجمه قرآن توسط یوسف علی، پیکتال و... کتاب هایی در موضوع قرآن، صوت قرآن و...

۲۴. پایگاه شمس الاسلام (عربی)

www.islamsun.com E-Mail : webmaster@islamsun.com

گزینه های این پایگاه عبارتند از: قرآن، حدیث، تفسیر، عقاید، طهارت و پاکیزگی، نماز، زکات، روزه، مناسک، الفقه العام، السیره النبویه، لطائف و معارف، للنساء، الطفل المسلم، الشعر الإسلامی، موسوعة الفتاوی، أبحاث علمیه و....

گزینه قرآن آن مشتمل است بر: جست و جو در قرآن، چاپ قرآن، حفظ قرآن، دعوت و ملاحظات.

۲۵. پایگاه اسلام دایر (عربی)

www.islamdir.net E-Mail : webmaster@islam-online.net

این پایگاه مشتمل بر این موضوعات است: القرآن الکریم، الحدیث و علومه، شؤون سیاسیه، تعریف بالاسلام، الاسلام و قضایا العصر، الفقه و علومه، التاريخ و الحضارة، ادیان و فرق، جماعات و مذاهب و...

گزینه قرآن، دارای این مطالب است: تلاوت، تفسیر، علوم قرآن، تجوید، داستان ها و قصه های قرآنی و معرفی تعدادی سایت های قرآنی.

۲۶. پایگاه مرکز الاشعاع الاسلامی (عربی)

www.islam4u.com e-mail: islam4u@hotmail.com

گزینه های این پایگاه عبارت است از: القرآن الکریم، الحدیث الشریف، نهج البلاغه و برنامج المجیب.
گزینه قرآنی دارای این موضوعات است: نص القرآن الکریم، قرآن کامل zip شده قابل دریافت، التفسیر المیسر.

۲۷. شبکه سفینه النجاة (عربی)

www.annajat.com e-mail: info@annajat.com

گزینه های این پایگاه مشتمل بر این موضوعات است: القرآن الکریم، النبی الاعظم ﷺ، اهل البيت ﷺ، شخصیات، المكتبة، مواقع اسلامی، اسئلة وردود، المناسبات و المرأة.

گزینه قرآنی مشتمل بر این مطالب است: کیف نفهم القرآن الکریم، الاعجاز العلمی فی القرآن، التزکيه سبیل العادة الوحید.

۲۸. پایگاه الحکمة (عربی)

www.alhikmeh.com e-mail: alhikmeh@alhikmeh.com

گزینه‌های این پایگاه عبارت است از: القرآن الکریم، اهل البيت ﷺ، الحديث الشریف الدعاء، الاخلاق، الفقه المیسر و الخدمات. گزینه قرآن مشتمل است بر: القرآن الکریم، معلومات قرآنی، اهل البيت ﷺ و القرآن الکریم، بحوث و محاضرات.

۲۹. پایگاه قرآنی قرآن نت بیزلند کام (عربی)

www.qurannet.bizland.com

E-mail: info@qurannet.bizland.com

این پایگاه مشتمل بر این گزینه‌ها است: مدرسة الزهراء لتدريس القرآن الکریم، نبذة عن المدرسه، القرآن الکریم، مناقشات، مواقيت الصلاة، مواقع، ملف خاص بمسابقة القرآن الکریم.

۳۰. پایگاه صدا و سیما (عربی، انگلیسی، فارسی)

www.irib.com e-mail: Webmaster@irib.com

موضوعات این پایگاه عبارت است از: قرآن و عترت، روزشمار، ایران شناسی، پژوهش‌ها، همایش‌ها، خدمات و محصولات دیگر پایگاه‌ها و... گزینه قرآن و عترت دارای این موضوعات است: قرآن مجید، قرآن معجزه جاوید، ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف دیگر، ترجمه (چینی، انگلیسی، عربی، فرانسوی، اسپانیایی، بوسنیایی، ایتالیایی)، رادیو قرآن، رادیو معارف، اهل بیت پیامبر ﷺ.

۳۱. المنتدى الحسيني للثقافة الاسلامية (عربی)

www.al-montada.com e-mail: info@al-montada.com

این پایگاه شامل موارد زیر است: فی ریاض القرآن، الثقافة الحسينية، المحاضرات الاسلامية، مرآة الكتب، المكتبة الاسلامية، المجلة الثقافية، ركن الشباب، رسائل وردود. گزینه فی ریاض القرآن مشتمل بر این بخش‌ها است: تلاوة القرآن احكام و آداب، مع حفاظ و قراء القرآن، الاعجاز فی القرآن الکریم، قالوا فی القرآن الکریم، جولة فی عالم القرآن، أشهر القراءات لأشهر القراء، رسائل وردود.

احکام قرآن

قرآن در نماز

- پرسش ۶۷. کسی که برخی از سوره‌های کوچک قرآن را نمی‌تواند از حفظ بخواند، آیا جایز است آنها را در نمازهای واجب از رو بخواند؟
همه مراجع: آری، جایز است.^۱

آیات سجده‌دار

- پرسش ۶۸. سجده واجب یا مستحبی در بعضی از آیات قرآن به چه علتی است؟

معمولاً در آیاتی از قرآن -که سخن از سجده موجودات و یا سجده و خضوع بندگان مقرب خداوند در برابر عظمت آفریدگار هستی به میان آمده- دستور سجده بعد از خواندن این آیات وارد شده است. وجوب و استحباب آن نیز با توجه به معنا و مضمون آیات سجده و با استفاده از احادیث پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام مشخص می‌شود.

۱. العروة الوثقی، ج ۱، احکام القرائة، م ۲۹.

● پرسش ۶۹. اگر از رادیو و یا تلویزیون به آیاتی که سجده واجب دارند گوش

فرا دهیم، سجده واجب می شود؟

همه مراجع (به جز صافی و مکارم): اگر از طریق نوار، ضبط شده و به طور غیر زنده پخش شود، سجده واجب نیست و اگر به طور زنده گوش فرا دهد، سجده واجب می شود.^۱

آیات عظام صافی و مکارم: اگر به طور زنده بشنود، سجده واجب می شود و اگر از طریق نوار ضبط شده و به طور غیر زنده گوش فرا دهد، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.^۲

● پرسش ۷۰. آیا برای سجده واجب قرآن، شرایط سجده نماز لازم است؟

آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی و نوری: در سجده واجب قرآن، باید پیشانی را بر مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد؛ اما مراعات سایر شرایط سجده نماز (مانند وضو، قبله و...) لازم نیست.^۳

آیات عظام سیستانی، فاضل و مکارم: بنا بر احتیاط واجب در سجده واجب قرآن، باید پیشانی را بر مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد؛ اما مراعات سایر شرایط سجده نماز (مانند وضو، قبله و...) لازم نیست.^۴

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۶؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۱۰۵ و امام، تحریر الوسیله، القول فی سجدة التلاوة، م ۴.

۲. صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۲۳۹ و مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۶.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۷ و وحید، توضیح المسائل، م ۱۱۰۶.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۷.

● پرسش ۷۱. آیا با مرور ذهنی و یا نگاه به آیات سجده دار، سجده واجب

می شود؟

همه مراجع: کسی که به آیات سجده دار گوش فرا می دهد و یا خودش می خواند، بعد از تمام شدن آیه باید فوراً سجده کند؛ ولی با نگاه به آیات سجده دار و مرور آنها، سجده واجب نمی شود.^۱

● پرسش ۷۲. آیا برای سجده های واجب قرآن، ذکر خاصی لازم است؟

برای سجده واجب قرآن همین اندازه که پیشانی را به قصد سجده بر زمین بگذارد، کافی است. البته گفتن ذکر مستحب است و هر ذکری بگوید، اشکال ندارد؛ ولی بهتر است بگوید: «لا اله الا الله حقاً حقاً، لا اله الا الله ايماناً و تصديقاً، لا اله الا الله عبودية ورقاً، سجدتُ لَكَ يا رَبِّ تعبدًا ورقاً لا مستكفاً ولا مستكبراً بل انا عبد ذليل خائف مستجير».^۲

آیات سجده دار و حایض

● پرسش ۷۳. خواندن آیات سجده دار برای زن حائض و جنب چه حکمی دارد؟

آیات عظام امام، بهجت، فاضل، نوری: افزون بر آیات سجده دار، باید از خواندن کل این چهار سوره نیز اجتناب شود.^۳

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی و مکارم: خواندن آیاتی که سجده واجب دارند برای زن در ایام عادت، حرام است. این آیات در سوره های «الم تنزیل، حم سجده، النجم و علق» قرار دارند و خواندن آیات و سوره های

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۳.

۲. همان، م ۱۰۹۹.

۳. همان، م ۳۵۵ و ۴۵۰.

دیگر قرآن تا هفت آیه اشکال ندارد ولی بیشتر از آن کراهت دارد (یعنی از ثواب کمتری برخوردار است) نه اینکه ترک تلاوت قرآن بهتر باشد.^۱

آیه الله وحید: افزون بر آیات سجده دار، بنا بر احتیاط واجب باید از خواندن کل این چهار سوره نیز اجتناب شود.^۲

صوت قرآن نامحرم

● پرسش ۷۴. آیا مرد نامحرم می تواند صدای دختر بالغ را در حال خواندن قرآن با صوت یا ترتیل و تواشیع و سرود بشنود؟

همه مراجع (به جز مکارم): اگر صدای خود را نازک و رقیق نکند - به طوری که باعث تهییج شهوت شود - اشکال ندارد.^۳

آیه الله مکارم: جایز نیست.^۴

غلط خواندن قرآن

● پرسش ۷۵. اگر شخصی بخواهد قرآن را کامل بخواند (یعنی علاقه زیادی به خواندن تمام قرآن دارد)؛ ولی متأسفانه بعضی از کلمات قرآن را غلط می خواند، تکلیفش چیست؟

همه مراجع: غلط خواندن اگر عمدی نباشد، اشکال ندارد.

□ تبصره. تمامی کسانی که قرآن کریم را فرا گرفته اند، ابتدا در خواندن آن دچار

مشکل بوده اند. وجود غلط نباید مانع قرائت قرآن شود، با تکرار و تمرین قادر خواهد بود، آن چنان که شایسته است، کتاب الهی را قرائت و در آن تدبر کند.

قرآن و کودکان

● پرسش ۷۶. آموختن قرآن برای دانش آموزانی که وضوی درستی ندارند و آن را لمس می کنند، چه حکمی دارد؟ تکلیف مربی در اینجا چیست؟

همه مراجع: مس قرآن برای افراد نابالغ اشکال ندارد و اگر بدون طهارت به قرآن دست زدند، بر مربی واجب نیست جلوگیری کند. البته اگر کاری کردند که هتک و بی احترامی به قرآن باشد، باید جلوگیری کند.^۱

لمس قرآن

● پرسش ۷۷. آیا دست زدن به جلد قرآن در دوران عادت ماهیانه، مانعی دارد؟

همه مراجع: دست گذاشتن روی خط قرآن، برای حائض و برای هر کسی که طهارت (وضو، غسل و تیمم) ندارد، حرام است؛ ولی مس جلد یا حاشیه قرآن بی اشکال است و تنها کراهت دارد.^۲

اسمای جلاله

● پرسش ۷۸. حکم تماس بدن با اسمای جلاله، بدون وضو چگونه است؟

آیات عظام امام، بهجت، خامنه ای، صافی و نوری: مس اسمای باری تعالی - به هر زبان و کیفیتی که نوشته شده باشد - بدون وضو جایز نیست.^۳

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۸.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۵۶.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ و خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۵۷.

۱. همان، م ۳۵۵ و ۴۵۰.

۲. وحید، همان، م ۳۶۱ و ۴۵۶.

۳. امام، استفتاءات، ج ۳، (نظر)، س ۶۵؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۷۶ و ۱۶۷۴؛ خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۴۵؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۲۱؛ نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۵۴۹ و ۵۴۵؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۰۹؛ سیستانی، sistani.org (غناء)، ش ۳؛ دفتر: بهجت.

۴. مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۸۵.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: مس اسمای باری تعالی - به هر زبان و کیفیتی که نوشته شده باشد - بنابر احتیاط واجب، بدون وضو جایز نیست.^۱

آیه الله فاضل: کسی که وضو ندارد، بهتر است اسمای باری تعالی را - به هر زبان و کیفیتی که نوشته شده باشد - مس نکند.^۲

پسوند «الله»

● پرسش ۷۹. افرادی که اسمشان «عبدالله» و «حبیب الله» و... است، اگر بدون وضو آن را بنویسند و مس کنند، چه حکمی دارد؟

آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و نوری: مس اسم «الله» بدون وضو جایز نیست؛ هر چند جزئی از اسم مرکب باشد.^۳

آیات عظام تبریزی، سیستانی و فاضل: اشکال ندارد؛ هر چند بهتر است که مس نکنند.^۴

آیات عظام مکارم و وحید: بنابر احتیاط واجب، مس اسم «الله» بدون وضو جایز نیست؛ هر چند جزئی از اسم مرکب باشد.^۵

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ و وحید، توضیح المسائل م ۳۱۵.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹.

۳. امام، استفتاءات، ج ۱، وضو، س ۸۲؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۵۳؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۵۲؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۴ و دفتر: بهجت.

۴. فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۸۴؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۹۹۰ و دفتر: سیستانی.

۵. دفتر: مکارم و وحید.

ختم قرآن

● پرسش ۸۰. اگر به نیت ختم، شروع به خواندن قرآن کنیم ولی به دلایلی نتوانیم آن را تمام کنیم؛ در این صورت ختم کل قرآن واجب است یا نه؟

همه مراجع: خیر، ادامه دادن و ختم قرآن مستحب است و تنها در صورت نذر و قسم و استیجار و مانند آن، ختم قرآن واجب می‌شود.^۱

هدیه ثواب قرآن

● پرسش ۸۱. آیا شخص می‌تواند سوره‌ای از قرآن را بخواند و ثواب آن را به چند نفر از مردگان هدیه کند؟

همه مراجع: آری، می‌تواند این کار را انجام دهد.^۲

قرآن در حال راه رفتن

● پرسش ۸۲. در موقع راه رفتن و یا ایستادن و خوابیدن و یا حتی در دستشویی می‌توان قرآن خواند؟

احترام خود قرآن لازم است. درباره آداب قرائت قرآن آمده است: با طهارت و رو به قبله و ادب و با آرامش و تفکر در معانی آن قرائت شود. البته تلاوت قرآن و مرور آیات آن، هنگام خواب و در حالت خوابیده یا ایستاده و در حال راه رفتن نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه دارای ثواب و فضیلت است.

۱. دفتر: همه مراجع.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۶۱ ب ۳۴ از ابواب دفن و نیز: ج ۱۰، ص ۴۶۲، ب ۱۰۱، ح اول و دوم (چاپ آخوندی بیست جلدی): تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۹۱؛ مفاتیح الجنان، (انتشارات پیام آزادی)، ص ۹۴۲.

● پرسش ۸۳. همراه داشتن قرآن در دستشویی چه حکمی دارد؟

همه مراجع: همراه داشتن قرآن در دستشویی اشکال ندارد؛ ولی بهتر است از این کار اجتناب کنید.^۱

آداب تلاوت قرآن

● پرسش ۸۴. آیا در هنگام پخش صوت قرآن، می‌توانیم دعا بخوانیم یا حرف بزنیم؛ یا باید سکوت کنیم؟

همه مراجع: خواندن دعا و یا صحبت کردن هنگام پخش تلاوت قرآن، در صورتی که بی‌احترامی به آن محسوب نشود، اشکال ندارد؛ هر چند گوش دادن به آن بهتر است.^۲

قرآن و موسیقی

● پرسش ۸۵. آیا جایز است قرآن با آواز و به صورت غنا خوانده شود؟

همه مراجع (به جز تبریزی): اگر به صورت غنا باشد، جایز نیست.^۳

آیه‌الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۴

۱. تبریزی، *استفتاءات*، ص ۱۹۲۷ و دفتر: همه مراجع.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۷۰.

۳. امام، *تحریر الوسیله*، ج ۱؛ *المکاسب المحرمه*، ص ۱۳؛ بهجت، *وسیله النجاة*، ج ۱، م ۱۴۴۹؛ خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، ص ۱۱۳۲؛ سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، م ۲۰؛ صافی، *هدایة العباد*، ج ۱، م ۱۶۹۷؛ فاضل، *جامع المسائل*، ج ۱، ص ۹۷۸؛ مکارم، *استفتاءات*، ج ۲، ص ۷۰۱؛ نوری، *توضیح المسائل و مسائل مستحدثة*؛ وحید، *منهاج الصالحین*، ج ۳، م ۱۷.

۴. تبریزی، *صراط النجاة*، ج ۵، ص ۱۱۵۱ و ۱۱۶۲.

قسم به قرآن

● پرسش ۸۶. کسی که برای انجام دادن کاری یا ترک آن، به قرآن قسم بخورد و به آن عمل نکند، آیا کفاره دارد؟

همه مراجع: مخالفت با قسم به قرآن، کفاره ندارد.^۱

قرآن بدون وضو

● پرسش ۸۷. تلاوت قرآن بدون وضو چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر خط قرآن مس نشود، اشکال ندارد.^۲

آرم جمهوری اسلامی

● پرسش ۸۸. آیا مس کردن نقش آرم جمهوری اسلامی ایران - که روی نامه‌ها و بلیت‌های اتوبوس و... وجود دارد - حرام است؟

آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، صافی، نوری و وحید: بنابر احتیاط واجب بدون طهارت مس نکنند.^۳

آیه‌الله بهجت: مس آن، بدون طهارت جایز نیست.^۴

آیه‌الله خامنه‌ای: چنانچه در نظر عرف اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مس آن بدون طهارت حرام است.^۵

آیات عظام فاضل و مکارم: اشکال ندارد؛ ولی بهتر است آن را مس نکنند.^۶

۱. همان، م ۲۶۷۱.

۲. همان، م ۳۱۶ و ۳۱۷.

۳. امام، *استفتاءات*، ج ۱، وضو، ص ۸۰؛ تبریزی، *صراط النجاة*، ج ۵، ص ۹۸۷؛ صافی، *جامع الاحکام*، ج ۱، ص ۵۳۱ و ۵۴ و دفتر: سیستانی، وحید و نوری.

۴. دفتر: بهجت.

۵. خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتاءات*، ص ۱۵۷.

۶. فاضل، *جامع المسائل*، ج ۱، ص ۱۸۴؛ مکارم، *استفتاءات*، ج ۲، ص ۷۵.

مس ترجمه قرآن

● پرسش ۸۹. دست زدن به ترجمه قرآن، بدون طهارت چه حکمی دارد؟

همه مراجع: مس ترجمه قرآن اشکال ندارد. بلی اگر در ترجمه آن، خود کلمات قرآن و یا نام خدا (به هر زبانی) به کار رفته باشد، نباید به آن کلمات بدون طهارت دست زد.^۱

□ تبصره. برخی در مورد نام خدا احتیاط واجب و برخی احتیاط مستحب دارند.

خوابیدن و قرآن

● پرسش ۹۰. آیا در اتاقی که قرآن هست، خوابیدن اشکال دارد؟

همه مراجع: خیر، اشکال ندارد؛ ولی اگر قرآن به طرف پا و یا پشت باشد و باعث هتک و بی حرمتی آن شود، جایز نیست.^۲

قرآن و جنابت

● پرسش ۹۱. بودن قرآن همراه جنب چه حکمی دارد؟

همه مراجع: همراه داشتن قرآن برای جنب اشکال ندارد؛ ولی مکروه است.^۳

خالکوبی آیات قرآن

● پرسش ۹۲. خالکوبی آیات قرآن بر روی بدن و مس آن چگونه است؟

همه مراجع: اگر ماده‌ای که با آن خالکوبی شده زیر پوست باشد، مس آن بدون طهارت اشکال ندارد و بعد از حدث و جنابت، لازم نیست فوری وضو و یا غسل انجام دهد.^۱

گردنبند طلای قرآن

● پرسش ۹۳. آویختن گردنبندی که روی آن آیه قرآن نوشته شده است، در ایام عادت چه حکمی دارد؟

همه مراجع: استفاده از گردنبند مانع ندارد؛ ولی بدون طهارت آن را مس نکنند.^۲

قرآن بر سر گذاشتن

● پرسش ۹۴. آیا گذاشتن قرآن باز بر روی سر، بدون طهارت جایز است؟

آیات عظام امام، بهجت، صافی و فاضل: آری، جایز است؛ ولی بهتر است قرآن باز را بدون طهارت بر سر نگذارند.^۳

آیات عظام تبریزی، سیستانی و وحید: اگر موهای سر، تابع و جزء سر شمرده نشود (یعنی کوتاه نباشد)، جایز است.^۴

۱. تبریزی، استفتاءات، س ۱۹۲۰ و دفتر: همه مراجع.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹؛ وحید، توضیح المسائل، م ۳۲۳؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۵۳ و ۱۵۴ و نوری، توضیح المسائل، م ۳۱۸.

۳. امام و فاضل، تعلیقات علی العروه، ج ۱، غایات الوضو، م ۳؛ بهجت و صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۷.

۴. تبریزی و سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۶۴؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۶۴.

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۷.

۲. تبریزی، استفتاءات، س ۱۹۹۰ و دفتر: همه مراجع.

۳. همان، م ۳۵۶.

● پرسش ۹۸. راه محو کردن برگه‌هایی که آیات قرآن بر روی آن نوشته

شده، چیست؟

همه مراجع: یکی از سه راه ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. آنها را در مکانی دفن کنید.

۲. در آب جاری مانند رودخانه بریزید.

۳. به مراکزی تحویل دهید که از آنها برای ساختن کارتن و مانند آن استفاده

می‌کنند.^۱

قرآن روی کفن

● پرسش ۹۹. نوشتن آیات قرآن روی کفن و یا همراه گذاشتن آن با مردگان

جایز است؟

همه مراجع: نوشتن آیات قرآن و دعای جوشن صغیر و کبیر بر کفن مستحب

است. البته اگر بر پارچه جداگانه‌ای نوشته و بالای سینه یا سر میت قرار داده شود،

بهتر است.^۲

استخاره قرآن

● پرسش ۱۰۰. کسی که به قرآن استخاره کرده، آیا لازم است به آن عمل کند؟

همه مراجع: عمل به استخاره واجب نیست؛ ولی بهتر است به آن عمل شود.^۳آیات عظام مکارم و نوری: بنابر احتیاط واجب، بدون طهارت جایز نیست.^۱

□ تبصره. فرض مسئله، جایی است که سر شخص مو داشته باشد و بخواهد خط

قرآن را بدون طهارت به آن برساند. در غیر این صورت، حکم تماس

بدن با خط قرآن را پیدا می‌کند.

اسمای متبرکه روزنامه‌ها

● پرسش ۹۵. آیا استفاده از اسمای متبرکه در روزنامه‌ها و مجلات کشور - با توجه

به مصارف غیر مطبوعاتی از آن - صحیح است؟

آیات عظام امام و مکارم: چاپ و نشر آنها ممنوع نیست؛ ولی از انداختن آنها در

جاهایی که موجب هتک می‌شود، باید خودداری شود.

● پرسش ۹۶. اگر از روزنامه‌ای که اسم خدا در آن نوشته شده، به عنوان زیرانداز

استفاده کنیم، چطور است؟

همه مراجع: نباید بر روی چیزی که ایستادن و نشستن بر آن حرام است،

نماز خواند (مثل روزنامه یا فرش) که اسم خدا بر آن نوشته شده).^۲

● پرسش ۹۷. آیا سوزاندن آیات قرآن - که بر روی کاغذ نوشته شده - جایز است؟

همه مراجع: خیر، سوزاندن ورق‌های قرآن جایز نیست.^۳

۱. تعلیقات علی العروه الوثقی، غایات الوضو، م ۳.

۲. امام، استفتاءات، ج ۱ س ۳۰۸؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۶۸.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۸۸۳؛ نوری، توضیح المسائل، م ۸۸۴؛ وحید، توضیح المسائل، م ۸۹۲ و دفتر: خامنه‌ای.

۴. تبریزی، استفتاءات، س ۱۹۵۳؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۶۵؛ صافی، جامع‌الاحکام، ج ۱، س ۵۷؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۱ و دفتر: همه مراجع.

۱. تبریزی، استفتاءات، س ۱۹۵۳؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۶۳ و ۱۶۲ و ۱۶۵؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۶ و دفتر: همه مراجع.

۲. عروه‌الوثقی، فی مستحبات الکفن، الحادی عشر.

۳. امام، استفتاءات، ج ۳، احکام ازدواج، س ۶؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۴۳۴؛ صراط‌النجاح، ح ۹، س ۲۱۸ و ۲۱۹؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۷۸۱ و دفتر: بهجت، وحید، سیستانی، صافی، فاضل و نوری.

فهرست آیات

﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ ٧٥
 ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ ٧٥
 ﴿رَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ﴾ ٧٥
 ﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا﴾ ٧٧
 ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي فِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ ٧٨
 ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ ٧٩
 ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ ٧٩
 ﴿الرَّ كِتَابَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا...﴾ ٨٢
 ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ ٨٣
 ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ ٨٧
 ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ ٨٧
 ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾ ٨٧
 ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا. وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاهَا وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا...﴾ ٨٨
 ﴿وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ ٨٨
 ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ ٨٩
 ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...﴾ ٨٩
 ﴿هُوَ أَشْدَّكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَغْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ ٩٠
 ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ...﴾ ٩١
 ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ...﴾ ٩١
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ...﴾ ٩١
 ﴿وَوَضَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِالذِّكْرِ حُسْنًا...﴾ ٩١
 ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ ٩٢
 ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ...﴾ ٩٢
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ٩٢
 ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ٩٢
 ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ عَظِيمًا﴾ ٩٣

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي...﴾ ٢٢
 ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ...﴾ ٢٢
 ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حِكْمَةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ ٢٣
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ...﴾ ٢٣
 ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ ٢٤
 ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ ٥٣
 ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ ٥٤
 ﴿كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ ٥٤
 ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ ٥٨
 ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾ ٦٤
 ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ ٦٥
 ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ﴾ ٦٥
 ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ ٦٩
 ﴿فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ ٧٢
 ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ ٧٢
 ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ٧٤
 ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ ٧٤
 ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ٧٥

- ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ...﴾ ٩٤
- ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...﴾ ٩٤
- ﴿لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ ٩٥
- ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ ٩٥
- ﴿لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ ٩٥
- ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ ٩٥
- ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ ٩٧
- ﴿وَمَا أَنَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ ٩٩
- ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ٩٩
- ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...﴾ ٩٩
- ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ ١٠٣
- ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ﴾ ١٠٣
- ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ، أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ، وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ...﴾ ١٠٧
- ﴿يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾ ١٠٧
- ﴿فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾ ١٠٧
- ﴿وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾ ١٠٧
- ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا...﴾ ١٠٨
- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ ١١٧
- ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ ١١٧
- ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُوا بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ...﴾ ١١٧
- ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا التَّائِي وَفُودَهَا...﴾ ١١٨
- ﴿لَتَذَخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ﴾ ١١٨
- ﴿غُلِبَتِ الرُّومُ. فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ. فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ...﴾ ١١٩
- ﴿وَمَا كُنْتُ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُ يَمِينُكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ﴾ ١٢٠
- ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ ١٢١
- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ ١٢٤
- ﴿إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾ ١٢٤
- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ ١٢٧
- ﴿وَالصُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ...﴾ ١٣٢
- ﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ...﴾ ١٣٢
- ﴿وَإِنْ تَلَوُا أَوْ تَعْرَضُوا﴾ ١٣٥
- ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ﴾ ١٣٥
- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾ ١٣٦
- ﴿نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ ١٣٦
- ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ ١٤٤
- ﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ ١٤٨
- ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ ١٤٨
- ﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ... إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ...﴾ ١٤٩
- ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ ١٤٩
- ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ. إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ ١٥٠
- ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾ ١٥١
- ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ...﴾ ١٥١
- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ ١٥٢
- ﴿الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ...﴾ ١٥٢
- ﴿... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ ١٥٣
- ﴿... فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ مَا يَذْكُرُ...﴾ ١٥٣
- ﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ...﴾ ١٥٧
- ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوْحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مَعَ الدَّاحِلِينَ﴾ ١٥٨
- ﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا بِالْأَمْسِ...﴾ ١٥٩
- ﴿وَرَزَّلَ الْقُرْآنُ تُرْتِيلًا﴾ ١٦٢
- ﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾ ١٦٣
- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ ١٦٦

﴿فَلَمَّا أَسْفَوْنَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ﴾ ۱۶۶
 ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ ۱۶۷
 ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ ۱۶۸
 ﴿إِنَّا عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَ قُرْآنَهُ. فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ ۱۶۸
 ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ﴾ ۱۶۹
 ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾ ۱۶۹
 ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ ۱۶۹
 ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ فِيهِ تَحْتَفِلُ فِيهِ...﴾ ۱۷۰
 ﴿إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ ۱۷۱
 ﴿مِنْهُمْ مَنْ فَصَّلْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْضُصْ عَلَيْكَ﴾ ۱۷۱
 ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا...﴾ ۱۷۲
 ﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾ ۱۷۲
 ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ۱۷۴
 ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ ۱۹۰
 ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ ۱۹۰
 ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلَىٰ حَكِيمٍ﴾ ۱۹۲
 ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ ۱۹۷
 ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ ۱۹۸
 ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ ۱۹۸
 ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ ۱۹۸
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ ۲۰۴
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ﴾ ۲۰۵
 ﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ﴾ ۲۰۵
 ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ ۲۰۵

کلیدواژه‌ها

امکان نزول جبرئیل..... ۵۱	فصل اول - وحی و زبان وحی
مصحف نزد چه کسی است؟ ۵۲	نزول وحی ۲۱
	الفاظ قرآن..... ۲۴
	قرآن عربی..... ۲۶
نماز عربی..... ۵۳	نماز عربی..... ۲۹
حقانیت قرآن..... ۵۴	حقانیت قرآن..... ۳۴
قرآن کتاب خدا است ۵۸	قرآن کتاب خدا است ۳۴
وحی مصون از خطا است..... ۵۸	وحی مصون از خطا است..... ۳۵
رسول اکرم ﷺ معصوم است ۵۹	رسول اکرم ﷺ معصوم است ۳۶
تحدی و هموردی قرآن..... ۶۴	تحدی و هموردی قرآن..... ۳۷
	انواع وحی ۴۴
	احادیث قدسی..... ۴۵
مصحف حضرت علی ﷺ..... ۶۷	مصحف حضرت علی ﷺ..... ۴۶
ادبیات و قواعد زبان‌شناختی..... ۶۸	ویژگی‌های مصحف حضرت علی ﷺ... ۴۶
آشنا بودن به مضمون و سیاق خود قرآن..... ۶۹	مصحف فاطمه ﷺ..... ۴۸
سنت معصوم ﷺ..... ۶۹	چیستی مصحف..... ۴۸
عقل و تفکر خلاق..... ۶۹	کیفیت نگارش مصحف ۵۰

فصل سوم - فهم قرآن

جامع نگری.....	۷۰
تفسیر سمبلیک.....	۷۰
تفسیر عصری.....	۷۴
قرآن و کافران.....	۷۷
اعجاز از نظر آورنده.....	۱۲۰
اعجاز قرآن از نظر عدم اختلاف.....	۱۲۱
لذت تکرار قرآن.....	۱۲۲
اعجاز همگانی قرآن.....	۱۲۳

فصل چهارم - جهان شمولی قرآن

قرآن و اصطلاحات عربستان.....	۸۱
قرآن و پیشرفت زمان.....	۸۴
قرآن و نیاز بشر.....	۸۶
خطاب‌های قرآن.....	۹۱

فصل پنجم - قرآن و علم

قرآن و علوم بشری.....	۹۵
رطب و یابس در کتاب.....	۹۵
علوم تجربی و اسلام.....	۱۰۱
قرآن و پیشرفت علم.....	۱۰۳
تفسیر علمی.....	۱۰۴
شعر و قرآن.....	۱۰۶

فصل ششم - اعجاز قرآن

جنبه‌های اعجاز قرآن.....	۱۱۱
اعجاز ادبی و موسیقایی.....	۱۱۱
اعجاز علمی.....	۱۱۴
اعجاز در پیشگویی.....	۱۱۶
تحریف ناپذیری.....	۱۱۶
تحدی و فراخوانی.....	۱۱۷
حوادث تاریخی.....	۱۱۸
روایات تحریف.....	۱۳۵
تحریف انجیل.....	۱۳۷
سرگذشت انجیل.....	۱۳۸
اتهامات ناروا به پیامبران.....	۱۴۰
وجود افسانه‌ها.....	۱۴۰
گناه جبلی.....	۱۴۰
تقویت ظلم.....	۱۴۱
تحریف تورات.....	۱۴۱

پیامبران خاورمیانه.....	۱۶۹
اهمیت استراتژیک خاورمیانه.....	۱۷۲
نام پیامبران.....	۱۷۳
قلب و عروس قرآن.....	۱۷۴
نام‌گذاری سوره‌ها.....	۱۷۵
نام دوم سوره‌ها.....	۱۷۷
تقسیم‌بندی قرآن.....	۱۷۸
جزء‌های قرآن.....	۱۷۹
تعداد آیات قرآن.....	۱۸۰
حروف مقطعه.....	۱۸۱
استخاره.....	۱۸۳
روش‌های استخاره.....	۱۸۴
استخاره با قرآن.....	۱۸۵
استخاره با تسبیح.....	۱۸۶
پنج نکته درباره استخاره.....	۱۸۶
تکرار داستان بنی اسرائیل.....	۱۴۳
تکرار آیات الرحمن.....	۱۴۴
پراکندگی در قرآن.....	۱۴۶
محکم و متشابه.....	۱۴۸
بلندای مفاهیم و معانی.....	۱۴۸
اشتراک لفظ.....	۱۴۹
ایجاز.....	۱۴۹
مباحثی جدلی.....	۱۴۹
تعریض.....	۱۵۰
ناسخ و منسوخ.....	۱۵۴
حکمت نسخ.....	۱۵۴
تعداد آیات نسخ.....	۱۵۵
تمثیلات در قرآن.....	۱۵۷
اقسام تمثیل‌ها.....	۱۵۸

فصل هشتم - دانستنی‌های قرآن

فصل نهم - فرائد قرآن

آداب تلاوت قرآن.....	۱۸۹
ختم قرآن.....	۱۹۳
قاریان قرآن.....	۱۹۶
تدبیر در قرآن.....	۱۹۷
هدیه ثواب قرآن.....	۱۹۹
تمثیل رمزی.....	۱۵۸
تمثیل قصصی.....	۱۵۸
تمثیل طبیعی.....	۱۵۹
اصطلاحات تلاوت.....	۱۶۱
تلاوت.....	۱۶۱
ترتیل.....	۱۶۲
تفسیر.....	۱۶۳

فصل دهم - حفظ قرآن

اهمیت حفظ قرآن.....	۲۰۱
روش حفظ قرآن.....	۲۰۲
فراموشی قرآن.....	۲۰۳
ضمایر جمع خدا.....	۱۶۶
نام‌های خدا.....	۱۶۷
نام‌های قرآن.....	۱۶۸

قرآن و رایانه.....	۲۰۴
یاد خدا.....	۲۰۴
شفای دردهای معنوی.....	۲۰۵
تحقیق و پژوهش.....	۲۰۶
قرآن و موسیقی.....	۲۳۶
قسم به قرآن.....	۲۳۷
قرآن بدون وضو.....	۲۳۷
آرم جمهوری اسلامی.....	۲۳۷
مس ترجمه قرآن.....	۲۳۸
خوابیدن و قرآن.....	۲۳۸
قرآن و جنابت.....	۲۳۸
خالکوبی آیات قرآن.....	۲۳۹
گردنبند طلای قرآن.....	۲۳۹
قرآن بر سر گذاشتن.....	۲۳۹
اسمای متبرکه روزنامه‌ها.....	۲۴۰
قرآن روی کفن.....	۲۴۱
استخاره قرآن.....	۲۴۱

فصل یازدهم - کتاب شناسی

کتابشناسی قرآن.....	۲۰۷
معرفی برخی تفاسیر شیعه.....	۲۰۷
معرفی برخی تفاسیر اهل سنت.....	۲۰۸
قرآن و دانش بشری.....	۲۰۸
کتاب‌هایی پیرامون قرآن به زبان انگلیسی.....	۲۱۰
معرفی برخی منابع برای کتابشناسی قرآن.....	۲۱۰
ترجمه‌های قرآن.....	۲۱۱
معرفی کتاب خواص سوره‌ها.....	۲۱۴
سایت‌های قرآنی.....	۲۱۴

فصل دوازدهم - احکام قرآن

قرآن در نماز.....	۲۲۹
آیات سجده‌دار.....	۲۲۹
آیات سجده‌دار و حیض.....	۲۳۱
صوت قرآن نامحرم.....	۲۳۲
غلط خواندن قرآن.....	۲۳۲
قرآن و کودکان.....	۲۳۳
لمس قرآن.....	۲۳۳
اسمای جلاله.....	۲۳۳
پسوند «الله».....	۲۳۴

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه.
۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا.
۵. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن، نجف.
۶. سروش، عبدالکریم، ارباب معرفت.
۷. نیک بین، نصرالله، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، دورود: سیمان وفارسیت، بی‌تا.
۸. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، صدرا، ۱۳۶۹.
۹. مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم.
۱۰. کلینی، محمد، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، اعجاز قرآن.
۱۲. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱.
۱۳. مؤدب، سید رضا، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت (علیهم‌السلام) و...، قم: احسن الحدیث، چاپ اول ۱۳۷۹.
۱۴. امین، سید حسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف.
۱۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، نشر دار ابن کثیر.
۱۶. صدوق، الاعتقادات (العقاید).

۱۷. المکی العاملی، حسن محمد، **الالهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل**، محاضرات استاد جعفر سبحانی،

قم: امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷.

۱۸. سید قطب، **التصویر الفنی فی القرآن**؛

۱۹. رازی، فخرالدین، **التفسیر الکبیر**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۰. معرفت، محمد هادی، **التمهید**، مؤسسه نشر اسلامی.

۲۱. قرطبی، **الجامع لاحکام القرآن**.

۲۲. یزدی، محمد کاظم، **العروة الوثقی**،.

۲۳. مفید، محمد بن محمد نعمان، **امالی**.

۲۴. جوادی آملی، عبدالله، **انتظار بشر از دین**، قم: اسراء، ۱۳۸۰.

۲۵. شماته، محمود، **اهداف و مقاصد سوره‌های قرآنی**، ترجمه محمد باقر حجتی.

۲۶. کلانتری، الیاس، **اهمیت و روش حفظ قرآن**، تهران: بیان، ۱۳۶۲.

۲۷. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۸. تقی پور، ولی الله، **پژوهشی پیرامون تدبر بر قرآن**، قم: اسوه، ۱۳۷۱.

۲۹. حجازی، فخرالدین، **پژوهشی پیرامون قرآن و پیامبر**.

۳۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، **پژوهشی در اعجاز علمی قرآن**، قم: کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱).

۳۱. حجتی، سید محمدباقر، **پژوهشی در تاریخ قرآن کریم**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳۲. یوسفیان، حسن، **پژوهشی در عصمت معصومان**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۳. زنجانی، ابو عبدالله، **تاریخ القرآن**، بیروت: موسسه الاعلمی.

۳۴. سلماسی‌زاده جواد، **تاریخ ترجمه قرآن در جهان**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.

۳۵. رامیار، محمود، **تاریخ قرآن**.

۳۶. معرفت، محمد هادی، **تاریخ قرآن**، تهران: سمت، ۱۳۵۷.

۳۷. سعیدی روشن، محمد باقر، **تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت**.

۳۸. حسینی جلالی، سید محمدرضا، **تدوین السنة الشریفه**.

۳۹. خوئی، سید محمد علی، **ترجمه البیان**، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۶۰.

۴۰. طباطبایی، سید محمد حسین، **ترجمه المیزان**،، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: رجا.

۴۱. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، **ترجمه تصویر و تفسیری آهنگین سوره فاتحه و توحید**، تهران: دفتر نشر

فرهنگ اسلامی.

۴۲. الزرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، **تفسیر البرهان فی علوم القرآن**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم،

قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.

۴۳. شیر، سید عبدالله، **تفسیر القرآن الکریم**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.

۴۴. رشید رضا، **تفسیر المنار**.

۴۵. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر تسنیم**.

۴۶. طبری، محمد بن جریر، **تفسیر طبری**.

۴۷. سید قطب، **تفسیر فی ظلال القرآن**.

۴۸. مطهری، مرتضی، **تفسیر قرآن**، تهران: صدرا.

۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۵۰. حویزی العروسی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نورالثقلین**، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵.

۵۱. معرفت، محمد هادی، **تلخیص التمهید**، مؤسسه نشر اسلامی.

۵۲. شهریار پرهیزگار، **چگونه قرآن را حفظ کنیم**، نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۱.

۵۳. مطهری، مرتضی، **ختم نبوت**، تهران: صدرا ۱۳۷۰ ش.

۵۴. گرامی، محمد علی، **درباره شناخت قرآن**.

۵۵. جوان آراسته، حسین، **درسنامه علوم قرآنی**، قم: بوستان کتاب.

۵۶. جمعی از نویسندگان «در راه حق»، **درس‌هایی پیرامون شناخت قرآن**.

۵۷. بهشتی، محمدحسین، **روش برداشت از قرآن**.

۵۸. مصطفوی، حسن، **روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید**، نشر دار القرآن الکریم.

۵۹. مروتی سهراب، **بررسی ترجمه قرآن کریم**، نشر دار القرآن الکریم.

۶۰. معروف الحسنی، هاشم، **سیره الائمة الاثنی عشر**.

۶۱. دزفولی، کمال، **شناخت قرآن**؛

۶۲. اسعد عبود، **صحيفة الزهراء** (علیه السلام)؛ جواد قیومی اصفهانی، **صحيفة الزهراء** (علیه السلام).

۶۳. توسلیان، سید مرتضی، **عظمت قرآن**.

۶۴. معرفت، محمد هادی، **علوم قرآنی**، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸.

۶۵. سعیدی روشن، محمد باقر، **علوم قرآنی**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۶۶. زمردیان، رضا، **فرهنگ واژه‌های قبل اروپایی در فارسی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۶۷. طباطبایی، سید محمدحسین، **قرآن در اسلام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.

۶۸. جوادی آملی، عبدالله، **قرآن در تفسیر، تفسیر موضوعی**، قم: اسراء.

۶۹. جوادی آملی، عبدالله، **قرآن در قرآن**، قم: اسراء، بهار ۱۳۷۸.

۷۰. خرشاهی، بهاء‌الدین، **قرآن شناخت طرح نو**، تهران.

۷۱. مصباح یزدی، محمدتقی، **قرآن شناسی**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۷۲. مکارم شیرازی، ناصر، **قرآن و آخرین پیامبر**.

۷۳. ایازی، سید محمد علی، **قرآن و تفسیر عصری**.

۷۴. حسن‌زاده آملی، حسن، **قرآن هرگز تحریف نشده است**.

۷۵. میشل، توماس، **کلام مسیحی**، ترجمه حسین توفیقی.

۷۶. صبحی صالح، **مباحث فی علوم القرآن**.

۷۷. مدرسی، محمدتقی، **مباحثی پیرامون معارف قرآن کریم**، انتشارات مهابان الحسین (ع)، ۱۳۷۹.

۷۸. هادوی تهرانی، مهدی، **مبانی کلامی اجتهاد**، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.

۷۹. رومی، جلال‌الدین، **مثنوی**.

۸۰. **مجموعه آثار استاد مطهری**، تهران: صدرا.

۸۱. خویی، سیدابوالقاسم، **مرزهای اعجاز**، ترجمه جعفر سبحانی، تهران: محمدی، چاپ اول، ۱۳۴۹.

۸۲. حر عاملی، **مستدرک الوسائل**.

۸۳. معرفت، محمد هادی، **مصونیت قرآن از تحریف**، ترجمه: محمد شهرابی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸۴. ربانی گلپایگانی، علی، **معرفت‌شناسی**.

۸۵. شجاعی، محمد، **مقالات**، سروش، چاپ دوم ۱۳۷۱.

۸۶. بوکای، موریس، **مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم**، ترجمه: مهندس ذبیح‌الله دبیر، تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

۸۷. ری شهری، محمد، **میزان الحکمة**، قم: نشر دارالحديث.

۸۸. غزالی، محمد، **نقش قرآن در جهان معاصر**، سندج: انتشارات هه‌ژار ۱۳۸۰.

۸۹. ثامنی، سید مصطفی، **وجوه اعجاز قرآن** (مجموعه مقالات دومین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم

قرآن کریم).

۹۰. مطهری، مرتضی، **وحی و نبوت**، قم: صدرا.

مجلات

۱. **المجلة العربیه**، شماره ۴ مقاله «تراجم القرآن الکریم الى اللغات الاجنبیه».

۲. مؤدب، سیدرضا، **تأملی در آفاق اعجاز قرآن** (مق)، معارف.

۳. **فصلنامه بینات**، ش ۲۸، ص ۱۸۴؛

۴. **کیهان اندیشه**، شماره ۲۸، مقاله **تحریف ناپذیری قرآن**، علامه مرتضی عسکری.

۵. **مجله بینات و مجله مترجم** (ویژه نامه قرآن).

۶. **مجله معرفت**.

۷. **نشریه تحقیقات اسلامی**، سال اول، شماره ۲.

منابع لاتین

1. Mohomet et Le Quran, Hilaire, B.Saint, Paris, 1865 P.127 (فرانسوی)

2. The Quran Interpreted, A. J. Arberry, New York. 1974, v.2.p.10. (انگلیسی)

3. Geschichte Des Quran. Neeldke. p.56. (آلمانی)

معرفی مجموعه کتب پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی اداره مشاوره و پاسخ

ارتباط با ما و طرح سؤال: WWW.Porsemani.ir - WWW.Porseman.org

خرید کتاب با تخفیف ویژه: WWW.Mokatebe.com

شماره دفتر	عنوان	شماره دفتر	عنوان
اول	خدانشناسی	سی و یکم	اهل سنت واقعی!!
دوم	فرجام‌شناسی	سی و دوم	احکام ویژه بانوان
سوم	راهنماشناسی	سی و سوم	احکام روابط زن و شوهر و همسررداری
چهارم	امام‌شناسی	سی و چهارم	احکام اعتکاف
پنجم	قرآن‌شناسی	سی و پنجم	جریان‌شناسی بهائیت
ششم	دین‌شناسی	سی و ششم	تفسیر آیات برگزیده (ج ۱)
هفتم	پرسش و پاسخ‌های برگزیده	سی و هفتم	تفسیر آیات برگزیده (ج ۲)
هشتم	حکومت دینی	سی و هشتم	شخصیت و حقوق زن
نهم	ویژه ماه مبارک رمضان	سی و نهم	حقوق خانوادگی زن
دهم	احکام خمس	چهل و یکم	گناه و توبه
یازدهم	عرفان و عشق	چهل و دوم	عصمت
دوازدهم	ادیان و مذاهب	چهل و سوم	انسان‌شناسی
سیزدهم	ویژه ماه محرم	چهل و چهارم	نماز (چیستی و چرایی)
چهاردهم	دعا و توسل	چهل و پنجم	حضور قلب در نماز
پانزدهم	دین و سیاست	چهل و ششم	خودسازی
شانزدهم	رساله دانشجویی	چهل و هفتم	آراستگی و مدگرایی
هفدهم	احکام روزه	چهل و هشتم	خواستگاری
هجدهم	احکام نگاه و پوشش	چهل و نهم	همسررداری
نوزدهم	احکام تقلید و بلوغ	چهل و دهم	پژوهشی در سند و محتوای زیارت عاشورا
بیستم	توصیه‌ها و پرسش‌ها و پاسخ‌ها	چهل و یازدهم	مثنوی بلند عشق (پژوهشی در زیارت جامعه کبیره)
بیست و یکم	احکام ازدواج	چهل و دهم	نهضت تفسیری (ویژه ماه محرم)
بیست و دوم	احکام موسیقی	چهل و یازدهم	چرا دین، چرا اسلام، چرا تشیع؟
بیست و سوم	مجلس خبرگان رهبری	چهل و دهم	پاسخ‌ها و پیام‌های پیامبر اعظم ﷺ
بیست و چهارم	پیامبر اعظم ﷺ (سیره و تاریخ)	چهل و یازدهم	پاسخ‌ها و پیام‌های حضرت علی ﷺ
بیست و پنجم	روابط پسر و دختر	چهل و دهم	پاسخ‌ها و پیام‌های حضرت زهرا ﷺ
بیست و ششم	راز آفرینش	چهل و یازدهم	کوثر کویر (آشنایی با مقام حضرت معصومه)
بیست و هفتم	مهدویت (پیش از ظهور)	چهل و دهم	گفتمان قرآنی «وسیله»
بیست و هشتم	مهدویت (دوران ظهور)	چهل و یازدهم	آداب زیارت
بیست و نهم	اختلالات رفتاری	چهل و دهم	مراحل عرفان
سی‌ام	احکام وضو، غسل و تیمم	چهل و یازدهم	فمینسم